



آیین برنامه‌سازی در باره

«ایام محرم»

سید مرتضای آملی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین برنامه سازی درباره ایام محرم

نویسنده:

محمد رضایی آدریانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	آیین برنامه سازی درباره ایام محرم
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۸	پیش درآمد
۳۲	بخش اول: ایده یابی بر اساس نگاهی به زندگانی امامان عاشورایی و بزرگان اهل بیت علیهم السلام
۳۲	اشاره
۳۴	پیش درآمد
۳۴	اشاره
۳۴	۱. زندگانی امام حسین علیه السلام
۳۴	اشاره
۳۴	خلاصه ای از زندگانی امام حسین علیه السلام
۳۸	۲. خروج غریبانه سیدالشهدا از مدینه (۲۸ رجب)
۳۸	اشاره
۳۸	خلاصه رویداد
۴۰	نگاهی تحلیلی به مواجهه امام حسین علیه السلام با خلافت یزید
۴۳	تحلیل اجتماعی قیام امام حسین علیه السلام از منظر آیات تلاوت شده امام در طول سفر
۴۴	هویت شهر مدینه
۴۷	نگاهی تحلیلی به جامعه مدینه در سال ۶۰ ه.ق
۴۷	ایده های مهدوی
۴۸	۳. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام
۴۸	اشاره
۴۹	خلاصه زندگی نامه

۵۲	نگاهی کلی به شخصیت حضرت عباس علیه السلام
۵۵	ایده مهدوی
۵۶	۴. زندگانی امام زین العابدین علیه السلام
۵۶	اشاره
۵۷	خلاصه ای از زندگی نامه امام سجاد علیه السلام
۵۹	وضعیت جامعه اسلامی در زمان امامت حضرت سجاد علیه السلام
۶۰	نگاه تحلیلی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام
۶۱	بن مایه های معرفتی و سیره ای امام سجاد علیه السلام برای جامعه اسلامی با هدف احیاگری تشیع
۶۵	نتیجه گیری
۶۶	ایده های مهدوی
۶۸	۵. زندگانی حضرت علی اکبر علیه السلام
۶۸	اشاره
۶۸	خلاصه زندگی نامه
۷۰	شخصیت خانوادگی حضرت علی اکبر علیه السلام
۷۳	ایده مهدوی
۷۳	۶. زندگانی حضرت زینب علیها السلام
۷۳	اشاره
۷۳	زندگینامه
۷۷	نگاهی کلی به شخصیت و سیره حضرت زینب علیها السلام
۸۴	نتیجه گیری
۸۶	نکته پایانی
۸۷	بخش دوم: ایده یابی های میان رشته ای عاشورایی
۸۷	اشاره
۸۹	پیش درآمد

۸۹	فصل اول: ایده های میان رشته ای کلی
۸۹	اشاره
۸۹	پیشنهاد های قالبی درباره ساختار این برنامه
۹۱	ایده های محتوایی
۱۰۰	فصل دوم: ایده های میان رشته ای تخصصی
۱۰۰	اشاره
۱۰۰	۱. ایده های کلامی
۱۰۰	اشاره
۱۰۲	طرح پیشنهادی: فهم تحلیل و تفسیر رخداد قیام عاشورا
۱۱۲	در جست و جوی نگاه جامع
۱۱۳	نکته پایانی
۱۱۴	۲. ایده های تربیتی
۱۱۴	اشاره
۱۱۴	فهرست اجمالی ایده ها در این بخش چنین است
۱۱۵	یادآوری
۱۱۵	الف. چستی شناسی تربیت عاشورا از منظر طرح واره و نگاه جامع به مرگ و زندگی (شهادت)
۱۱۶	ب. نقش عاشورا در ایجاد هم گرایی مؤمنانه و سلامت جامعه
۱۱۷	۳. ایده های تاریخی و فلسفه تاریخی
۱۱۷	اشاره
۱۱۸	الف) بازشناسی عاشورا و ایده یابی از منظر فلسفه تاریخ
۱۲۸	ب) ایده یابی بر اساس گاه شمار تاریخی و نکات مدیریتی در طول قیام
۱۵۹	سخن پایانی
۱۶۱	۴. ایده یابی ناظر به دانش جامعه شناسی
۱۶۱	اشاره

- ۱۶۱ طرح برنامه تلویزیونی: جامعه شناسی عاشورایی
- ۱۷۶ کوفه شناسی اجمالی
- ۱۷۷ نتیجه گیری
- ۱۷۸ ۵. ایده های روان شناختی و شخصیت پردازی
- ۱۷۸ اشاره
- ۱۷۸ الف) طرح: یک موقعیت، سه انتخاب (بررسی تطبیقی شخصیت های سیاه، سفید و خاکستری در موقعیت های عاشورایی)
- ۱۹۰ ب) طرح تلویزیونی: شخصیتشناسی صحابه بر اساس پیش گویی های نبوی
- ۲۰۱ ۶. ایده های ناظر به مدیریت عاشورایی
- ۲۰۱ اشاره
- ۲۰۳ طرح برنامه تلویزیونی
- ۲۰۸ نکته پایانی
- ۲۰۹ ۷. ایده سیاسی روزآمد
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ بیداری اسلامی، عاشورا و مهدویت
- ۲۲۲ بخش سوم: پژوهش های برنامه ای عاشورایی (ضمایم پژوهشی)
- ۲۲۲ اشاره
- ۲۲۴ پیش درآمد
- ۲۲۴ الف) پژوهش برنامه ای برنامه مدیریت عاشورایی
- ۲۲۴ اشاره
- ۲۲۵ یادآوری
- ۲۲۶ ۱. در جست وجوی هدف کلی و غایی عاشورا
- ۲۲۶ اشاره
- ۲۲۶ پیش درآمد
- ۲۲۹ موارد تکمیلی

۲۲۹	جایگاه موضوع در جبهه دشمن
۲۲۹	پیام نهایی
۲۳۰	پرسش های کارشناسی
۲۳۰	میان برنامه
۲۳۴	۲. اصول برنامه ریزی در مدیریت عاشورایی
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	پیش درآمد
۲۳۶	موارد تکمیلی
۲۳۷	این موضوع در جامعه و جبهه دشمن
۲۳۷	پیام عاشورایی
۲۳۷	پرسش های کارشناسی
۲۳۸	میان برنامه
۲۴۰	۳. زمان شناسی و اصول مدیریتی امام در دوران امامت تا مرگ معاویه
۲۴۰	اشاره
۲۴۰	پیش درآمد
۲۴۳	موارد تکمیلی
۲۴۳	جایگاه موضوع در جبهه خاکستری
۲۴۳	میان برنامه
۲۴۶	۴. معیار و ملاک سازمان دهی در مدیریت عاشورایی
۲۴۶	اشاره
۲۴۶	پیش درآمد
۲۴۹	موارد تکمیلی
۲۴۹	جایگاه موضوع در جبهه باطل
۲۴۹	پیام عاشورایی

۲۵۰	پرسش های کارشناسی
۲۵۰	میان برنامه
۲۵۳	۵. دشمن شناسی و مانع شناسی و شیوه های مواجهه با آن
۲۵۳	اشاره
۲۵۳	پیش درآمد
۲۵۵	موارد تکمیلی
۲۵۵	جایگاه موضوع در جبهه خاکستری
۲۵۶	پرسش های کارشناسی
۲۵۶	میان برنامه
۲۵۸	۶. مدیریت فعال و پویا بر اساس تصمیم گیری آگاهانه و اقدام سریع
۲۵۸	اشاره
۲۵۹	پیش درآمد
۲۶۱	موارد تکمیلی
۲۶۲	جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری
۲۶۲	پرسش های کارشناسی
۲۶۳	میان برنامه
۲۶۵	۷. مدیریت تربیتی و الگوی نیروسازی
۲۶۵	اشاره
۲۶۶	پیش درآمد
۲۶۹	موارد تکمیلی
۲۶۹	جایگاه موضوع در جبهه باطل یا خاکستری
۲۶۹	پرسش های کارشناسی
۲۷۰	میان برنامه
۲۷۲	۸. مدیریت بصیرت افزایی

- ۲۷۲ اشاره
- ۲۷۳ موارد تکمیلی
- ۲۷۴ جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری
- ۲۷۴ پرسش های کارشناسی
- ۲۷۴ میان برنامه
- ۲۷۶ ۹. ثبات قدم و استقامت بر حق در سخت ترین شرایط
- ۲۷۶ اشاره
- ۲۷۷ پیش درآمد
- ۲۷۹ موارد تکمیلی
- ۲۷۹ جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری
- ۲۷۹ پرسش های کارشناسی
- ۲۸۰ میان برنامه
- ۲۸۲ ۱۰. مدیریت تبلیغی و راهبرد نرم امام در طول قیام
- ۲۸۲ اشاره
- ۲۸۲ پیش درآمد
- ۲۸۴ نکات تکمیلی در مورد مدیریت و سیرت تبلیغی امام
- ۲۸۴ موارد تکمیلی
- ۲۸۵ جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری
- ۲۸۵ پرسش های کارشناسی
- ۲۸۶ میان برنامه
- ۲۸۸ ۱۱. مدیریت توان مند سازی با عبادت و عبودیت
- ۲۸۸ اشاره
- ۲۸۸ پیش درآمد
- ۲۹۰ جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

۲۹۱	موارد تکمیلی
۲۹۱	پرسش های کارشناسی
۲۹۲	میان برنامه
۲۹۴	۱۲. مدیریت بهره وری و فرصت سازی در شرایط بحرانی
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	پیش درآمد
۲۹۸	جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری
۲۹۸	پرسش های کارشناسی
۲۹۹	میان برنامه
۳۰۲	۱۳. اصالت و جایگاه خانواده در مدیریت اسلامی
۳۰۲	اشاره
۳۰۲	پیش درآمد
۳۰۴	بانوان جبهه سیاه و خاکستری
۳۰۵	پرسش های کارشناسی
۳۰۶	میان برنامه
۳۰۸	۱۴. مدیریت فرهنگی و فرهنگ سازی (به مناسبت شهادت امام سجاد علیه السلام)
۳۰۸	اشاره
۳۰۸	پیش درآمد
۳۱۰	موارد تکمیلی
۳۱۰	در جامعه سیاه
۳۱۱	پرسش های سه گانه
۳۱۳	میان برنامه
۳۱۶	۱۵. اصل عدالت، مساوات
۳۱۶	اشاره

- توضیح ۳۱۶
- موارد تکمیلی ۳۱۹
- این وضعیت در جبهه دشمن ۳۱۹
- پرسش های کارشناسی ۳۱۹
- میان برنامه ۳۲۰
۱۶. مدیریت مسئولیت برانگیزی و احساس مسئولیت همگانی ۳۲۲
- اشاره ۳۲۲
- توضیح ۳۲۳
- موارد تکمیلی ۳۲۵
- این موضوع در جبهه باطل ۳۲۵
- پرسش های کارشناسی ۳۲۶
- میان برنامه ها ۳۲۶
۱۷. مدیریت عزت محور و ذلت گریز؛ مدیریت مبتنی بر کرامت و عزت ۳۲۸
- اشاره ۳۲۸
- توضیح ۳۲۹
- موارد تکمیلی ۳۳۰
- جایگاه موضوع در جبهه دشمن ۳۳۱
- پرسش های کارشناسی ۳۳۱
- میان برنامه ۳۳۲
۱۸. اصل کنترل، نظارت و ارزیابی ۳۳۴
- اشاره ۳۳۴
- توضیح ۳۳۴
- موارد تکمیلی ۳۳۶
- جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری ۳۳۷

۳۳۷	پرسش های کارشناسی
۳۳۸	میان برنامه
۳۴۰	۱۹. مدیریت هشدار ها و تشویق ها
۳۴۰	اشاره
۳۴۰	توضیح
۳۴۲	موارد تکمیلی
۳۴۲	جایگاه موضوع در جبهه دشمن
۳۴۲	پرسش های کارشناسی
۳۴۳	میان برنامه
۳۴۵	۲۰. مدیریت آینده نگری و انتظار پویای پیوسته (آخرین قسمت)
۳۴۵	اشاره
۳۴۵	پیش درآمد
۳۴۸	موارد تکمیلی
۳۴۸	پرسش های سه گانه
۳۴۹	میان برنامه
۳۵۲	ب) پژوهش ایده یابی بر اساس شخصیت شناسی عاشورایی (انسان شناسی و روان شناسی)
۳۵۲	اشاره
۳۵۲	پیش درآمد
۳۵۲	۲. پژوهش شخصیت شناسی بر اساس روش مقایسه ای (یک موقعیت؛ سه انتخاب)
۳۵۲	اشاره
۳۵۳	موضوع برنامه
۳۵۳	هدف برنامه
۳۵۵	یک پرسش و پاسخ
۳۵۵	چند تذکر

۳۵۸	جدول شخصیت شناسی
۳۶۱	۱. احساس نیاز یا بی‌نیازی به امام (انسان کامل)
۳۶۷	۲. از آگاهی تا ایمان
۳۷۳	۳. انتظار و سطح درک و توقع مردم از امام
۳۷۸	۴. دین و دنیا
۳۸۵	۵. دل بستگی‌ها و وابستگی‌ها
۳۹۲	۶. تخصص و اعتبار اجتماعی
۴۰۰	۷. شخصیت دنباله‌رو، بی‌اعتنا و جریان‌ساز
۴۰۷	۸. فرصت‌ها و انتخاب‌ها: (از گمنامی تا شهرت)
۴۱۶	۹. حریم‌ها و حرمت‌ها
۴۲۱	۱۰. ابعاد و مراتب حق‌یابوری
۴۲۷	۱۱. زنان (و همسران)
۴۳۲	۱۲. فرهنگ‌سازی یا عبرت‌روزگار شدن
۴۳۸	کتاب نامه
۴۳۸	اشاره
۴۳۸	الف) کتاب
۴۳۸	ب) پایگاه اینترنتی
۴۴۰	ج) نرم‌افزار
۴۴۱	درباره مرکز

آیین برنامه سازی درباره ایام محرم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی آدریانی، محمد، - ۱۳۵۰

عنوان و نام پدیدآور: آیین برنامه سازی درباره ایام محرم/ محمد رضایی آدریانی

مشخصات نشر: قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۵۸-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ ق.ق.

موضوع: تلویزیون -- ایران -- بخش برنامه های مذهبی -- اسلام

موضوع: تلویزیون -- بخش برنامه های مذهبی -- اسلام

موضوع: رادیو -- ایران -- تولید و کارگردانی

موضوع: تلویزیون -- ایران -- تولید و کارگردانی

موضوع: محرم

شناسه افزوده: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ر ۹۲۶ / ۴۱ / ۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۶۷۷۸۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۱۳

پیش درآمد

پیش درآمد

سیدالشهدا علیه السلام، عاشورا و محرم از هویت های بنیادین و شناسه تشیع است. مهمترین دلیل تبدیل شدن عاشورا به نقش آفرینی برای تشیع، تفسیر و ترجمانی فرهنگی است که در طول تاریخ برای آن شکل گرفته است. حتی سازماندهی اجتماعی شیعه و جامعه سازی تشیع بر اساس این ترجمان فرهنگی شکل گرفته است. بدین گونه است که محرم برای مکتب و مذهب تشیع به منشوری تبدیل گردیده است که از هر زاویه به آن بنگرید، دارای پیام و رهیافتی است. عاشورا از منظر گرایش های علوم انسانی همانند سیاست، فرهنگ، اقتصاد، جامعه شناسی، هنر، روان شناسی، ادبیات، تعلیم و تربیت و... دارای پیام های مهمی است.

همین قابلیت تودرتویی و لایه های معنایی موجود در عاشورا است که همانند قرآن آن را دارای جاودانگی کرده و از منظری، عاشورا به نوعی ترجمان و تفسیر لایه های معنایی قرآن است.

پویایی عاشورا در عین تکرار سالیانه آن با وجود گستره زمانی مراسم و آیین های آن از ۱۰ روز تا ۲ ماه (در کنار مناسبت های متفرقه دیگر در طول سال) در همین غنای علمی و فرهنگی و معنایی و معنوی عاشورا و محرم ریشه دارد.

اینک که عاشورا دارای این قابلیت های معنایی و آن پویایی تاریخی است، می طلبد رسانه های مذهبی شیعی و عاشورایی، هر ساله، هماهنگ با فرهنگ اجتماعی سالیانه جامعه برنامه های پویا و روزآمد و غنی تهیه کنند. متأسفانه در گستره شبکه های مختلف ملی و استانی و تنوع گروه های برنامه سازی، از این روزآمدی چندان نشانی نیست و به جای اینکه رسانه ها در حداقل مرتبه خود، همراه و هماهنگ جامعه باشند، به رسانه دنبالهر و آن هم در مرتبه ای ضعیف و سطحی و در حد برنامه سازی احساسی و عوامانه تبدیل می شوند.

ص: ۱۴

این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که برای برنامه‌های مناسبی به ویژه عاشورایی با این همه ظرفیت‌ها و نیازهای برنامه‌سازی، پشتوانه پژوهشی و علمی در نظر گرفته نمی‌شود. آن هم پیشینه‌ای علمی که روزآمد، کارآمد و متنوع و بر اساس نیازهای مخاطب و تنوع قالب‌ها باشد.

در این اثر که نخستین تجربه و نتیجه چندین سال همکاری با برخی گروه‌های برنامه‌سازی یا گروه‌های پژوهشی در مجموعه سازمان صداوسیماست، تلاش می‌شود نخست بر اساس روش و نگاه میان‌رشته‌ای، ایده‌های متنوعی معرفی گردد.

و نیز در برخی موارد که کاربردی‌تر است، ایده‌ها همراه با پژوهش‌های برنامه‌های خود ارائه شود تا به سهولت برای برنامه‌سازان قابل استفاده باشد.

در این کتاب، بر اساس عمق ارزش‌های معنایی عاشورا، نیازهای برنامه‌سازی شبکه‌ها و گروه‌های گوناگون سازمان، تنوع برنامه‌های پیشنهادی در نظر گرفته شده است. در همین جا یادآوری می‌شود که در این متن به عنوان اولین تجربه در مورد ایده‌یابی در زندگی معصومین علیهم‌السلام (بر خلاف تجربه‌هایی مانند کتاب‌های ایده‌یابی درباره زندگی امام کاظم و امام صادق علیهما السلام که محور کتاب بر زندگانی خود معصوم بود) تلاش شده است محوریت ایده‌یابی بر شخصیت‌های مرتبط و در اطراف معصوم باشد؛ شخصیت‌هایی اعم از سفید، سیاه و خاکستری. در این روش به دلیل کاربردی بودن برای برنامه‌سازان و جذابیت برای مخاطبان گوناگون، از دو روش ایده‌یابی (روایت داستانی) و برنامه‌سازی استفاده شده است. از این رو، امید است برنامه‌سازان، پژوهشگران و دیگر مخاطبان به بخش‌هایی از این کتاب (به ویژه در بخش سوم) نه از باب تکرار، بلکه از باب تلاش برای تجربه‌های گوناگون پژوهش برنامه‌سازی بر اساس تنوع قالب‌های برنامه‌های روایی و غیرروایی بنگرند.

در پایان تأکید می‌شود ساختار این کتاب بر اساس نگاه میان‌رشته‌ای بین عاشورا و برخی از علوم انسانی کاربردی‌تر در تحلیل و بررسی و بازخوانی حادثه عاشورا سامان یافته است. این نگاه تطبیقی در برخی موارد، گسترده‌تر و در برخی موارد، خلاصه‌تر انجام شده؛ چون هدف، نهادینه‌سازی این روش برای پژوهشگران رسانه، نویسندگان رسانه و برنامه‌سازان بوده است. آسیب‌شناسی، غنی‌سازی و تکمیل این روش‌ها به عهده مخاطبان است، به ویژه آنکه به میزان تخصص‌های جانبی هر یک از عزیزان در هر یک

ص: ۱۵

از علوم انسانی مثل جامعه شناسی، روان شناسی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر و ادبیات و... می تواند به تنوعبخشی و غنی سازی این ایده سازی یاری رساند.

این کتاب شامل سه بخش کلی است که عبارتند از:

نگاهی موجز به پژوهش میان رشته ای با هدف ایده یابی رسانه ای؛

نگاهی کلی به زندگانی امام و بنی هاشم با هدف ایده یابی عمومی؛

ایده یابی میان رشته ای بر اساس علوم گوناگون انسانی؛

نمونه پژوهش های برنامه ای.

ص: ۱۷

بخش اول: ایده یابی بر اساس نگاهی به زندگانی امامان عاشورایی و بزرگان اهل بیت علیهم السلام

اشاره

بخش اول: ایده یابی بر اساس نگاهی به زندگانی امامان عاشورایی و بزرگان اهل بیت علیهم السلام

زیر فصل ها

پیش درآمد

ص: ۱۹

پیش درآمد**اشاره**

پیش درآمد

هدف این بخش، بازشناسی، نگاه کلی و آشنایی اجمالی با زندگانی امامان و شخصیت‌های برجسته عاشورایی بنی هاشم است. در این نگاه ضمن شخصیت‌شناسی و سیره‌شناسی اجمالی، برخی ایده‌یابی‌ها ارائه خواهد شد. در پایان هر بخش نیز قسمتی به نام ایده‌های مهدوی وجود دارد تا نمایشگر پیوند عاشورا و انتظار باشد.

از آنجا که بازه زمانی پرونده قیام کربلا از رسیدن خبر مرگ معاویه بن ابی سفیان به مدینه تا خروج سریع و ناگهانی امام حسین علیه السلام از مدینه (فاصله ۲ تا ۳ روزه) آغاز می‌شود، این بخش با اینکه شخصیت محور است، به تحلیل و ایده‌یابی این رویداد هم خواهد پرداخت.

۱. زندگانی امام حسین علیه السلام**اشاره**

۱. زندگانی امام حسین علیه السلام

زیر فصل‌ها

خلاصه‌ای از زندگانی امام حسین علیه السلام

خلاصه‌ای از زندگانی امام حسین علیه السلام

خلاصه‌ای از زندگانی امام حسین علیه السلام

حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، سوم شعبان سال چهارم در مدینه متولد شد. تولد او به فاصله کمی از برادرش و آن‌گاه همراهی آن دو در نیمه دوم رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه، از مهم‌ترین خاطرات مسلمانانی بود که به مسجد النبی صلی الله علیه و آله می‌آمدند و این دو برادر را همیشه حتی هنگام نماز و عبادت همراه پیامبر می‌دیدند.

این دوران برای سیدالشهدا علیه السلام تنها حدود ۷ سال طول می‌کشید. رحلت پیامبر اعظم و آن‌گاه شهادت مادر، دو مصیبت سخت دوران کودکی آن حضرت است. از آن پس سراسر دوران نوجوانی و جوانی اش را در مدینه در کنار پدری می‌گذراند که محکوم به خانه نشینی بود.

ص: ۲۰

قیام مردم در سال های ۳۴ ۳۵ ه. ق باعث قتل عثمان و به خلافت رسیدن امیرمؤمنان علی علیه السلام ، می شود. حسین علیه السلام در این سال ها به همراه برادرش، حسن علیه السلام ، مهم ترین یار و یاور پدر در تمام صحنه های سیاسی، نظامی و اجتماعی بود.

شهادت پدر و خلافت برادر، سیدالشهدا علیه السلام را به شخصیت دوم خلافت کوتاه مدت برادرش تبدیل می کند و پس از رویداد صلح، او همراه برادر به مدینه باز می گردد و لحظه ای از او جدا نمی شود.

حسین علیه السلام پس از شهادت امام حسن علیه السلام ، امامت شیعیان را عهده دار می شود و تا زمان حیات معاویه، به صلح نامه امام حسن علیه السلام پای بند است. مرگ معاویه و آغاز خلافت یزید و تلاش یزید برای بیعت گیری برای خود، زمینه ساز قیام و حماسه حسینی است. امام از آن پس در مدت پنج ماه مقدمات قیام را فراهم می سازد.

دوره های زندگانی امام

حاکم زمانه

وضعیت اجتماعی

۷ سال در محضر پیامبر اعظم (۴ تا ۱۱ ه. ق)

دوران نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

جامعه ای بر محوریت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که کانون آن مسجدالنبی بود و زندگی حسین علیه السلام در آن سال ها در فاصله مسجد و خانه گذشت.

۲۵ سال دوران خلفای راشدین (۱۱ تا ۳۵ ه. ق)

خلفای سه گانه

جامعه ای فاصله گرفته از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ارزش ها و فرهنگ التقاطی بین اسلام و جاهلیت به تدریج در آن نهادینه می شود.

۱۵ سال دوران خلافت پدر و برادر (۳۵ تا ۴۰ و ۴۰ تا ۵۰ ه. ق)

خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام ، خلافت معاویه

جامعه اسلامی، علی علیه السلام را به عنوان خلیفه چهارم (و نه امام اول) به خلافت می پذیرد. در میانه راه، تلاش ایشان برای احیای فرهنگ و سیره نبوی باعث ریزش نیروها، پراکندگی ها و فاصله گیری فراوان نیروهای اجتماعی می شود تا آنجا که امام در اواخر خلافتش در وضعیت کمبود نیروها و یاورانش به شهادت می رسد.

ص: ۲۱

۱۰ سال دوران امامت حضرت (۵۰ تا ۶۱ ه. ق.)

خلافت معاویه، خلافت یزید

در دوره ۲۰ ساله تلاش معاویه برای اجرای مرحله دوم اموی سازی (پس از دوران خلفا)، بن مایه ها و فرهنگ اسلامی به گونه ای تغییر یافت که در نهایت، جامعه اسلامی به جامعه ای سرسپرده و کاملاً مطیع امویان تبدیل می شود و به تدریج با سیاست محو ارزش های اسلامی همراه می گردد.

تحولات اجتماعی معاصر زندگانی امام علیه السلام

جامعه شیعه

مسئله امامت و ولایت پس از خاتمیت روح تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، ولی فقط عده ای از خواص صحابه پیامبر به این آموزه اصلی اسلام ایمان آوردند. (سفر امام علی علیه السلام به یمن هم به دستور پیامبر بذریع محبت اهل بیت علیهم السلام را در برخی قبایل یمن پاشید). رحلت پیامبر و غصب خلافت با هدف نابودی اهل بیت و صحابه علوی بود. البته این صحابه با مدیریت امیرمؤمنان علی علیه السلام سه مرحله از تقیه را تجربه کردند: تقیه حفاظتی (زمان ابوبکر)، تقیه مدارایی (زمان عمر) و تقیه نفوذ و اثرگذاری (اواخر دوره عمر و دوران عثمان).

بازتاب این مدیریت پنهان، خیزش جامعه اسلامی پس از ۲۵ سال با شعار عدالت خواهی بود.

خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام با ترکیب خواص شیعی و قبایل دارای گرایش های اهل بیته باعث پیدایش اولین جوامع شیعی بر محوریت حضرت علی علیه السلام در کوفه شد. این جامعه نوپا و در اقلیت در زمان معاویه با هجوم ها و تهدیدهای فراوانی روبه رو گشت تا جایی که این جامعه پراکنده، مثله شده و دچار انقطاع از امام در مدینه نتوانست جز در قالب نیروهای پراکنده (۵۰ یاور کوفی امام) از امام حسین علیه السلام در کربلا حمایت کند.

جامعه اسلامی

اعراب پراکنده جزیره العرب به تدریج و با واهمه از جهاد مسلمانان با آنها مسلمان شده بودند. آنها نیازمند برنامه های تربیتی و فرهنگی و اجتماعی بر مبنای دین اسلام پس از پیامبر بودند، اما غصب خلافت و آزاد گذاشتن اعراب

ص: ۲۲

به حال خود و آن گاه مشغول کردن آنها به فتوحات باعث پیدایش جامعه اسلامی جدیدی پس از پیامبر بر مبنای فرهنگ التقاطی اسلامی عربی جاهلی شد.

جریان های فکری

اسلام، دینی واحد بود و بر مبنای آیات قرآن و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار بود بر محوریت مؤدّت و امامت اهل بیت امتداد یابد. با این حال، جریان خلافت از لحظه رحلت پیامبر با سر و صدایی که راه انداخت، به روشنی، ظهور جریان دوم را در اسلام اعلان کرد و از همان لحظه رحلت پیامبر باعث ایجاد دودستگی شیعه و سنی در جهان اسلام شد. سپس این سنگ بنای تفرقه و نافرمانی به فرهنگ در جهان اسلام تبدیل گردید تا در حد فاصله نیم قرن تا عاشورا، شاهد پیدایش اولین فرقه ها با عنوان خوارج و عثمانیه در میان اهل سنت باشیم.

باتوجه به فضای کلی ترسیم شده از زندگی سیدالشهدا علیه السلام و سیر تحولات جریان های سیاسی و اجتماعی، اینک بهتر می توان به ایده یابی در دوران امامت سیدالشهدا پرداخت. البته بحث ایده یابی زندگانی امام در همین اندازه کفایت می کند؛ چرا که بسیاری از مباحث بخش دوم در راستای تأمین همین هدف است.

۲. خروج غریبانه سیدالشهدا از مدینه (۲۸ رجب)

اشاره

۲. خروج غریبانه سیدالشهدا از مدینه (۲۸ رجب)

زیر فصل ها

خلاصه رویداد

نگاهی تحلیلی به مواجهه امام حسین علیه السلام با خلافت یزید

تحلیل اجتماعی قیام امام حسین علیه السلام از منظر آیات تلاوت شده امام در طول سفر

هویت شهر مدینه

نگاهی تحلیلی به جامعه مدینه در سال ۶۰ ه.ق

ایده های مهدوی

خلاصه رویداد

خلاصه رویداد

معاویه در ۱۵ رجب سال ۶۱ مُرد و یزید به جای او به خلافت نشست. او نامه ای به والی مدینه، ولید بن عقبه بن ابی سفیان می نویسد تا در مدینه از سیدالشهدا (و ابنزبیر) بیعت بگیرد و گرنه آنها را بکشد. نامه یک هفته بعد به مدینه می رسد. امام احضار می شود. امام همراه جوانان بنی هاشم به دیدار والی می رود و با وجود اصرار او و به ویژه مشاورش، مروان بن حکم، حاضر به بیعت نمی شود و یک روز مهلت می گیرد.

در این روزی که والی درگیر مسئله فرار عبدالله بن زبیر و برادرانش از مدینه به سوی مکه است، امام بنی هاشم را آماده می کند. شب روز بعد، پس از وداع مزار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، در ۲۸ رجب، شبانه، مدینه را ترک می کند و چهار پنج

ص: ۲۳

روزه مسیر را از جاده اصلی می پیماید. ایشان درست روز جمعه، سوم شعبان (هم زمان با زادروزش) وارد مکه می شود و در منطقه شعب ابی طالب در خانه عباس بن عبدالمطلب ساکن می گردد.

دوره های امامت و قیام سیدالشهدا و سیاست های کلی امام حسین علیه السلام

دوره ها

سیاست و سیره کلی امام حسین علیه السلام

از آغاز امامت تا مرگ معاویه

پای بندی به صلح برادرش، امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه و توصیه دعوتگران قیام به صبر و انتظار تا پس از مرگ معاویه

آغاز خلافت یزید در مدینه

اعلان سیاست نفی بیعت در کنار تلاش برای حفظ جان خود و بنی هاشم از تهدید و توطئه والی مدینه و امویان

اقامت چهار ماهه امام در مکه

استفاده امام از ظرفیت امنیت موقت حرم امن الهی به سردرگمی و تحیر امویان انجامید؛ چرا که اقدام امام می توانست باعث حساس سازی جامعه اسلامی و همراه شدن احتمالی آنها با نهضت قیام گردد و در نهایت، به ایستادگی جامعه در برابر آغاز طرح اسلام زدایی یزید منجر شود.

انتخاب عراق و گام نهادن در راه عراق

اقدام فعالانه امام در همراهی نکردن با مراسم حجی که نتیجه اش، امضای خلافت یزید بود، سبب خروج اعتراض آمیز ایشان از مکه، یک روز مانده به آغاز حج شد. آن گاه ۲۲ تا ۲۳ روز راه مکه تا کوفه را پیمود.

حضور امام در کربلا

سیاست دو جانبه پرهیز از بیعت در کنار تلاش برای اتمام حجت به لشکر کوفه

نگاهی تحلیلی به مواجهه امام حسین علیه السلام با خلافت یزید

نگاهی تحلیلی به مواجهه امام حسین علیه السلام با خلافت یزید

قیام سیدالشهدا از منظر فلسفه تاریخی و مواجهه پرفراز و نشیب حق و باطل امری اجتنابناپذیر بود. حتی از منظر تحلیل های سیاسی

اجتماعی، وقتی جریان سقیفه پس از رحلت پیامبر رخ می دهد و جبهه حق در اوج هجوم های باطل، ناچار به سکوت

می شود، بدیهی است این سکوت نمی توانست تا همیشه ادامه یابد. آن گاه که جریان باطل تمام حجاب ها را کنار بزند و به شفافیت برسد، برای حفظ جریان تاریخی حق باید به پا خاست.

این قیام از منظر غیبی کاملاً پیش بینی شده بود و خبرهای فراوانی حتی در منابع اهل سنت درباره این پیش بینی ها وجود داشت، اما این آگاهی غیبی، هدف و علت قیام حضرت نبود، بلکه این آگاهی، نوعی ابلاغ مأموریت بود تا اهداف کلان جبهه حق محقق شود.

بدین دلیل، امام در دوران امامت، دو مرحله و سیاست کلی را به اجرا گذاشت. در آغاز، به مدت نه سال و نیم پای بند صلح بود و تا آخرین لحظه زنده بودن معاویه دست به شمشیر نبرد تا در برابر تمام خیانت ها و جنایت ها و دروغ و تزویرهای معاویه، صداقت، امانت و جوان مردی اهل بیت را نشان دهد. آن گاه که با مرگ معاویه، جبهه حق دیگر هیچ تعهد و پیمانی نداشت و جبهه باطل هم با تمام قوا با کنار زدن چهره ریا و تزویر، آشکارا به مصاف حق آمد، قیام باید صورت می گرفت.

نتیجه قیام در آن شرایط غربت و مهجوریت اجتماعی، پایانی جز شهادت نداشت و نه تنها امام، بلکه بسیاری از صحابه و تابعین بر اساس اخبار غیبی و بسیاری از افراد هوشمند جامعه بر اساس محاسبه موازنه قوا و جهت گیری حوادث، از این پایان، واقف بودند. البته بر اساس این پایان بندی قطعی نباید میان سیر و پایان حوادث با هدف کلی قیام خلط کرد. به این معنا که غایت مرحله ای قیام، شهادت بود، اما هدف قیام منحصرأ شهادت نبود.

جدول واکنش های اجتماعی نسبت به خروج امام حسین علیه السلام از مکه

جوامع اسلامی مطرح در آن زمان

واکنش های اجتماعی

مکه و مدینه

حجاز پس از رحلت پیامبر و تحت تأثیر خاطرات خوش فتوحات در زمان خلیفه اول و دوم، به گونه ای تاریخی و نهادینه شده، از اهل بیت فاصله گرفته بود. با وجود اقامت طولانی اهل بیت پیامبر در مدینه یا مشارکت هر ساله امامان معصوم در حج، هیچ گاه مردم آن به اهل بیت روی خوش نشان ندادند.

ص: ۲۵

خروج امام از مدینه و ورود به مکه و سپس خروج از مکه، کمترین بازتاب را در جامعه اسلامی حجاز نداشت.

بصره

پس از ماجرای جنگ جمل، همواره اقلیتی محدود از شیعیان در بصره بودند، ولی در آن زمان ها شهری عثمانی مسلک بود. اندک شیعیان ساکن در آن هم زیر سرکوب شدید زیاد و ابن زیاد (به مدت دو دهه) دچار پراکندگی و آسیب های فراوان شدند.

کوفه

کوفه، مهم ترین شهر عراق و کانون تحولات آن بود. این شهر، کانون بیشترین تجمع قبایلی بود که گرایش های شیعی داشتند. در آن سال ها قبایل شیعی در کوفه نسبت به دیگر مسلمانان (اهل سنت) در اقلیت بودند. این اقلیت بزرگ در سال های حکومت زیاد تا ابن زیاد، ضربه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی را متحمل شدند.

با شنیدن خبر آغاز قیام امام حسین علیه السلام دعوت و نامه نگاری را آغاز کردند. دعوتی که در آغاز صرفاً شیعی بود، ولی کمی بعد امواج گسترده ای از اهل سنت (اکثریت اجتماعی کوفه و شامل تمامی جریان ها به جز امویان و خوارج) را هم با خود همراه کرد.

تحلیل اجتماعی قیام امام حسین علیه السلام از منظر آیات تلاوت شده امام در طول سفر

تحلیل اجتماعی قیام امام حسین علیه السلام از منظر آیات تلاوت شده امام در طول سفر

امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مدینه، آیه ۲۱ سوره قصص و هنگام ورود به مکه، آیه ۲۲ همین سوره را تلاوت کرد. در طول سفر هم آیه ۲۲۷ انبیا را تلاوت فرمود.

این آیات و نمونه های دیگر نشانه مهجوریت و غربت امام در جامعه است. معنی این سخن آن است که در برابر نبوت ۱۰ ساله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه مدینه که با فرود و فرازهای بسیار همراه بود، نظام خلافت در فرصت ۵۰ ساله با اجرای انواع سیاست ها و طرح های فکری، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی توانسته بود جامعه تازه و نوپای مدینه را کاملاً استحاله کند. به همین دلیل، پس از نیم قرن، اکثریت مردم مدینه در مواجهه با فریادها و دعوت های پیاپی نواده پیامبر، بی اعتنا بودند و ایشان را در گرداب حوادث تنها گذاشتند.

ص: ۲۶

جدول خروج های تاریخی غریبانه اهل بیت علیهم السلام از مدینه

امام معصوم

رویداد تاریخی و نوع مواجهه مردم مدینه

مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام

بی طاقتی مردم مدینه در برابر گریه های فاطمه علیها السلام سبب شد ایشان روزها به مزار شهدای اُحد بروند و در آنجا بگریند.

خروج سیدالشهدا در آغاز قیام

خروج امام حسین علیه السلام هنگام آغاز خلافت یزید، هیچگونه واکنش مردم مدینه را در پی نداشت.

اسارت امام کاظم علیه السلام

هارون عباسی در ضمن مراسم حج، امام را در مدینه به حبس کشاند. آن گاه ایشان را مظلومانه به زندان های عراق (بصره و بغداد) فرستاد بدون اینکه در مدینه اتفاقی رخ دهد.

خروج اجباری امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام به دستور مأمون به مرو منتقل شد؛ انتقالی که معلوم بود بازگشت ندارد. با این حال، مردم مدینه هیچ واکنشی نشان ندادند.

تبعید تاریخی امام هادی (و امام عسکری) از مدینه به سامرا

امام هادی علیه السلام در دوران متوکل عباسی برای همیشه به تبعیدگاه سامرا منتقل شد بدون اینکه کسی در مدینه اعتراض کند.

هویت شهر مدینه

هویت شهر مدینه

هویت شهری مدینه با حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدیدار شد. به دلیل حاکمیت ارزش های جاهلی در زیرساخت های مدینه و نبود آمادگی کافی در مردم برای ادامه دادن نهضت اجتماعی اسلامی که پیامبر شروع کرده بود و در قالب امامت امتداد می یافت، رحلت پیامبر سبب شد مردم مدینه با جهت دهی نظام فکری و اجتماعی خود بر اساس بهره مندی دنیوی از دین اسلام (فتوحات اسلامی در دوره خلفا غنایم فراوانی به همراه داشت، این ویژگی در برابر جنگ های زمان پیامبر قرار می گرفت که در مقام دفاع یا جهاد بود و بن مایه آن، ایثار و حماسه بود)، هویت شهری جدیدی برای خود تعریف کنند. بر اساس این هویت،

حضور داشتن یا نداشتن اهل بیت در این شهر

ص: ۲۷

اهمیتی نداشت، بلکه منافع و امنیت عمومی شهروندان، معیار حرکت های اجتماعی قرار گرفت.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

مواجهه امام با رویدادها

مدیریت امام در برابر رویدادها گاهی واکنشی است، اما در همان شرایط هم مدیریتی فعال و پویا دارد و اسیر شرایط و محیط نمی گردد. به همین دلیل، روند رویدادها را به سمتی می برد که خود در مسیر احقاق حق و ابطال باطل انتخاب می کند.

بنی هاشم

دسته بندی بنی هاشم به جوانان تربیت یافته امام و قرار گرفته در خدمت امام برای هرگونه شرایط دشوار و آسان جوانانی که خود را هم عرض امام و صاحب نظر یا اهل مصحلت می دانند (ابن عباس، ابن حنفیه، ابن جعفر و...).

مرگ معاویه

مرگ معاویه به معنی حرکت رو به جلو باطل برای آشکار نمایی چهره باطنی خود در محو و نابود کردن حق.

مرگ معاویه به معنی آغاز دوران نشانه های غیبی عاشورایی و شروع تدریجی تحقق پیش گویی های نبوی و علوی برای خواص و حتی عوام جامعه تا در رویدادهای آینده حجت بر آنها تمام شود.

مرگ معاویه برای امام به معنی شنیدن ندایی غیبی برای آماده شدن برای ایفای رسالت و نقشی سخت، اما تاریخی.

خروج امام از مدینه

بازگشت جاهلیت در لباس اسلامی به شهر پیامبر و رضایت آنها به دور شدن اهل بیت پیامبر از شهر پیامبر تا مبادا در روند زندگی روزمره آنها خللی ایجاد شود.

تحول روحیه اجتماعی مردم مدینه از روحیه آزادی، آزادگی، ایثارگری و امر به معروف و نهی از منکر فراگیر (در زمان پیامبر) به روحیه پذیرش اطاعت مطلق ولایت از هر حاکمی اگر چه در اوج فسق و فجور باشد (در آستانه قیام).

نومیدی امام و جریان حق از امکان اثرگذاری (اگرچه حداقلی) در آن جامعه و رها کردن آن جامعه و جمعیت به باطل خود.

ص: ۲۸

خروج شبانه

اوج مهجوریت امام در مدینه و حاضر نبودن حتی یک نفر برای همراهی یا هم دردی در بدرقه کردن یا تضمین جان آنها هنگام خروج روزانه با اهل بیت علیهم السلام.

عمیق بودن اثرگذاری سیاست های فرهنگی و نهادینه شدن ارزش های مکتب خلافت (در برابر فرهنگ اصیل اهل بیتی) در جامعه مدینه.

نصیحت گران امام

خودکارشناسی ها (دارای شخصیت کاذب و خودساخته یا ترویج شده به وسیله سیاست تبلیغی خلفا) در برابر امام معصوم با هدف سنگ اندازی در مسیر حق به نام نصیحت گری و خیرخواهی.

نگاهی تحلیلی به جامعه مدینه در سال ۶۰ ه.ق

نگاهی تحلیلی به جامعه مدینه در سال ۶۰ ه.ق

در آستانه سال ۶۰ ه.ق، آخرین نسل از صحابه هنوز در مدینه وجود داشتند، ولی اکثریت جمعیت مدینه نسلی بودند که از دوران خلافت شیخین برآمده بودند. این نسل در دوران معاویه از اهل بیت پیامبر کاملاً فاصله می گیرد، به گونه ای که فریادهای اهل بیت در این شهر یک خریدار ندارد.

همین شهر در سال ۶۲ علیه یزید یک پارچه به پا می خیزد، ولی در آن قیام هم رهبری قیام با تابعینی است که نه در شعارها و نه برنامه ها توجه ویژه ای به اهل بیت پیامبر ندارند و بر اساس شخصیت کاذبی که از دوران خلیفه دوم برای آنها جعل شده بود، خود را صاحب رأی و نظر می دانستند.

این روحیه و شخصیت کاذب باعث شد آنها حس بی نیازی از دانش و رهبری ولی معصوم در قالب اهل بیت پیامبر پیدا کنند. بازتاب این وضعیت آن بود که این جامعه هرچه از اهل بیت دورتر می شد، از جامعه اسلامی هم بیشتر حذف می شد و اگر جایگاه تاریخی مزار پیامبر در این شهر نبود، در یکی دو قرن بعد حتی نامی از این شهر در جهان اسلام باقی نمی ماند.

ایده های مهدوی

ایده های مهدوی

خروج غریبانه سیدالشهدا از مدینه نقطه شروع قیام بود. اقامت چهار ماهه امام در مکه هم هیچ اثری بر مکیان نداشت. این فرآیند از جهت تاریخی و بر اساس روایات در آستانه قیام و ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد.

ص: ۲۹

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه ظهور در مدینه مشغول فعالیت هایی می گردد که لشکر سفیانی به قصد نابودی امام به سوی مدینه حمله می کنند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غریبانه از مدینه (با تلاوت همان آیه ای که جدش تلاوت کرد) خارج می شود و پشت سر ایشان، لشکر سفیانی پس از قتل و غارت مدینه دچار خسف پیدا می گردد. وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مکه می رسد، کمتر کسی از مکیان به یاری ایشان بر می خیزد تا اینکه یارانش از دیگر مناطق در مکه گرد هم می آیند و فرآیند ظهور آغاز می گردد. این رویدادها بیانگر جاهلیت رسوخ یافته در سرزمین حجاز است. از این منظر، هر شهر و جامعه ای که شبیه حجاز گذشته یا آینده (و حتی اکنون) باشد، جوامعی خواهد بود غافل و بلکه سدّ راه ولیّ معصوم در جریان پیوسته تاریخ.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

حجاز؛ گذشته، حال، آینده

عمق رسوخ جاهلیت در فرهنگ و جامعه این سرزمین، این منطقه را با اینکه مهبط وحی و رسالت و ولایت بوده، به کانون های باطل در گستره تاریخ تبدیل کرده است.

الگوی شهری و شهروندی بر اساس مدل های مدینه، مکه، بصره، کوفه و شام، الگوهایی در درجات مختلف نظام های اجتماعی باطل محور یا باطل گرا یا حق گریز است.

گسترش الگوهای اجتماعی باطل در جهان اسلام و بازتاب آن در تبدیل کمیّت فراوانی از جمعیت مسلمان به جوامعی بی روح و مرده یا حداقل، خنثی و به دور از نشاط و پویایی که در بلندمدت باعث انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی می شوند.

گسترش الگوهای اجتماعی باطل جهان اسلام و بازتاب تاریخی آن در تحقق جریان شهادت اولیای حاضر و غیبت امام غایب.

۳. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام

اشاره

۳. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام

زیر فصل ها

خلاصه زندگانی نامه

نگاهی کلی به شخصیت حضرت عباس علیه السلام

ایده مهدوی

خلاصه زندگی نامه

خلاصه زندگی نامه

حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام در چهارم شعبان سال ۲۶ ه. ق متولد شد.

ص: ۳۰

ایشان از طرف مادر، بزرگ‌ترین فرزند از چهار فرزند ام‌البنین است که ثمره پیوند مبارک ایشان با امیرمؤمنان علی علیه السلام بود.

حضرت ابوالفضل علیه السلام، بزرگ‌ترین جوان علوی پس از حسنین علیهما السلام و محمد حنفیه است که در اوایل خلافت عثمان به دنیا می‌آید. (خلافت عثمان از اول سال ۲۴ ه. ق آغاز می‌گردد).

ایشان در ۱۰ سال اول زندگی، شاهد آخرین مرحله از خانه نشینی پدر در شهر مدینه است و نوجوانی اش در خلافت ۵ ساله پدر و بیشتر در کوفه می‌گذرد.

ایشان در دوران جوانی شاهد خانه نشینی مجدد دو برادر امام و معصومش است و در این سال‌ها بهترین شاگرد علم و اخلاق و معارف از محضر آنهاست.

مرگ معاویه و آغاز خلافت یزید، قیام سیدالشهدا را به دنبال دارد. حضرت ابوالفضل علیه السلام از آغاز اولین مرحله قیام تا آخرین لحظات آن یعنی هنگامی که به شهادت می‌رسد، شخصیت دوم قیام و مدیر اجرایی و مهم‌ترین یار و یاور سیدالشهداست.

نگاهی تحلیلی به دوره‌های زندگی حضرت عباس علیه السلام

سال‌ها و دوره‌ها

حاکمان زمانه

وضعیت جامعه و نقش حضرت عباس علیه السلام

دوره خانه نشینی پدر (نه سال و نیم، از ۲۶ تا ۳۵ ه. ق)

عثمان بن عفان

به موازات گسترش رسمی و تدریجی ظلم و تبعیض در جامعه اسلامی و حتی برخی مفاسد اخلاقی در سطح حاکمان یا متن جامعه؛ کودکی حضرت عباس علیه السلام و همراهی هایش با پدر در مسجد یا محیط اجتماعی مدینه یادآور رابطه حسنین علیهما السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

دوره ۵ ساله خلافت پدر (۳۵ تا ۴۰ ه. ق)

علی بن ابی طالب

با رخ دادن تحولات اجتماعی در کوفه، انتقال سریع حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام به کوفه همراه خاندانش، حضرت عباس علیه السلام را در نوجوانی کانون توجه نوجوانان و جوانان کوفی قرار می‌دهد. گزارش‌هایی از حضور و رشادت‌های ایشان در

جنگ صفین با وجود همان سن

ص: ۳۱

کم وجود دارد. البته شهادت مظلومانه پدر و رویداد صلح باعث بازگشتن بنی هاشم به مدینه می شود.

دوره ۲۰ ساله خانه نشینی دو برادر معصومش (از ۴۰ تا ۶۰ ه. ق.)

معاویه بن ابی سفیان

در مدینه در حالی که غربت امام مجتبی علیه السلام در اوج است، او با الگو گیری از سیدالشهدا درس ولایت پذیری و خودسازی را تمرین می کند. این سال ها در اوج دوره جوانی و در کنار فراغتی که دو برادر معصومش دارند، سال های کسب دانش و معارف و تهذیب و سلوک و تعالی او زیر نظر آن دو برادر است.

دوران ۴/۵ ماهه قیام (۶۰ تا ۶۱ ه. ق.)

یزید بن معاویه

ایشان در مقام شبیه سازی رابطه امیرمؤمنان علی علیه السلام با پیامبر در اوج تحولات و رویدادهای مدینه، به مهم ترین یار و یاور و بازوی اجرایی سیدالشهدا تبدیل می شود.

نگاهی کلی به شخصیت حضرت عباس علیه السلام

نگاهی کلی به شخصیت حضرت عباس علیه السلام

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در اولین مرحله از دوران خانه نشینی خود که با خلافت خلیفه اول و دوم هم زمان بود، به گونه ای غیرمستقیم دچار محدودیت و مراقبت بود. در این دوران، امام نه سفر خاصی به بیرون از مدینه دارد (مگر اینکه احتمالاً در اواخر دوران خلافت عمر سفر حج انجام داده باشد) و نه ازدواج خاصی انجام می دهد (غیر از ازدواج با امامه دختر ابی العاص و خوله مادر محمد حنفیه که هر دو در همان آغاز دوران خلافت خلفا بود).

دوران خلافت عثمان و تحولات ناشی از آن گویا فرصت هایی را در اختیار امام علی علیه السلام می گذارد. شاهد بر این مدعا ازدواج هدفمند ایشان با فاطمه دختر حزام بنخالد از قبیله کلاب است. در این ازدواج، قبیله زن از قبایل خاص است. (قبیله کلب به تربیت افراد شجاع شهره بود و خاستگاه آن منطقه خوش آب و هوای شامات بود).

بدین گونه است که محصول ازدواج ها و تولدها از این دوران به بعد مجموعه ای از فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام است که گویا (از منظر معنوی و غیبی) ناظر به رویداد کربلا پا به عرصه وجود می گذارند.

ص: ۳۲

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این فرصت پیش آمده (بین غفلت حاکمیت و غربت و مهجوریت در جامعه) حداقل در محدوده زندگی شخصی خود سعی در نیروسازی برای کربلا دارد. نتیجه این برنامه نیروسازی، حضور و شهادت شش فرزند آن حضرت در کربلا- (غیر از سیدالشهدا) است. سرآمد این شش شهید کربلا- از تبار حضرت علی علیه السلام، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است.

پس از تولد این مولود، رابطه این پدر و فرزند را به دو مرحله کلی می توان دسته بندی کرد:

مرحله اول، دوران تربیت فردی فرزند در دوران کودکی است. این مرحله از نظر روش و خاطرات، یادآور دوران تربیت یافتگی امیرمؤمنان در منزل پیامبر پیش از بعثت بود و در امتداد مرحله تاریخی دور و دراز مرحله تربیت یافتگی حسنین علیهما السلام در زمان رسالت پیامبر در مدینه است.

در این دوران با تولد تدریجی دیگر برادران، حضرت عباس علیه السلام از یک سو، شاگرد پدر و از سوی دیگر، بزرگ خاندان مادری و الگوی برادران کوچک ترش به شمار می رود.

مرحله دوم، دوران زندگی در کوفه است که یادآور دوران همراهی امیرمؤمنان علی علیه السلام با پیامبر در شهر مکه در دوران نوجوانی است. دورانی که علی علیه السلام با دفع شر نوجوانان مکه از پیامبر به لقب «قضم» مشهور گردید.

پس از شهادت پدر، عباس علیه السلام ۲۰ سال، یار و یاور خالص برادران امام خود بود. به این معنی که او در این سال ها که در اوج آمادگی و بالندگی است، با درک جایگاه و اهمیت امامت و ولایت برادرانش در کنار مشاهده مهجوریت و غربت آنها سعی می کند خودش بهترین یار و یاور آنها باشد. البته الگوی عملی ایشان برای این یآوری، دوران ۱۰ ساله امامت امام مجتبی علیه السلام و سلوک خالصانه و همراهی همه جانبه سیدالشهدا علیه السلام با برادرش است. ایشان در سال های غربت با یادآوری بهره وری علمی و معنوی بیست و چند ساله امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از برادران معصومش بهره می برد. پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام و آغاز امامت امام حسین علیه السلام، وزارت بی نام و نشان امام به او می رسد. وزارتی که با آغاز قیام کاملاً آشکار می شود و همگان می دانند مهم ترین بازوی اجرایی و اجتماعی سیدالشهدا علیه السلام، برادرش، حضرت عباس علیه السلام است. از این رو در کربلا دشمن تلاش زیادی می کند تا شاید او را از امام جدا سازد، ولی تا او زنده است،

ص: ۳۳

هیچ گزندی متوجه امام نیست و با شهادت او مصایب امام و اهل بیت علیهم السلام آغاز می‌گردد.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

در مقام یآوری برادر

حضرت ابوالفضل علیه السلام با اینکه مهم ترین یار و یاور امام است و کمالات علمی و اجتماعی دارد، می‌کوشد نامش در جامعه هرگز جدای از نام امامش نباشد و اهتمام او اعتلای شخصیت و نام امام زمانش عجل الله تعالی فرجه الشریف است (بر خلاف محمد حنفیه یا عبیدالله یا عمر بن علی).

مدیریت موازی او برای مطرح نشدنش در جامعه با وجود امام حسین علیه السلام در کنار هیبت فراوانش که باعث ترس و وحشت فراوان دشمن می‌شود.

در مقام الگویی برای بنی‌هاشم

در عاشورا، حضرت ابوالفضل علیه السلام، مدیر و الگوی جوانان بنی‌هاشم و حضرت زینب علیها السلام، مدیر و الگوی اهل بیت علیهم السلام و بانوان و دختران بنی‌هاشم بود. به این گونه هر کدام ترجمانی مردانه و زنانه از شخصیت سیدالشهدا علیه السلام بودند (همانند ترجمه‌گری شخصیتی مردانه و زنانه امیرمؤمنان علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام از شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله).

در مقام هیبت ویژه در برابر دشمن

تربیت علوی و حماسی او به گونه ای بود که حتی آن گاه که وارد رزم نشده بود، هیبتش لرزه بر اندام دشمن می‌انداخت.

دشمن در کربلا می‌دانست عباس علیه السلام از امام حسین علیه السلام جداشدنی نیست، ولی با فرستادن امان نامه قصد تحقیر یا تخریب شخصیت او را داشت که ایشان قاطعانه، ولی کریمانه برخورد کرد.

در مقام و منزلت پس از شهادت

اعتلای نام و یاد او پس از شهادتش به خاطر مقام فنایی است که در دوران زندگانی نسبت به امام حسین علیه السلام داشت.

القاب حضرت

القاب حضرت ناظر به پرهیز ایشان از مطرح شدن در جامعه و بیانگر جنبه های عبادی، اخلاقی و مدیریتی زندگی ایشان است.

ص: ۳۴

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

مقایسه مادر و شخصیت حضرت با شخصیت محمد حنفیه

امیرمؤمنان بر خلاف انتخاب خوله و مسئله تولد محمد که تحت تأثیر فضای جنگ های رده و در مقام احقاق حق مظلومین این جنگ ها بود، در مسئله ازدواج با امالبنین و تولد حضرت عباس علیه السلام با توجه به آزادی و فرصت اجتماعی به دست آمده، با عنایت و توجه ویژه این ازدواج را سامان دادند.

شخصیت حضرت ام البنین

گرایش کلی قبیله کلب به سوی امویان به دلیل سکونت اکثریت آنها در منطقه شامات یا عدم مداخله فعال در مسائل جهان اسلام بود. با وجود این، خانواده فاطمه بنت حزام و خود ایشان با درخواست ازدواج امیرمؤمنان علی علیه السلام آن هم در دوران مهجوریت و غربت امام با رضایت و خون گرمی برخورد می کنند.

شخصیت تاریخی حضرت امالبنین از آغاز همسری تا دوره زندگانی پایانی ایشان در حد فاصل رویدادهای کربلا تا رحلت خود ایشان بیانگر عمق تربیت یافتگی، بصیرت و فهم ایشان از جهت درک اهمیت و جایگاه همسری ولی معصوم و رسالتی است که نسبت به فرزندان ایشان دارد.

ماجرای تولد حضرت ابوالفضل علیه السلام از پیش از تولد تا تربیت های دوران کودکی الگوی جامع دین برای طراحی نسل صالح و شایسته و تاریخ ساز با توجه به رعایت معیارها و ارزش های دینی حتی نسبت به مقدمات به ظاهر بعید در امر ازدواج است.

ایده مهدوی

ایده مهدوی

یکی از مباحث مهم مهدویت، بحث یاوران مهدی و ویژگی های یاران مهدوی است. اهل سنت قائل به عدالت صحابه و برتر بودن صحابه از تمامی انسان های گذشته و آینده هستند. از نگاه شیعه، در جوار پیامبر، صحابه بسیار ممتازی همانند سلمان و ابوذر

ص: ۳۵

وجود داشتند، اما این امر به خودی خود دلیل برتری آنها در طول تاریخ بر تمامی انسان ها نمی شود، بلکه در هر زمان ممکن است نسبت به ولی هر زمان، یاران بسیار شاخص و ممتازی وجود داشته باشند.

از نظر تاریخی، در کنار صحابه ممتاز و ثابت قدم پیامبر، دو گروه دیگر از صحابه و یاران امامان معصوم هم بسیار ویژه اند؛ یکی، صحابه عاشورایی و دیگری، اصحاب المهدی.

شاخصه یاوران مهدی این است که آنها یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند تا با یاری دهی ویژه، سرانجام پس از هزاران سال بهشت زمینی ظهور را به وجود آورند. ناظر به این هدف، آنها باید از نهایت مرتبه کمال آن هم در تمامی صفات نیک انسانی در حوزه های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار باشند.

از این منظر، از میان انسان های غیر معصومی که به مرتبه نزدیک عصمت رسیده و تمام مراحل تولد تا رشد و کمال خود را حساب شده و زیر نظر معصومین پیموده است، حضرت ابوالفضل علیه السلام بهترین الگو برای یاران مهدی است.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

شخصیت حضرت

شناس نامه شخصیتی حضرت در اوج مرتبه کمال انسانی، بهترین الگو و شاخص برای شناسایی یاوران مهدی خواهد بود.

برنامه تربیتی درباره حضرت

ساختار و مراحل و شیوه های تربیت حضرت، الگویی برای خانواده های منتظر در مقام تربیت نسل منتظر است.

نهایت رشد شخصیت کمال یافته

نهایت مرتبه رشد و کمال انسان، رسیدن به مرتبه ای است که فرد، تکیه گاه و عصای دست ولی زمان در مهم ترین فعالیت ها و بحرانی ترین شرایط باشد.

۴. زندگانی امام زین العابدین علیه السلام

اشاره

۴. زندگانی امام زین العابدین علیه السلام

زیر فصل ها

خلاصه ای از زندگی نامه امام سجاد علیه السلام

وضعیت جامعه اسلامی در زمان امامت حضرت سجاد علیه السلام

نگاه تحلیلی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام

بن مایه های معرفتی و سیره ای امام سجاد علیه السلام برای جامعه اسلامی با هدف احیاگری تشیع

نتیجه گیری

ایده های مهدوی

خلاصه ای از زندگی نامه امام سجاد علیه السلام

خلاصه ای از زندگی نامه امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در سال ۳۹ ه. ق در نیمه دوم خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام متولد شد.

نامش همانند نام برادر بزرگ ترش (حضرت علی اکبر علیه السلام) علی نام گرفت تا به عنوان امتدادبخش خط امامت احیاگر نام

و سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام در آینده باشد

ص: ۳۶

(علیاکبر نامش علی بود تا نشان و حجتی تا مقطع کربلا باشد و این امام همام علی نام گرفت تا نشان علی برای دوران پس از کربلا باشد). ایشان تا ۲۳ سالگی که مصادف با قیام کربلا بود، در محضر (عمو و) پدرش در مدینه زندگی کرد.

رویدادهای قیام سیدالشهدا تا پایان دوران اسارت امام سجاد علیه السلام که حدود هشت ماه طول کشید، دورانی بسیار سخت و دشوار در زندگی ایشان بود. امام سجاد علیه السلام پس از عاشورا، رسالت تبدیل عاشورا به پیام های مکتب ساز را به عهده گرفت. ایشان از این مقطع تاریخی، با کناره گیری از جامعه اسلامی غفلت زده که به خلافت های باطل تن داده بود و با ایجاد مرز بندی بین جامعه در حال طراحی حق و جامعه موجود، در طول ۳۵ سال امامت خود به پی ریزی بنای اولیه و مستقل مکتب تشیع پرداخت.

دوره های تحلیلی زندگانی امام سجاد علیه السلام

دوره ها

خلفای حاکم

وضعیت سیاسی اجتماعی حاکم

دوره دو سال و نیم خلافت اهل بیت علیهم السلام (۳۸ تا ۴۱ ه. ق.)

خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و خلافت نیم ساله امام مجتبی علیه السلام

هم زمانی با سال های پایانی خلافت حضرت علی علیه السلام و جامعه ای که نشان داد تحت تأثیر نهادینه شدن ارزش های مکتب خلافت، آمادگی و تحمل همراهی با امام حق و عدالت گستری او را ندارد.

دوره همراهی ۲۰ ساله با عمو و پدر در دوران خانه نشینی (۴۱ ۶۰ ه. ق.)

خلافت معاویه

این دوره، دوران مهجوریت اهل بیت علیهم السلام و آغاز تدریجی سیاست های ضد اهل بیتی معاویه در گستره ای به وسعت همه جهان اسلام (دومین دوره از مهجوریت و غربت اهل بیت علیهم السلام در جهان اسلام به ویژه در حجاز) بود.

دوران هشت ماهه قیام و اسارت (۶۰ ۶۱ و ۶۱ تا ۶۳ ه. ق.)

خلافت یزید

یکی از سخت ترین دوره های تاریخی در زندگانی اهل بیت علیهم السلام بود، به گونه ای که امام سجاد علیه السلام با یاری امدادهای غیبی و کمک

ص: ۳۷

عمه اش، حضرت زینب علیها السلام، با در پیش گرفتن بالا-ترین رتبه تقیه حفاظتی جان خود و اهل بیت علیهم السلام را حفظ کرد.

دوران آشفته جنگ های داخلی (۶۳-۷۳ ه. ق)

خلافت زبیری (و خلافت مروانی)

دوری جامعه اسلامی از اهل بیت علیهم السلام و مکتب حق و گرفتار شدن آنها در دام مدعیان گوناگون منجر به کشتارها و وارد آمدن ضررهای بسیاری به جهان اسلام شد. به دنبال آن، مروانیان روی کار آمدند و با آغاز امارت حجاج ثقفی بر سراسر عراق و حجاز، با هدف محو فرهنگ اهل بیت علیهم السلام به گسترده ترین کشتارها در جامعه اسلامی دست زدند.

دوران خلافت مروانی (۷۳-۹۵ ه. ق)

عبدالملک مروان، ولید بن عبدالملک

اوج گیری دوران خلافت مروانی از نظر فتوحات و نیز رواج یافتن فرهنگ و اسلام اموی مروانی که ترکیبی از نظام فکری جبرگرایی و رواج مفاسد اخلاقی یا اجازه یافتن زهدگرایی صوفیانه بود.

وضعیت جامعه اسلامی در زمان امامت حضرت سجاد علیه السلام

وضعیت جامعه اسلامی در زمان امامت حضرت سجاد علیه السلام

جامعه اسلامی در زمان امام سجاد علیه السلام شاهد یکی از آشفته ترین دوران های خود بود.

جامعه شیعه

حادثه کربلا و سیاست های ضد شیعی امویان و زبیریان قبل و پس از حادثه کربلا باعث وارد شدن شدیدترین ضربه ها بر تشیع عاطفی شد که در برخی از قبایل عراق موجود بود. بر اساس همین امر نزدیک بود حتی در عراق با محوریت کوفه، تشیع به تدریج از بین برود. با این حال، نیروسازی امام سجاد علیه السلام از بردگان، موالی قبایل عرب و برخی جوانان کوفی زمینه های امیدواری برای حفظ و احیای تشیع را فراهم کرد.

جامعه اسلامی

حادثه کربلا بسیار مظلومانه بود، ولی باعث ایجاد خیزش ها و قیام ها در جهان اسلام و یا موج بازگشت به اسلام اصیل نشد. مهم ترین دست آورد

عاشورا، رسوایی جریان خلافت و تعطیلی پروژه اسلام زدایی بود، اما بر جامعه اسلامی تأثیری به معنی تحول بنیادین نداشت، مگر در کوفه و در قالب قیام های موقت توابین و مختار. همراهی تاریخی جامعه اسلامی و به ویژه سکوت یا همراهی علمای تابعین باعث قدرت گیری مجدد مروانیان و زبیریان در برابر امامان شد.

جریان های فکری و فرهنگی

پس از عاشورا و مرگ زودهنگام یزید، جامعه اسلامی (اهل سنت) برای اولین مرتبه در درون خود دچار اختلاف ها و درگیری های طولانی (۱۰ ساله) شد. دو جریان عثمانی زبیری با جریان عثمانی مروانی در برابر هم قرار گرفتند. پایان درگیری ها هم آغاز اختناق و ظلم های فراوان حجاج در سراسر عراق و حجاز بود.

این تحولات باعث رشد دو جریان فرهنگی در جهان اسلام شد. یکی، رواج انحطاط اخلاقی به مرکزیت حجاز و مدینه و دیگری، رواج روحیه بی اعتنایی و انزوا با محوریت تصوف.

نگاه تحلیلی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام

نگاه تحلیلی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام

امام سجاد، احیاگر تشیع است. نظام اجتماعی تشیع در زمان پیامبر اکرم با سفر تبلیغی امیرمؤمنان به یمن در اواخر سال دهم هجری (سفری که به حجهالوداع و رویداد غدیر خم متصل گردید) ایجاد شد. در این سفر، بنیان های اجتماعی تشیع در برخی قبایل یمن در قالب گرایش عاطفی و محبت شدید به حضرت علی علیه السلام بنیان گذاری شد. (این رویداد، جدا از شکل گیری دسته صحابه شیعی مقیم مدینه است) در دوران خلفا، با مدیریت پنهان و واسطه ای امیرمؤمنان علی علیه السلام، این قبایل در ضمن فتوحات، یمن را ترک کردند و با کمک خواهی یاران حضرت (همانند سلمان و عمار و حذیفه از صحابه و جوانان یمنی همانند مالکاشتر و برادران ابن صوحان (زید و صعصعه و نیز کمیل و...))، بیشتر آنها ساکن کوفه و گروهی نیز ساکن بصره شدند. آن گاه با تبلیغ های غیرمستقیم این دو گروه، گرایش های عاطفی آنها به تشیع اعتقادی ساده و کلی تبدیل شد و در نهایت، آنان مهم ترین یاوران امام را در دوران خلافتش تشکیل دادند.

ص: ۳۹

در دوران معاویه، این تشیع عاطفی و کمتر اعتقادی، ضربه های فراوان اجتماعی، فکری و فرهنگی را متحمل شد. دورافتادگی آنها از اهل بیت علیهم السلام، آنها را به افکار التقاطی یا خودبنیادی نزدیک کرده بود.

پس از عاشورا، دشمنان اهل بیت علیهم السلام به مدت ۱۰ سال به اسم خلافت زبیری و ۲۵ سال در پوشش خلافت مروانی تلاش فراوان کردند تا این قبایل و دیگر گروه های اجتماعی با امام سجاد علیه السلام هیچ ارتباطی نداشته باشند.

در این شرایط، امام سجاد علیه السلام با اجرای سیره عبادی عرفانی در نهایت مرتبه خود به ویژه در ایام مراسم حج در کنار استفاده از ظرفیت های عاطفی و شور احساسی کربلا برای جذب های (اگرچه حداقلی) افراد مستعد می کوشید.

این دوران طولانی ۳۵ ساله از نظر مدیریت هدایت اجتماعی امام سجاد علیه السلام آن هم به صورت غیرمستقیم و در قالب تقیه شدید کاملاً همانند دوران ۲۵ ساله خانه نشینی امیرمؤمنان علی علیه السلام است.

بن مایه های معرفتی و سیره ای امام سجاد علیه السلام برای جامعه اسلامی با هدف احیای تشیع

بن مایه های معرفتی و سیره ای امام سجاد علیه السلام برای جامعه اسلامی با هدف احیای تشیع

تلاش ۳۵ ساله امام سجاد علیه السلام برای حفظ کلیت اسلام در جامعه و احیای تشیع در این دوران سخت برارانه و اجرای مجموعه ای از برنامه های نرم افزاری و سخت افزاری از سوی امام برای جامعه اسلامی مبتنی بود.

برنامه و سیره کلی

رویکرد نرم افزاری

رویکرد سخت افزاری

شخصیت و سیره عاطفی

در دوره آغازین امامت خود با وجود تقیه شدید، تنها نرم افزاری را که در جامعه خفقان زده یا آشوب زده می توانست اجرا و عرضه کند، استفاده از ظرفیت های عاطفی احساسی و سیاسی حماسی حادثه کربلا بود.

امام همیشه به ویژه در ۲۰ سال اول (از ۳۵ سال امامت خود) در لحظه لحظه زندگی اجتماعی اش در مدینه به یادآوری و احیای تشیع حادثه کربلا در هر مناسبتی اهتمام می ورزید.

ص: ۴۰

شخصیت و سیره عبادی عرفانی

نیمه دوم امامت آن حضرت که با تثبیت خلافت مروانی و سیاست ایجاد ایستایی (از نظر سیاسی و اجتماعی) و انحطاط اخلاقی مصادف است. امام با اجرای گسترده سیره عبادی و عرفانی خود کوشید توجه بخشی از جامعه اسلامی را به مهم ترین نرم افزار امیدبخش یعنی معنویت دینی جلب کند.

امام پس از سقوط خلافت زبیری و آرام شدن آشوب های اجتماعی، سیره و سنتی را پایه گذاشت که امامان بعدی ادامه دادند. این سیاست، حضور مستمر و سالانه در مراسم حج با شخصیت و سیره ای کاملاً عبادی و عرفانی که جذبکننده فطرت های پاک بود (امام ۲۰ مرتبه به سفر حج رفت که احتمالاً بیشتر آنها پس از سقوط زبیریان بود).

شخصیت و سیره اجتماعی

جامعه اسلامی در این سال ها روز به روز به سوی انحطاط بیشتر سقوط می کرد. امام برای حفظ جامعه و احیای آن (و فاصله اندازی بین جامعه و حاکمیت باطل)، رساله حقوق را در قالب معرفی حقوق فردی و اجتماعی هر فرد مسلمان نگاشت تا بر اساس آن، جامعه اسلامی به تدریج از جامعه مروانی به جامعه نبوی بازگردد.

امام برای تبیین حقوق اسلامی در جامعه، همیشه در اوج الگوی عملی و رفتاری از منظر اخلاق و حقوق اسلامی ظاهر می شد. (حتی گاه در قالب خدمت گزار ناشناس در کاروان های حج باعث تحول و توجه دهی آنها به اسلام علوی می شد). پس از مدتی که محدودیت های اجتماعی امام کاهش یافت، با سیاست تربیت بردگان و موالی و آزاد کردن آنها در جامعه به توسعه الگویی و بیرونی این حقوق می پرداخت.

ص: ۴۱

در اواخر دوران زندگی هم که اندک شاگردانی یافت، این رساله را به آنها آموخت تا به نشر آن پردازند.

باتوجه به آنچه در جدول های بالا ارائه شد، مقطع ۳۵ ساله امامت امام سجاد علیه السلام که از طولانی ترین دوران های امامت است، دورانی مهم در تاریخ تشیع است که درس های فراوانی برای مبلغین، جامعه شیعه و جامعه اسلامی (در آستانه بیداری اسلامی) از نظر مدل سازی برای مدیریت دینی در اوج هجوم ها خواهد داشت.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

شخصیت نسبی امام

امام سجاد، اولین رهبر مسلمان دو رگه (عرب و عجم) در اوج تعصب های نژادی و سیاست های ضدایرانی و غیرعرب ستیزی امویان و مروانیان است.

نام امام

هم نامی با حضرت علی علیه السلام با توجه به پیش گویی های نبوی و علوی درباره این مولود (آن هم در آینده پیش روی که با اجرای سیاست امویان و مروانیان مبنی بر علوی زدایی از جامعه همراه بود) به معنی سیاست فعال و آگاهانه اهل بیت علیهم السلام برای دوران سخت علوی ستیزی است که نام علی در قالب نام بزرگ بنی هاشم و رهبر شیعه همچنان بدرخشد.

القاب امام

القابی همانند (سجاد، زین العابدین، ذوالثغنا و...) بیانگر زمان شناسی و مخاطب شناسی امام و تعریف شخصیت اجتماعی خود به گونه ای است که حضور اجتماعی اش آکنده از لحظه های معنوی بوده و به این صورت دعوت گر غیرمستقیم به دین باشد.

دعا ها و مناجات های امام در جامعه

امام با ابزار دعا و مناجات به ویژه در ضمن مراسم حج سعی می کند توحید ناب اسلامی را در برابر خداشناسی انحرافی امویان ارائه کند.

امام با سلاح دعا و مناجات و تلاوت نیکوی قرآن (که گاه در برابر منزل امام در مدینه راه بندان ایجاد می کرد) کوشید جامعه بازگشته به

ص: ۴۲

جاهلیت و غرق غنا و آوازخوانی و غفلت و گناه را با جاذبه های دعا و قرآن به هویت دینی خود بازگرداند.

امام با سلاح دعا و آن هم تنوع بخشی به آن برای مسائل و حالات گوناگون زندگی تلاش کرد خداوند را در لحظه لحظه زندگی مردم وارد کند تا در اوج حاکمیت سبک زندگی اموی که بر محوریت خدا فراموشی بود، سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام را بر محوریت یاد و حضور خداوند در لحظه لحظه زندگی عرضه دارد.

سیره عرفانی امام

امام در زمانه سرخوردگی جامعه و پیدایش بستری برای نشر تصوف انحرافی، عرفان صحیح اسلامی را که هم شورآفرین است و هم جامعه گریزی را نفی می کند، معرفی کرد.

امامت در دورانی به شدت سخت و ظلمانی

امام سجاد علیه السلام، الگوی مدیریت بحران برای تک تک شیعیان است. فعالیت ایشان نشان می دهد حتی در سخت ترین دوران و در شدیدترین محاصره ها، یا انزوای اجتماعی، با استفاده از کیفیت بالای فرهنگ شیعی می توان به نبرد جبهه باطل رفت.

اندک یاران و شاگردان امام

امام در دوره انحطاط فرهنگی و اخلاقی مراکز و جوامع اصلی اسلامی، با تمرکز بر جوانان و فطرت های پاک آنها به جذب و تربیت اولین نسل از یاران علمی اهل بیت علیهم السلام در دوران جدید می پردازد.

(تقریباً ۹۰ درصد یاران امام، جوانان جدیدی هستند که بعدها جزو اصحاب صادقین علیهما السلام شدند، کسانی همانند ابو خالد کابلی، ابو حمزه ثمالی، ابان بن تغلب، یحیی بن ام طویل و...).

یاران ایرانی و غیرعرب امام

در دورانی که مروانیان سیاست تعصب نژادی و پان عربیسم اسلامی را پی ریزی و نظام اجتماعی را بر مبنای آن طراحی کرده بودند، بخش قابل توجهی از یاران به ویژه خواص یاران امام، از ایرانیان یا عرب ها بودند. (همانند ابو خالد کابلی که از اولین جوانان اقبال کننده به امام است).

غلامان و سیره تربیتی امام

رفتار امام نشان می دهد تربیت اسلامی اگر درست اجرا شود،

ص: ۴۳

می تواند حتی غلامانی را که شخصیت ضعیف و فرو پاشیده داشتند، به انسان هایی برجسته و اثرگذار و اندیشمند در جامعه تبدیل کند.

رساله حقوق امام

امام، جامعه ایستا، بسته و ضد اسلامی دوران مروانی را نه با مبارزه سخت افزاری، بلکه با احیای نرم افزاری ارزش های جامعه اسلامی در قالب رساله حقوق نقد می کند.

سفرهای حج امام

لحظه لحظه زندگی امام، جامع پیام های گوناگون و درس آموزی متعددی بود، همانند سفرهای حجش که هم عبادت به درگاه حق تعالی بود، هم از نظر آموزش (مناسک حج)، احیاگر حج نبوی بود، هم از نظر سلوک اخلاقی کارکردهای تربیتی داشت و هم در جامعه اسلامی، جذب کننده جوانان مستعد به سوی مکتب حق بود. از نظر سیاسی نیز با نمایش قدرت و محبوبیت اهل بیت علیهم السلام در جامعه (داستان حج امام و تعجب هشام و شعسرایبی فرزدق) خاری در چشم باطل و اتمام حجتی برای آنها بود.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

وقتی گرد و غبار روز غم بار عاشورا فرو نشست، تنها مرد جوانی که اسیر شد، امام سجاد علیه السلام بود. در کوفه و شام بارها به قتل تهدید شد، اما بیماری، نداشتن معرفت و شهرت و جایگاه اجتماعی همانند پدران خود و از همه مهم تر، حمایت های حضرت زینب علیها السلام باعث نجاتشان گردید. ایشان نیمه اول اسارت را به سلامت (البته زیر فشارهای شدید) پیمود، چون یزیدیان فکر نمی کردند دیگر پرچمداری برای سیدالشهدا باقی مانده باشد.

خطبه امام سجاد علیه السلام در مسجد اموی پایه های خلافت یزید را لرزاند، ولی دیگر دیر شده بود و دیگر امکان نداشت امام را به شهادت برسانند. به این گونه بود که امام سجاد علیه السلام از خطبه اش در شام به خلافت و جامعه نشان داد نام، یاد، شخصیت و سیره امام علی علیه السلام هنوز زنده است. از این منظر، سیره و شخصیت گفتاری امام سجاد علیه السلام حُسن ختام این بخش است:

ص: ۴۴

سیره گفتاری امام در دوره های امامت خود

دوران اسارت

دوران آشوب ها یا خفقان شدید

دوره آرامش و حرکت به سوی نوزایی اجتماعی

از نظر ساختاری و فرم

خطابه و سخنرانی

دعا و نیایش و تلاوت

تدریس و کلاس و مدرسه (خصوصی)

از نظر محتوایی

تأکید بر فضایل اهل بیت علیهم السلام و نقش و جایگاه عرفانی و اجتماعی آنها و احیای یاد و نام آنها در جامعه

بازخوانی توحید اصیل اسلامی ناظر به مبنا و اصل بودن این معرفت در نظام اندیشه ای و رفتاری اسلام

تلاش برای اصلاح و طراحی درست روابط فردی و اجتماعی با هدف بازخوانی سبک زندگی دینی

ایده های مهدوی

ایده های مهدوی

بین مهدویت و زندگانی و دوران امامت امام سجاد علیه السلام از منظر رویکرد اجتماعی و تربیتی می توان به مطالعه تطبیقی پرداخت. بین دوران اجتماعی امام و دوره آغازین امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که دوران غیبت صغری بود و دوران پیش از ظهور که دوره سخت آخرالزمان است، شباهت های سیاسی و اجتماعی فراوانی وجود دارد. از این منظر، سیره و مدیریت بحران امام در آن شرایط می تواند پیام های فراوانی برای این دو جامعه بویژه برای جامعه کنونی آخرالزمانی داشته باشد.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

نگاه تطبیقی به بیداری اسلامی

سیره امام سجاد علیه السلام بر مبنای طراحی نظام دو مرحله ای است: نخست، دعا و نیایش هایی که هویت معنایی بخش است و سپس ارائه رساله حقوق به جامعه که سبک و ساختار بخش است. این نظام خاستگاه صدور بهترین پیام ها از جهان تشیع برای بیداری اسلامی و حتی خیزش های جهانی است.

رویکرد تبلیغی و صدور انقلاب

در تحولات جاری در منطقه و آغاز خیزش جوانان، با الگوگیری

ص: ۴۵

از فعالیت امام سجاد علیه السلام می توان کانون تبلیغات دینی را بر جوانان مسلمان خسته از ستم معطوف کرد.

در تحولات جاری، رسالت شیعه به جای اقدامات شتاب زده عملیاتی (همانند نمونه و تجربه های تاریخی زیدیه)، راه اندازی جریان گسترده نرم افزاری و ارتباط برقرار کردن با اندیشه ها و دل ها (به جای احزاب و گروه ها) می تواند مهم ترین راهبرد شیعه باشد.

۵. زندگانی حضرت علی اکبر علیه السلام

اشاره

۵. زندگانی حضرت علی اکبر علیه السلام

زیر فصل ها

خلاصه زندگانی نامه

شخصیت خانوادگی حضرت علی اکبر علیه السلام

ایده مهدوی

خلاصه زندگی نامه

خلاصه زندگانی نامه

بر اساس برخی گزارش های مستند، حضرت علی اکبر علیه السلام در یازدهم شعبان سال ۳۴ هـ ق (یک سال و نیم پیش از خلافت حضرت علی علیه السلام، در اواخر خلافت عثمان) متولد شد. بنابراین، ایشان اولین فرزند سیدالشهدا است (که در ۳۰ سالگی پدر متولد شده است).

مادرش، لیلا- بنت ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی است. دوره کودکی اش (همانند دوران کودکی پدرش در زمان پیامبر) در مسجد پیامبر در مدینه و مسجد کوفه گذشت.

پس از صلح و بازگشت اهل بیت علیهم السلام به مدینه و غربت آنها در این شهر، نظر به فرصتی که برای حسنین علیهما السلام فراهم شد، توجه آنها متوجه نیروسازی برای رویداد کربلا- گردید. در این میان، کودکان و نوجوانان بنی هاشم از توجه ویژه سیدالشهدا برخوردار شدند. در کربلا، حضرت علیاکبر علیه السلام سرآمدترین جوانان بنی هاشم پس از حضرت ابوالفضل علیه السلام بود.

ابعاد و جلوه های شخصیتی حضرت علی اکبر علیه السلام

ابعاد شخصیتی

ویژگی شاخص حضرت علیاکبر علیه السلام

شخصیت نسبی از سوی مادر

مادرش نوه عروه بن مسعود، بزرگ ثقیف است که پس از جنگ طائف به پیامبر ایمان آورد و برای تبلیغ اسلام نزد قبیله خود بازگشت، اما به دست آنها شهید شد.

مادر مادرش، میمونه دختر ابوسفیان (رئیس بنی امیه) است (از مادری

ص: ۴۶

به نام لبابه از خاندان بنی امیه) که پس از اسلام آوردن ابوسفیان متولد شده بود.

نام

نامش علی است. این اولین بار است که نام علی برای فردی از فرزندان بنی هاشم انتخاب می‌شود.

شخصیت جسمی و همچنین رفتاری

همان گونه که خواهرش، فاطمه بنت الحسین به حضرت زهرا علیها السلام شباهت بسیار داشت، او شباهت بسیار به پیامبر اسلام داشت.

شخصیت خانوادگی حضرت علی اکبر علیه السلام

شخصیت خانوادگی حضرت علی اکبر علیه السلام

با مطالعه تطبیقی بین شخصیت مادر حضرت علی اکبر با حضرت ام البنین (مادر حضرت عباس علیه السلام) و نگاهی به شخصیت قبیله‌ای هر دو حدس زده می‌شود در ماجرای این دو ازدواج؛ نوعی برنامه ریزی به ویژه آینده‌نگری هوشمندانه وجود داشته است.

هر دو مادر از قبیله‌هایی هستند که کمتر گرایش عمومی اهل بیتی علیهم السلام دارند، ولی دارای امتیازات اجتماعی یا صفات برجسته انسانی یا اخلاقی هستند و این رفتار از این منظر شایسته توجه است.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در این قبیله‌ها (بنی کلب و بنی ثقیف) برای انتخاب همسر برای خود یا فرزندش سراغ هر خانواده‌ای، نمی‌رود بلکه می‌گردد تا خانواده‌ای نزدیک یا علاقه‌مند به فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و دخترانی شایسته و پاک را انتخاب کند. ممکن است در ریشه این دختران، افراد نامناسبی هم باشند، اما خود آنها مستقیم و یا به واسطه یکی دو نسل، مصداق آیه قرآنی «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» هستند.

دست آورد این ازدواج‌ها از نظر فرهنگی، تأکید بر شعار اسلام است که معیار اول در انتخاب باید دین داری و تقوا و عمل صالح باشد. معیار بعدی از نظر اجتماعی نیز نیروسازی برای آینده جبهه حق از گروه‌ها و جوامعی است که در زمینه حق‌یابوری استبعاد دارند تا در آینده و در مواجهه احتمالی حق و باطل یا در مقام تبلیغ حق در میان همان جوامع یا جوامع شبیه آن، ثمره‌ای این ازدواج‌ها جایگاه ویژه‌ای داشته باشند.

از این منظر جالب است که وقتی خبر حضور مشترک و هم‌زمان حضرت ابوالفضل و حضرت علی اکبر علیهما السلام در کربلا به یزیدیان می‌رسد، به سرعت به تکاپو می‌افتند و تلاش می‌کنند با ارائه امان‌نامه، این دو بازوی کلیدی و توانای سیدالشهدا را از ایشان

ص: ۴۷

جدا کنند. با این حال، آنها با رد کردن آن امان نامه ها باعث ناکام گذاشتن توطئه دشمن می شوند.

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

مادر

نشانه و حجتی است برای امکان پاک زیستی در جوامع و خانواده هایی که تصور زندگی دین دارانه در آنها نمی رود. دین داری و پاک زیستی، دختران و بانوان مسلمان، الطاف الهی و حسن تقدیر و عاقبت به خیری را قسمت آنها می گرداند.

پاک زیستی دختران مسلمان آنها را در مسیر انتخاب مردان صالح و شایسته قرار می دهد.

یک بانوی پاک زیست و دین دار از میان خاندان سست ایمان اتمام حجتی بر آنهاست.

نام آن حضرت

حضرت علی اکبر علیه السلام با توجه به شباهت ظاهری به پیامبر و همچنین انتخاب نام امیرمؤمنان برای ایشان، جامع و حامل همزمان نشانه های نبوی و علوی است. ایشان به گونه غیرمستقیم، حامل و پیام آور اتحاد وجودی و تفکیک ناپذیری بین حقیقت خارجی پیامبر و نام ارزشمند علی است).

شخصیت خانوادگی مادری

پیامی روشن مبنی بر تأثیر تربیت، اراده و ایمان در برابر نگاه توهمی جبرگرایی بر اساس خون و نژاد یا جبر محیط و جامعه است.

وسيله ای است برای اتمام حجت بر باطل و خلع سلاح برخی شعارهای تبلیغاتی باطل آنها که بر محور نژادپرستی می گردد.

ریشه ها و شباهت ها

وجود حضرت علی اکبر علیه السلام به این معناست که هر انسان در تعریف هویت خود هر چه ریشه و پیشینه ارزشمند دارد، در

خدمت و رشد و تعالی قرار دهد و هر کجا ریشه‌ها قابل استناد نیست، سعی کند با شباهت جویی با اولیای حق و خودسازی و دور شدن از ارزش‌های ریشه‌ای نامناسب، در زمانه خود، حجت علیه آنها باشد نه اینکه به امتداد آنها پردازد.

بصیرت حضرت

با توجه به جایگاه ممتاز قبیله‌های اموی و ثقیف پس از رحلت پیامبر در جامعه، حضرت علی اکبر علیه السلام هیچ‌گاه برای یک بار هم حاضر نشد برای منافع دنیا و زندگی خود نگاهی به آن ارزش‌های جامعه جاهلی بکند. ایشان هرگاه در برابر جریان‌های رسمی باطل با محوریت این پیشینه قرار می‌گرفت، سعی می‌کرد در میان آنها نشانه‌ای برای حق باشد.

با توجه به فراوانی آگاهی‌های غیبی حضرت علی اکبر علیه السلام از حادثه کربلا (در جامعه آن روز یا حداقل در میان بنی هاشم یا از منظر مطالعه اجتماعی خط سیر مواجهه حق و باطل در آن روز) تلاش داشت هر چه بیشتر خود را برای کربلا آماده سازد. از این منظر (در کنار شباهت‌های جسمی به پیامبر) به شبیه‌سازی (الگوگیری تکمیلی) رفتاری و گفتاری خود با پیامبر به صورت ویژه توجه داشت.

نقش اجتماعی حضرت در جوانی

لحظه لحظه زندگی حضرت علی اکبر علیه السلام در جوانی (اواخر خلافت معاویه به ویژه در مراسم حج آن سال‌ها) به دلیل ترکیب ابعاد شخصیتی وجودی اش با نام زیبایش در جامعه‌ای که سنت و سیرت پیامبر در حال محو شدن بود و نام علی جرم بود، عاملی برای احیای نام و یاد پیامبر و حضرت علی علیه السلام بود.

اولین شهید کربلا

نشانه همانندی با جدش در سبقت گرفتن در تمامی خیرات و ایثارها حتی در شهادت بود.

ص: ۴۹

ایثارگری اش بیانگر صداقت وی در صحنه ایثار و حماسه بود.

ایده مهدوی

ایده مهدوی

در مورد شخصیت شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقام یک توصیف کامل گفته اند: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از هر نظر آینه تمام نمای پیامبر است». البته این شباهت با پیامبر، دو مرتبه و دو ترجمان دارد.

یکی، مرتبه و ترجمه شباهت با معصومان علیهم السلام است که همین شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر است. دیگری، شباهت غیر معصومانه است (البته این شباهت در عالی ترین درجه خود می تواند تا حد تالی تلو معصوم برسد) که همان شباهت حضرت علی اکبر علیه السلام با پیامبر باشد. (اولی، شباهت حصولی است و دومی، شباهت تحصیلی و اکتسابی).

یاران مهدی هم یارانی ویژه هستند و به جای اینکه به مردم زمانه خود شبیه و نزدیک باشند، همانند سلمان فارسی به ولی معصوم خود نزدیک تر و شبیه تر هستند. از این منظر، برای الگوسازی در دوران غیبت، حضرت علی اکبر علیه السلام، بهترین اسطوره و شخصیت های حماسی هماهنگ با فرهنگ انتظار برای جوانان است. همان گونه که حضرت علی اکبر علیه السلام بر اساس پیش گویی ها، چشم انتظار رویداد کربلا بود تا حماسه ساز جوان عاشورا باشد و برای این انتظارش هم تا آنجا تلاش کرد که به مرتبه همانندی و یادآوری پیامبر رسید؛ جوانان دوران غیبت هم باید با گفتار، رفتار و حضور اجتماعی خود بستر ساز اوج کوشش ها برای همانندی و یادآوری پیامبر در زمانه غیبت باشند.

۶. زندگانی حضرت زینب علیها السلام

اشاره

۶. زندگانی حضرت زینب علیها السلام

زیر فصل ها

زندگینامه

نگاهی کلی به شخصیت و سیره حضرت زینب علیها السلام

نتیجه گیری

زندگینامه

زندگینامه

ولادت حضرت زینب علیها السلام در سال پنجم هجرت باعث شادی پنج تن آل عبا شد. پنج سال از زندگانی این بانو همراه با پیامبر و مادرش گذشت. نوجوانی و جوانی ایشان با دوران مظلومیت و خانه نشینی پدر هم زمان بود. به این دلیل، بیشترین بهره ها را از

ص: ۵۰

محضر پدر برد. در همین سال ها با پسر عمویش، عبدالله بن جعفر ازدواج کرد که ثمره آن را از دو تا پنج فرزند گفته اند. حدود چهار سال از خلافت حضرت علی علیه السلام در کوفه گذشت. در این زمان، حضرت زینب علیها السلام در کوفه نقشی همانند مادرش در مدینه برای بانوان داشت. شهادت پدر و صلح برادر دوباره باعث بازگشت دوران مهجوریت اهل بیت علیهم السلام شد. با مرگ معاویه و قیام برادرش، سیدالشهدا علیه خلافت یزید، آن گاه که آواره گی و غربت های سیدالشهدا، آغاز می گردد، نظر به ضرورت همراهی اهل بیت علیهم السلام با سیدالشهدا، رسالت تاریخی حضرت زینب علیها السلام نیز آغاز می شود.

دوره های زندگی حضرت زینب علیها السلام

دوره های زندگانی حضرت

حاکم زمانه

وضعیت زندگی اجتماعی حضرت زینب علیها السلام

۵ سال اول

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

زندگی در اصریل ترین، پاک ترین و کامل ترین الگوی خانوادگی آن هم در همسایگی مسجد پیامبر خدا از یک سو و همسایگی شخص پیامبر از سوی دیگر، شیرین ترین و زیباترین دوران زندگی حضرت زینب علیها السلام بود.

۲۵ سال نوجوانی و جوانی

خلفای سه گانه

به دلیل مهجوریت پدر و برادران معصومش از جامعه اسلامی، جامع ترین و کامل ترین تربیت را در فرصت کافی به دست آورد.

۵ سال در کوفه

خلافت پدر

وی توانست نقش یک زن شایسته مسلمان را بر مبنای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در میان شهری که اقلیتی بزرگ از قبیله ها و خاندان شیعه داشت و تنها فرصت تاریخی برای ارتباط الگویی مستقیم و از نزدیک را برای بانوان شیعه فراهم ساخت.

۲۰ سال در مدینه

خلافت معاویه

مظلومیت و مهجوریت و یاریرسانی در فرآیند تربیت جوانان عاشورایی بنی هاشم به ولیّ زمان خود

ص: ۵۱

۳۲ سال پایانی زندگانی

خلافت یزید

یاور سیدالشهدا در مدیریت اهل بیت علیهم السلام تا عاشورا، و پیام‌رسان عاشورا از اسارت تا رحلت

جوامع و جریان‌های فکری معاصر با زندگی حضرت زینب علیها السلام

جامعه شیعه

آن حضرت دو دوره مهجوریت اهل بیت علیهم السلام را قبل و بعد از خلافت پدر تجربه کرد. ایشان در این سال‌ها با تشکیل دادن زندگی و آن‌گاه تربیت جوانان هاشمی برای الگو سازی خانواده شایسته و ترویج روش تربیت شیعی به عنوان یک بانوی مسلمان فعال بود. وی در دوران خلافت پدر در کوفه برای گسترش و توسعه این الگو در میان شیعیان کوفه بسیار کوشید.

جامعه اسلامی

جامعه اسلامی بر اثر تبلیغات خلفا و امویان از اهل بیت علیهم السلام دور شده بود. با این حال، حماسه عاشورا شرایطی را برای حضرت زینب علیها السلام فراهم کرد که با استفاده از فرصت تاریخی اسارت به حساس سازی افکار عمومی و هشداردهی به جامعه اسلامی غفلت زده بپردازد.

جریان‌های فکری اجتماعی

پیامبر اسلام به زن، کرامت و شخصیت بخشید. در مقابل، جریان خلافت تلاشی بود برای تحریف معنایی و مصداقی زن مسلمان. در این تعریف جدید، زن دوباره به حاشیه رفت و در نهایت انحطاط، اموری همانند غنا و خوانندگی معیار ارزش گذاری اجتماعی اش بود.

حضرت زینب علیها السلام در دو مقطع (خلافت پدر و اسارت) در کوفه کوشید چهره و تعریف راستین و درست اسلام از زن مسلمان را برای جامعه اسلامی نمایش دهد.

نگاهی کلی به شخصیت و سیره حضرت زینب علیها السلام

نگاهی کلی به شخصیت و سیره حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام تا قبل از رویداد عاشورا، از منظر شخصیت خانوادگی و اجتماعی زن مسلمان آئینه تمام نمای مادرش، حضرت زهرا علیها السلام بود. ایشان از مقطع عاشورا گاه همانند مادر و گاه همانند پدر یادآور نظام و سبک زندگی و ارزش‌های اهل بیت علیهم السلام و پیامبر برای جامعه اسلامی است.

ص: ۵۲

او در این زمانه در امتداد جریان تاریخی بانوان اهل بیت علیهم السلام در کنار معصومان، سومین مرحله از معصوم یآوری را بر اساس شرایط و نیازهای زمانه به اجرا می گذارد:

شخصیت

مأموریت

دوران

بازتاب

حضرت خدیجه علیها السلام

نبی یآوری

دوران سخت رسالت پیامبر در مکه به ویژه هنگام اوج گرفتن محاصره و فشارهای اقتصادی و اجتماعی در زمانه شعب ابیطالب.

رحلت پس از پایان زندگی سخت در شعب

حضرت زهرا علیها السلام

ولی یآوری

دوران سخت پس از رحلت پیامبر و هجوم منافقان با تمام عده و عده برای نابودی جایگاه و نام و وجود وصی پیامبر.

شهادت به دلیل دفاع همه جانبه

حضرت زینب علیها السلام

امام یآوری

دوران طاقت فرسای عاشورا و اسارت در مقام همراهی با مصایب سیدالشهدا، حفظ جان امام سجاد علیه السلام، پذیرش نیابت موقت اجتماعی امام در دوران اسارت و مدیریت پیام رسانی عاشورا.

رحلت در فاصله کوتاهی پس از اسارت

ایده ها و نکته ها

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

دوره های زندگی

دختران اهل بیت علیهم السلام ، الگوی تربیت یافتگی و رشد جامع در ایمان و عبودیت و علم و مدیریت بودند.

دختران اهل بیت علیهم السلام در دو و نیم قرن، الگوهای پیوسته زمان مند و روز آمد برای تعریف شخصیت و جایگاه دختران و زنان شیعه بودند.

دختران اهل بیت علیهم السلام ، ترجمانی زنانه از شخصیت و سیرت ولیّ معصوم هر زمان بودند.

القاب حضرت

شخصیت جامع حضرت از منظر نام و القاب (زین اب + عقيله +

ص: ۵۳

عالمه + ...)، تربیت یافتگی و الگو بودن برای بانوان جامعه شیعه، سرمشق بود.

زینت پدر

امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام شخصیت جامع الاضداد داشت. دختر تربیت یافته او هم مجمع صفات و روحیات متضاد است. با اینکه زن است، در بسیاری از صحنه های عاشورا و در اسارت از اوج عاطفه و احساس برخوردار است، اما این احساس همواره با حیا و عفت، وقار و هیبت، عقلانیت و تدبیر همراه است. در عین فوران احساسات، پاسخ دشمنی را عالمانه می دهد. به همین دلیل، در سخت ترین شرایط اسارت، شجاعت و شهامت فراوان از خود نشان می دهد.

اوج اخلاق و عرفان

حضرت زینب علیها السلام در اوج سختی ها نه تنها از شدت مصیبت سخن ناسنجیده نمی گوید، بلکه در سخت ترین صحنه ها سخنانش بیانگر برخی اصول اخلاقی و عرفانی در مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

رویکرد تربیتی

بر اساس پیش بینی های گسترده پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام از عاشورا و اسارت آگاهی داشت. چون به حساسیت مرحله و سختی های آن واقف بود، در سراسر دوران ۵۰ ساله از رحلت پیامبر تا آستانه عاشورا، با انجام دادن انواع سلوک ها و تربیت ها در مقام کسب آمادگی برای این رسالت و مأموریت سخت بود. (همانند پیامبر که تا چهل سالگی انواع سیر و سلوک ها را پیمود تا آماده پذیرش بعثت گردد یا مأمور به نماز شب بود تا سختی رسالت بر او آسان گردد).

کارکرد عبادت و عبودیت در زندگی حضرت زینب علیها السلام در سراسر دوران اسارت در مقام آرامش بخشی، وسعتبخشی به ظرفیت ها و سعه صدرها و بینش و بصیرت بخشی در بحران ها و حیرت ها بود.

یک نکته و ایده از منظر فمینیستی (زن سالاری): کاروان اسارت تا اواسط دوره حضور در دمشق، کاروانی بر محوریت مدیریت و تدبیر حضرت زینب علیها السلام بود. این دوره هیچ گاه به زن سالاری فمینیستی تبدیل نشد، بلکه حضرت زینب علیها السلام با درک ضرورت ها و اضطرارهای زمانه

ص: ۵۴

می دانست جایگاه ها و نقش ها چیست و همواره لایه پنهان مدیریت را در اختیار امام سجاد علیه السلام گذارده بود.

مدیریت در اسارت

مدیریت در سایه ایشان نسبت به اهل بیت علیهم السلام و بانوان حرم در سراسر دوره همراهی با سیدالشهدا (از مدینه تا مکه و از مکه تا عاشورا) به ویژه در روز عاشورا آشکار است که مدیر و راهبر بانوان و کودکان حرم بود و از آشفتگی ها یا اضطراب ها جلوگیری میکرد.

وی در سراسر دوران اسارت، الگوی عملی برای اهل حرم بود. ایشان بین اسارت با مأموریت آسمانی و پیام رسانی جمع کرده و از شکوه و بی صبری عجولانه پرهیز داشت.

مدیریت پیام مرحله ای از عصر عاشورا تا کوفه و از کوفه تا شام و از شام تا مدینه و ارائه شعارها و ارزش های اهل بیت علیهم السلام به پشتوانه عاشورا جنبه دیگری از مدیریت ایشان است.

مدیریت دوران اسارت بین مراحل آغازین و مراحل واپسین؛ از مقام حفاظت گری ولیّ زمان تا خطبه خوانی و نیز روند نزولی خطبه خوانی آن حضرت به موازات مجال یابی امام سجاد علیه السلام برای ایفاگری نقش اجتماعی (مدیریت پویا و هوشمند) اهمیت دارد.

مدیریت پیام با شیوه گریه و روضه خوانی (همانند گریه های مادر و بازتاب های سیاسی آن) در سراسر دوران زندگی ایشان پس از عاشورا نمود داشت.

ایشان سخت ترین شرایط بحرانی را در طول تاریخ امامت مدیریت کرد و این به ظاهر انفعالی ترین شرایط جبهه حق را که با هجوم سنگین سختافزاری و نرمافزاری جبهه باطل همراه بود، به فعال ترین و اثرگذارترین دوره پیام رسانی برای جریان حق (در متن و کانون جامعه باطل) تبدیل کرد.

الگو سازی حضور اجتماعی بانوی مسلمان

ایشان به اسطوره (خاطره تاریخی و جمعی ماندگار در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و شیعه) برای زن مسلمان در شرایط اجتماعی خاص به ویژه

ص: ۵۵

در شرایط بحرانی تبدیل شد به گونه ای که از آن پس، الگوی تمام دختران اهل بیت علیهم السلام در شرایط ویژه حضرت زینب علیها السلام بود. (حضرت معصومه علیها السلام در سفر به قم و حکیمه خاتون پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و...)

نقش اسطوره ای و هویتی حضرت برای مکتب تشیع

در بررسی مقایسه ای بین تشیع با تسنن و حتی با یهود و مسیحیت، آنها از بانویی (غیر معصوم، اما تالی تلو معصوم و قابل الگوبرداری مستقیم تر برای همه بانوان) جامع و با درایت و در اوج احساس و عاطفه حماسی که خالق سوزناک ترین و مظلومانه ترین صحنه ها (تراژدی) در عین منطق و عقل و استدلال باشد و با گفتار و رفتاری شجاعانه در سخت ترین شرایط همراه باشد، محروم هستند.

بدین دلیل، ارزش اجتماعی و نقش تاریخی بانوان شیعه با بانوان در مکتب اهل سنت یا مسیحیت تفاوت بسیار دارد و این امر در شخصیت اسطوره ای حضرت زینب علیها السلام در تاریخ تشیع ریشه دارد.

نگاه تطبیقی زن در فرهنگ خلافت با زن در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام

بررسی تطبیقی زنان مدینه، مکه، کوفه (و بصره) و شامات (زنانی که در مسیر کاروان قیام و اسارت بودند) با زنان کاروان اهل بیت علیهم السلام با محوریت حضرت زینب علیها السلام برای نسبت سنجی زن در دیدگاه خلفا با دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در قالب مصادیق تاریخی هم عصر حضرت زینب علیها السلام اهمیت دارد.

چرایی همراهی بانوان اهل بیت علیهم السلام با سیدالشهدا

بانوان اهل بیت علیهم السلام همواره باید چنان تربیت یافته و آماده باشند که در شرایط ویژه، ایفاگر نقش تاریخی خود در برابر جامعه باطل هجوم گر یا جامعه حق تشنه و نیازمند باشند. (مهم ترین وضعیت تاریخی که ضرورت این ایفاگری نقش را فراهم می کند، زمان هجوم گسترده و همه جانبه باطل و محدودیت سازی برای نیروهای کارآمد در جبهه حق است که امکان استفاده از سخت افزار یا نرم افزار مردانه حق در مواجهه باطل فراهم نباشد. در این صورت، آخرین سلاح جبهه حق، حضور زنانه حق با سلاح ترکیبی از عقل و احساس، شور و شعور همراه با حیا و عفاف است.)

سیدالشهدا در طول قیام خود، مدعی نظام ارزشی و فرهنگی متفاوتی از

ص: ۵۶

جبهه فرهنگی خلافت بود. حداقل کارکرد همراهی اهل بیت علیهم السلام، نمایش همه جانبه نظام زندگی حق بر مبنای تفکر اهل بیتی علیهم السلام بود.

دعوت سیدالشهدا، قیام فراگیر و همه جانبه جامعه اسلامی بود. قیامی که قطعاً باعث به خطر افتادن نظام زندگی روزمره و حتی خانه و خانواده می شد. امام نشان داد در این فراخوان به دعوت نمی خواهد، در حالی که خانواده های مردم در اضطراب و فشار هستند، خانواده خودش در آسایش باشند، بلکه همه با هم باید برای حق قیام کنند. (فرازی از خطبه امام در برابر حرّ در میانه راه آن گاه که امام فرمود: «و اهلی مع اهلکم».)

حضرت زینب علیها السلام از عاشورا و اسارت و سختی های آن آگاهی داشت، اما چون ضرورت آن را در مقام احقاق حق در خط تاریخی حق می دانست، نسبت به آن تسلیم و راضی بود.

رویکرد سیاسی

حضرت زینب علیها السلام (و بهتدریج، امام سجاد علیه السلام) احیاگر نام و یاد، شعائر امیرمؤمنان علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام پس از ۲۰ سال تبلیغات ضد علوی معاویه، آن هم در پایتخت همیشگی و ناصبی (و عثمانی مسلک) امویان، دمشق بود.

نقطه اوج موفقیت سیاسی حضرت زینب علیها السلام، راه اندازی مجلس روضه سیدالشهدا در قصر یزید همراه با زنان حرم سرای یزید بود که پس از انفجارها و عقب نشینی های پیاپی یزید در برابر اهل بیت علیهم السلام رخ داد. یزید وقتی با قدرت سلاح گریه سیاسی حضرت زینب علیها السلام روبه رو شد به سرعت دستور بازگرداندن اهل بیت علیهم السلام را به حجاز داد.

مهندسی پیام در سخنان حضرت

حضرت زینب علیها السلام نقشآفرینی خود را از منظر گفتاری از عصر عاشورا و پس از شهادت سیدالشهدا آغاز می کند و تا قبل از خطبه حماسی امام سجاد علیه السلام در دمشق به پایان می رساند. گفتارهای حضرت هر چند اندک به ما رسیده، از نظر هندسه محتوا و پیام در مقاطع گوناگون (کربلا کوفه شام) و بنمایه ها و مفاهیم اصلی متفاوت است. شاید تمرکز اصلی حضرت در کربلا بر توحید و مرثیه است، ولی در کوفه بر آسیب شناسی مبتنی است و در شام بر فضایل اهل بیت علیهم السلام مانور می دهد.

ص: ۵۷

رحلت زودهنگام پس از عاشورا

رحلت زودهنگام حضرت بازتاب شدت فراوانی، سختی و سنگینی مصایب آن حضرت در عاشورا و سراسر دوران اسارت است.

اسارت حضرت و اهل بیت علیهم السلام

مدیریت سنگین ترین مصیبت از نظر کمیت (زمانی) و کیفیت (گرداندن در شهرها و مناطق) در تاریخ اهل بیت علیهم السلام نیازمند صبر و استقامت ویژه بود.

مزارهای منسوب به حضرت

انتساب سه مزار در سه جغرافیا (در دمشق، قاهره، حجاز...) که همگی در آن زمان جزو جغرافیای جوامع غیر اهل بیتی علیهم السلام بودند) نشانه کارکرد ملکوتی شخصیت حضرت در ظرفیت سازی برای تحول ایمان و اخلاق در کانون باطل است.

ایده مهدوی

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

نقش اسطوره ای حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام با مبنا قرار دادن اصل تقیه در دوران در اقلیت بودن جامعه حق (همانند دوران غیبت) به الگوسازی نقش های تربیتی، سیاسی و اجتماعی بانوان در دوران غیبت پرداخت.

حکیمه خاتون پس از آغاز غیبت صغری و در شرایطی که حتی نایب اول تقیه شدید می کرد، همانند حضرت زینب علیها السلام، واسطه انتقال پیام ها بین شیعیان و امام یا شبهه زدایی از حیرت های اندیشه ای از آنها بود.

سیره حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت نشان داد هرگاه در دوران تقیه، هجوم ها و بحران های وارد شده بر جامعه شیعه به نقطه اوج خود برسد، رسالت و نقش زنان شیعه نه تنها نباید انفعالی و انزوایی و احساسی باشد، بلکه باید آماده ایفای سخت ترین نقش ها باشند.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

در سبک زندگی دینی اهل بیت علیهم السلام، زن و مرد بر اساس استعدادها و توان مندی هایشان، نقش ها، رسالت ها و مسئولیت

های خاص خود را دارند. البته این سخن به معنی انزوای زن از جامعه و همچنین به معنی جامعه زدگی و نقش‌گریزی از نظام و نقش خانوادگی نیست.

ص: ۵۸

از این منظر، زنان همانند مردان باید در مقام تربیت، تهذیب و تعالی خود، تمام مدارج و مراتب را بپیمایند، اما در مقام ایفاگری نقش‌ها باید حدود و مرزها و جایگاه‌هایشان را بشناسند و بر اساس اصول شریعت و نیازهای زمانه عمل کنند.

صد البته هنگام بحران‌ها، هجوم‌ها و حیرت‌ها، به ویژه آنجا که دیگر نقش‌های مردانه، توان مندی دفاع همه جانبه از حق را ندارد، گه گاه شرایط برای نقش‌آفرینی‌های ویژه تاریخی و اجتماعی برای زنان فراهم می‌شود. مناسب آن است که آنها همانند حضرت زینب علیها السلام با کسب آمادگی‌های تربیتی، علمی، اخلاقی، مدیریتی و به ویژه معنوی و عبادی، خود را برای آن شرایط آماده کنند.

بدیهی است ایفای نقش دوگانه عاطفی عقلانی، سخت‌ترین انرژی‌ها را از بانوان می‌گیرد، به گونه‌ای که حتی اگر در این مسیر شهید نشوند، احتمال رحلت قریبالوقوع آنها زیر بار سنگین این امانت بسیار محتمل است. همان گونه که حضرت زینب علیها السلام کمی پس از پایان ماجراهای اسارت رحلت کرد. ایشان پس از اسارت همانند امام سجاد علیه السلام نهضت گریه سیاسی عاشورا را ترک نکرد، اما سنگینی مصایب کربلا و اسارت باعث رحلت سریع ایشان شد.

نکته پایانی

نکته پایانی

بر اساس جدول شخصیت‌شناسی در تلفیق روش گاه‌شماری جدول‌های معرفتی و ایده‌ای برای بیشتر شهدای بنی‌هاشم می‌توان به این صورت طراحی و تولید کرد:

زمان احتمالی تولد؛

شخصیت عمومی + ویژگی برجسته؛

مراحل و دوره‌های زندگانی؛

چگونگی رزم و شهادت در کربلا؛

بازتاب شهادت او بر سیدالشهدا علیه السلام، در تاریخ، بر تاریخ تشیع.

یادآوری می‌شود شهدای بنی‌هاشم به علت مقام‌فناپی که نسبت امام داشتند یا از نظر پیش‌گامی بر شهدایی همانند حضرت ابوالفضل علیه السلام، کمتر در تاریخ مطرح شده‌اند و ارزش‌های آنها بیشتر از نظر فانی شدن در حماسه حسینی است.

ص: ۵۹

بخش دوم: ایده یابی های میان رشته ای عاشورایی

اشاره

بخش دوم: ایده یابی های میان رشته ای عاشورایی

زیر فصل ها

پیش درآمد

فصل اول: ایده های میان رشته ای کلی

فصل دوم: ایده های میان رشته ای تخصصی

ص: ۶۱

پیش درآمد

پیش درآمد

این بخش دو فصل دارد. فصل اول با نگاه کلی به دهه محرم یا ساختار برنامه سازی ۱۲ تا ۱۳ قسمتی تلاش می کند به پیشنهادها و ایده های برنامه ای عمومی بپردازد. هدف از این نگاه کلی، آن است که پویایی فرهنگ و ارزش های عاشورایی از منظر رشته های علمی گوناگون و دریچه نیاز های مخاطب و جامعه در طول این یک دهه ثابت شود.

در فصل دوم نیز ایده های تخصصی در برخی رشته های علمی و گرایش های تخصصی ارائه می گردد.

فصل اول: ایده های میان رشته ای کلی

اشاره

فصل اول: ایده های میان رشته ای کلی

یکی از آسیب های برنامه سازی یا بخش برنامه های تولیدی در دهه محرم، تکرار و مشابهت از نظر پیام و محتوا در بسیاری از خطابه ها یا برنامه های تولید شده است. علت این امر نیز کم توجهی به ظرفیت های معنایی عاشورایی با نگاه پژوهشی به ویژه از منظر پژوهش میان رشته ای است.

در این فصل، در یک نگاه کوتاه و موجز و از منظر رشته های علوم انسانی، به ایده یابی عاشورایی برای مسائل مختلف زندگی می پردازیم و با معرفی ایده های متنوع هماهنگ با تنوع رشته های علمی برای ایجاد جاذبه و کاربردی سازی پیام های عاشورایی برای جامعه به ویژه جامعه علمی می کوشیم.

پیشنهاد های قالبی درباره ساختار این برنامه

پیشنهاد های قالبی درباره ساختار این برنامه

برنامه عاشورا شناسی چون از منظر نیاز های زندگی بشر و منشور علوم انسانی مختلف تولید می گردد، از نظر قالبی می تواند تنوع های فراوان داشته باشد. ساختار اصلی برنامه

را می توان بر محور کارشناسی مجری یا تولیدی ترکیبی یا حتی مستند خبری یا گزارشی یا اجتماعی بنا نهاد.

از نظر جذابیت های موضوعی این طرح، آنچه به غنای این مجموعه برنامه کمک می کند، امکان طراحی و تولید میان برنامه های ساده یا تخصصی و با گرافیک بالا است؛ میان برنامه های تاریخی که اثباتی، انتقادی، اجتماعی، فرهنگی هنری و همگی ناظر به موضوع اصلی و مکمل مباحث کارشناسی باشند.

از امکانات قالبی دیگر در این برنامه، امکان تحقق وحدت حوزه و دانشگاه است. با دعوت هم زمان کارشناسان حوزوی و دانشگاهی در هر بحث تخصصی و ناظر به نگاه میان رشته ای برای جمع کردن بین دین و دنیا و علم و دین می توان بر جذابیت برنامه افزود. کمترین زمینه برای جمع کردن میان دو فضای حوزوی و دانشگاهی، دعوت از استادان و کارشناسان هر دو نهاد است، ولی در مرتبه ای فراتر می تواند مجموعه گپ های طلبه های پایه های آغازین حوزوی یا دانشجویها را هم دربرگیرد، به گونه ای که جوانان حوزوی در یک مباحثه طلبگی یا تمرین برای پژوهش یا کلاسداری و منبرداری آن را اجرا کنند. جوانان دانشگاهی نیز در قالب پروژه اجتماعی یا گپ دانشجویی می توانند به آن بپردازند. حتی می توان جمعی از جوانان برگزیده از میان هر دو جامعه را گرد آورد تا با همدیگر از زاویه علم و دین به مطالعه عاشورا بپردازند.

در این زمینه، برخی مباحث را هم می توان با بینندگان به اشتراک گذاشت تا آنها هم در طراحی پرسش و یا ارائه برخی تجربه های عملی و علمی مشارکت کنند. آخرین الگوهای ارزنده قالبی در این گونه برنامه سازی، دعوت از مستبصرین و ره یافتگان به تشیع از فرهنگ ها و جوامع گوناگون است تا با استفاده از نگاه های بیرونی و درونی آنها به این جاذبه های علمی و ارزشی عاشورا بیشتر پرداخته شود. همچنین با دعوت از استادان غیرمسلمان دانشگاهی می توان از آنها خواست جامعه، تاریخ و فرهنگ شیعه را بر مبنای عاشورا و از منظر تخصصی خود تجزیه و تحلیل و تفسیر کنند.

با توجه به گستردگی وجود حوزه های علمیه و دانشگاه های دولتی و غیردولتی در سراسر کشور، یکی از ظرفیت های این نوع از برنامه سازی، فعال سازی استادان و دانش پژوهان جوان و برقراری ارتباط با آنها در فضای نخبگانی با رسانه های ملی و استانی، آن هم بر محور مطالعه دینی و علمی فرهنگ و ارزش های دینی است. این کار به طور

ص: ۶۳

مستقیم باعث جذب و اثرگذاری بر مخاطب عام رسانه می شود و به گونه غیرمستقیم باعث توسعه پرسش ها و انتقال نیاز های رسانه ای به محیط های حوزوی و دانشگاهی و آماده سازی آنها برای همکاری بیشتر با رسانه در حوزه برنامه های معارفی و غیرمعارفی می گردد.

این برنامه را همان گونه که می توان در سطح کارشناسی و تخصصی (برای مخاطب عام و یا خاص) طراحی کرد، در سطح دانشجویی یا حتی برای نوجوانان نیز می توان از منظر کلاس و مدرسه های عاشورایی تولید کرد. در این عرصه، عاشورا را برای نوجوانان از منظر درس هایی همانند تاریخ، جغرافیا، اجتماعی، بینش اسلامی و هنر می توان معرفی کرد. در پایان کتاب، نمونه هایی برای این موارد ارائه خواهد شد.

ایده های محتوایی

ایده های محتوایی

این برنامه را می توان برای همه زمان ها ساخت، ولی اولویت اول آن، ماه محرم و دهه محرم است. از این منظر، دهه محرم شامل ۱۰ روز و ۱۰ شب است، ولی هیچ گاه مراسم، این دهه از ۱۱ شب کمتر نبوده است؛ چرا که عاشورا بدون شام غریبان بی هویت و معنا می شود. این در حالی است که روز ۱۲ محرم بنا بر یکی از روایت ها، روز شهادت امام سجاد علیه السلام و روز دفن پیکر مطهر شهید است. پس برنامه سازی برای دهه محرم در بهترین و مطلوب ترین وضعیت باید شامل برنامه ای ۱۳ قسمتی باشد. البته ساختار سه قسمت پایانی را می توان کمی متفاوت تر چید.

بر این اساس، در ۱۰ تا ۱۳ شب، بر اساس اولویت های زمانی و مکانی (منطقه ای یا کشوری یا جهانی) و امکانات و استعداد های کارشناسی موجود می توان موضوع های مناسب میان رشته ای را برای یک یا چند مجموعه برنامه تهیه کرد.

در این نگاه کلی، در کنار نیاز شناسی و اولویتهایی، چیدمان مناسب و نظامبخشی درست به سیر و روند ارائه مباحث از مقدمه، اوجگیری شب های تاسوعا و عاشورا و نتیجهگیری در شب های همراهی با کاروان اسارت اهمیت دارد.

جدول ایده های برنامه ای پیشنهادی

گرایش علمی

نکته ها و ایده ها

انسان شناسی (شخصیت شناسی)

من کیستم و چه نیازی به امام حسین علیه السلام دارم؟

عاشورا چه نسبتی با انسان شناسی، انسان سازی و تعالی او دارد؟

ص: ۶۴

بررسی تطبیقی انسان شناسی عاشورایی با تعریف انسان در دیگر مذاهب و مکاتب؛

نقش عاشورا در مواجهه انسان ها با خودشان و ارائه تعریفی متفاوت و جامع به آنها؛

عاشورا و نمایش اوج رشد شخصیتی در چهره یاران حسینی؛ (در این زمینه به بخش بعدی کتاب قسمت شخصیت شناسی مراجعه شود)

مرز بندی انسانیت از انسان نماها در مدرسه عاشورا.

کلامی

امام شناسی با تمرکز بر نقش و جایگاه ویژه سیدالشهدا علیه السلام در نظام امامت؛

عاشورا و احیای اصل عدالت خواهی و ظلم ستیزی در فرهنگ کلام اسلامی شیعی؛

عاشورا و ردّ عملی نظریه جبرگرایی اموی؛

بررسی تطبیقی بین شهادت طلبی و عملیات انتحاری از نظر مبانی، ارزش ها و روش ها.

تاریخ

عاشورا شناسی از منظر فلسفه تاریخ؛

عاشورا شناسی در مرحله شناسی و سیر دوره های تاریخی؛

وضعیت تاریخی باطل و پیشینه آن در برابر قیام امام حسین علیه السلام؛

کارکرد تاریخی عاشورا در پویایی تشیع.

جامعه شناسی

جامعه شناسی سیاه، سفید و خاکستری در آستانه قیام و بررسی کمی و کیفی آنها نسبت همدیگر؛

سیر تطور جامعه اسلامی از مدینه النبی تا جامعه یزیدی؛

معضل غربت اجتماعی امام معصوم و گسست نسل های جامعه از ولیّ زمان؛

سرمایه اجتماعی امام و ارزش ها و نظام های آن؛

چیستی و چرایی کوفه در فرهنگ شیعه به عنوان جامعه سقوط کرده؛

هیئت؛ طرحی اجتماعی برای احیای مدینه النبی.

ص: ۶۵

اقتصاد

معضل تاریخی تعریف درست رابطه دین و دنیا در زندگی بشری؛

اقتصاد و حلال و حرام و بازتاب های آن در قرب و بعد معنوی بشر با تمرکز بر عاشورا؛

مدیریت اقتصادی عاشوراییان؛

برکت اقتصادی در فرهنگ عاشورا؛

مقایسه تطبیقی نظام اقتصادی مدینه النبی و شهر یزیدی از نظر وابستگی دنیوی.

تعلیم و تربیت

عاشورا، مکتب اصالت خانواده در نظام سازی برای زندگانی بشر و تعالی سازی انسان ها؛

بررسی تطبیقی تربیت یافتگان و رهاشدگی تربیتی جوانان بنی هاشم و جوانان مدینه و کوفه در آستانه قیام؛

نظام الگویی در تربیت حسینی؛

طراحی تربیت حماسی در فرهنگ عاشورا با هدف نیروسازی برای جامعه دینی.

مدیریتی

جلوه های تقابل مدیریت یزیدی با مدیریت عاشورایی امام حسین علیه السلام؛

اصول مدیریتی عاشورایی امام حسین علیه السلام؛

شیوه های مدیریت کیفی و تبدیل بحران های بزرگ به بالاترین فرصت و نتایج.

اخلاقی

سبک زندگی عاشورایی؛

عاشورا و نمایش چهره کریه انسان های سقوط یافته؛

عاشورا، صحنه نمایش فضایل و رذایل اخلاقی در نقطه اوج خود.

عرفانی

نقش زیارات حسینی (گفتاری و رفتاری) در سرعت بخشی به تعالی؛

قرب و تعالی انبیا و اولیا و صالحان در بستر تاریخ با کمک امام حسین علیه السلام و عاشورا؛

ص: ۶۶

هماهنگی سلوک عاشوراییان با سلوک آیین های محرم و بازتاب آن در تقرب و تعالی عاشورایی؛

مقام ابتلای عظیم سیدالشهدا علیه السلام و کارکرد های آن در عوالم هستی؛

عاشورا و بازتعریف عرفان و عشق و سلوک راستین از عرفان نماهای صوفیانه جامعه گریز؛

عاشورا؛ راهکاری برای به چالش کشیدن عرفان های دروغین و نمایش عرفان راستین؛

عاشورا و عرفان راستین مبتنی بر مرگ آگاهی و شهادت طلبی.

فرهنگ

عاشورا و طراحی فرهنگ زیارت برای شیعه؛

تشیع، فرهنگی ترین مکتب و مذهب اسلامی و دینی؛

جاذبه های انسانی فرهنگ های عاشورایی؛

نقش و کارکرد گریه و حزن در فرهنگ عاشورایی.

سیاسی

دست آورد های سیاسی عاشورا در نابودی تدریجی امویان؛

عاشورا و مبارزات سیاسی شیعه؛

عاشورا و انقلاب اسلامی؛

عاشورا و تعریف اسلام سیاسی متفاوت از اسلام اموی؛

بازتاب های عاشورا در پویایی تشیع در برابر استعمار برخلاف انفعال دیگر مذاهب اسلامی (عاشورا و ظلم ستیزی و استعمارستیزی).

جغرافیا

جغرافیای عاشورایی و راز انتخاب کربلا برای حماسه عاشورا از نظر اقلیم شناسی؛

کربلا، کانون جغرافیای تاریخی عاشوراباوران (شیعه و تشیع)؛

جغرافیای معنوی و هویتی شیعه؛

تبیین نسبت بین جغرافیای هویتی و جغرافیای آینده پژوهی در مکتب شیعه.

هنر

عاشورا و بازتاب تعریف زیبایی و اصول زیبا شناسی؛

راز اهتمام امامان معصوم پس از عاشورا بر فرهنگ سازی با کمک

ص: ۶۷

هنر و ادبیات؛

کارکرد های تاریخی هنر و ادبیات و فرهنگ عاشورایی؛

امتیاز های فرهنگ هنر عاشورایی شیعه.

آینده‌پژوهی

عاشورا و مبارزه با سلفی گری و روزمره گری و تلاش برای ایجاد حرکت رو به آینده؛

عاشورا و احیای نگرانی نگاه به سنت ها و عبرت ها در جامعه و هشدار نسبت به عبرت ها؛

عاشورا، مبنای ارزشی و هویتی آینده‌نگری (مهدویت) شیعی؛

بررسی تطبیقی اخبار پیش گویی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام نسبت به عاشورا و انتظار، درس ها و پیام ها و هشدار ها و عبرت ها.

دشمن شناسی و آسیب شناسی

عاشورا، آسان ترین صحنه برای شناسایی تمامی طیف ها و جبهه های سیاسی و اجتماعی سیاه و خاکستری؛

اهتمام تاریخی ابلیس و جریان های باطل برای جلوگیری از تحقق عاشورای حسینی و احیای سالانه عاشورا؛

چگونگی مرزبندی دین و عرفان واقعی از دین دار نماها و عرفان های کاذب در صحنه عاشورا؛

بصیرت های عاشورایی برای فتنه شناسی و فتنه گری.

موارد دیگر عبارت است از:

سیدالشهدا علیه السلام و اهتمام به رعایت حقوق در نبردی نابرابر از جمله رعایت حقوق دشمن با وجود تمام درنده‌خویی های آنها؛

قدرت تبلیغی و پیام رسانی امام و اهل بیت علیهم السلام (پس از اسارت) با وجود تمامی محدودیت ها و حصرها؛

بررسی کارکرد های ملکوتی طبیعت یا معجزه در طول قیام امام حسین علیه السلام بر اساس علوم طبیعی و زیستی؛

نمایش بازتاب کیفیت بر کمیت در توان افزایش نیروها یا بررسی تابع خُر در مقام تبدیل ناگهانی تمام منفی ها به دریایی از امتیازات مثبت به صرف اتکا به قدرت اراده بازگشت به حق بر اساس علوم آمار و اعداد.

ص: ۶۸

فصل دوم: ایده های میان رشته ای تخصصی

اشاره

فصل دوم: ایده های میان رشته ای تخصصی

در این بخش، ناظر به برخی ایده های پیشنهادی در ایده یابی کلی از منظر رسانه ای، طرح تفصیلی ایده یابی و سوژه یابی آنها ارائه می شود. در اولین تجربه، محور های ایده یابی از منظر علوم زیر عبارت است از:

۱. کلام

۲. تعلیم و تربیت

۳. تاریخ و فلسفه تاریخ

۴. جامعه‌شناسی

۵. روان شناسی و شخصیت شناسی

۶. مدیریت

۷. سیاست

۱. ایده های کلامی

اشاره

۱. ایده های کلامی

از منظر کلامی، یکی از مباحث مهم و تاریخی درباره قیام سیدالشهدا علیه السلام، بازشناسی چیستی و چرایی این قیام و به عبارت دیگر، ارائه تحلیلی است که ماهیت، ریشه ها و بهویژه اهداف این قیام را تبیین کند.

بدیهی است در مقام شناسایی و تحلیل قیام سیدالشهدا علیه السلام، داشتن نگاه میان رشته ای و توجه به اسناد و منابع گوناگون و تکیه بر واقعیت خارجی، شرط است. از این منظر، این بحث می تواند در گرایش های علمی دیگر هم قابل استفاده باشد. در نهایت، علمی که می تواند مبنا و بستر اصلی و معیار و ملاکی برای قضاوت باشد، علم کلام به ویژه شاخه امام شناسی آن است یکی از ایده های برنامه سازی در دهه محرم، بحث نقد و بررسی تحلیل و تفسیر ها در مورد قیام سیدالشهدا علیه السلام است. البته رویکرد این بحث بیشتر، مخاطب خاص را هدف می گیرد و برای فراگیر شدن دامنه مخاطبان در این بحث، استفاده از کارشناسانی که بیان

سهل و ساده داشته باشند، سفارش می شود.

این برنامه به ویژه برای آسیب شناسی کلان فرهنگ عاشورایی و در مقام غنی سازی عالمانه فرهنگ عاشورایی می تواند بسیار مفید باشد.

فهرست و جدول ایده های محتوایی بحث چنین است:

طرح پیشنهادی: فهم تحلیل و تفسیر رخداد قیام عاشورا

طرح پیشنهادی: فهم تحلیل و تفسیر رخداد قیام عاشورا

اهداف مورد نظر از این طرح، دست یابی به موارد زیر است:

چیستی تحلیل و بازتاب تحلیل درست و نادرست در نوع مواجهه با عاشورا؛

جست وجوی معیار و ملاک برای دستیابی به تحلیل درست؛

آسیب شناسی مفصل اندیشه ای و تاریخی تحلیل های موجود.

فهرست و نقد و بررسی تحلیل های عاشورایی

نظریه امر به معروف و نهی از منکر (اعتراضگری + اصلاحگری)

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

فقه سیاسی

در مقام ارائه تحلیلی که عاشورا را برای عموم اقشار دست یافتنی و کاربردی می سازد.

تضعیف قیام عظیم امام به یک اعتراض کوچک سیاسی؛

امر و نهی فقهی در جایی است که کلیت و اصل نظام، درست باشد و جزئیات آن دچار بحران باشد، ولی در قیام عاشورا، مسئله امام، اصل نظام بود و این با امر به معروف و نهی از منکر تبیین پذیر نیست.

نظریه علم غیب و دستوری آسمانی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

متون نوشته شده در دوران صفویه و قاجار

نگاه عرفانی

توجه به بعد ماورایی قیام

مبتنی بودن بر برخی سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خود امام

انحصاربخشی قیام به قضیه شخصی و ماورائی که کارکرد الگوپذیری آن به شدت تضعیف می شود؛

غفلت یا حذف بسیاری از معارف یا دست آوردهای مرتبط به قیام

ص: ۷۰

نظریه فنای در معبود

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

برخی روشن فکران کلام جدید معاصر

نگاه صوفیانه بر اساس نگاه روشن فکری معاصر

تلاش برای تقدس بخشی به عاشورا و همه زیبایی در این حماسه عظیم

نفی عاشورا از تمام واقعیت های تاریخی و سیاسی و اجتماعی و حتی دینی و غیبی و منحصر کردن آن در تفسیری که تولا بدون تبرا باشد.

نظریه فدای امت و شفاعت

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

صوفیانه و غالبانه

توجه به یکی از دست آوردهای عاشورا که سهولت در فرآیند تهذیب و تعالی انسان هاست.

تکیه بر آن بخش از معارف عاشورایی که در مقام بیان برکات عاشورا برای عاشورا زیستی است.

حذف کردن بسیاری از آثار و کارکرد های سیاسی و اجتماعی و کلامی از قیام؛

نزدیک شدن این اندیشه به اندیشه فدای مسیح در مسیحیت.

نظریه شهادت‌طلبی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

دکتر علی شریعتی

نگاهی رفتار گرایانه

توجه به آخرین مرحله قیام و نتیجه ای که عملاً بر آن مترتب شد.

توجه به برخی روایات معصومین و سخنان امام در قیام

در آمیختن غایت عملی و خارجی قیام با اهداف نرم‌افزاری مترتب بر آن.

ص: ۷۱

نظریه حکومتطلبی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

صالحی نجف آبادی

نگاهی سیاسی

توجه به ضرورت اقامه حکومت دینی آن هم در شرایط وجود امام معصوم

توهم وجود برخی اسناد و شواهد تاریخی

غفلت از نبود زمینه اجتماعی مناسب برای به چنگ آوردن حکومت و کاهش دادن ماهیت قیام عظیم امام.

نظریه تقابل تاریخی خط بنی هاشم و بنی امیه

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

اجتماعی و فرهنگی

پیشینه شناسی اجتماعی و فرهنگی

کاهش دادن قیام از گستره اثرگذاری تاریخی و هویتی به یک اقدام زمانی محدود که ناکام می ماند.

منحصر کردن قیامی عظیم در یک نزاع فامیلی که باعث کاهش یافتن بسیاری از ارزش های قیام می شود.

نظریه اجتهاد فقهی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

اهل سنت

فقه سیاسی

اجتهادی که مجوز قیام علیه ستم است

کاهش دادن قیامی عظیم به اجتهادی سیاسی که به شکست منجر شد و از بعضی جنبه‌ها باعث اختلال در نظام جامعه شد. این نگاه باعث می‌شود این قیام را استثنایی تفسیر کنیم که هیچ‌گاه نباید تکرار شود.

ص: ۷۲

نظریه اقدامی انسانی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

خاورشناسان

حماسی و رمانتیک

نگاه به قیام از منظر بازتاب های حماسی و عاطفی آن در جامعه شیعه و اثری که در پویایی جامعه شیعه دارد.

کاهش دادن قیام عظیم به حماسه سکولار تاریخی که تنها بخشی از جامعه اسلامی را پویا نگه داشته است، اما هیچ ارزش نرم افزاری معنوی یا معنایی یا غیبی و ملکوتی ندارد.

نظریه انکار وضع موجود همراه با ایثارگری

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

تلاش برای جمع کردن بین ظاهر و باطن (جمع بین علم غیب و هدف سیاسی)

این نگرش در مقام تبیین حداقل دو منظر از ابعاد تأثیرگذار در قیام است؛ یعنی بعد سیاسی که ناظر به نفی حکومت یزیدی تفسیر می شود و شهادت طلبی که مبتنی بر علم غیب تفسیر می شود.

این نگاه هنوز به جامعیت نرسیده است. از جهت اثباتی نیز چیزی را اثبات نمی کند به این معنی که در این مبنا، شهادت غیبی روشی می شود برای نفی سیاسی حکومت یزید و دیگر هیچ.

نظریه قیام تاریخی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

مهدی بازرگان

فلسفه تاریخ

تلاش برای تبیین قیام در خط سیر و جریان تاریخی پیامبران و امتداد بخشی به رسالت آنها

کم رنگی نقش علم غیب و تحلیل مسئله شهادت در این اندیشه

ص: ۷۳

نظریه جمع کردن بین ظاهر و باطن

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

رسول جعفریان (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۴۶)

نگاه جمع‌گرایانه تفکیکی (در این نگاه، امام، علم غیب به شهادت دارد، ولی در ظاهر، چون تکلیف به ظاهر دارد، در مقام عمل، آن علم باطنی را وارد نمی‌کند.

در این نگاه، تلاشی اولیه برای جمع‌گرایی صورت گرفته است.

صوری بودن جمع‌گرایی در این نظریه بدون اینکه طرفین جمع در همدیگر اثرگذاری و اثرپذیری داشته باشند.

نظریه اسطوره سازی و عاطفه برانگیزی

قائل

رویکرد

قوتها

ضعفها

نگاه اسطوره ای و حماسی / عاطفی

توجه به ابعاد عاطفی و فرهنگ سازی تاریخی عاشورا در تاریخ تشیع

رها کردن بسیاری از ابعاد سیاسی و کلامی و اجتماعی و منحصر کردن عاشورا به مرثیه و ماتمسرای

برخی نظریه‌های دیگر نیز هستند که یا ناظر به شیوه تحقق قیامند یا ناظر به پیشینه قیام در تاریخ انبیا (ظلمستیزی) و استمراربخشی به آن یا ناظر به آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی آن است.

از جهت تاریخی هم بد نیست بدانیم که در سیر تاریخی مواجهه اهل سنت با قیام، مواجهه های آنها بسیار مضطرب بوده است. آنها از سویی نمی توانستند این قیام را انکار کنند، ولی از سویی دیگر هم نمی توانستند آن را هم تکرارپذیر بدانند. از این رو متون آنها پر از سخنان ضد و نقیض است.

در برابر آنها، زیدیه با نگاه سیاسی و افراطی به قیام، تفسیر قیامگری پیاپی و پیوسته از آن ارائه داده اند و برای قیام، ارزش های اجتماعی و فرهنگی دیگری قائل نیستند.

ص: ۷۴

بنیعباس نیز نگاه اندکی کم رنگ تر از آنها داشتند که قیام سیدالشهدا علیه السلام را یک بار مصرف می خواستند به این معنا که با دامن زدن به شعاری کلی و توجه دهی جامعه اسلامی به این قیام، با کمک آن، توده های مسلمان خسته از ظلم امویان را به حرکت در آوردند تا در نهایت، خود به خلافت برسند. وقتی به خلافت رسیدند، بهتدریج با فرهنگ و ارزش های حماسه حسینی به مقابله برخاستند و حتی در مقطعی تلاش کردند کربلا را از روی زمین محو کنند.

این گونه است که شاهد انواع قرائت ها، تحلیل ها و تفسیر ها از عاشورا و چیستی و چرایی آن هستیم. بازشناسی عالمانه و تطبیقی این نظریه ها می تواند راهکاری برای ارتقای معرفت و سیرت عاشورایی باشد.

در جست وجوی نگاه جامع

در جست وجوی نگاه جامع

چرایی نگاه جامع

کارکرد و مهم ترین دست آورد داشتن نگاه جامع و تحلیل عمیق نسبت به حادثه عاشورا، پرهیز از افراط و تفریط است. این نگاه جامع از بدعت ها و تحریف ها و انحراف ها در طول زمان جلوگیری می کند، به نوزایی پیوسته فرهنگی در جامعه شیعه یاری می رساند و در نهایت، جامعه شیعه را زنده و با نشاط به سوی هدف غایی خود رهنمون می کند. در برابر، هر گونه نگاه ناقص درون شیعی یا برون شیعی یا التقاطی باعث ضربه زدن به هویت تاریخی و استمرار و پویایی تشیع خواهد شد.

راهکار رسیدن به نگاه جامع

برای رسیدن به نگاه جامع، ملاحظه تمامی گزارش های کلامی و رفتاری لازم است. این گزارش ها به نفس حادثه منحصر نمی شود، بلکه دامنه گذشته و آینده آن را هم شامل می شود. از این رو است که حداقل گستره مطالعه، گزاره های عاشورایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است تا زمانی که آخرین بازمانده معصوم کربلا (امام باقر علیه السلام) حضور اجتماعی دارد. البته در نگاهی کلان تر، چون قیام عاشورا در درون نظام امامت رخ می دهد، باید تا پایان دوران حضور و آغاز دوران غیبت، به تمام سخنان، فرهنگ سازی ها و برداشت های معصومانه از حادثه عاشورا نگریست.

ص: ۷۵

از منظر علمی هم تمام لایه‌ها و ابعاد حادثه را باید از منشور علوم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کلامی، عرفانی و دیگر دانش‌ها دید. آن‌گاه که تمام داده‌ها گردآوری شد، با معیار نگاه معصومین باید به آن نگاه جامع رسید.

صورت عملیاتی این روش چنین است:

(الف)

انتخاب فرازهای حساس قیام از نظر پیام یا رفتار و آن‌گاه پیوند زدن بین این نقاط عطف برای رسیدن به نتیجه‌ای عام و فراگیر؛

(ب)

سنجش این مفروض تک‌موردی درباره قیام سیدالشهدا علیه السلام با جریان کلی امامت از یک منظر و با نوع نگرش و گفتار دیگر امامان نسبت با این قیام.

این‌گونه است که با نگاه جامع به خود قیام و نگاه جامع به قیام در منظومه امامت می‌توان به تحلیل جامع رسید. تحلیلی که به جای آنکه متکی بر پیشفرض‌ها باشد، سازنده نظام‌ها و فرضیه‌های نوین است و می‌تواند به تمامی ابهام‌ها و تضادهای احتمالی در مراحل گوناگون قیام پاسخ گوید و تمام ابعاد دینی و علمی آن را پوشش دهد. (۱)

نکته پایانی

نکته پایانی

تهیه و تولید برنامه‌ای در این زمینه در دو سطح تخصصی و در سطحی کمی عمومی‌تر با توجه به تمام جذابیت‌های برنامه‌سازی می‌تواند از ضرورت‌های برنامه‌سازی عاشورایی برای ارتقای بینش عاشورایی مخاطبان باشد. این کار در مقام عمل نشان می‌دهد که چگونه بینش پیش‌فرض صحیح در تحلیل و تفسیر قیام می‌تواند بر تمام فرهنگ‌ها و رفتارهای عاشورایی ما اثر مثبت بگذارد و در برابر، پیشفرض تحلیلی ناقص، غلط و تقلیدی چگونه باعث کم‌رنگی ارزش‌های عاشورایی در درون تک‌تک مخاطبان و در متن جامعه خواهد شد.

۱- یادآوری: در این بحث از کتاب عاشورا نوشته علی صفایی حائری استفاده فراوان شده است.

ص: ۷۶

۲. ایده های تربیتی**اشاره**

۲. ایده های تربیتی

از ارزش های بسیار والای عاشورا، معرفی قهرمان ها و الگوهایی است که تجسم کامل و عینی تربیت اسلامی و رشدیافتگی انسان هاینند. محورهای مهم در توصیف سیدالشهدا علیه السلام از یارانش در روز عاشورا، یکی از معرفی تربیت یافتگی و رشد و کمال آنهاست. در برابر، یکی از شکوه های بسیار مهم امام، شکوه از رشدنایافتگی، افول غیرت های دینی، رواج روحیه بی اعتنایی و رهاشدگی مردم و جوانان و کمرنگ شدن معنویت ها و ارزش هاست. امام در مقام معرفی بازتاب های تربیت اسلامی، تبیین روش ها و شیوه ها و نشان دادن الگو های آن، خاندانش را در تمامی مراحل قیام با خود همراه دارد. به این صورت، بحث تربیت عاشورایی با محوریت تربیت حماسی، یکی از محورهای ایده یابی است.

فهرست اجمالی ایده ها در این بخش چنین است

فهرست اجمالی ایده ها در این بخش چنین است

فرصت ده ساله سیدالشهدا علیه السلام برای معرفی الگویی عملی برای تربیت حماسی؛

تربیت حماسی مبتنی بر قدر و منزلت شناسی (سیره امام در تعامل با غلامان خود)؛

تربیت حماسی مبتنی بر رشددهی جامع (أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا)؛

تربیت حماسی مبتنی بر زمان و مکان شناسی و کسب آمادگی برای تحمل هرگونه شرایط دشوار و پیچیده (الگوی حضرت مسلم بن عقیل)؛

تربیت حماسی و رساندن آدمی به اوج ایثار و فداکاری (پیمان بستن یاران سیدالشهدا در شب عاشورا)؛

تربیت حماسی و ایجاد روحیه حماسی و سلحشوری در انسان (شخصیت حبیب بن مظاهر)؛

وابستگی تربیت حماسی به انس پیوسته با عرفان و عبودیت (توصیف عبادی سیدالشهدا علیه السلام از یارانش در روز عاشورا)؛

پیوند تربیت حماسی با رشددهی معنوی گرایش های عاطفی انسان (گریه و دعای امام در دعای عرفه)؛

ابعاد اجتماعی تربیت حماسی در ایجاد سازمان و گروه انصارالحسین.

ص: ۷۷

یادآوری

یادآوری

مباحث و نکات درباره تربیت حماسی، فراوان هستند، ولی برای پرهیز از تکرار و مشابهت این مباحث با مباحث مفصلی که در بخش شخصیت شناسی در فصل های بعد ارائه خواهد شد، در ارائه این محورها به همین میزان بسنده می شود. تنها اکنون دو نمونه از شیوه گسترش ایده ها و پرسش های ناظر به آن را در دو حوزه فردی و اجتماعی بیان می کنیم:

الف. چیستی شناسی تربیت عاشورا از منظر طرح واره و نگاه جامع به مرگ و زندگی (شهادت)

الف. چیستی شناسی تربیت عاشورا از منظر طرح واره و نگاه جامع به مرگ و زندگی (شهادت)

عاشورا از منظر الگو و مهندسی تربیتی که دنبال می کند و نفی و اثبات هایی که به همراه دارد و مجموعه باید و نباید هایی که الگوی عاشوراخواهی را برای بشریت به ارمغان می آورد؛ ایجاد نگاه جامع به دوران زندگی در حد فاصل تولد تا مرگ است. تا در نتیجه آن، آدمی پس از فهم واقعیت ها و کشف ارزش ها، از پذیرش ذلت و خفت در مسیر چند روز نفس کشیدن بیشتر پرهیزد و همواره عزت و کرامت انسانی را در پرتو شجاعت دینی و ایمانی پاس بدارد و در این راه، حتی به استقبال مرگ با شرافت هم برود. به این گونه است که تربیت عاشورایی شکل می گیرد. تربیتی که نمونه های آن را در شخصیت های پیرامون امام می توان دید. در این تربیت، امام با ایجاد تغییر در نگرش افراد و عمق بخشی به آنها می کوشد الگو عینی تربیت و تحول را در مخاطبان خود ایجاد کند.

من چه نیازی به عاشورا دارم؟ عاشورا چه نسبتی با زندگی من دارد؟

مهندسی و طرحواره زندگی عاشورایی چگونه است؟

چگونه عاشورا، انسان منفعل و خنثی را به انسانی فعال و اثرگذار و جریانساز تبدیل می کند؟

مرگ با عزت (شهادت) چه نسبتی با زندگی عاشورایی دارد؟

چگونه الگوی عاشورایی زندگی باعث جذب و تحول انسانها می گردد؟

چگونه عاشورا و جاذبه های آن در طول تاریخ باعث تربیت انسانهای آزاده و انقلابی شده است؟

ص: ۷۸

سیدالشهدا علیه السلام در سخنان خود چه طرحی از مرگ و زندگی و چه تعریفی از شهادت ارائه می‌دهد؟

نکته تکمیلی: ترس و واهمه تاریخی امویان و عباسیان و دیگر حکومت‌های طاغوت در طول تاریخ از انس گرفتن مسلمانان با فرهنگ عاشورا و مزار سیدالشهدا علیه السلام و ایجاد تحول و تربیت‌پذیر عاشورایی در آنها که به ایجاد روحیه ذلت‌گریزی و عدالتخواهی منجر میشود و تلاش برای جلوگیری از ایجاد ارتباط قلبی مسلمانان با عاشورا به وسیله ممنوع‌سازی زیارت یا تخریب مزار.

معرفی کتاب: لقد شیعنتی الحسین علیه السلام

زیارت نامه: عاشورا یا اربعین؛ بحث‌رهایی از جاهلیت

مکان: مزار حرّ

ب. نقش عاشورا در ایجاد هم‌گرایی مؤمنانه و سلامت جامعه

ب. نقش عاشورا در ایجاد هم‌گرایی مؤمنانه و سلامت جامعه

از مهم‌ترین دست‌آورد‌های عاشورایی پس از انسان‌سازی فردی، قدرت جامعه‌سازی و تحقق تربیت اجتماعی بر محوریت عزت و کرامت انسانی است؛ جامعه‌ای که متشکل از گروه مؤمنانی است که به پشتوانه ایمان، نظام باطل و سلطه‌گری را نمی‌پذیرند و به واسطه شجاعت ایمانی خود در برابر ستم‌کاران و ستمگران به پا می‌خیزند. این جامعه همواره پویا و بیدار است و از بی‌اعتنایی یا جمود سکوت یا دنباله‌روی از جریان‌های باطل پرهیز دارد. همچنین تلاش می‌کند با زمان‌شناسی و اقدام و حضور به موقع، همیشه و همه‌جا، یاور امام در هر شرایط اجتماعی باشد.

اصول و پیام‌های تربیت اجتماعی عاشورایی چیست؟

سیدالشهدا علیه السلام تفاوت جامعه پویا با جامعه منفعل را در خطبه‌ی منا چگونه تبیین و تحلیل می‌کند؟

چرا برخی جوامع همانند کوفه در سال ۶۱ ه. ق دچار رکود و جمود در برابر موج گسترش باطل می‌شوند؟

طرحواره عاشورا برای تحول اجتماعی و ستم‌گریزی چیست؟

سیدالشهدا علیه السلام، ویژگی جامعه دینی درست را چگونه تبیین می‌کند؟

ص: ۷۹

فرهنگ عاشورا چگونه باعث رشد و بلوغ اجتماعی می گردد؟ (عاشورا چگونه موجب پیدایش جنبش های اجتماعی می شود؟)

فرهنگ عاشورایی چگونه باعث انسجام و اتحاد مؤمنان در قالب ایجاد جامعه ای پویا و فعال می شود؟

مکان: هیئت + حسینیه (جامعه عاشورایی) و تاریخچه آن

کتاب:

زیارت:

وله:

۳. ایده های تاریخی و فلسفه تاریخی

اشاره

۳. ایده های تاریخی و فلسفه تاریخی

ناظر به پیوند تنگاتنگ ادیان و مذاهب با تاریخ، به هر میزان که مذهبی، بر حق باشد، پیوستگی آن هم با تاریخ بیشتر خواهد بود؛ چرا که خط فاصله دین حق از ادیان و مذاهب باطل در پویایی یا ایستایی آنها در تاریخ و خط زمان است. به عبارتی دیگر، اگر مذهبی در جایی از تاریخ، در نبوت، ولایت و وصایت اعلان خاتمیت کرد، معنی آن، پایان یافتن تاریخ مقدس و آغاز سکولاریسم در میان دین داران است. از این رو، خط زمان و سیر تاریخ مقدس آنها هم در آن مقطع از تاریخ متوقف می شود و به تدریج، فرهنگی در میان دین داران بعدی شکل می گیرد که به سوی سلفی گری و گذشته گرایی است. اگر مذهبی از این خاتمیت فراگیر پرهیز کرد، به پویایی و نشاط تاریخی خود یاری رسانده است. این پویایی تاریخی را جز در تشیع نمی توان دید. از این منظر، تشیع نه تنها دچار رکود و بحران و ایستایی در تاریخ نمی شود، بلکه ناظر به اینکه تنها مذهب و مکتب بر حق است، هر گاه با اوج هجوم ها و نهایت بحران ها روبه رو می شود، ناگهان با خلق حماسه ای عاشورایی، تمام آن تهدید ها را به فرصتی عظیم تبدیل می کند.

با این نگاه، بحث ایده یابی عاشورایی را از منظر دانش تاریخ از دو زاویه می توان نگریست:

اول از منظر نگاه کلان و تحلیلی که زاینده مباحث فلسفه تاریخی است؛

دوم از منظر روش گاه شمار دقیق حوادث و بازشناسی روند و سیر آنها.

الف) بازشناسی عاشورا و ایده یابی از منظر فلسفه تاریخ

الف) بازشناسی عاشورا و ایده یابی از منظر فلسفه تاریخ

در این طرح تلاش می شود با نگرستن به عاشورا از منظر کلیت تاریخ و ادوار شناسی کلان آن از هبوط آدم تا ظهور در ۱۲ برنامه، پیام های کلان و تاریخی عاشورا را رصد و معرفی کرد.

این برنامه می تواند به صورت کارشناس / مجری و میان برنامه های متنوع و جذاب ارائه شود.

عناوین تفصیلی دوازدهگانه به شرح زیر است:

نمودار طول عمر و مدت امامان شیعه تا قبل از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

یک. باز شناسی عاشورا از منظر فلسفه تاریخ

عاشورا به عنوان نقطه عطف در خط سیر تاریخ حق از آغاز تا انجام باید باز شناسی شود تا هم درگیری ها و رویداد های حق و باطل قبلی همگی معطوف به عاشورا باشد و هم رویدادهای پس از آن همگی متأثر از عاشورا باشند. در این صورت، عاشورا نقش پیونددهنده رویدادهای قبل و بعد از خود را ایفا می کند و به خط سیر تاریخ حق و باطل و بشریت هویت و معنا می بخشد.

ص: ۸۱

خط سیر تاریخ و فلسفه تاریخ بشریت از منظر اسلام در یک نگاه کوتاه چیست؟

عاشورا در میانه خط تاریخ حق با آغاز و انجام آنچه نسبتی دارد؟

چرا عاشورا کانون توجه تمام انبیای قبل و امامان بعد بوده است؟

کارکرد عاشورا در خط سیر تاریخی حق و باطل چیست؟ اگر عاشورایی در نزدیک زمان خاتمیت نبود، چه می شد؟

سیدالشهدا علیه السلام قیام خود را در مقایسه با فلسفه تاریخ بشری چگونه تحلیل و تبیین می کند؟

چگونه این جایگاه راهبردی عاشورا، به قیام عاشورا نقشی الگویی برای دوران های پس از خود می دهد؟

وله: نمودار تاریخ بشریت/ نقشه خاورمیانه و نمایش دوره های مهم تاریخی در زندگی انبیا و تمدن های مربوط به آن دوره ها و اسامی پیامبران روی خط تاریخ که به کربلا می رسد.

دعا: دعای ندبه و فراز عاشورایی آن.

معرفی کتاب:

واگویه + مکان: عکس خانه خدا در کنار واگویه های تاریخی کعبه در قالب روایتگری دوره های حق

دو. چستی شناسی قیام حماسی عاشورایی در مقایسه با شورش های باطل

رخداد عاشورا از منظر دین اسلام و تمامی مسلمانان، قیامی حماسی و انقلابی بود که آثار و برکات فراوان و بی پایانی داشته و دارد. این در حالی است که تاریخ اسلام و مسلمانان همواره شاهد قیام ها و شورش های فراوانی بوده است که از خوارج صدر اسلام تا طالبان و القاعده در دوران معاصر را شامل می شود. به راستی، تفاوت این دو نوع قیام و مبارزه از نظر مبانی، اصول، روش ها و دست آورد های داخلی و خارجی چیست؟ آیا یکی از این دو، امتداد دیگری نیست؟ کدام یک می توانند تحول اثباتی جوامع مسلمان و غیر مسلمان را به دنبال داشته باشند؟

آیا هر قیام و انقلاب و شورش را می توان عاشورایی نامید؟

تفاوت مبنایی قیام عاشورا با قیام گروه هایی مثل خوارج در چیست؟

دشمنان در طول تاریخ چگونه سعی می کردند قیام عاشورایی را به نام شورش، تحریف و تضعیف کنند؟

نمونه و روش های جریان های باطل در مقایسه با روش های عاشورایی، چگونه سند حقانیت عاشوراست؟

چرا عاشورا در طول تاریخ همواره و حتی امروز برای تمام بشریت حتی فرهیختگان و مبارزان غیر مسلمان، جذاب و ستودنی است، ولی شورش های باطل اسلامی چنین نیستند؟

ابعاد الگویی عاشورا و راز امکان تکرار شونگی آن چیست؟

سیدالشهدا علیه السلام چگونه به تبیین و حمایت از قیام خود و دفع شبهات از آن می پرداخت؟

تفاوت پیام های عاشورایی با پیام های تروریستی در چیست؟

راز نابودی ارزش ها و جمعیت های تروریستی و راز ماندگاری فرهنگ و جوامع عاشورایی در چیست؟

سه. امامان پس از عاشورا و بازسازی دوباره مکتب اسلام بر مبنای عاشورا

مهم ترین دست آورد عاشورا که در جامعه اسلامی نمود یافت، سیره عاشورایی معصومین بود. از نگاه معصومین، اگر عاشورا نبود، نابودی تشیع و جریان تاریخی حق، قطعی و حتمی بود. اکنون که عاشورا جریان تاریخی حق و تشیع و امتداد آنها را بیمه کرده است، باید کامل ترین و بهترین بهره‌برداری های صحیح را از فرصت سازی عاشورا انجام داد.

از این رو، امامان معصوم در فرصتی تاریخی که به مدت دو قرن امتداد یافت، به بازسازی و طراحی دوباره مکتب تشیع بر اساس ظرفیت های عاشورا پرداختند. پس مهم ترین دست آورد عاشورا؛ احیا، بازیابی و بازسازی تشیع است.

وضعیت تشیع قبل از عاشورا چگونه بود؟

محورهای بازسازی و فرهنگ سازی اهل بیت علیهم السلام درباره تشیع به پشتوانه عاشورا چه بود؟

ابعاد عاطفی عاشورا در مکتب اهل بیت علیهم السلام چه جایگاهی دارد؟

به گمان برخی مدعیان، اندیشه تشیع در عاشورا متولد می شود. ریشه این توهم در کجاست و چرا؟

هویت عاشورایی شیعه چیست؟

هر یک از امامان چگونه از ظرفیت های سیاسی اجتماعی و فرهنگی عاشورا متناسب با وضعیت زمانه خود استفاده می کردند؟

چهار. بازتاب های عاشورا در سراسر جهان اسلام

عاشورا با محوریت امام شیعیان و خط فکری اهل بیت علیهم السلام رخداد، ولی جایگاه اهل بیت علیهم السلام در اسلام و نقطه کانونی بودن آنها برای تمام مسلمانان و فرقه های اسلامی باعث شد بازتاب های قیام عاشورا منحصر به مکتب و جهان تشیع نباشد و همین وضعیت یکی از مهم ترین دست آوردهای عاشوراست. تلاش گسترده دشمنان اهل بیت علیهم السلام قبل و پس از عاشورا، جدایی بدنه جهان اسلام از اهل بیت علیهم السلام بود، ولی چگونگی و عظمت این حادثه باعث ناکامی تلاش های دشمنان و متحول شدن نگاه و بینش مسلمانان و دیگر مردم جهان شد.

بنی امیه با سیاست های خود مانند رواج دادن لعن علی علیه السلام می کوشید اهل بیت علیهم السلام را منزوی کند و برای نابودی فیزیکی آنان تلاش می کرد. با این حال، مظلومیت ها و حماسه های ناشی از عاشورا سبب شد اهل بیت علیهم السلام دوباره در جهان اسلام مطرح شوند.

وضعیت اعتقادی، فکری و سیاسی جهان اسلام قبل از قیام عاشورا و خطر امتداد آن به ویژه نسبت به اهل بیت علیهم السلام چه بود؟ شخصیت اسطوره ای سیدالشهدا علیه السلام پس از قیام عاشورا و موضع گیری و واکنش عاطفی سیاسی تمام جریان ها و شخصیت ها نسبت به آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

بازتاب های قیام عاشورا در بازگشت اصل امر به معروف و نهی از منکر در نظام اعتقادی و سیاسی جهان اسلام را تبیین کنید؟

نظام اعتقادی سیاسی اهل سنت قبل و بعد از عاشورا را مقایسه فرمایید.

عاشورا در تزلزل حکومت امویان و حکومت های باطل در جهان اسلام چه نقشی داشت؟

خطبه سیدالشهدا علیه السلام در منا برای تبیین اصول کلی اعتقادی و سیاسی اسلامی و رسالتی که برای علمای مسلمان در این مسیر تعریف می شد، چه اثری داشت؟

قیام عاشورا در قیام های غیر شیعی که علیه امویان رخ می داد تا آن گاه که به نابودی کامل حکومت آنها در فاصله نزدیک به نیم قرن بعد منجر شد، چه بازتابی یافت؟

نوع واکنش های اهل سنت اموی مسلک (وهابیت) و اهل سنت معتدل در برابر عاشورا و فرهنگ عاشورا چگونه بود؟

پنج. نهضت مهاجرت امام زادگان و تکرر عاشوراهای کوچک و گسترش تشیع

مهم ترین بازتاب عاشورا را به ویژه از منظر فلسفه تاریخ و جامعه سازی دینی، در مهاجرت امامزادگان و سادات از حجاز به سراسر جهان اسلام می توان دید. آنها که زیر فشار حکومت اموی و عباسیان بودند، تحت تأثیر فرهنگ عاشورا و در بیشتر موارد با اجازه معصومان مجبور شدند به گوشه و کنار جهان اسلام به ویژه عراق و ایران مهاجرت کنند. این هجرت ها یا قیام ها که شهادت یا رحلت غریبانه آنها را به ویژه در سراسر ایران اسلامی به همراه داشت، باعث پیدایش عاشوراهای کوچک و به دنبال آن، ساخت مزارها و کربلاهای کوچک در سراسر ایران زمین شد. بازتاب تاریخی مهم این اتفاق، پیدایش جوامع شیعی جدید بر محوریت این مزارهاست و نتیجه آن، گسترش و تعمیق تشیع در ایران زمین است.

مهاجرت امامزادگان چرا و چگونه رخ داد؟ راز گستردگی این مهاجرت ها به ایران چه بود؟

بازتاب این مهاجرت ها در ایجاد عاشوراهای کوچک چه بود؟ چگونه باعث پیدایش فرهنگ زیارت پیوسته و نهادینه سازی عاشورا در ایران زمین شد؟

سفر امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام و حضرت عبدالعظیم علیه السلام به ایران چه بازتاب تاریخی داشته است؟

نقش مزارهای مقدس امامان در نهادینه سازی بعد عاطفی و احساس عاشورا در فرهنگ ایرانی چیست؟

جامعه سازی نوین ایران اسلامی چگونه بر اساس مکتب عاشورایی و در روندی تدریجی صورت گرفت؟

مکان: حضرت عبدالعظیم علیه السلام

وله: پراکندگی مزارهای امام زادگان در ایران

واگویه: فرهنگ‌های زیارتی خاص بیشتر امام زادگان ایرانی و بازتاب‌های تاریخی آن

شش. هزار سال تاریخ و هویت شیعیان (ایرانی) در پناه عاشورا

از آغاز غیبت کبری تا دوران معاصر، جهان اسلام به تدریج رو به انحطاط رفت که در دوری از ارزش‌های عاشورا و ستم‌پذیری ریشه داشت. جهان تشیع همواره روندی رو به رشد داشت و حتی در اوج بحران‌ها که باعث رکود بیشتر جهان اسلام می‌شد، شاهد قیام‌ها و بویایی‌هایی در جهان تشیع در این دوران هستیم.

در این زمان طولانی که جغرافیای جهان اسلام همواره آماج هجوم‌های بیابانی همانند مغول‌ها یا هجوم صلیبی‌ها و تسخیر اندلس بود و جهان غیر شیعی شاهد عقب‌گردهای بیابانی است، نشاط تشیع ریشه در عاشورا دارد. قیام سرمداران نمونه‌ای از درخشش‌های این مکتب است.

انحطاط هزار ساله جهان اسلام و مبانی اعتقادی و سیاسی غیر ولایی را که منجر به این وضعیت شد، تبیین فرمایید.

مهم‌ترین عامل ناکامی مسلمانان در سرزمینی همانند اندلس، ضعف نظامی بود یا نبود فرهنگ عاشورایی ولایت و شهادت؟

چگونه قیام سرمداران تنها قیام در برابر هجوم مغول در جهان اسلام آن دوران بود؟ این قیام با کدام پشتوانه، چگونه و با چه شعاری رخ داد؟

شهید اول و ثانی در میان علمای فقیه و برجسته شیعه با شهادت خود در دفاع از هویت علمی شیعه چه نقشی دارند؟

نقش حکومت‌های شیعی آل بویه و صفویه در ترویج فرهنگ عاشورایی و گسترش تمدن اسلامی

از دست رفتن قدس در جنگ‌های صلیبی و اندلس پس از آن تا چه اندازه به دلیل نبود فرهنگ عاشورایی شهادت و مقاومت در این رویدادها رخ داد؟

شبه‌قاره هند و دولت‌های شیعه تنها حکومت‌های مبارز در برابر استعمار انگلیس همانند تجربه حکومت شیعی و مقاومت تیپو خان در بخشهایی از هند در برابر انگلیسیها

ص: ۸۶

وله: نقشه جهان اسلام و بازتاب های حضور داشتن یا نداشتن عاشورا در سراسر تاریخ سرزمین های اسلامی (قدس/ شمال آفریقا/ هند/...)

هفت. استعمار از ناکامی ها در برابر فرهنگ عاشورایی تا عاشوراستیزی

با آغاز قرون جدید و رنسانس و هجوم استعمار به سراسر جهان شاهد سقوط تمام تمدن ها و ملت ها و حاکمیت ها و فرهنگ ها در برابر تمدن و تهاجم فرهنگ غرب هستیم. حتی کشورهای اسلامی یکایک زیر چکمه و سلطه استعمار قرار می گیرند یا ناچار به تن دادن به معاهده های ننگین می شوند. با این حال، مناطقی از جهان اسلام که پشتوانه تشیع و عاشورایی دارند، با تمام توان در برابر هجوم استعمارگران می ایستند. تاریخ ایران و برخی دیگر از سرزمین های شیعیانشین در سراسر قرن ۱۹ و ۲۰ شاهد مبارزات و مقاومت های پیاپی است تا آنجا که سرانجام استعمار به نابودی فرهنگ عاشورایی کمر می بندد.

چگونه استعمار در جهان اسلام حضور تدریجی پیدا کرد و سنگرهای مسلمانان پیاپی سقوط کرد؟

تلاش های تاریخی استعمار را برای سلطه بر ایران و قیام های عاشورایی ایرانیان در مواردی مانند جنگ های ایران و روس، جنبش تنباکو، مشروطیت و نهضت های شمال و جنوب بررسی فرمایید.

چگونه استعمار سلطنت غرب گرای پهلوی را با هدف هجوم تمام عیار به فرهنگ عاشورا طراحی کرد؟

سال ها هجوم فرهنگ غرب به جهان اسلام و عقبنشینی و انحطاط روزافزون جهان اسلام در مقابل پایداری تشیع در ایران در پناه فرهنگ عاشورا و بازگشت دوباره آن به عرصه سیاست جهان را چگونه می توان تبیین کرد؟

سقوط رضا شاه و بازگشت فرهنگ عاشورایی و فرهنگ دینی در ایران بر خلاف تمامی جهان اسلام چه دست آوردهایی داشت؟ بازتاب های بازگشت این فرهنگ به ایران پس از جنگ جهانی دوم چه بود؟

عکس: عکس های عزاداری در زمان قاجار؛ تصاویر عزاداری در دوره رضاشاه؛ عزاداری در آغاز دوره پهلوی پسر.

هشت. عاشورا در مقام طراحی انقلابی دینی و اسلامی در هیاهوی نظام های گوناگون قرن بیستم

پس از ناکامی طرح عاشورا استیزی استعمارگران، بازگشت دوباره عاشورا به جامعه ایرانی با دوره تغییر و تحولات فکری بشری همراه بود. در حالی که سراسر جهان به سوی بی دینی می رفت و تسلیم وضع موجود می شد، جهان اسلام هم به نهایت انحطاط و زبونی خود رسیده بود در این میان، بزرگ مردی از ایران با بازخوانی عاشورا و مکتب شیعی بر آمده از آن برای توسعه نگاه سیاسی شیعه ایرانی کوشید. آن گاه به پشتوانه قیام عاشورا، قیامی متفاوت از الگوهای شرقی و غربی و مبتنی بر ارزش های معنوی و انسانی عاشورا رقم زد.

طرح واره انقلاب را از دیدگاه امام راحل رحمه الله بر اساس نوع نگاه ایشان به خطبه سیدالشهدا علیه السلام یک سال قبل از شهادت در سرزمین منا (در بیان رسالت علما و خواص جامعه) بررسی فرمایید.

عاشورا در روح و تمامی اجزا و مراحل انقلاب اسلامی ایران چگونه تجلی یافته است؟

از عاشورای سال ۴۲ تا تاسوعا و عاشورای ۵۷، کارکرد مجالس عاشورایی در ناتوانی رژیم منحط پهلوی در برابر مطالبات عاشورایی مردم و توسعه قیام ملت چه نقشی داشت؟

در میان سخنان امام راحل رحمه الله، عاشورا شناسی ایشان با مراحل قیام مردم چگونه هماهنگی یافته است؟

فرهنگ استقبال از شهادت عاشورایی در انقلاب اسلامی چه نقشی داشت؟

ظرفیت های تحول و اصلاح گرایی انقلاب اسلامی ایران را که مبتنی بر ارزش های عاشورایی است، در جهان اسلام چگونه می توان معرفی کرد؟

نه. اوج درخشش فرهنگ عاشورا در دفاع مقدس

پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر شعارهای عاشورایی، توفانی در جهان اسلام برپا کرد. مزدوران سلطه و ارتجاع که موقعیت خود را در خطر می دیدند، به سرزمین ایران هجوم آوردند و در صدد بودند قبل از نهادینه شدن انقلاب و در فضای آشفته سال های آغازین استقرار آن، این انقلاب و مکتب عاشورا را نابود کنند. هجوم وسیع بیگانگان در کنار تنهایی ملت شیعه ایران، خطری بس بزرگ بود، ولی توجه به ارزش های عاشورایی که در

متن انقلاب شکل گرفته بود و بسط و تعمیق آنها دست آورد هشت سال دفاع مقدس را به همراه آورد. این دفاع در آغاز در قالب مقاومت عاشورایی ملت ایران تجلی یافت، ولی ارزش های خود را برای تمامی ملت های آزادخواه جهان نمایانگر ساخت.

اگر عاشورا پشتوانه دفاع مقدس نمی شد چه رخ می داد؟

چگونه عاشورا به تدریج به راهبرد مقاومت و دفاع مقدس تبدیل شد؟

چگونه فرهنگ شهادت بیانگر عشق عاشوراییان و ایجادکننده وحشت در میان دشمنان است؟

دست آوردهای فرهنگ عاشورایی برای نظام اسلامی در دوران دفاع مقدس و پس از آن چیست؟

کارکرد فرهنگ عاشورایی و شهادت را در تعمیق باورهای دینی ایرانیان با وجود هجوم های فرهنگی و اخلاقی منحط بیان فرمایید.

ده. عاشورا و انقلاب عاشورایی ایران و خیزش های اسلامی در سراسر جهان

تثبیت نظام اسلامی پس از دوران انقلاب و دفاع مقدس موجب شد الگویی جدید از مبارزه زندگی آفرین و طرح واره حکومت دینی مبتنی بر فرهنگ عاشورا رخ نماید. این فرهنگ که تا قبل از آن به داخل مرزها منحصر بود، به تدریج، صادر شد و توسعه پیدا کرد و شعار و به خواسته بسیاری از جمله فرهیختگان و جوانان مسلمان منطقه به ویژه در مبارزه اعراب با اسرائیل تبدیل شد. مسئله آزادی قدس از یک مسئله و مبارزه عربی به مبارزه های اسلامی با توجه به ارزش ها و فرهنگ های عاشورایی بدل گردید. پس از آن در بیداری اسلامی نیز به تدریج، برخی از ارزش های عاشورایی به ویژه ارزش هایی همانند ذلتگریزی و عزتطلبی نمود یافتند.

پیام انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر فرهنگ عاشورا چه بود؟

چگونه اعراض و غفلت از ارزشهای عاشورایی در میان کشورهای اسلامی و مسلمانان با توجه به باعث ناکامی های پیاپی آنها به ویژه در مواجهه با اسرائیل است؟

قیام انتفاضه چگونه از فرهنگ عاشورایی و انقلابی انقلاب اسلامی ایران بر آمده است؟

بین مبارزات حزب الله لبنان با گسترش فرهنگ عاشورایی در جهان اسلام چه نسبتی وجود دارد؟

در آستانه قرن بیست و یکم، دست آوردهای فرهنگ عاشورا در خیزش و بیداری اسلامی چیست؟

یازده. عاشورا و ظهور: پیوندها، بسترها، اهداف و روش ها

از منظر فلسفه و خط سیر تاریخ بشری با نگاه حق، تاریخ بشریت، مقصدی دارد که ظهور است و عاشورا، موتور محرکه رسیدن به این هدف نهایی است. این دو رخداد، قیام هایی باطل ستیز و در مسیر احقاق حق هستند که تمام قیام های خرد در میانه این فاصله در عاشورا و جهتگیری به سوی ظهور ریشه دارد. از این رو، باز شناسی روابط موجود بین این دو رخداد مهم بشری که حد فاصل گذشته و آینده هستند، راه گشای وظیفه شناسی و رسالتیابی در زمان حال، متناسب با اقتضات و شرایط و نیاز های هر زمان و مکان است.

نگاه سرخ و سبز چرا و چگونه رمز هویت شیعه است؟

چرا هدف غایی عاشورا تحقق ظهور است (از منظر تحلیل زیارات عاشورایی و حسینی)؟

عاشورا و ظهور چه ریشه ها، هدف ها، روش ها و پیوند ها مشترکی با همدیگر دارند؟

اگر ظهور غایت عاشورا نباشد، چگونه سبب گذشته گرایی و قیام های کور در جهان اسلام می شود؟ برای مثال، حتی قیامی به بزرگی بیداری اسلامی اگر به عاشورا و انتظار ختم نشود، خیلی زود به روزمره گی خواهد افتاد.

دوازده. رسالت جوان شیعه در نظام جهانی معاصر بر بستر فرهنگ عاشورایی (عاشورا بستر زمینه سازی)

در آغاز قرن بیست و یکم که با سقوط جریان های مخالف لیبرالیسم غربی همراه بود، غربی ها ناگهان با بیداری اسلامی و توجه گسترده جهانیان به اسلام مبتنی بر فرهنگ عاشورا روبه رو شدند. این تحول با رشد گسترده تشیع در جهان اسلام و جهان غرب همراه بود. این احساس خطر و وحشت، آنها را به واکنش های متفاوتی وا داشت. در مواردی، به شعائر و فرهنگ اسلامی هجوم مستقیم بردند و مهم تر از آن، با طراحی فعالیت های تروریستی و ویرانگری های ناشی از آن به دست عده ای از مسلمانان گمراه

یا مزدور کوشیدند ارزش فرهنگ شهادت پیش چشم جهانیان لوث گردد. در این وضعیت، دشمن قصد دارد فرهنگ و ارزش های عاشورایی را با هجوم فرهنگ غربی از بیرون و رفتارهای سلفی و تروریستی از داخل جهان اسلام تحریف کند. در جهانی که فرهیختگان و ملت ها تشنه ارزش های معنوی و عاشورایی هستند، رسالت جوان شیعه، کمک به برقراری پیوند میان عاشورا تا ظهور و حرکت در مسیر زمینه سازی گسترده جهانی است.

نبرد مدرن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ عاشورایی چگونه رخ می دهد؟

رسالت جهانی فرهنگ عاشورایی از منظر فلسفه تاریخ چیست؟

نقش و رسالت جوانان شیعه در عرضه زمینه سازی جهانی مبتنی بر ارزش های عاشورایی چیست؟

راهکارهای انتقال فرهنگ عاشورا و بومی سازی منطقه ای آن به ملت های سراسر جهان چیست؟

تفاوت ماهوی فرهنگ شهادت با عملیات تروریستی و توطئه دشمنان در این زمینه و رسالت ما در برابر آن چیست؟

ب) ایده یابی بر اساس گاه شمار تاریخی و نکات مدیریتی در طول قیام

ب) ایده یابی بر اساس گاه شمار تاریخی و نکات مدیریتی در طول قیام

یکی از روش های پژوهش تاریخی که در مقام ایده یابی کاربرد فراوان دارد، مطالعه رویداد ها بر اساس فهم ترتیب و چیدمان و مرحله بندی آن است. این مرحله بندی اگر بر اساس نگاه تطبیقی بین درگیری پیوسته جبهه حق و باطل همراه شود، از نظر تنوع موقعیت ها و رویداد ها و حضور شخصیت های گوناگون سیاه، سفید و خاکستری حامل پیام ها و ایده های فراوانی است.

در این بخش، مروری اجمالی بر گاهشمار رویداد های قیام از ورود به مکه تا روز عاشورا خواهیم داشت. (با ارائه مباحث هجرت از مدینه در قسمت آغازین فصل اول). البته رویکرد ایده یابی بر محوریت ایده های مدیریتی بنا شده است. بدیهی است تکمیل ایده های دیگر از منظر علمی همانند جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد و کلام بر عهده مخاطبان گذاشته شده است. در این بخش به دلیل نیازمندی برنامه های عاشورایی به ایده های متنوع مداحی، مرثیه، روضهخوانی یا شعرسرایی عاشورایی، برخی ایده ها با

ص: ۹۱

عنوان ایده های مقتل برای کارشناسان مدعو به برنامه ها، مداحان و نویسندگان رسانه ای یا شاعران آیینی و عاشورایی ارائه می شود.

یک. ایده های خروج سیدالشهدا از مدینه

مباحث توضیحی و ایده ای آن در فصل اول گذشت.

ایده های مقتل

امام قبل از شنیدن خبر مرگ معاویه، رؤیایی درباره واژگونی منبر معاویه و افتادن آتش در سرای او می بیند و آن را به مرگ معاویه تعبیر می کند. در حقیقت، این سروش غیبی، آغازگر ندای قیام حضرت تا قربانگاه کربلا بود (همانند رؤیای حضرت مسلم در آخرین شب حیاتش یا رؤیاهای مکرر سیدالشهدا در طول مسیر یا در سحرگاه عاشورا).

روضه وداع سیدالشهدا با مدینه در شب های آخر ماه رجب و وداع با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب ۲۷ رجب یعنی همان شب بعثت. در روایتی آمده است: «امام در همان شب نخست، بر مزار پیامبر رفت و چنین با جدش شکوه کرد که...».

روضه خداحافظی با ام سلمه، در حالی که ام سلمه به یاد امانتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می افتد و آن، شیشه ای کوچک از خاک کربلاست که به زودی به خون تبدیل خواهد شد.

روضه وصیتنامه آن حضرت و آگاهی دهی از شهادت خود در آغاز اولین مرحله سفر و قیام در وصیت نامه ای که به برادرش محمد حنفیه داد.

روضه خروج شبانه از مدینه: حضرت سکینه می فرماید: «هنگامی که از مدینه بیرون رفتیم، هیچ خاندانی مانند خانواده رسول خدا(هراسان نبود».(۱) از این رو، امام آیه بیستم سوره قصص را موقع خروج تلاوت کرد.

این خروج، غربت و مظلومیت شبانه درست همانند غربت و مظلومیت شبانه امیرالمؤمنین علیه السلام در شب های پس از سقیفه است. او در حالی که همسرش را بر چهارپایی سوار کرده و دست فرزندانش را گرفته است، به در خانه های مهاجر و انصار

ص: ۹۲

می رود و طلب یاری می کند، ولی جز افرادی معدود (به عدد انگشتان یک دست) کسی دیگر به یاری خواهیاش پاسخ نمی دهد. با این تفاوت که در آن شب ها، حسنین هفت و هشت ساله بودند، ولی در این شب ها، فرزندان کوچک سیدالشهدا یکی دو و نیم ساله (حضرت رقیه) بود و دیگری حتی یک ماهه هم نشده بود.

تحلیل و تفسیر سیره مدیریتی

در مورد سیره سیاسی مدیریتی امام در مقطع قیامش، توجه به این نکته کلی ضروری است که امام چون معصوم است، در هر زمان و هر شرایطی تلاش میکند در تاریخ و جامعه، فعال باشد نه منفعل. از این رو، امام حسین علیه السلام هنگام آغاز قیامش اگرچه به ظاهر در برابر یزید و نیروهای اوست و دایم تغییر موقعیت میدهد، ولی این به معنی انفعال او نیست. امام برنامه ای تاریخی را در ظرف زمانی خود به اجرا می گذارد و هدف نهایی این برنامه، حفظ همیشگی دین حق تا آستانه شهادت است. در این مسیر، «عدم بیعت»، استراتژی امام و در پیش گرفتن «بهترین تصمیم و انتخاب در هر مرحله و موقعیت» تاکتیک امام می باشد. از این رو، شهادت، هدف نهایی قیام امام نیست، بلکه مهمترین و آخرین انتخاب ایشان است و ایشان از قبل می دانست سرانجام در برابر یزید و یزیدیان باید این انتخاب صورت بگیرد.

حادثه

تحلیل و تفسیر مدیریتی و تربیتی

نوع مواجهه با والی مدینه به همراهی جوانان بنی هاشم

پیشینی طرح و برنامه دشمن و کسب آمادگی برای آن؛

قرار دادن دشمن در برزخ بلا تکلیفی و ناتوانی در تصمیم گیری قاطع؛

برنامه ریزی فعالانه و در دست گرفتن ابتکار عمل با توجه به تمام محدودیت ها.

خروج شبانه و سریع از مدینه

استفاده از تاکتیک غافلگیری و سرعت عمل و حفاظت اطلاعات؛

خارج شدن سریع از موقعیت محاصره و زمین گیر شدن منفعلانه.

حرکت به سوی مکه

تلاش برای ایجاد مکان حفاظتی موقت با توجه به موقعیت حرم امن مکه؛

ص: ۹۳

تلاش برای استفاده حداکثری تبلیغ ناشی از ظرفیت قریبالوقوع حج سال ۶۰ (ه. ق).

همراه کردن اهل بیت علیهم السلام با خود

پیام مظلومیت و غربت در شهر پیامبر؛

جلوگیری از برنامه ایدایی امویان علیه اهل بیت علیهم السلام با زیر فشار گذاشتن امام؛

معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگوهای تربیتی حماسی حسینی در تمام مراحل قیام به جهانیان؛

ارائه بیانیه به جامعه آن روز که برای قیام باید تمام اعضای خانواده سهیم باشند، همان گونه که امام با تمام اعضای خانواده اش قیام کرده؛

رعایت اعتدال بین خود و دعوتگران و خانواده های آنها؛

معرفی الگوهای عملی و دینی به جامعه بشری؛

نقشآفرینی تک تک افراد خانواده در هر مرحله سنی.

همراهی گروه غلامان با کاروان امام (غلامان امام و اهل بیت علیهم السلام و ابوذر)

نبود تبعیض اجتماعی در سیره اهل بیت علیهم السلام؛

شخصیتبخشی به تمام طبقات اجتماعی؛

واگذاری مسئولیت بر حسب استعداد، نه طبقه اجتماعی؛

ایجاد حس اهمیت و مفید بودن در جامعه برای افراد طبقه پایین؛

توجه به حس نیاز به تعلق و شناسایی در گروه.

دو. ایده یابی دوران اقامت امام در مکه

سیدالشهدا علیه السلام از سوم شعبان تا ۸ ذیالحجه، چهار ماه را در مکه ساکن می شود. زمان که به مراسم حج نزدیک می شود، امام را در یک فرصت تاریخی قرار می دهد تا ضمن بهرهوری موقت از امنیت حرم الهی مکه، از یک سو، به برنامه ریزی اعلان دعوت و قیام خود در سطح جهان اسلام پردازد و از سوی دیگر، برای حساس سازی همراه کردن حاجیان و صحابه و تابعین مقیم حجاز با خود تلاش می کند.

از جهت گاه شماری، خبر قیام امام به کوفه، در ماه شعبان و نامه های کوفیان در آغاز ماه رمضان به دست امام می رسد. حضرت مسلم نیز در نیمه این ماه به کوفه می رود به

ص: ۹۴

دنبال آن، در سراسر دو ماه شوال و ذیالقعده، فرصت اصلی امام به مدیریت و ارزیابی حوادث عرقل می گذرد. آغاز ماه ذیالحجه، شاهد مواجهه سنگین امام با صحابه و تابعین است که مخالف سفر ایشان به سوی عراق هستند.

تحلیل و تفسیر سیره مدیریتی

رخداد

تحلیل و تفسیر

۱. چهار ماه اقامت در مکه

امام و چهار ماه فرصت طلایی اثرگذار در آغاز نابسامانی های خلافت یزید برای عمومی کردن پیام خود و حساس کردن خواص و عوام و اتمام حجت کافی گفتاری و رفتاری با آنها؛

امام و مدیریت فرصت زمانی و استراتژی حساس سازی تاریخی جهان اسلام مرده و غافل.

۲. اعزام حضرت مسلم به تنهایی به کوفه

درک و توجه امام به نقش و جایگاه جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی کوفه در قلب جغرافیای جهان اسلام؛

جایگاه اراده و انتخاب آگاهان، خواص و عوام جامعه در دعوت یا قیام های حق و دوری از توطئه تزویر و ریاکاری، فریب و کودتا برای جذب توده‌ها؛

اطمینان امام به شجاعت و درایت یکی از خواص تربیت یافته و توانایی او در مدیریت اراده ها و اشتیاق های احتمالی؛

پرهیز امام از ذوقزدگی و زودباوری در مواجهه با نامه نگاری های کوفیان و مدیریت واسطه ای برای آزمایش و تعمیق شوق های احتمالی.

۳. امام و اعزام نماینده به بصره

توجه امام به استعداد های منطقی، جغرافیایی و جمعیتی؛

اهتمام امام به فعال و حساس سازی جمعیت های راکد و غافل؛

تلاش امام برای توسعه جغرافیایی حق و محدودتر کردن جغرافیایی باطل.

۴. امام در مواجهه با ناصحان

امام و نمایش صلابت و استواری اراده حق با وجود جریان‌های مخالف فراوان دوست و دشمن؛

ص: ۹۵

امام و مدیریت پیام و تبلیغ در مواجهه با ناصحان از طیف های سیاسی اجتماعی گوناگون؛

امام و نپذیرفتن مصلحتان‌دیشی هنگام به خطر افتادن اصل و کیان اسلام؛

امام و رعایت احترام در برابر کارشناسان مدعی در برابری پیشوای حق.

۵. امام و ترک حج در آستانه حج

نداشتن قصد حج هنگام ورود به مکه بیانگر مدیریت فعال و هوشمند امام است؛

ترک مکه در آستانه حج، پیام سیاسی دینی امام و بالاترین مانور تبلیغی ایشان مبنی بر معتبر نبودن حج یزیدی و لزوم ترک آن است؛

ترک حج زیر پرچم امیر الحجاجی والی یزید به معنی ترک هرگونه فعالیت یا مشارکتی است که منجر به امضای ضمنی حکومت یزید باشد؛

ترک حج از سوی امام، گرفتن مهمترین فرصت تاریخی از یزیدیان برای خنثی شدن نقشه ترور کور ایشان در ایام حج است.

۶. امام و انتخاب راه عراق

عراق تنها انتخاب ممکن از جهت سیاسی، تاریخی و جغرافیایی برای امام بود؛

انتخاب جایی غیر از عراق، مرگی بی سرو صدا و بی اثر را برای امام به همراه داشت و بزرگترین برگ برنده برای یزید که امام را در ناکجا آباد و بی سرو صدا نابود کند؛

امام در آستانه حرکت به سوی عراق، از آخرین تحولات عراق، از طریق آگاهی غیبی و زائران جدیدالورود کوفی و عراقی باخبر بود. انتخابشان، غافلانه یا جاهلانه نسبت به رخداد‌های جاری عراق (همانند حکومت ابن زیاد بر کوفه) نبود؛

انتخاب عراق، بالاترین وحشت و هراس را برای یزیدیان به همراه داشت؛ چون پیروزی یا شهادت امام، هر دو شکست تاریخی برای آنها محسوب میشد.

ص: ۹۶

۷. عدم ائتلاف امام با ابن زبیر

دوری از ائتلاف مصلحت‌آمیز با گروه‌های مختلف باطل؛

شفافیت در مبانی، روشها و شعارها.

۸. دعوتنامه‌های پیایی کوفیان و نبود واکنش سریع امام و اعزام حضرت مسلم به سوی کوفه

پرهیز از شتابزدگی و ذوقزدگی عجولانه؛

برنامه‌ریزی مرحله‌ای برای ایجاد آماده‌سازی اجتماعی کوفه برای قیامی تاریخی (همانند پیامبر، اعزام مصعب بن عمیر به مدینه جهت تبلیغ اسلام و آن‌گاه هجرت پیامبر به مدینه)؛

آزمون برونافکنی چهره واقعی کوفه و کوفیان.

۹. خروج از مکه هنگام آگاهی از احتمال ترور شدن

شریعت محوری و رعایت حرمت حرم حتی در سخت‌ترین شرایط.

۱۰. خطبه امام هنگام خروج

شفافیت و صداقت.

ایده‌های مقتل

غربت و مظلومیت سیدالشهدا در چهار ماه اقامت در مکه از منظر فرزندان کودک و نوجوان امام به ویژه دخترانش (حضرت رقیه، سکینه و فاطمه)، یادآور غربت و تنهایی حضرت فاطمه (در کودکی خود بعد از رحلت مادرش (حضرت خدیجه)) آن هنگام که پدرش بدترین آزارهای مکیان را تحمل می‌کرد.

روضه وداع حضرت مسلم بن عقیل با امام حسین علیه السلام و خانواده اش در کنار کعبه، همانند روضه وداع امام رضا علیه السلام با فرزندش، امام جواد علیه السلام هنگام سفر به مرو.

ماه رمضان و اوج تلاوت‌های قرآنی سیدالشهدا به ویژه در مناجات‌ها و عبادت‌های نیمه شب خود و انس اهل بیت علیهم السلام، به ویژه فرزندان کوچک آن حضرت به این نوای دلربای قرآنی به گونه‌ای که بعدها امام برای آرامش بخشی به قلب‌های داغدار آنها، قرآن خوانی را با سربریده بر فراز نی در شب‌های اسارت ادامه می‌دهد.

ص: ۹۷

سه. ایده های خروج امام از مکه و خط سیر امام از مکه تا کربلا

شناس نامه مسیر

سیدالشهدا قبل از ظهر روز هشتم ذیالحجه که یوم الترویبه نام دارد؛ یعنی روزی که حجاج جهت مراسم حج در عرفات و منا برای خود آب برمی دارند، پس از انجام طواف خانه خدا، همراه کاروانی که به غیر از اهل بیت علیهم السلام و بنی‌هاشم، دیگر افراد حاضر در آن به زحمت به صد نفر می رسند، پا در راه عراق می گذارد. در واقع، از ۷۲ نفر یاران امام تقریباً چهل نفر همراه امام هستند و ما بقیه یاران در میانه راه یا در کربلا به امام می پیوندند. اعرابی هم که با قصدهای دنیوی به امام می پیوندند، بسیار نیستند؛ چرا که شرایط عراق چندان مساعد نیست. در این مسیر، فضای تبلیغی اموی، زبیری و ناصحان علیه امام قوی است؛ امام هم رسماً موقع خروج، بر شهادت در این مسیر به عنوان آخرین منزلگاه اشاره دارد.

مسیر مکه تا کوفه بیشتر از ۱۰۰۰ کیلومتر و در قالب ۲۷ منزلگاه (۱) است که امام آن را در مدت زمان ۲۳ روز (از هشتم ذیالحجه تا دوم محرم، در حالی که ماه ذیالحجه، ۲۹ روزه بود) پیموده است؛ یعنی مقدار مسافت پیموده شده در هر روز تقریباً حدود پنجاه کیلومتر در هر روز است.

روزشمار این مسیر بر اساس منازل از مکه تا کربلا و مهمترین رویدادهای ثبت شده در ضمن آن، به شرح زیر است:

(احتمال می رود چگونگی روز شمار حرکت، به این ترتیب باشد)

شماره

زمان

مسافت پیموده شده

روز

۱

نیمروز هشتم ذی الحججه تا شب نهم ذی الحججه

مکه بستان بنی عامر

سه شنبه

۲

روز نهم ذی الحجه

بستان بنی عامر ذات عِزق، غَمْرَه

چهار شنبه

۳

روز دهم ذی الحجه

عمره مَسْلَح نيمراه مسلح تا أُفْنَعِيَّه

پنج شنبه

۱- مرحله و مسافتی است که مسافر در يك روز می پیماید و به تعبیری، حدود چهل کیلومتر در زمین هموار است. (دهخدا، لغت نامه)

ص: ۹۸

۴

روز یازدهم ذی الحجّه

نیمراه تا افعیه کیرانه

جمعه

۵

روز دوازدهم ذی الحجّه

کیرانه معدن بنی سلیم عمق

شنبه

۶

روز سیزدهم ذی الحجّه

عمق سليله کُنابین

یک شنبه

۷

روز چهاردهم ذی الحجّه

کُنابین ربنه اورعه

دوشنبه

۸

روز پانزدهم ذی الحجّه

اورعه مغیثه سمط

سه شنبه

۹

روز شانزدهم ذی الحجه

سمط معدن نقره قروری

چهارشنبه

۱۰

روز هفدهم ذی الحجه

قروری حاجر عباسیه

پنج شنبه

۱۱

روز هجدهم ذی الحجه

عباسیه سمیراء محمیّه

جمعه

۱۲

روز نوزدهم ذی الحجه

محمیّه توز قرنتین

شنبه

۱۳

روز بیستم ذی الحجه

قرنتین فید قرائن

یک شنبه

۱۴

روز بیست و یکم ذی الحجه

قرائن أَجْفَرُ أَغْرَ

دوشنبه

۱۵

روز بیست و دوم ذی الحجه

اغْرُ خَزَيْمِيَّه عَيْن [عَيْن]

سه شنبه

۱۶

روز بیست و سوم ذی الحجه

عَيْن ثَعْلَبِيَّه

چهارشنبه

۱۷

روز بیست و چهارم ذی الحجه

ثعلبیه بطان بدرین

پنج شنبه

۱۸

روز بیست و پنجم ذی الحجه

بدرین شُقُوقُ زُبَالَه

جمعه

۱۹

روز بیست و ششم ذی الحجه

زباله قاع جَلْحَاء

شنبه

۲۰

روز بیست و هفتم ذی الحجّه

جَلْحَاء عَقَبَهُ سَمَاء

یک شنبه

۲۱

روز بیست و هشتم ذی الحجّه

سَمَاء وَاقْصَهُ قَرْعَاء

دوشنبه

۲۲

روز بیست و نهم ذی الحجّه

قَرْعَاء مُغِيثَهُ عُدَيْب

سه شنبه

۲۳

روز اول محرم الحرام

عُدَيْب رُهِيمَهُ قُطُّقَاتَانَهُ قَصْرٌ مُّقَاتِل

چهارشنبه

۲۴

روز دوم محرم الحرام

قصر مقاتل کربلا

پنج‌شنبه

ص: ۹۹

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

بر اساس این روزشمار به نظر می رسد حضرت پس از نماز صبح به راه می افتاد (چنانچه در برخی منازل بر آن تصریح شده است) و برای فریضه ظهر و عصر، هر یک، در وقت خود می ایستاد. سپس تا هنگام غروب آفتاب حرکت می کرد و برای انجام نماز مغرب و عشا باز می ایستاد و همانجا بیتوته می کرد.

روز شمار حوادث در نگاهی اجمالی، چنین به نظر می رسد:

سه شنبه، هشتم ذی الحجه: دیدار با فرزددق، خروج مسلم در کوفه و درگیری با جماعت عمرو بن سعید (والی اموی حجاز).

چهارشنبه، نهم ذی الحجه: دیدار با بشر بن غالب، رسیدن نامه عبدالله بن جعفر، شهادت مسلم و فرستاده شدن سر او و هانی همراه با نامه ابن زیاد به سوی یزید.

جمعه یازدهم ذی الحجه: رسیدن پیک عمرو بن سعید به شام مبنی بر حرکت امام، رسیدن دو پیک ابن زیاد با سرها و پیام او و دستور یزید مبنی بر حفاظت از راه ها.

یک شنبه، سیزدهم ذی الحجه: رسیدن پیک یزید به ابن زیاد و فرستاده شدن حصین بن نمیر برای زیر نظر گرفتن راه ها.

پنج شنبه، هفدهم ذی الحجه: امام و فرستادن قیس بن مسهر به سمت کوفه.

ص: ۱۰۰

جمعه هجدهم ذی الحجه: احتمال می رود در این پنج روز، حصین بن نمیر و یارانش به اهداف مورد نظر در حومه کوفه رسیده و مناطق را زیر نظر گرفته باشند. همچنین گمان می رود در همین روز یا روز بعد، قیس، گرفتار و شهید شده باشد.

سه شنبه، بیست و دوم ذی الحجه: دیدار امام با زهیر، مأموریت یافتن ابن سعد به تشکیل لشکری چهار هزار نفری، اردو زدن وی در حمام اعین در همین روزها برای رفتن به ری.

چهارشنبه، بیست و سوم ذی الحجه: رسیدن خبر شهادت مسلم به امام، دیدار با مرد ازدی، بحیر و برادرش.

جمعه، بیست و پنجم ذی الحجه: انتشار خبر شهادت مسلم و رسیدن پیک ابن اشعث.

شنبه، بیست و ششم ذی الحجه: راه افتادن حر از قادسیه و پیوستن برخی از یاران امام به ایشان و دستور امام برای برداشتن آب اضافه همچنین گمان می رود حرکت پنهانی جماعتی از یاران امام با راهنمایی طرماع از کوفه در همین روز باشد.

دوشنبه، ۲۸ ذی الحجه: رسیدن حر و سپاهش در حالت عطشناکی شدید به امام.

چهارشنبه ۱ محرم: رسیدن جماعت طرماع و دیدار با عبیدالله بن حر.

پنج شنبه دوم محرم: امام در آستانه شب جمعه به کربلا وارد شد. ایشان به مدت یک هفته از جمعه دوم محرم تا جمعه دهم محرم در کربلا اقامت گزید.

ایده های مقتل

روضه وداع با کعبه و خانه خدا با چشمان گریان همانند وداع سخت پیامبر هنگام هجرت و دور شدن از خانه خدا با این تفاوت که پیامبر با وعده الهی امیدوار بود دوباره خانه کعبه را خواهد دید، ولی امام می دانست این سفر به شهادت ختم خواهد شد. (همانند وداع امام رضا علیه السلام با کعبه در آستانه سفر به ایران)

روضه زمزمه امام در طول مسیر: از امام سجاد علیه السلام روایت شده است: «پس از آنکه با پدرم از مکه بیرون آمدیم، در هیچ منزلی فرود نمی آمدیم و از هیچ منزلی کوچ نمی کردیم مگر اینکه پدرم ماجرای یحیی بن زکریا و شهادت او را یادآور می شد.

ص: ۱۰۱

روزی گفت از جمله موارد پستی دنیا بر خداوند این است که سر یحیی را برای بدکاره ای از بنی اسرائیل هدیه ببرند» (۱).

روضه رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم، تسلی بخشیدن امام به خانواده ایشان، رفتن اعراب طماع، خلوت شدن کاروان امام و تبدیل شدن آن به کاروانی مشتمل بر بیست زن و کودک و پنجاه و چند جوان و مرد.

رؤیاهای صادقه امام در ضمن راه: گفته اند هنگامی که امام به منزل عقبه رسید، فرمود: «من کشته خواهم شد.» گفتند: «چه شده یا اباعبدالله؟»

فرمود: «در خواب دیدم سگ هایی بدنم را به دندان گرفته اند و هر یک به سویی می کشند. در میان آنها سگی سیاه و سفید وجود داشت که از همه بدتر بود.» (۲).

رؤیای آن حضرت بعد از همراه شدن با حرّ هم در این زمینه می گنجد.

روضهخوانی حضرت سلمان (فارسی) در مورد حادثه کربلا برای زهیر و جوانان همراه او در حوالی سال های ۲۸ و ۲۹ هـ. ق در ضمن فتوحات ایران. زهیر با یادآوری این خاطره در دیدارش با امام در بیابان های حجاز منقلب می شود و به امام می پیوندد. به این گونه سلمان سال ها قبل سعی می کند برای غربت و تنهایی امام حسین از جوانان مستعد زمان خود نیرو سازی کند.

روضه ورود به کربلا

از منظر حکایت های پیش گویی نبوی و علوی و انتظار صحابی کهن سال در کربلا برای استقبال از امام.

از منظر برگرفتن مثنی از خاک و یادآوری خاک هایی که در کربلا نزد جدش، پیامبر و در سفر صفین همراه پدرش، امیرمؤمنان علی علیه السلام دیده بود.

از منظر فاصله پانزده کیلومتری منطقه تا فرات و خشک و بیابانی بودن منطقه و اصرار دشمن برای نگه داشتن امام و کاروانش در بیابان های خشک و به دور از آب.

۱- السماوی، ابصار العین فی انصار الحسین، ص ۱۰۸.

۲- حمید شریفی و همکاران، موسوعه کلمات الامام الحسین، ج ۲، ص ۳۹۱.

ص: ۱۰۲

نکات تحلیلی و تربیتی از این مرحله از قیام

رویدادها

تحلیل و تفسیر در راه کربلا

۱. خروج از مکه در روز (برخلاف خروج از مدینه در شب)

مخالفت علنی امام با حج یزیدی و بی اعتبار کردن آن.

تلاش برای حساس کردن و جلب توجه حُجاج به خروج علنی فرزند پیامبر از مراسم حج و تلاش برای همراه کردن آنها با خود (استراتژی حساس سازی تاریخی).

حساس کردن خواص جامعه که البته این امر منجر به ایجاد برنامه گسترده نصیحتگری آنها به جای همراهی با اهداف امام شد.

۲. اجازه امام به اطلاع‌رسانی علنی در مورد خبر شهادت حضرت مسلم

امام و نشان دادن وجود برنامه و طرحی کلان و پویا نزد خود و نفی انفعال و اثرپذیری از رویدادهای پیش رو.

اهتمام امام بر اصل صداقت و شفافیت در تمام مراحل قیام و اینکه همه در جریان همه اخبار و اطلاعات باشند.

توجه امام به انتخاب آگاهانه و آزادانه همراهانش و ایجاد حس همراهی و تعلق آگاهانه.

تلاش برای ایجاد و تقویت همکاری و همراهی و مدیریت اعتماد برای نیروهای خالص خود.

تلاش برای یک دست کردن و پالایش نیروهای فهمیده در مسیر ابتلا و امتحانی بسیار مهم و سخت و حذف همراهان ناهمگون و ناهماهنگ که در آینده مزاحم اهداف متعالی امام می شدند.

۳. دیدارها و سخنان امام در مسیر، با هدف جذب

شخصیت‌بخشی انسانی و دینی به افراد.

ایجاد جاذبه برای امام نور از منظر ارتباط‌گیری مستقیم و صمیمانه با همه.

توجه به استعدادها و ظرفیت‌های افراد و تلاش برای شکوفا کردن آنها در مسیر تاریخی حق.

ایجاد خاطره ذهنی ماندگار برای آنها و برای تاریخ.

۴. طول زمانی مسیر

مدیریت زمان + مدیریت عملیات به سوی هدف از پیش تعیین شده.

ص: ۱۰۳

مدیریت توالی حوادث و رویدادها در مسیر هدف کلان طراحی شده.

صلابت، استواری و سرعت سیر بسیار خوب با وجود همراهی اهل بیت علیه السلام و مواجه شدن با خبرهای ناگوار.

۵. مواجهه با دشمن و نقشه های آن ها

توجه به اصل آغاز نکردن درگیری و نبرد و بهانه ندادن به دست دشمن.

تلاش همیشگی برای رعایت اخلاق اسلامی و انسانی با هدف شخصیت بخشی و تبلیغات دینی احتراماً میز به امید جذب آنها به جبهه حق.

در پیش گرفتن مدیریت بحران و نفی ضعف و وادادگی در برابر آنها (و در تدبیری غیر مستقیم، کشاندن آنها به مقصد و مسیر نهایی خود).

۶. ریزش و رویش افراد

برنامه ریزی برای ایجاد جامعه هدفمند و اجتماع سازگار و هماهنگ و آن گاه تعالیبخشی آنها با همراه کردن آنها به همراه جوانان بنی هاشم که تربیت یافته حضرت بودند.

رعایت حقوق فردی در جذب و دفع.

کیفیت (معنوی، ایمانی و انسانی) به جای کمیت (نیروی انسانی).

۷. همراه آوردن دعوت نامه های کوفیان

ایجاد استناد تاریخی ظاهری برای مقصد انتخابی.

استفاده تبلیغاتی از پیشینه و نقطه ضعف دشمن و ایجاد تبلیغات و فشار روانی بر آنها.

ایجاد ابزاری برای خنثی کردن و گرفتن قدرت مانور تبلیغی دشمن.

۸. برگزاری نماز جماعت مشترک با حُر و سربازان همراه او

اعتماد به قدرت، قوت و بصیرت نیروی خودی و ریزش نداشتن آنها.

شفافیت اهداف و برنامه ها و هراس نداشتن از کشف سخن یا برنامه ای.

اختلاطگرایی با هدف ایجاد زمینه و فرصت برای مشاهده نزدیک حق علمی و عملی برای گمراهان.

تلاش برای اثرگذاری و جذب نیروهای خاص و عام دشمن.

۹. نبرد نکردن با بحر در اولین مواجهه و هنگام ورود به کربلا

استراتژی آغاز نکردن نبرد.

ندادن بهانه تاریخی به یزید و یزیدیان.

اهتمام به نشان دادن روحیه جنگل‌بلی دشمن هنگام شکست در برابر منطق و تبلیغات حق.

ص: ۱۰۴

۱۰. برنامه ویژه امام برای آنها که قصد جدایی داشتند

اعلان شفاف برنامه خود و مسیر نهایی قیام (شهادت) به افراد.

اطلاعرسانی و آینده‌هراسی به افراد در صورت یاری نکردن امام.

مشاوره دادن برای چگونگی جدایی کم هزینه مادی و معنوی افراد.

چهار. ایده های اقامت در کربلا تا عاشورا

در این زمینه، ترسیم گاه شمار اقامت امام در کربلا به صورت موازی با رویدادهای کربلا مطلوب است، ولی به دلیل حجیم شدن بیش از اندازه کتاب از آن صرف نظر شده و این مهم به منابع دیگر واگذار می شود. اکنون صرفاً ایده های آن ارائه می گردد.

نکته‌ها و ایده‌های حضور امام در کربلا

۱. بی‌اعتنایی امام به نامه های ابنزیاد

نشان دادن شخصیت پر صلابت حق در برابر سران پست باطل (که حتی نسب نامشروعی داشتند).

ندادن اندک شخصیت به رهبران باطل.

ارجاع دادن رهبران باطل به بیانیه های عمومی خود که خطاب به جامعه فرموده بود و تنزل دادن شخصیت کاذب آنها به مرتبه دیگر افراد جامعه.

۲. محاصره و بحران آب

عزتمداری امام در برابر تلاش های خبیثانه دشمنان برای به ذلت کشیدن امام.

تلاش برای حل مسئله با مذاکره و اتمام حجت و تبلیغات فطرت برانگیز.

شجاعت و اقدام به تهیه شبانه آب با کم ترین هزینه سیاسی یا نظامی.

۳. سخنرانی های امام

ایجاد جبهه تبلیغاتی روشن، گسترده، مستمر و متنوع.

تبلیغات نه با هدف فریب یا تأخیر در شهادت، بلکه با هدف هدایت یا فطرت‌برانگیزی.

تبلیغات و معارف حق، مهم‌ترین سلاح در برابر ابزارهای فریب و استضعاف باطل.

سخنرانی‌های امام با هدف آسیب‌شناسی جامعه کوفه و تلاش برای ایجاد تحول و اصلاح‌گری در آنها.

ص: ۱۰۵

۴. سخنرانی های یاران امام

استفاده امام از جایگاه اجتماعی و علمی یاران کوفی خود در مواجهه با کوفیان.

توجه امام به استعداد های منابع انسانی خود.

تک روی نکردن امام در مدیریت تبلیغی و فرصت سازی برای نیروهای خود.

۵ مذاکره امام با عمر بن سعد

دیپلماسی سیاسی فعال امام در برابر دشمن.

تلاش برای روحیه شناسی فرمانده دشمن و امکانسنجی ایجاد تحول در او.

توجه امام به جایگاه خواص و تلاش برای اثرگذاری بر آنها با هدف اثرگذاری در گروه دنبالهرو آنها.

فطرت‌برانگیزی و فرصت سازی برای فرمانده دشمن با هدف خودیابی مجدد.

ایجاد تزلزل روحی و روانی در فرمانده دشمن.

ایجاد آینده‌هراسی در فرمانده دشمن و تبیین حقیقت دنیا و سنت های آن و عاقبت باطل گرایی.

نشان دادن قاطعیت و نفی سازش کاری با فرمانده فرصت طلب دشمن.

۶ مهلتگیری برای شب عاشورا و عقب انداختن نبرد از عصر تاسوعا به روز عاشورا

تلاش برای در اختیار گرفتن مدیریت زمان در مواجهه با دشمن.

تلاش برای ارتقای روحی خود و یارانش در شب عاشورا جهت کسب آمادگی برای حماسه عظیم عاشورا .

پنج. ایده های شب عاشورا

ابن زیاد پس از حاکم کردن اختناق کامل بر کوفه و عراق مطمئن شد نیرویی به امام نخواهد رسید. آن گاه نیروی کافی به کربلا

فرستاد. پس از امتحان کردن بسته شدن آب

ص: ۱۰۶

برای سه روز، شمر بن ذی الجوشن را در روز تاسوعا با دستور حمله به کربلا می فرستد، ولی امام موفق می شود شب عاشورا را از کوفیان مهلت بگیرد تا به عبادت پردازد.

نکات تحلیلی و تربیتی شب عاشورا

۱. آخرین اتمام حجت امام با یارانش

اوج تطبیق دادن منابع انسانی با اهداف خود.

سازماندهی پویای منابع انسانی با اهداف خود.

برنامه ریزی آگاهانه برای ایجاد اجتماعی و جامعه ای هماهنگ و سازگار.

تلاش برای ایجاد نیرومندی در انگیزه آگاهانه مبتنی بر ایمان و ایثار.

۲. مخاطب قرار دادن امام همه همراهانش را در یک جمع (بنیهاشم، یاران و غلامان)

برابر گرایی بین انسان ها با معیار ایمان و تقوا.

ایجاد حس اهمیت و جایگاه یکسان نزد اولیای دین با معیار انسانیت و ایمان.

۳. عبادت و عبودیت شب عاشورای امام و یاران

مدیریت ارتقای روحیه معنوی و ظاهری به نقطه اوج خود برای آفرینش حماسه ای تاریخی.

تلاش برای اوج خودشکوفایی معنوی و معنایی.

تلاش برای ایجاد هماهنگی بیشتر امام و یارانش با کمک سیر و سلوک عادی.

۴. طراحی های عملیاتی و نظامی شب عاشورا و آرایش نظامی جدید امام

تغییر رویه ناگهانی و تاکتیکی با هدف غافل گیری دشمن و در دست گرفتن ابتکار و مدیریت نبرد عاشورا.

تلاش برای زمینگیر کردن انبوه نیروها و امکانات دشمن و ایجاد سردرگمی و آشفتگی در آنها.

قدرت امام در پیشبینی طرح و برنامه هجومی دشمن در صحنه نبرد و طراحی قرارگاه خود با هدف ایجاد بالا-ترین بازدهی و بهره‌وری دفاعی و تبدیل بحران هجوم همه جانبه

ص: ۱۰۷

دشمن به فرصت دفاعی فرسایشی.

ایجاد بالاترین زمینه برای قدرت مانور و خلاقیت یاران در عرصه نبرد.

ایجاد بالاترین امنیت برای اهل بیت علیه السلام و بانوان و جلوگیری از آشفتگی و درهم‌ریختگی این بخش.

تلاش برای ایجاد طرحی که قدرت شتاب و میدان تلاش دشمن را بگیرد و توان آنها را کنترل و محدود کند و آنها را به رزمی انفعالی بکشانند.

تلاش برای در اختیار گرفتن مدیریت توالی حوادث در روز عاشورا.

توجه به امنیت اطلاعات و ناآگاهی دشمن تا لحظه عملیات.

اوج تلاش و فعالیت یاران همراه امام در اجرای طرح های تاکتیکی دفاعی شبانه جهت آسایش و فراغ بال در رزمی شجاعانه در روز عاشورا.

ایجاد فرصت برای تبدیل مرگی دسته جمعی و سریع به شهادتی افتخارآمیز و با طرح و برنامه.

زمینه سازی برای به انفعال کشاندن دشمن و نشان دادن چهره واقعی او به تاریخ در جنگی که تمام ابزار و امکانات را در اختیار دارد، ولی زیر فشار نبردی فرسایشی به اوج پلیدی و خباثت دست می زند.

۵. نوع مواجهه امام با خبر اسارت پسر محمد بن بشیر

توجه به درک احساسات و عواطف منابع انسانی خود و رعایت انصاف در این زمینه.

مدیریت سلامت روانی و آرامش خاطر نیروهای خود.

تلاش برای ایجاد حس رضایت و آرامش و اوج همراهی و هم دلی در نیروها.

ص: ۱۰۸

شش. گاه شمار روز عاشورا

در مورد گاه شمار روز عاشورا هم به دلیل گستردگی مباحث به منابع مفصل به ویژه مجموعه ارزشمند طرح و تحقیق فیلمنامه امام حسین علیه السلام مراجعه شود.

گاه شمار زمانی حماسه حسینی (از مدینه تا مدینه)

مرحله قیام

مکان

زمان

از مدینه تا مکه

مدینه و راه مکه

یک هفته

مکه

مکه

چهار ماه

راه عراق

مسیر در حدود هزار کیلومتر

۲۳ روز

کربلا

کربلا

۸ روز (امام و یاران)

۹ روز کاروان اسارت

کوفه

کوفه

حد اکثر دو هفته

راه شام

مسیر پیک ها

مسیر کاروان ها

حدود ۵۰۰ ک

حدود تا ۱۴۰۰ - ۱۱۰۰ ک

شام

دمشق

یک هفته تا کمتر از دو هفته

بازگشت به ...

؟

؟

نمونه هایی از ایده و سیره مدیریتی امام در روز عاشورا

رویدادها در روز عاشورا

تحلیل سیره امام

۱. خطبهخوانی گسترده امام و یاران در صبح عاشورا

ایجاد آگاهی و فطرتبرانگیزی و اتمام حجتی آشکار و شفاف

یادآوری معارف دینی و پیش گویی های نبوی و علوی با هدف ایجاد تحول

تبلیغات مداوم و پیاپی در آغاز صبح و فراهم کردن آمادگی ذهنی افراد برای تردیدافکنی در پیروی از باطل

معرفی کامل امام و نسبت ایشان با اسلام و پیامبر، برای تعیین عمق

ص: ۱۰۹

حادثه در پیشرو

آینده‌هراسی از عاقبت تصمیم باطل آنها و آگاهیده‌ی درباره سنت های قطعی خداوند در این زمینه

۲. نفرین و معجزه هلاکت فرد هتاک

نشان دادن آیه های عینی و عملی با هدف تحول به سوی حق یا انصراف حداقلی از باطل

به تصویر کشیدن نمونه عینی و عملی از آینده قریبالوقوع برای همه آنها

ایجاد شک و تردید در بدنه عمومی (و عام) لشکر کوفه و زمینه سازی برای ریزش و جدایی برخی از آنها

مشخص شدن عمق کوردلی اکثریت لشکر کوفه که با مشاهده معجزه امام همچنان بر باطل خود استوار بودند

۳. آزاد گذاشتن امام برای مواجهه جوانان هاشمی با مسئله اماننامه

اصل آزادی و اختیار افراد در مکتب حق در همه لحظه های زندگی خود

اطمینان امام به معرفت و درایت یارانش

اهتمام امام (و یاران) بر برخورد انسانی و احترام‌آمیز با کوفیان تا قبل از آغاز درگیری

۴. غافلگیری و زمینگیری دشمن و آغاز نبرد فرسایشی اصحاب

موفقیت تمام طرح ها و برنامه های امام و در اختیار گرفتن ابتکار عمل در میدان رزم

فرصت سازی امام برای آفرینش بالاترین مرتبه حماسه و ایثار

برنامه‌ریزی یاران امام برای تقدم خود در جانبازی بر امام و بنیه‌اشم

سخن پایانی

سخن پایانی

آنچه ارائه شد، دیداری دوباره، اما موجز با حماسه حسینی بود که اندکی با ایده های مقتل و سیره شناسی مدیریتی امام همراه شده بود. البته بازشناسی حادثه و سیره شناسی نبرد روز عاشورا به ویژه از منظر تطبیقی بین الگوهای مدیریتی و رفتاری حق و باطل، مجالس واسع می طلبد که به گاه شماری توصیفی و تطبیقی دقیق و آن گاه فهم تحلیل های درست مبتنی بر آن و در نهایت، ارائه ایده‌ها وابسته است. تبیین همه این موارد با ظرفیت و فرصت

ص: ۱۱۰

محدود این اثر نمیگنجد. انس یافتن با مراحل پیشین یاریگر مخاطب در این مرحله است که امید داریم در آینده در قالب اثری مستقل به آن پردازیم.

۴. ایده یابی ناظر به دانش جامعه شناسی

اشاره

۴. ایده یابی ناظر به دانش جامعه شناسی

در این بخش، در قالب ارائه یک طرح تلویزیونی سعی می شود مدلی برای بازشناسی جوامع عاشورایی معاصر با قیام ارائه شود. آن گاه به پیوست، گاه شمار اجمالی کوفه از پیدایش تا پس از قیام می آید تا در مقام جامعه شناسی عاشورا، تصور درستی حداقل از کوفه آن زمان وجود داشته باشد.

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

طرح برنامه تلویزیونی: جامعه شناسی عاشورایی

طرح برنامه تلویزیونی: جامعه شناسی عاشورایی

۱. موضوع کلی: معارف اسلامی / مناسبتی

۲. رویکرد: ارشادی / تبلیغی

۳. عنوان موضوع: نسبتسنجی جامعه اسلامی بحرانزده در آستانه قیام سیدالشهدا علیه السلام با جامعه اسلامی کنونی با هدف استخراج ره یافت های اجتماعی قیام عاشورا.

۴. زمان پخش: ۳۰ تا ۴۵ دقیقه

۵. تعداد: حداقل ۱۳ قسمت (به ویژه در نیمه اول ماه محرم)

ص: ۱۱۱

۶. مخاطب: تمام سطوح (به ویژه قشر دانشجو به بالا)

۷. شرح طرح: اسلام مدعی طرحی آسمانی برای سعادت فرد و جامعه است، ولی جامعه اسلامی ما امروزه آکنده از بحران ها و آسیب های اجتماعی است که شبهه و تناقض هایی را برای افراد بسیاری ایجاد کرده است؛ چون آن ادعای اسلام با رفتار مسلمانان نمی‌سازد. اگر پیامبر اکرم مدعی آوردن و اجرای دین کامل و جامعی بود، پس وضعیت موجود چیست؟

دهه محرم و دانشگاه عظیم عاشورا، فرصتی بهینه است تا با باز شناسی تحلیلی تاریخ اسلام و عاشورا ضمن یافتن این پاسخ، طرحی نو و کار آمد برای اصلاح جامعه اسلامی در اندازیم.

شش دهه تاریخ اسلام از زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تا قیام نواده اش، سیدالشهدا علیه السلام، شاهد تجربه الگوهای اجتماعی گوناگونی است که در نهایت منجر به رخداد قیام عاشورا می شود، جوامعی که بازتاب آن کم و بیش در جوامع کنونی ما مشهود است. نمودار جوامع اسلامی از آغاز تا کنون و در مسیر آینده خود به شرح زیر است:

گذشته

جامعه جاهلی / جامعه نبوی / جامعه خلفا / جامعه علوی / جامعه اموی / قیام سیدالشهدا / ...

حال

جامعه آخرالزمانی / جامعه انتظار زمینه ساز

آینده

جامعه ظهور

در تمام این جوامع تقریباً موضوعات و مسائل اصلی یکی هستند و نقطه تفاوت اهداف پیشرو، معیارها و ملاک ها و راه های رسیدن به هدف و نوع برنامه ریزی هاست. از این منظر می توان به تفاوت ماهوی جامعه نبوی با جامعه جاهلی یا جامعه علوی با جامعه اموی پی برد.

با این نگاه می توان پی برد که سیر انحطاط جوامع اسلامی و جوامع بشری از روی گردانی از جامعه نبوی و علوی آغاز می‌گردد که اگر قیام سیدالشهدا علیه السلام نبود، نابودی جوامع اسلامی حتمی بود. قیام حسینی ضمن بیمه کردن حیات جوامع اسلامی تلاش می کند به احیای دوباره جامعه نبوی و علوی پردازد. همین هدف، کانون توجه فعالیت ها و برنامه ریزی های امامان بعد قرار می گیرد که با پشتوانه فرهنگ عاشورا جامعه اسلامی را دوباره احیا کنند.

ص: ۱۱۲

در این مسیر، تلاش تاریخی ابلیس برای امتداد گسترش جامعه باطل اموی تا جامعه آخرالزمانی استمرار دارد. در نهایت، جوامع اسلامی باید با پا گذاشتن در مسیر جامعه، انتظار طرحی ثابت و همیشگی برای اجرای جامعه نبوی و علوی در قالب دوران ظهور داشته باشند.

با این نگاه، بررسی تطبیقی و مقایسه ای جامعه اسلامی دوران بیست سال حکومت معاویه با رویکرد نگاه تحلیلی به سه جامعه و کلان شهر مهم اسلامی آن روز یعنی کوفه، مکه و مدینه می تواند ما را در آسیب شناسی جامعه کنونی و دست یابی ره یافت خروج از این بحران ها بر اساس طرح قیام عاشورایی یاری برساند. خطبه ها و برنامه های گوناگون امام حسین علیه السلام در مراحل قیام خود، از این آسیب شناسی ها و راهکار یابی برای احیا و بازسازی جامعه اسلامی در تمام سطوح و لایه های اجتماعی خود آکنده است. از آنجا که عاشورا و انتظار، دو رکن تشیع است، با بازشناسی تحلیلی آینده های اجتماعی و سیره و روش مدیریت اجتماعی سیدالشهدا علیه السلام میتوان خود را از وضعیت جامعه آخرالزمانی نجات داد و با وارد کردن جامعه اسلامی به جامعه انتظار، به نزدیک شدن دسترسی به آرمان شهر ظهور امیدوار شد.

۸. اهداف و ضرورت ها

وجود بحران ها و آسیب های اجتماعی فراوان در جامعه اسلامی و غفلت از راهبردهای دینی.

تبدیل شدن عاشورا به کلیشه و فضایی احساسی و عاطفی با وجود دانشگاه عظیم معارفی آن.

توجه به رخداد قیام عاشورا با هدف ناکام سازی کردن طرح جامعه ابلیسی و بیمه کردن حیات جامعه اسلامی و توان مندی آن برای بهترین آسیب شناسی جوامع اسلامی.

نقش عاشورا در بازیابی دوباره اسلام و جوامع اسلامی و راهبرد های آن برای جامعه کنونی جهت برون رفت از آسیب ها و بحرانها.

۹. تشریح یک قسمت

این برنامه با استفاده از نریشن و گزارش اجتماعی (مستند اجتماعی) ابتدا به طرح موضوع و بررسی جامعه کنونی و آسیب یا مسئله آن می پردازد. آن گاه در استودیو

ص: ۱۱۳

با حضور کارشناس از وضعیت مطلوب اجتماعی از منظر اسلام و جامعه نبوی بحث خواهد شد. سپس در قالب نریشن و تصاویر تاریخی یا گرافیکی، وضعیت جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به ویژه در دوره معاویه و اهداف و بازتاب های آن در مرحله دوم میزگرد بررسی می شود. به موازات آن می توان نگاهی تطبیقی به برخی مشکلات همانند جوامع اسلامی یا جامعه اسلامی ایران انداخت.

در مرحله آخر پس از نریشن کوتاه که شامل مرحله ای خاص از قیام امام حسین علیه السلام یا فرازی از خطبه ها و سخنان ایشان است، می توان از راهبرد عاشورا برای حل آن معضل بحث کرد.

در این بخش، سخنان امام حسین علیه السلام و سیره تربیتی و اجتماعی ایشان کانون توجه بحث کارشناسی خواهد بود.

یادآوری: در این برنامه که به صورت تولیدی یا زنده اجرا می شود، می توان جمعی از دانشجویان (رشته های: جامعه‌شناسی، تاریخ اسلام، الهیات، مدیریت، تعلیم و تربیت و...) را در برنامه مشارکت داد که در ضمن بحث، پرسش های خود را مطرح یا به صورت کوتاه، نظرهای خود را بیان کنند.

۱. نظام سیاسی اجتماعی و ساختار قدرت در جامعه

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

ولایت امام (انسان کامل) و علما

نظام سلطنت اسلامی

خلافت یزید

نفی خلافت یزید و احیای نظام امامت

۲. مدیران و کارگزاران شهری، آیین شهرداری و ...

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

تعهد و تخصص معیار گزینش صداقت و عدالت معیار اجرا

مکر، قدرت و چاپلوسی، معیار گزینش

فریب و ستم، معیار اجرا

زیاد و ابن زیاد امیران کوفه و بصره

؟

ص: ۱۱۴

۳. روابط اهالی با مدیر و رهبر

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

اطاعت و پیروی آگاهانه و مؤمنانه همراه آزادی بیان و...

اطاعت کورکورانه بدون امکان اعتراض و انتقاد و حجیت مطلق افعال و اقوال امرا و والیان

بدعت های والیان کوفه در ۲۰ سال خلافت معاویه

؟

۴. الگوی فرهنگی و هنری

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

پایه‌گذاری فرهنگ و هنر توحیدی و نفی عناصر ابتدال و شرک

احیای دوباره فرهنگ و هنر جاهلی با هدف غفلت و سرگرمی زایی

اوج اشعار مبتذل عشقی، رواج غنا و کنیزهای خواننده در حجاز

؟

۵. نظام تربیتی

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

تربیت تدریجی دینی مبتنی بر تعقل و اراده مؤمنانه و اهداف توحیدی

افراط و تفریط بین تربیت خشک و متحجرانه، دینی منحرفانه یا رهاشدگی و بی توجهی به ارزش های دینی

جوانان متحجر حجازی یا جوانان رها شده کوفه

؟

۶. الگو و نظام خانواده

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

اصالت خانواده بر اساس کفویت دینی همسران

احیای نظام جاهلی فردگرایی یا قبیله گرایی و معیارهای دنیوی ازدواج

لشکر کوفه در عاشورا و شجره های مشکوک، اخلاقی منحط و نهایت پستی

؟

ص: ۱۱۵

۷. سبک زندگی جوانان و رابطه آنها با نسل های گذشته

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

اصل احترام/ متقابل اصل جوان برآمده از خانواده دینی و در سیر تکامل دینی و دنیوی در امتداد پدران مؤمن خود

محوریت لذات و جذابیت های دنیوی

گسست جوانان از بزرگان شیعی قبایل

خودداری عراقی ها از دیدار با امام در مدینه

تلاش بر محوریت نبوی برای نسل جدید

ایجاد فضای تبلیغی ضداهل بیتی

جوانان عراقی قبایل با سابقه تشیع که در خدمت نظام اموی بودند

؟

۸. الگوهای اجتماعی

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

انسان کامل / علما، صالحان و تلاشگران

رهبران و هنرمندان فاسد،

زاهدان صوفی مسلک و علمای بدعت گذار ساکت و خاموش

علمای مکتب ابن مسعود در کوفه و ترویج نظریه مرجئه گری و اباحه گری

شاعران درباری فاسد و منحرف و...

؟

۹. سرمایه اجتماعی

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

از نظر سخت افزاری بنی هاشم و از نظر نرم افزاری معنویت و عدالت و امر به معروف

سکوت و قعود خواص و عوام جامعه به بهانه حفظ امنیت

احیای ارزش های مدینه النبی

ص: ۱۱۶

۱۰. نظام اقتصادی روابط اقتصادی منابع ثروت و نظام معیشت

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

اصل کار و تلاش به همراه خلاقیت و بهره رسانی اجتماعی در کنار بیت المال جهت طبقات نیازمند یا طرح های خاص

بیت المال، مهم ترین معیشت اعراب مسلمان و وابستگی به آنها

و نظام طبقاتی و تبعیضی در تقسیم آن

ایجاد طبقه سرمایه داری و اشراف بر اساس چپاول بیت المال

وابستگی اعراب مسلمان کوفه و حجاز به بیت المال و زمین گیر شدن آنها

با توزیع آن در اول ماه محرم

نقش اشراف کوفه در ناکامی حضرت

؟

۱۱. طبقات و درجه بندی اجتماعی

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

نفی طبقه و امتیازهای اجتماعی و محور شدن ایمان و تقوا و دانش در معیار های برتری

- احیای نظام قبیله ای دسته بندی اعراب شمالی و جنوبی

- تبعیض بین مسلمانان عرب و عجم

- ایجاد طبقات جدید سرمایه داری و علمای درباری

نظام اسباع (طبقات هفت گانه) کوفه و کنترل دائمی شهر به دست بنی امیه با خرید رؤسای قبایل و اشراف

؟

۱۲. جریان های دینی و فکری و فرقه های دینی

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

دین کامل و جامع و کنترل جریان های انحرافی

جلوگیری از دین حق و فعالیت اهل بیت و ایجاد تبلیغات منفی بر علیه آنها

ص: ۱۱۷

دینتراشی و فرقه‌تراشی فقهی و کلامی

شخصیت تراشی عالم نمایان در مناطق گوناگون

ترویج بدعت‌ها در تعالیم اسلامی

کوفه سال ۶۰ و جریان‌های علمی و فکری گوناگون

علمای حجاز و نصیحتگری امام و دعوت مردم به قعود

؟

۱۳. وضعیت جمعیتی و تغییرات جمعیتی

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

مهاجرت و سکونت با هدف دوری از جامعه آلوده و ایجاد جامعه دینی

کوچ جمعیت تازه مسلمان اعراب حجاز به مناطق جدید برای دور کردن آنها از اهل بیت

و نهادینه نشدن اسلام در آنها

- بر هم زدن ساختار جمعیتی قبایل شیعی

پیدایش شهر کوفه بر محوریت غنایم فتوحات ایران و روحیه دنیاپرستی

معاویه و تبعید و ایجاد تغییرات گسترده در قبایل شیعی کوفه برای تضعیف شیعه‌باوری آنها

ناکامی‌های تاریخی کوفه و کوفیان در برابر اهل بیت

؟

۱۴. آرزوها و آرمان‌های اجتماعی و انگیزه و اهداف زندگی روزمره

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

عبودیت و سعادت دنیوی و اخروی و نظام ارزشهای دینی و توحیدی

وارونگی ارزشها

تبدیل شدن دنیا به کانون توجه جامعه

- گسترش رقابت های اقتصادی و امتیازبندیهای اجتماعی

ص: ۱۱۸

- تلاش برای زندگی دنیوی با هر قیمتی

تنها گذاشتن جریان ها و برنامه های ارزش محور و دینی حسینی

هجوم برای حضور در لشکر عمر سعد یا تلاش برای پنهان شدن با هدف چند روز زندگی دنیوی بیشتر

؟

۱۵. نقش زنان

نبوی

اموی

نمونه

اهداف قیام

نفی نگاه ابراز گونه یا شهوت محور به زن

کرامت و حقوق متعالی زن

حضور اجتماعی تعریف شده زن با محوریت ایمان و حیا و عفاف

طرد زنان از حوزه فعالیت های اثرگذار اجتماعی

احیای فرهنگ حکایات عشقی و غناخوانی در حوزه زنان

استفاده از احساسات زنانه در کنترل رفتار مردان

تبدیل کردن زنان به پایه اصلی دنیاطلبی جامعه اموی

- نگاه زنان کوفی منزوی به حادثه عاشورا

زنان کوفی و نقش فعال آنها در به انزوا کشاندن مردان از حق

؟

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

کوفه شناسی اجمالی

کوفه شناسی اجمالی

کوفه در فاصله سال های ۱۴ تا ۱۷ (ه. ق) در اوج فتوحات ایران پایه گذاری شد. به این دلیل، شهری نظامی بود که انبوه اعراب مسلمان یمن و حجاز را که از جزیره‌العرب برای فتوحات به بینالنهرین آمده بودند، در آنجا و بصره اسکان دادند.

از سال ۱۷ تا سال ۳۴، دوران خلافت خلفای سه گانه و اسکان و تربیت مردم شهر با رویکرد نظام و مکتب خلفا است. در این زمان، قبایل یا شخصیت های شیعی غالباً مقیم کوفه هستند و به تدریج در کوفه، اولین پایه های تشیع با حمایت های غیرمستقیم امیرمؤمنان علی علیه السلام ایجاد شد. با این حال، هیچ گاه آمار قبایل شیعی، یا دوستدار امام حتی به یک سوم جمعیت شهر هم نرسید.

از سال ۳۵ تا سال ۴۰، این شهر شاهد خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم است. ایشان اگرچه امام اول پس از پیامبر است، ولی در دوران خلافت نه عنوان امام اول، بلکه به عنوان خلیفه چهارم به این منصب رسید. این در حالی بود که کوفه آکنده از مسلمانانی است که غالباً پیرو مکتب خلفا هستند. همچنین جمعیت قابل توجهی از خوارج و عثمانیه (پیرو امویان) و منافقان دنیاپرست در کوفه وجود دارند و شیعیان در اقلیت. به ویژه در جنگ صفین، جمع بسیاری از خواص و عوام آنها به شهادت می رسند و نبود آنها باعث غربت امام در میان مردمی می شود که دل در گرو خلفا دارند.

از سال ۴۰ تا ۶۰، دوران خلافت معاویه بر جهان اسلام است. در این بیست سال، ابتدا مغیره بن شعبه ۱۰ سال، والی شهر کوفه است. پس از شهادت امام حسن علیه السلام، زیاد بن ابیه به مدت سه سال والی شهر می شود تا با قدرت و بی رحمی هم سیاست های شیعهستیزی خود را به اجرا بگذارد و هم لعن و سب امیرمؤمنان علی علیه السلام را در کوفه و عراق ترویج و نهادینه سازد. او در اوج جنایات خود، زمینساز شهادت حجر بن عدی و یارانش می شود. سرانجام پس از مرگ او، آخرین والی معاویه بر کوفه، نعمان بن بشیر انصاری است.

مرگ معاویه در سال ۶۰، آغاز خلافت یزید را از سال ۶۰ تا سال ۶۴ به همراه دارد.

در کوفه پس از رسیدن خبر هجرت اعتراضی امام حسین علیه السلام به مکه به تدریج موجی بر پا می شود. موجی که نهایت آن، دعوت نزدیک به یک سوم مردان شهر از امام

ص: ۱۲۰

برای آمدن به کوفه است. واکنش یزید، تغییر والی است. او پس از عزل نعمان، ابن زیاد را بر سراسر عراق فرمانروا می کند. او با کمک حزب اموی و اشراف و رؤسای قبایل در شهر حکومت نظامی اعلان می کند و در آستانه محرم که موسم تقسیم سالیانه سهمیه بیتالمال است، با تهدید و تطمیع می کوشد کوفیان را به جنگ امام بفرستد. در نهایت، یک سوم از صد هزار مرد جنگی شهر به کربلا می روند در حالی که بقیه گریخته و پنهان شده اند. پس از آن، کوفه تا مرگ یزید در همین فضای اختناق آور باقی می ماند.

پس از مرگ یزید، از سال ۶۴ تا سال ۶۶ ه. ق، کوفه در اختیار خلافت عبدالله بن زبیر قرار می گیرد که مرکز خلافت اش، مکه بود. او عبدالله بن مطیع عدوی را والی کوفه کرد. در این زمان، قیام توابین صورت می گیرد. قیامی که با بی اعتنایی زبیریان همراه است.

در سال ۶۷ تا ۶۸ ه. ق، قیام مختار صورت می گیرد و حکومت یک ساله او بر کوفه آغاز می شود که دوره انتقام گیری از جنایت کاران کربلاست.

از سال ۶۸ تا ۷۱ ه. ق، در مدتی کوتاه، دوباره حکومت زبیریان بر کوفه با خلافت مصعب بن زبیر باز می گردد. در سال ۷۱ ه. ق، با حمله عبدالملک مروان، دوباره کوفه زیر سیطره حکومت مروانین می شود.

از سال ۷۱ تا ۷۴ ه. ق، والی شهر، بشر بن مروان، برادر خلیفه بود تا اینکه پس از مرگ او در سال ۷۴ ه. ق، حجاج بن یوسف ثقفی به مدت ۲۰ سال، والی کل عراق شد. (۱)

نتیجه گیری

نتیجه گیری

همان گونه که در این گاه شمار اجمالی مشاهده می شود، کوفه، الگوی شهری جدید از نظر بنیانی است، ولی از نظر ارزشی و فرهنگی بر پایه فرهنگی التقاطی از اسلام و جاهلیت پایه‌گذاری می شود. از جهتی دیگر، ترکیب جمعیتی این شهر همانند بسیاری از شهرهای امروزی، از اکثریت سربازان موجب بگریز از بیتالمال و خانواددهایشان تشکیل شده است. این شهر از نظر فرهنگی و برنامه های تربیتی یا به حال خود رها شده است یا برنامه های تهاجم فرهنگی در آن به شدت به اجرا گذاشته می شود. بحران گسست و فاصله نسل ها در آن به شدت به چشم می خورد. از نظر آشفته‌گی تعلقات

۱- برای مطالعه بیشتر نک: رجبی دوانی، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی.

ص: ۱۲۱

سیاسی و احزاب موجود در آن، حداقل در فاصله دهه ۶۰ و ۷۰ قمری یعنی از آستانه قیام سیدالشهدا تا ۲۰ سال بعد، این شهر، کانون مهم‌ترین تحولات، منازعات، جنگها درگیری های داخلی و مدعیان خلافت و شورش است. از این رو، کوفه، آینه تمام نمای بسیاری از شهرهای اسلامی دور افتاده از الگوی مدینه‌النبی است که بازشناسی مفصل آن می تواند درس های بسیاری را برای شهرها و نظام اجتماعی اسلامی در شهرهای اسلامی امروزی در بر داشته باشد.

۵. ایده های روان شناختی و شخصیت پردازی

اشاره

۵. ایده های روان شناختی و شخصیت پردازی

در این بخش، ناظر به کاربرد فراوان مباحث شخصیت شناسی در برنامه سازی های گوناگون، دو طرح جالب و جذاب ارائه می شود. بدیهی است با مطالعه این طرح ها و پژوهش های تکمیلی آنکه در بخش بعد خواهد آمد، از نظر محتوا یا قالب یا تنوع مخاطب می توان به این بحث تنوع فراوانی بخشید.

الف) طرح: یک موقعیت، سه انتخاب (بررسی تطبیقی شخصیت های سیاه، سفید و خاکستری در موقعیت های عاشورایی)

الف) طرح: یک موقعیت، سه انتخاب (بررسی تطبیقی شخصیت های سیاه، سفید و خاکستری در موقعیت های عاشورایی)

۱. موضوع کلی: معارف اسلامی تاریخی

۲. رویکرد: ارشادی تبلیغی

۳. تعداد: از ۱۳ تا ۳۶ قسمت

۴. قالب: ترکیبی / نمایشی (در قالب های گوناگون آن برای مخاطب های مختلف)

۵. مخاطب: تمام سطوح

۶. شرح طرح: برنامه‌سازان و پژوهشگران همیشه از منظر تاریخی یا امام شناسی یا چستی قیام از منظر تحلیل تاریخی به عاشورا توجه ویژه نشان داده اند. امام شناسی و تاریخ شناسی وقتی مفید است که بیننده و مخاطب قبل از آن با خود و جایگاه و نقش خویش آشنا شود و بتواند در آغاز، نسبت و رابطه خود را با امام تعریف کند و سپس مسائل بعدی مطرح شود. از منظر دین اسلام، نقطه شروع معرفت و سعادت، خود شناسی در مسیر امام شناسی است. بدیهی است مطالعه تاریخ به ویژه عاشورا پژوهی از این منظر بسیار ره گشا است؛

ص: ۱۲۲

زیرا شناخت حق و باطل با هدف انتخاب حق و دوری از باطل از اولویت‌های خودشناسی است.

عاشورا، نمایانترین صحنه مبارزه حق و باطل است که در آن، تمام انسان‌ها جوهره و باطن و ذات خود را آشکار ساختند.

هم‌زمان با رخداد عاشورا انسان‌های بسیاری همانند ما بودند که نه امام معصوم بودند و نه از اهل بیت و بنی‌هاشم؛ همان‌ها که از ابتدا تحت تربیت و راهنمایی‌های انسان کامل بودند، بلکه بیشتر آنها انسان‌هایی معمولی همانند ما بودند که در برخورد با اوج تجلی حق، در نهایت، یا انتخابی سفید داشتند. و به حق پیوستند یا انتخابی سیاه داشتند و از حق رویگرداندند یا در وضعیتی مردد و خاکستری ماندند. پس سکوت و بی‌اعتنایی آنها به نوعی یاریگری باطل تلقی شد.

تحلیل و بازشناسی چیستی، چرایی، چگونگی و بازتاب این سه وضعیت سفید، سیاه و خاکستری در رابطه مردم آن زمان با سیدالشهدا علیه السلام می‌تواند یاریگر تعریف رابطه درست امروز ما با امام زمانمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

بدینگونه، کلاس مردم شناسی عاشورا به کمک سخنان و خطبه‌های سیدالشهدا علیه السلام در طول قیام که در تحلیل نوع رفتارهای انسان‌های آن زمان است، بهترین روش بهره‌گیری از عاشورا را برای تک‌تک بینندگان فراهم می‌کند به ویژه آنکه این بررسی شخصیت‌ها در نگاهی مقایسه‌ای و تطبیقی و در موقعیتی واحد باشد.

۷. اهداف و ضرورت

نگاه به عاشورا با طرحی نو و کاربردی از منظر انسان‌شناختی؛

پرهیز از انحصار بخشی عاشورا به مباحث تاریخی یا امام‌شناسی غیر کاربردی برای بیننده‌عام؛

وارد کردن عاشورا به حوزه زندگی مردم و دغدغه‌ها و مسائل زندگی آخرالزمانی آنها؛

شخصیت‌ها و زندگی‌عاشورایی به عنوان الگویی تمام‌عیار برای زندگی دوران غیبت و انتظار؛

بررسی مقایسه‌ای و تطبیقی انواع شخصیت‌های سیاه و سفید و خاکستری در موقعیت واحد برای آسیب‌شناسی و الگوبخشی به بیننده‌گرفتار جامعه آخرالزمانی.

ص: ۱۲۳

۸. تشریح یک قسمت

این برنامه، تلفیقی از تله تئاتر های کوتاه تلویزیونی و میزگرد زنده است. تله تئاترها بر اساس نوع ساختار توافق شده بین ۱ تا ۳ قسمت خواهد بود. میزگرد زنده پس از هر قسمت نمایش بلافاصله برگزار می شود. ۱ یا ۳ قسمت بودن بخش نمایش بستگی به آن دارد که در این قسمت می توان یک نمایش نامه واحد تطبیقی بین سه شخصیت سفید، سیاه، خاکستری ارائه کرد. همچنین می توان سه نمایش نامه برای سه شخصیت مجزا، اما در موقعیت واحد ترتیب داد که در سه قسمت مجزا اجرا گردد.

البته می توان یک نمایش نامه واحد تطبیقی برای سه شخصیت به صورت هم زمان نوشت، ولی آن را سه بخش کرد. به این گونه که در یک موقعیت واحد، سه شخصیت را از منظر انگیزه ها، چگونگی ها و سرانجام ها به نمایش کشید. در این مجموعه نمایش ها، وجود یک راوی برای توضیح موقعیت و آغاز قصه ها و پیوند زدن بین مراحل آن و پیوند زدن پرسشبرانگیز بین بخش نمایش و بخش کارشناسی، از عناصر حیاتی این مجموعه برنامه به شمار می رود.

بخش نمایش این برنامه به شخصیت های عاشورایی می پردازد. البته این به معنی تولید نمایش های تاریخی نیست، بلکه می توان فضای نمایش را در دکور و لباس های نمادین و فانتزی امروزی و به گونه ای بسیار ساده اجرا کرد تا هم هزینه بر نباشد و هم پیوند بین گذشته و زمان حال و بیننده امروزی بهتر برقرار گردد.

در این برنامه، هر شب تلاش می شود به یک بعد از ابعاد شخصیتی آدمی در مواجهه با حق و باطل پرداخته می شود. به مناسبت نمایش شخصیت های واقعی تاریخی، با استفاده از سخنان و خطبه های سیدالشهدا علیه السلام و تحلیل تاریخ می توان به چرایی و چیستی این وضعیت در انسان ها و راه درمان آن پرداخت.

به همین دلیل، برای غنی شدن برنامه، تهیه وله های گرافیکی و کپشن ساده از سخنان سیدالشهدا علیه السلام یا ارائه شرح حال کامل شهدای کربلا به صورت نریشن و نوشته متن در بینابین توصیه می شود.

پایان بخش برنامه می تواند زیارت شهدای کربلا یا مداحی های مناسب آنها باشد. گاه در بخش شخصیت های سیاه می توان از قسمت هایی از زیارت های سیدالشهدا علیه السلام که در لعن دشمنان آن حضرت است یا مداحی های مناسبتری از دشمنان امام استفاده کرد.

با توجه به آنچه گذشت، خلاصه یک قسمت مثلاً قسمت ۱۲ چنین است:

ص: ۱۲۴

ابتدا یک راوی (مجری/راوی) موضوع را چنین طرح می کند.

در شرایط عادی یا همراه امتیازات، مدعیان حق و حقیقت، فراوان هستند و کمتر کسی است که نوعی تظاهر به حق و حقیقت نداشته باشد، ولی آن گاه که ورق برمی گردد و شرایط دشوار می شود و پیروی از حق با منافع سازگار نباشد یا لازمه پیروی از حق، در معرض تهدید و آسیب اجتماعی قرار گرفتن باشد، به فرموده سیدالشهدا علیه السلام «قُلِّ الدیانون».

این شرایط بحرانی و خاص چه مواقعی پیش می آید و در این شرایط، وضعیت های سه گانه سفید، سیاه، خاکستری چگونه است و راه برون رفت از آن چیست؟

آن گاه بخش نمایشی آغاز می گردد که بر حسب نوع ساختار یک موقعیت واحد از سه شخصیت عاشورایی به شرح زیر ارائه می گردد:

در کوفه تا قبل از آمدن ابن زیاد، جماعت بسیاری، مدعی یاری و یآوری امام حسین علیه السلام بودند و بازار مکاره ادعا چنان گرم بود که حتی برخی اشراف بی اعتنای شهر هم جزو مدعیان و دعوتگران امام شده بودند. همین وضعیت باعث وحشت امویان شده بود و والی خشنی را به کوفه فرستادند. آمدن ابن زیاد که یادآور پیشینه شوم زیاد در کوفه بود، ناگهان باعث شد ورق در کوفه برگردد. در این شرایط:

الف) اشرافی همانند شبت بن ربیع ابتدا به کنج خانه ها خزیدند، ولی چون موقعیت های خود را در خطر دیدند، به سرعت به همکاری با حاکمیت جدید روی آوردند و خود و تمام قبیله را در اختیار حکومت قرار دادند.

ب) گروهی همانند عبدالله بن وال که بعدها از رهبران توابین شد، با درک شرایط خطرناک شهر و با اینکه از بزرگان قبیله ای کوفه بود، به سرعت به کنج انزوا و گمنامی پناه برد. او، خود و تمامی قبیله را از صحنه جامعه منزوی کرد تا اگر یاریگر حق نیستند، کاری هم به باطل نداشته باشند.

ج) در این میان، اندک شیعیان خالص ماندند که حتی در شرایط سخت و دشوار کوفه از امام یآوری غافل نبودند. مهم ترین دغدغه آنها رساندن خود به هر شیوه ممکن به امام بود، ولی در این میان، عمّار بن ابی سلامه دالانی به فکر نقشه ای می افتد که اگر بتواند ابن زیاد را از صحنه سیاست کوفه محو کند. پس ۲ تا ۳ روز ابن زیاد را زیر نظر می گیرد، ولی... .

در پایان نمایش، مجری/راوی با دیالوگی درباره خود و بینندگان در موقعیتی چون

ص: ۱۲۵

موقعیت شخصیت های این قسمت وارد بخش میزگرد می شود و بحث کارشناسی را آغاز می کند.

۱۱. نمونه عنوان های ۳۵ قسمت

عناوین

سفید

خاکستری

سیاه

۱. حس نیاز یا استغنا از امام

جون غلام ابوذر

مردم مدینه

نافع ازرق خارجی

۲. هدف زندگی

ابن عمیر کلبی

جوانان مدینه در دوران معاویه

جوانان کوفه در دوران معاویه

۳. مواجهه باحق و نوع واکنش

زهیر

هرثمه / مسروق بن وائل

قره ابن ابی قیس

۴. اطاعت و پیروی عالمانه و معیار ارزشها

قیس بن مسهر

ناصرحان حجاز

سنان بن انس / مالک بن نسر بدی

۵. تناقض درونی و تردید بین دین و دنیا

حرّ

ابن حر جعفی

عمر سعد

۶. جریان های فکری

بریر بن خضیر

شقیق اسدی، علمای عراق و علمای حجاز

نعمان بن بشیر و عبدالله بن عمر

۷. معیشت و روزی

زهیر

طرماح

اول محرم و حقوق سالیانه کوفه

۸. وابستگی ها و دل بستگیها

محمد بن بشیر

سران توابین

اشراف کوفه

۹. معیار دوستی

عابس، شوذب، مسلم و حبیب

سلیمان بن سرد و عبدالله وال

دو نگهبان لشکر عمر سعد در شب عاشورا

ص: ۱۲۶

۱۰. از گمنامی تا شهرت

سلیمان غلام امام و غلام ترک

عقبه بن سمعان

غلام شمر، غلام ابن زیاد و معقل

۱۱. شرایط دشوار و خطرناک

عمار بن ابی سلامه

عبدالله بن وال

شبث بن ربیع

۱۲. حریم ها و حرمتها

حرّ

خبررسان کوفی شهادت مسلم

عبدالله بن ارجوزه

۱۳. تخصص و تعهد

ابوالشعنا و ابوالثمامه

ابن حر جعفی

حرمله / حمید بن مسلم

۱۴. اعتبار اجتماعی

هانی و عمرو بن قرظه

ابراهیم اشتر / سلیمان بن سرد

عمرو بن حجاج / محمد بن اشعث

۱۵. شریعت و عبادت

حرّ و نماز جماعت، مسلم بن عوسجه و مسجد، حیب و قرآن

حجاج آن سال

عمرسعد

۱۶. المأمور معذور یا...

حر

ولید، حاکم مدینه

ابن زبیر و سوء استفاده از حرمت مکه، بنیامیه و هجوم شریعت و بدعت ها، عمرسعد و نماز جماعت مجزای شمر

۱۷. جامعه باطل محور و علما

بریر بن خضیر

علمای کوفه / عبدالله بن عباس

شریح قاضی

۱۸. رقابت و سرعت

یزید بن ثیبط بصری

عمره انصاری

مسروق بن وائل / عمرو بن حجاج

ص: ۱۲۷

۱۹. زنان

ماریه سعديه

نوار همسر خولی / زنی از بنی‌سعد در لشکر باطل

دختر عمار / همسر ابن زیاد

۲۰. زنان در نقش همسران

همسر عبدالله بن عمیر کلبی

شقیق / عبدالله عمر

۲۱. دانش

زهیر

فرزدق

شریح قاضی

۲۲. جریان سازی اجتماعی یا دنباله رو

حبیب بن مظاهر

سلیمان بن سرد

عبدالله عمر

۲۳. خیالپردازی یا واقعگرایی

مسلم بن عوسجه

مردی از بنیشیان

عمارہ ابن ابی معیط

۲۴. نشانه ها و آمادگی ها

انس بن مالک اسدی

ضحاک بن قیس مشرقی

عمر سعد

۲۵. با حق تا کجا

سعید بن عبدالله

عقبه بن سمعان

شمر

۲۶. ابعاد حق باوری

انس بن مالک (۱)

بریر (۲)

حیب (۳)

۲۷. فرهنگ سازی

جابر بن عبدالله انصاری

ابن حر جعفی

عمر سعد

۲۸. عبرتها

حسن مثنی

ابن حر جعفی

مسروق وائل

۲۹. معنی زرنگی

حیب

مرد شیبانی

والیان اموی (سعید بن عاص و مروان و...).

۳۰. تردید درونی و نوع تعامل با آن

ابو الشعثاء

ابن عمر / علمای کوفه

اشراف کوفه

۳۱. مواجهه با ظلم و فساد و انحراف

حجر بن عدی / میثم تمار و...

سلیمان بن سرد (خنثی)

رضایت به آمدن ابن زیاد و تأمین دنیای آنها

ص: ۱۲۸

۳۲. مراتب انتظار

حیب (پویا)

تمایل توأیین به پنهان شدن در خانها

شبث ربعی

۳۳. محور و معیار رضایت

اصحاب امام در شب عاشورا و راضی به رضایت امام

تمایل علمای حجاز و عراق به جدایی از دو طرف حق و باطل

۳۴. مدل‌های تربیتی

یزید بن ثیسط و فرزندان

ابن عباس و فرزندان

اشعث و فرزندان

۳۵. دعوت از سوی حق

عمرو بن خالد صیداوی

طرماع

اشراف بصره

ب) طرح تلویزیونی: شخصیت‌شناسی صحابه بر اساس پیش‌گویی‌های نبوی

ب) طرح تلویزیونی: شخصیت‌شناسی صحابه بر اساس پیش‌گویی‌های نبوی

۱. موضوع کلی: معارف اسلامی

۲. رویکرد: ارشادی تبلیغی

۳. زمان پخش: آزاد (با اولویت دهه محرم یا دهه صفر)

۴. تعداد: حداقل ۱۳ تا ۲۶ قسمت

۵. قالب: ترکیبی (تله فیلم نمایشی/داستانی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه ای + کارشناسی ۲۰ تا ۳۰ دقیقه ای تاریخی و تحلیلی و تبیینی معاصر + میان برنامه های گرافیکی)

۶. مخاطب: تمام سطوح

۷. ضرورت طرح

زندگی انسانی آکنده از لحظه های حساس دو راهی های حق و باطل است و گه گاه این لحظه ها از جهت تاریخی چنان اهمیت می یابند که نوع واکنش تک تک افراد به ویژه خواص می تواند در سرنوشت تاریخ اثرگذار باشد. از این رو، یکی از مهمترین رسالت ها و وظایف تاریخی انبیا و اولیا به عنوان تنها افراد آگاه از علوم غیبی، اطلاع رسانی مناسب پیشین به جامعه دینی است تا در لحظه بحران، خطر ریزش ها یا یا تردید ها و بی اعتنایی ها کمتر شود.

به مصداق آیه آغازین سوره بقره «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، یکی از مهمترین وظایف ایمانی مسلمانان، ایمان آوردن به آموزه‌ها و پیش‌گویی‌های غیبی قطعی و مسلم پیامبر و معصومین است.

دامنه این پیش‌گویی‌ها از همان دوره‌های آغاز رسالت تا سراسر لحظات و مقاطع حساس تاریخ آینده تا دوران آخرالزمان و ظهور را شامل می‌شود. البته دامنه پوشش این اخبار غیبی نسبت به قرن اول هجری به جهت حساسیت این دوران و همچنین مبنا بودن رویداد‌های این دوران برای سراسر تاریخ آینده دارای فراوانی و گستردگی بیشتر است. رویداد‌هایی همانند سقیفه و غصب خلافت، انحرافات خلفا، خلافت ظاهری امیرمؤمنان و بحران‌ها و فتنه‌های هم‌زمان با آن و حادثه خون‌بار کربلا همگی مبنای تفرقه افکنی‌ها در جهان اسلام بوده است.

بدیهی است اینکه که کشور اسلامی ما در مقطع حساس تاریخی و گذر از فتنه‌های پیاپی است، مطالعه تاریخی و تحلیلی شخصیت‌ها و رویدادها از سه منظر داستانی و فیلمنامه‌ای سفید، سیاه، خاکستری در رویداد‌های صدر اسلام با وجود هشدار‌های پیشینی نبوی می‌تواند در شرایط کنونی موجب بصیرت‌افزایی در جامعه شود. همچنین جامعه با مشاهده رویداد‌های عبرت‌آموز صدر اسلام با وجود هشدار‌های نبوی متوجه می‌گردد مسئله ریزش‌ها و رویش‌ها، واقعیتی پیوسته در طول تاریخ حق و باطل بوده است و از ریزش‌ها دچار وحشت و تزلزل نگردد.

۸. اهداف

مطالعه تحلیلی ریزش‌ها و رویش‌ها بر اساس آموزه‌های آینده‌نگر نبوی در پیش‌گویی‌های غیبی آن حضرت؛

اصلاح و تعمیق‌بخشی به نگاه‌ها و تحلیل‌های سطحی، احساسی و عرفی جامعه نسبت به فتنه‌ها و بحران‌های جامعه دینی؛

بررسی مقایسه‌ای و عبرت‌آموز و بصیرت‌افزا میان فتنه‌های حق و باطل کنونی جامعه و فتنه‌های صدر اسلام؛

ارائه و تعمیق طرح اسلامی معیار و ملاک بودن اصل حق به جای شخصیت‌محور بودن در فتنه.

۹. تشریح یک قسمت

این برنامه از دو بخش مهم تشکیل می‌شود.

در اولین بخش، پس از مقدمه و توضیح ابتدایی کارشناس مجری، داستان نمایشی پخش می‌شود. آن گاه در میزگردی با حضور یک یا دو کارشناس، ابعاد کارشناسی موضوع از منظر تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن به بحث گذاشته می‌شود. در این میزگرد، عده‌ای از جوانان دانشجوی را که ترجیحاً از دانشجویان رشته‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت باشند، می‌توان به استودیو آورد تا در برنامه مشارکت فعال داشته باشند و در کنار کارشناس‌ها پرسش‌ها یا دیدگاه‌های خود را طرح کنند.

(حداقل قالب پیشنهادی برای این طرح، تله‌فیلم یا تله‌تئاتر تلویزیونی یا مستند ترکیبی یا داستانی است)

در این برنامه برای تنوع می‌توان از وله‌های زیر هم استفاده کرد:

احادیث و سخنان پیامبر در مورد پیش‌گویی‌ها؛

فرازهایی از زیارات معصومین با رویکرد تربیتی ناظر به پیش‌گویی‌ها و هشدارها و آسیب‌شناسی آینده؛

روایات نبوی و اهل بیت درباره نقش شخصیتها و خواص در رویدادهای مهم تاریخی و اجتماعی و تمجیدها یا شکوه‌های ایشان از آن شخصیتها؛

استفاده از تصاویر آرشیوی فیلم‌های تاریخی؛

شخصیت‌ها در آئینه متون و منابع اسلامی و غیر اسلامی از منظر قضاوت تاریخ.

یادآوری

در این طرح برای تسهیل در الگوبرداری و همذات‌پنداری بینندگان، از پیش‌گویی‌های نبوی در مورد شخص و شخصیت اهل بیت و معصومین خودداری شده است و صرفاً پیش‌گویی‌ها در مورد شخصیت‌های غیر معصوم آمده است. البته در مورد پیش‌گویی‌های اهل بیت هم از منظر افراد معمولی مرتبط می‌توان به روایت‌گری پرداخت.

ص: ۱۳۱

۱۰. نمونه برخی موضوعات بحث

اسامی صحابه مورد پیشینی

موضوع پیش‌بینی

زمان رویداد

رویکرد شخصیتی صحابی در زمان حادثه

واکنش رفتاری صحابی

ابوذر

آزار و تبعید به دست خلیفه سوم

رحلت غریبانه

سال ۳۰ ه. ق در

خلافت عثمان

مثبت و برحق

قیام در برابر باطل تا مرز شهادت

سلمان

رویداد فتح ایران (و امارت مدائن)،

رویداد سقیفه و غضب خلافت

در خلافت عمر و عثمان

هنگام رحلت پیامبر

مثبت و برحق

پایه‌گذاری شیعه ایرانی و یآوری اهل بیت

عمار

شهادت در صفین به دست گروه ستمکار

سال ۳۶ ه. ق در صفین

مثبت و بر حق

یاریرسانی امیرمؤمنان

انس بن مالک

رخداد شهادت سیدالشهدا در کربلا

سال ۶۱ ه. ق

مثبت و بر حق

از شهدای کربلا

ام سلمه

آگاهی از بیشتر رویداد های پس از پیامبر به ویژه جمل و کربلا

مثبت و بر حق

اتمام حجت بر باطل و حمایت از حق

عایشه

برپایی فتنه جمل

سال ۳۵ ه. ق

منفی و مورد سرزنش

رهبر ناکثین

حذیفه الیمان

معرفی منافقین و عهدنامه شوم آنها در مکه

مثبت و بر حق

ترک کردن تشیع جنازه و نماز آنها پس از مرگشان

ص: ۱۳۲

جابر بن عبدالله

(حادثه کربلا و زیارت اربعین،)

دیدار و سلام رسانی به امام باقر علیه السلام

سال ۶۱ ه. ق در زمان امامت امام سجاد علیه السلام

مثبت و برحق

ایفای مأموریت‌های تاریخی

زبیر بن عوام

رویداد جنگ جمل

سال ۳۵ ه. ق

منفی و سیاه

سیاه بازی اولیه و مرگ در تردید و سرگردانی

ذوالثدیه خارجی

ایجاد فتنه خوارج

منفی و سیاه

از سران خوارج

عمرو بن حمق خزاعی

شهادت در زمان معاویه در راه حق

سال ۵۱ ه. ق

مثبت و برحق

ایستادگی در برابر معاویه و پذیرش شهادت

حجر بن عدی

شهادت در زمان معاویه در راه حق

مثبت و بر حق

ایستادگی در برابر معاویه و پذیرش شهادت همراه یارانش

اویس قرنی

سلامت ایمانی و ثبات قدم او در زمان فتنه و شهادت در صفین

سال ۳۶ ه. ق.

مثبت و بر حق

شهادت در صفین

معاویه و بنی‌امیه

غصب خلافت و تبدیل آن به سلطنت

سال ۴۰ ه. ق.

منفی و سیاه

پایه‌گذاری خلافت اموی

زید بن ارقم

مالک بن انس

در مورد اطلاع‌رسانی پیوسته درباره غدیر و هشدار درباره کتمان آن

در دوران خلافت خلفا به ویژه در آغاز خلافت امام علی علیه السلام

خاکستری و خنثی

خاکستری و خنثی

سکوت و بی‌اعتنایی در فتنه‌ها و اجابت نکردن درخواست یاری امیرمؤمنان علی و شهادت ندادن بر حقانیت امام

ص: ۱۳۳

زید بن صوحان تابعی

جندب بن جناده

شهادت او در راه حق

اعتراض او به بساط سحر ولید فاسق در مسجد کوفه

سال ۳۶ ه. ق.

مثبت و بر حق

مثبت و بر حق

از شهادت مهم و معروف جمل

به قتل رساندن ساحر ولید در مسجد کوفه

گاه شمار رویدادهای عاشورا و اسارت و واکنش صحابه

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی‌دی‌اف مراجعه کنید

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی‌دی‌اف مراجعه کنید

ص: ۱۳۴

مسئولیت بخشی پیامبر به صحابه (سفید در مورد رویدادهای آینده جهان اسلام)

دوره تاریخی

صحابی

مسئولیت

سقیفه و ۲۵ سال خلافت

سلمان / حدیقه

نیرو سازی غیرمستقیم برای آینده خلافت امیرمؤمنان علی

علی خلافت امیرمؤمنان

عمار

نشانه حقانیت امام در برابر صحابه فتنه گر

عاشورا

انس بن مالک اسدی

احیاگر پیام پیامبر برای عاشورا و انجام آن

پس از عاشورا

جابر بن عبدالله انصاری

پایه گذاری فرهنگ زیارت

صحابه راستین و مراتب انتظار حماسه (موعود) حسینی

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

۶. ایده های ناظر به مدیریت عاشورایی

اشاره

۶. ایده های ناظر به مدیریت عاشورایی

بحث مدیریت عاشورایی یکی از موضوعاتی است که ظرفیت بسیاری برای ایده یابی و برنامه سازی دارد. ظهور اولیه کلمه «مدیریت» در مورد نهاد ها و سازمانهاست، ولی در حقیقت، هر زندگی خرد و کلانی دارای نوعی و مراتبی از مدیریت است. اصولاً مشکل بسیاری از زندگی ها، نبود یا ضعف در مدیریت استعدادها و امکانات و فرصتهاست.

ص: ۱۳۵

از این رو، این بحث را با رویکرد اقشار گوناگون اجتماعی و ناظر به مشکلات و آسیب‌های موجود می‌توان در قالب برنامه‌سازی‌های متنوع عاشورایی بررسی کرد. در این اثر، ابتدا در قالب یک طرح کلی به این موضوع پرداخته می‌شود. طرحی که بخش‌هایی از آن در بخش گاه‌شمار ایده‌ای ارائه شده بود.

آن‌گاه در قالب یک طرح/پژوهش رسانه‌ای (که در بخش سوم ارائه می‌شود)، پیشنهاد برنامه‌ای نسبتاً کاملی تقدیم می‌گردد.

طرح: سیره مدیریتی سیدالشهدا علیه السلام در پیشبرد قیام عاشورا:

طرح برنامه تلویزیونی

طرح برنامه تلویزیونی

۱. موضوع کلی: معارف اسلامی / تاریخی مناسبتی (ویژه محرم)

۲. رویکرد: ارشادی تبلیغی

۳. تعداد: ۱۳ تا ۲۶ قسمت (به ویژه در دهه و ماه محرم و صفر)

۴. مخاطب: تمام سطوح

۵. شرح طرح

لحظه لحظه زندگی هر انسانی، خالی از نوعی اداره و تدبیر نیست؛ چه در حوزه فردی و شخصی و چه در حوزه خانواده و چه در کلان‌ترین سیستم‌های اداری و مدیریتی. برای روش اداره و تدبیر، علوم و مباحث فراوانی مطرح است، ولی دو روش کلی بیشتر وجود ندارد: روش مبتنی بر حق با هدف دستیابی به سعادت و کمال انسانی در تمام حوزه‌ها؛ روش غیر حق که هدف آن صرفاً نگاه دنیوی و منافع مادی است.

مسلم است که راه و روش هر یک ناظر به اهداف و دیدگاه، متفاوت خواهد بود.

با این نگاه، آشنایی و فراگیری مبانی، اصول، روش‌ها و اخلاق مدیریتی مبتنی بر حق و با هدف سعادت‌مندی انسان جزو ضروریات زندگی هر انسانی است که متأسفانه در سطح جامعه به آن کمتر توجه شده و می‌شود. همین امر زمین‌ساز بحران‌ها و آسیب‌های فراوان و گوناگون در زندگی‌های امروزی شده است.

عاشورا و قیام سیدالشهدا علیه السلام، صحنه شفافترین درگیری حق و باطل است و در این درگیری، تمام لایه‌های انسانی، اجتماعی و دینی به رویارویی کشیده شده‌اند. به همین دلیل، آکنده از آموزه‌های مدیریتی و دستورهای اخلاقی در این زمینه است.

ص: ۱۳۶

باز شناسی این آموزه ها در دهه محرم می تواند ارزندهترین تلاش رسانه برای فضا سازی در راستای تبیین زندگی دینی و معرفی الگوی صحیح برای آن باشد.

از این رو، این برنامه هماهنگ با سیر و مراحل قیام سیدالشهدا از آغاز تا انجام به استخراج و تبیین و تحلیل اصول و سیره مدیریتی امام می پردازد تا از کلاس عاشورا پلی به زندگی های انتظار گونه ای بزند که زمینهساز ظهور باشد.

رخداد عاشورا ابعاد زمینی و ماورایی گوناگونی دارد که آن را به ویژه از منظر فلسفه تاریخ باید بررسی و تحلیل کرد. کارکرد عاشورا در نگاه کلی به جریان حق و باطل از هبوط آدم تا ظهور، کارکرد و نقش عاشورا از منظر به چالش کشیدن ابلیس در تقابل تاریخی اش با جبهه حق و نزدیک بودن دست یابی ابلیس به پیروزی در صورت رخ ندادن قیام عاشورا و آغاز خلافت یزید، کارکرد و نقش عاشورا در عالم فرشتگان و طبقات گوناگون آنها به ویژه آنها که مأمور به رخداد عاشورا بوده و هستند، نقش عاشورا در هدایت های باطنی افراد گوناگون و سیر تحول شخصیت و معرفت آنها یا نقش عاشورا در سرنوشت برزخی افراد مواردی هستند که از منظر هریک می توان به تحلیل ابعاد مدیریتی و تربیتی آنها پرداخت. در این مجال، به دلیل محدود بودن مباحث و ضرورت کاربردی شدن آن برای افراد جامعه کنونی صرفاً به بعد زمینی و انسانی قیام حضرت در طول مسیر می پردازیم.

۶. اهداف و ضرورت ها

تبدیل نگاه های سطحی، احساسی و عرفی به عاشورا به نگاه هایی تحلیلی و معرفی؛

بررسی مقایسه ای دو مدل مدیریت حق و باطل روش های آنها در قیام عاشورا؛

معرفی عاشورا به عنوان الگوی برای مدیریت زندگی حق محور؛

معرفی اخلاق مدیریتی دینی در مدیریت منابع انسانی به عنوان مهم ترین بخش مدیریت جامعه حق.

۷. تشریح یک قسمت

این برنامه از دو بخش مهم تشکیل شده است. اولین بخش، مسیر راه سرخ امام حسین علیه السلام است که از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا امتداد می یابد. این مسیر بر حسب

ص: ۱۳۷

تعداد قسمت های مصوب برای این برنامه تقسیم بندی خواهد شد. آن گاه با تهیه یک نقشه سیاسی نظامی بزرگ در استودیو، کارشناس در برنامه زنده ابتدا هر قسمت از مراحل قیام را به صورت تفصیلی به همراه برخی نقل های اختلافی یا حدس ها و گمان ها تبیین می کند (این بخش را به صورت نریشن و کپشن هم می توان اجرا کرد).

آن گاه در میزگردی با حضور یک یا دو کارشناس، ابعاد مدیریتی آن به بحث گذاشته می شود. در این میزگرد عده ای از جوانان دانشجو را که ترجیحاً از دانشجویان رشته های مدیریت، جامعه‌شناسی، روان شناسی و تعلیم و تربیت باشند، می توان به استودیو آورد تا در برنامه مشارکت فعال داشته باشند و در کنار کارشناس ها به طرح پرسش ها یا دیدگاه های خود پردازند.

برای تنوع در این برنامه می توان از وله های متعددی با عناوین زیر استفاده کرد:

۱. احادیث و سخنان امام علیه السلام با رویکرد تربیتی یا مدیریتی؛

۲. فراز هایی از زیارات امام علیه السلام با رویکرد تربیتی یا مدیریتی؛

۳. روایات نبوی و اهل بیت درباره نقش و آثار تربیتی و مدیریتی قیام عاشورا؛

۴. کتاب شناسی عاشورایی در زمینه موضوعها؛

۵. نگاه به نقش عاشورا در فلسفه تاریخ بشری از هبوط آدم تا ظهور؛

۶. استفاده از تصاویر آرشیوی اماکن و مسیر قیام.

با این نگاه، خلاصه یک برنامه مثلاً قسمت سوم چنین است:

الف) در زمینه تصاویری از نقشه عربستان با محوریت مدینه و مکه، و راههای مواصلاتی مدینه به مکه، توضیحات مربوط به این قسمت و مدت زمان راهپیمایی کاروان امام در این مسیر در سال ۶۰ هجری قمری بیان می شود. امام پس از خروج از مدینه چند راه پیش رو داشت (مکه/ کوفه/ بصره/ یمن/...)، ولی مکه را انتخاب می کند و سوم شعبان وارد آن شهر می شود.

مکه در سال ۶۰ ه. ق از نظر اجتماعی، سیاسی و فکری ویژگی های خاصی دارد و والی آن، سعید بن عاص اموی است.

ب) پس از ارائه مباحث جغرافیایی شناخت مسیر حرکت امام علیه السلام از مدینه تا مکه و ارائه اطلاعات تاریخی و تحلیلی موجود درباره این مرحله از قیام، گفتگو در میزگرد از این پرسش ها آغاز میشود:

ص: ۱۳۸

امام حسین علیه السلام پس از ترک مدینه چرا مکه را انتخاب کرد؟

چرا مکه بعد از هجرت پیامبر دوباره کانون توجه اهل بیت شده؟

به فرموده امام سجاد علیه السلام، در آن سالها در حجاز و به ویژه مکه، اهل بیت حتی ۲۰ یاور نداشتند. با این حال، چرا امام، مکه را انتخاب می کند؟

امتیاز های انتخاب مکه از نگاه سیاسی اجتماعی ظاهری چه بوده؟

در نگاه کلان (فلسفه تاریخی) چرا امام حسین علیه السلام باید به مکه می رفت؟

۸. نمونه برخی عناوین و موضوعات بحث

رویداد

محورها بر اساس چرایی و چگونگی

مواجهه امام با والی مدینه

اصل پیشینی و آمادگی / گذاشتن دشمن در برزخ بلا تکلیفی / مدیریت بحران و هجوم دشمن

خروج از مدینه (شبانیه و سریع)

تاکتیک غافل گیر کننده / سرعت عمل / حفاظت اطلاعات

حرکت به سوی مکه (حرم امن)

انتخاب احسن / محیط شناسی / شکستن یکدسته سانسور خبری / بهره‌وری زمانی و مکانی / کنترل رفتار دشمن و زمینگیر کردن او

مأموریت حضرت مسلم (به سوی کوفه)

امتحان صلاحیت کوفه / آزمون برونافکنی مدعیان مدیریت زمینسازی

غلامان امام

تربیت تنها نیروهای انسانی در اختیار و تفویض مسئولیت / ایجاد حس اهمیت و مفید بودن / الگو و راهبرد انسانی / استفاده از ظرفیت های قابل استفاده و

مدت حضور در مکه و زمان خروج

مدیریت زمان/ مانور سیاسی/ ایجاد عملیات نورانی/ مدیریت توالی حوادث/ استراتژی حساس سازی تاریخی/ ...

ناصحان و مخالفان خروج و تنوع پاسخ های امام

مدیریت پیام و محتوا/ نیرومندی انگیزه و اراده در برابر فشارهای روانی/ روان شناسی مخالفان و منتقدان

ص: ۱۳۹

همراهی جوانان بنی هاشم و اهل بیت

تربیت نیروی انسانی و کادر ویژه/ معرفی الگوی تربیت خاص دینی/ مهمترین الگو و روش برای همانندسازی/ همراهی خاندانش با مردم و خاندان آنها در مناطق هدف در تمام حالات/ حس تعلق و همراهی

اجازه دهی امام به ریزش ها در طول مسیر

حق تعیین سرنوشت/ دفع نیروهای غیرهمگون و ناهماهنگ/ هماهنگ سازی منابع انسانی در مسیر هدف متعالی/ آزادی دهی به نیروها و نبود اجبار و اکراه/ فهمپذیری شرایط مقابل/ پالایش منابع انسانی

تلاش ویژه امام به جذب برخی افراد

توجه به استعداد ها و ظرفیت ها/ پیشبینی نیازها و توانمندی ها/ درک اثرگذاری او بر جریان های اجتماعی/ تبلیغات یادآوری

خبر شهادت حضرت مسلم در جمع یاران

سهیم کردن همه کس در اطلاعات/ ایجاد حس تعلق آگاهانه/ تقویت همکاری فعالانه و مدیریت اعتماد/ مدیریت بحران های اطلاعاتی/ نفی اثرگذاری رویدادها در طراحی کلان و هدف تعیین شده/ انفعالناپذیری از رویدادها

دیدارها در میان راه با مردم

ارتباط شفاهی و مؤثر/ شخصیتبخشی به افراد/ جاذبه های رهبر/ تلاش برای ایجاد خاطره ذهنی ماندگار

مدیریت زمان/ مدیریت عملیات/ پیشبینی فرصت ها و چالش ها/ پیشبینی های احتیاطی/ مدیریت خطرهای احتمالی/ مدیریت مسیر به سوی هدف

نکته پایانی

نکته پایانی

بحث اصول و سیره مدیریتی در کلاس و خیمه عاشورا را در سادهترین وجه از منظر قالب می توان در قالب یک سری بحث های کارشناسی میزگردی با وجود جوانان یا بدون آنها، همراه با نریشن های تخصصی و تحلیل در آغاز و میانه های برنامه طراحی کرد.

الگو های نمایشی هم می توان برای این مجموعه طراحی کرد که دو نمونه آن به شرح زیر است:

ص: ۱۴۰

۱. مجموعه ای ترکیبی از نمایش و میزگرد یا نمایش مستقل در قالب سیاه، سفید و خاکستری بدین گونه که با قرار دادن یک راوی و طرح موضوع و موقعیت واحد سعی شود در قالب شخصیت های تاریخ عاشورایی، روش های حل مسئله یا طراحی و برنامه ریزی حق و باطل به صورت تطبیقی به تصویر کشیده شود. قالب تله تئاتر های تلویزیونی نمادین که جنبه و لوکیشن تاریخی آن کم رنگ باشد و شخصیت ها در برزخی بین گذشته و حال باشند، بیشتر و بهتر برای بیننده کنونی قابل بهره‌برداری است. این طرح میتواند بر اساس ساختار و شخصیت ها در یک اداره یا در یک مجموعه آموزشی و یا نظامی برنامه ریزی و تولید گردد.

در این روش، به عنوان نمونه در یک جلسه می توان روش های جذب و هدایت مردم را به سوی هدفی خاص را از منظر روش سیدالشهدا علیه السلام و روش ابن زیاد در ضمن حادثه عاشورا به تصویر و نمایش کشید و آن گاه پای بحث کارشناسی نشست.

۲. در روش دوم نمایشی می توان یک یا گروهی از زوج های جوان را در آغاز زندگی مشترک به تصویر کشید که در تلاش برای انتخاب الگوی زندگی دینی و معنوی در کلاس عاشورا هستند. در هر برنامه با قرار گرفتن در یک موقعیت از زندگی برای تدبیر و حل مسئله یا مدیریت آن به جستجوی راه ها و روش های پیش رو بر می آیند و در نهایت، با راه و روش درست آن در کلاس درس عاشورا آشنا می شوند.

۷. ایده سیاسی روزآمد

اشاره

۷. ایده سیاسی روزآمد

زیر فصل ها

بیداری اسلامی، عاشورا و مهدویت

بیداری اسلامی، عاشورا و مهدویت

بیداری اسلامی، عاشورا و مهدویت

پیش درآمد

در قرن بیستم میلادی، در اوج انحطاط کشورهای اسلامی، بر اثر تهاجم فرهنگی غرب و تبلیغات آنها به جای اندیشه اسلامی، اندیشه ناسیونالیستی و ملی گرایی (مانند عربی، ترکی، ایرانی و...) بر جهان اسلام حاکم شد. در ایران با وجود سرمایه گذاری های فراوان تمدن مهاجم غرب، به دلیل قوت و استحکام فرهنگ شیعه، خیزش مردم مسلمان به رهبری بزرگ مردی از حوزه اندیشه و مکتب دینی اسلام آغاز شد و پس از مجاهدت های فراوان به پیروزی رسید.

ص: ۱۴۱

پیروزی مسلمانان در ایران با گرایش‌ها و شعارهای انقلابی، شوکی بزرگ در جهان اسلام بود؛ چون در آن زمان اکثریت مسلمانان دچار رکود و رخوت شده بودند. تلاش‌های مشترک غربی‌ها و ناسیونالیست‌های سکولار در کنار همراهی اندیشه‌های سنتی در اسلام غیرشیعی که با هر گونه حرکت انقلابی و قیام مردمی و جریان‌های ظلم ستیز مخالفت می‌کرد، باعث شد استعمارگران با گذر دادن جهان اسلام از دوران شوک و هیجان‌های اجتماعی، سرانجام موفق به سرکوبی و مهار مسلمان هوشیار شده به واسطه انقلاب اسلامی شوند.

جریان کلی و کلان‌باطل در آن سال‌ها در برابر پویایی اندیشه انقلابی و حماسی تشیع و اسلام ناب، با بزرگ‌نمایی درگیری مجاهدان افغان با شوروی سابق (به جای تمرکز به درگیری تاریخی مسلمانان با صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی) سعی در جهت‌دهی عطش و هیجان‌های تحریک شده مسلمان به آن سو کرد.

بازتاب‌نهایی این فرآیند (پس از سقوط شوروی و رها شدن این سیل گسترده مبارزان از سوی حامیان خود)، ایجاد دو جریان موازی القاعده (در جهان اسلام) و طالبان (در افغانستان، همسایه شرقی ایران) بود. ارباب قدرت این جریان‌ها را ابتدا به طور غیرمستقیم آزاد گذاشتند تا بازتاب قدرت‌گیری و خشونت‌گرایی و ایجاد موج تروریسم اسلامی به دست آنها در جهان به ویژه در جهان غرب به تخریب چهره اسلام و گسترش اسلام‌هراسی بینجامد.

بدینگونه بود که در آغاز هزاره سوم میلادی نزدیک بود مسلمانان در میان ناکامی همه تجربه‌های اسلام غیرشیعی و فاصله‌های ایجاد شده بین آنها و اسلام اهل بیتی، دوباره باور کنند. که در کشورهای آکنده از ستم ناچار به تحمل ستم‌ها هستند و اسلام و هیچ اندیشه‌ای دیگر یاری‌گرشان نخواهد بود.

در این زمان که جهان سلطه پس از حضور در عراق و افغانستان گمان می‌کرد آماده آغاز کارزار‌نهایی با اسلام انقلابی اهل بیتی است، ناگهان ناکامی آنها در مواجهه با حزب الله و حماس، دوباره موجی از هیجان خفته را در جهان اسلام ایجاد کرد. این هیجان خفته (برخلاف هیجان‌های هم‌زمان با پیروزی انقلاب که بیشتر حزبی بود)، در بطن جامعه و در میان خیل گسترده جوانان مسلمان به تدریج ایجاد شد و هر روز به هر بهانه‌ای رو به فزونی می‌رفت. این جوانان برخلاف گروه‌های میان‌سال که تحت تأثیر اسلام سنتی رایج، به

ص: ۱۴۲

ظلم و سکوت راضی شده بودند، تحت تأثیر تحصیلات و رشد اندیشه ای اجمالی که داشتند، تا حدودی از سیطره اسلام سنتی آزاد شده بودند. کاسه صبرشان هم لبریز شده بود و تجربه اسلام انقلابی (نه اسلام القاعده ای که با تروریسم همراه است) را هم دیده بودند. این بود که در آغاز به دلیل اختناق شدید حاکم، دست به دامن فضای مبارزاتی مجازی شدند (همانند زمان های قبل از انقلاب که نوار کاست یا اعلامیه های شبانه جایگاه ویژه ای داشت). آن گاه که احساس قدرت گیری کردند، ناگهان به خیابان ها ریختند و با مقاومت در برابر هجوم های نظامی / رسانه ای، سرانجام خالق نهضت بیداری در جهان اسلام شدند.

شناس نامه بیداری اسلامی

ابعاد و شاخصها

نمودها و رویکردها

جغرافیا

جغرافیای عرب مسلمان، مرکب از کشورهای گوناگون عقب مانده یا نفتی که اگرچه سرانه درآمد آنها هم بالا باشد، از جهت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای جوامعی ایستا و بی تحرک و خفقان است. نظام سیاسی آنها هم سلطنتی یا دموکراسی سلطنتی است و از جهت شکل دهی جامعه ای پویا و بانشاط و نظام تمدنی سازی که در دنیا عرض اندام کند، فقیرند.

اندیشه

دین حاکم در این کشورها اسلام سنتی و با قرائت سنتی افراطی است که بر اساس آن، اصل امنیت در برابر اصل عدالت قرار می گیرد. تنزل اصل اطاعت مطلق از خلیفه عادل به لزوم اطاعت از هر حاکمی هر چند فاسق و ظالم باعث رکود و رخوت مذهبی در جامعه شده است.

جوانان این جامعه ها با ترکیب کسب تحصیلات جدید و مشاهده اسلام انقلابی به ساختارشکنی در این اندیشه پرداختند.

نیروی اجتماعی و منابع انسانی

جوانان مسلمان این جوامع که در اوج هیجان و نشاط بودند، با مشاهده عقب ماندگی و رکود داخلی خود در برابر نشاط دیگر

ص: ۱۴۳

بخش های جغرافیایی جهان اسلام دیگر نمی توانستند سکوت و سکون را تحمل کنند.

واکنش نهادهای دینی سنتی و احزاب اسلامی

نهاد ها و حوزه های سنتی دینی به ویژه سلفی تا آخرین لحظه یا منزوی بودند یا با صدور فتواها طالب آرامش شدند و برخی از آنها در دقایق آخر همراهی نسبی خود را اعلام کردند یا تبریک گفتند. حتی پس از پیروزی هم تمایلی برای خروج از فضای بسته و سنتی خود نشان ندادند. در مقابل، احزاب اسلامی که ابتدا مرده بودند، با آشکار شدن نشانه های پیروزی به سرعت به میدان آمدند و سعی در خوشه چینی کردند. به ویژه پس از آنکه در رسانه ها، اخباری از مذاکرات آشکار و پنهان آنها با غربی ها درز کرد، معلوم شد، احتمال می رود آنها پیاده نظام ارباب سلطه در دوره جدید باشند.

ریشه ها

ستم و تبعیض های اقتصادی و اجتماعی، عقب ماندگی های تکنولوژیک، رکود سیاسی و اجتماعی، همراهی ارباب سلطه در این کشورها با نظام سلطه جهانی به جای اسلام انقلابی.

بازتاب ها

گسترش سریع این جریان به سراسر جهان عرب مسلمان و تبدیل شدن آن به اپیدمی ثابت اجتماعی در سراسر جهان اسلام که برگشتناپذیر است.

انتقال ارزش های فکری و شیوه های مبارزه اجتماعی آن به سرعت به جهان غرب و تبدیل آن در جهان غرب به خیزش جهانی و جنبش وال استریت (آن هم در متن امریکا و غرب اروپا که پایگاه تمدن بشری معاصر است).

مهدویت و بیداری اسلامی؛ فرصت ها، رهیافت ها و تهدیدها

بیداری اسلامی در جوامع عرب مسلمان رخ داد. اسلام در این جغرافیا مبتنی بر اندیشه اهل سنت و بلکه کانون اهل سنت است. در اندیشه اهل سنت، تعریف خاتمیت به معنی انقطاع هرگونه رابطه آسمانی و کفایت کتاب و رها شدن مسلمانان به حال خود باعث عرفی شدن نظام سیاسی پس از خاتمیت شد.

ص: ۱۴۴

در این مکتب، خلافت و صحابه متصل به پیامبر در برابر امامت شیعی هویت کلیدی دارد و این دو دارای فعلیت سیاسی اجتماعی کامل هستند. از این رو، نقطه اوج تاریخ در اندیشه اهل سنت، زمان پیامبر و دو قرن پس از آن است. (خیر القرون قرنی ثم قرن الذی یلیه...).

بنابراین، در این اندیشه، روایات مهدویت وجود دارد، ولی ناظر به اهمیت بخشی به خلفا و صحابه از یک سو و ضرورت حفظ خلافت های تاریخی از سوی دیگر است که به تدریج، سبب شد سلفی گرایی فلسفه هویتی اسلام سنی شود. چکیده این نظریه این بود که از منظر فلسفه تاریخ، نقطه اوج تاریخ، نه در پایان تاریخ، بلکه در زمان پیامبر (و نه منحصر به پیامبر بلکه هم پیامبر و هم خلفاست).

در این اندیشه برای اینکه مهدویت با توجه به ظرفیت های نیرومندش به نظریه ای سیاسی اجتماعی و حتی اندیشه ای قوی و پویا در جامعه تبدیل نشود و مولد حرکت های اعتراضی نباشد؛ مهدویت در محدوده روایات متوقف می گردد. پس در اندیشه کلامی یا فقهی وارد نمی شود و مقام مهدی و نظریه مهدویت هم در حد خلفای پیامبر، بلکه پایین تر از آنها تنزل می یابد. (چون از نظر آنها افضل الناس پس از پیامبر، خلفای اربعه و سپس عشره مبشره هستند).

از این منظر، اگر چه روایات فراوان نبوی در مکتب اهل سنت وجود دارد، اما سلفی گرایی به معنی گذشته گرایی جای گزین مهدویت گرایی (آینده گرایی و انتظار) می شود تا جامعه اسلامی باور کند وضع موجود که امتداد تاریخ اسلام است، همواره بهترین وضع است و مسلمانان باید به وضع موجود راضی باشند.

در سیر تاریخ سیاسی و اجتماعی جهان اسلام، نظریه سیاسی اهل سنت به تدریج در قالب سه خلافت مهم و تاریخی به سوی انحطاط و عقب نشینی می رود و از تمام شرط و شروط های کلامی و دینی عقب می نشیند. تا آن گاه که سقوط نهایی خلافت عثمانی، نا کار آمدی نظریه خلافت غیر معصوم را برای همیشه نشان می دهد.

سیر و دوره های خلافت های تاریخی اهل سنت چنین است: اموی (۱۰۰ سال)، عباسیان (۵۰۰ سال)، فترت دوره مغول و پس از آن (۲۰۰ سال با رویکرد خلافت ممالیک در مصر) و خلافت عثمانی (۵۰۰ سال).

ص: ۱۴۵

پس از سقوط خلافت برای جهان اسلام، از نظر جریان سازی دینی، در اوج تفکر سلفی گرایی، جریان و مکتب وهابیت سر بر می آورد. کارکرد این فرقه که ساخته و پرداخته استعمارگران است، تلاش برای تعمیق آشفتگی و تحجر فکری و اجتماعی جهان اسلام است. در این شرایط، اکثریت مسلمانان در قرن بیستم میلادی، ناسیونالیسم یا غرب گرایی را تنها راه حل می دیدند. این وضعیت باعث نزدیکی بیش از حد جهان اسلام به شرایط آخرالزمانی شده بود تا اینکه خیزش اجتماعی جوانان مسلمان باعث پیدایش امواج بیداری اسلامی شد.

شاخص های مهدویت برای بررسی بیداری از منظر آن

شاخص های مهدوی

بازخوانی بیداری

حضور جوانان

بیشتر یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، جوانان هستند. این سخن به این معنی است که خیزش جوانان مسلمان در صورت فراگیری، استمرار و تعمیق باورها و اندیشه های ناب اسلامی می تواند به سوی زمینه سازی حرکت کند.

خستگی از ظلم سیاسی و اجتماعی

فراگیری ظلم از نشانه های آخرالزمان است و خستگی از ظلم اگر به حرکت های اجتماعی منجر شود که هدفش تلاش برای ظلم ستیزی باشد، می تواند، اولین شرایط را برای گذار از دوران آخرالزمانی به دوران زمینه سازی فراهم سازد.

روح آینده گرایی در جامعه

آینده گرایی مبتنی بر ارزش های اسلامی (و فلسفه تاریخ اسلامی) مهم ترین بن مایه مهدوی است که می تواند جایگزین تفکر وهابی سلفی شود. اگر این آینده گرایی با بن مایه فلسفه تاریخ اسلامی در جهان اسلام گسترش یابد و نهادینه شود، باعث ایجاد نشاط اجتماعی عدالت خواه در جوامع اسلامی خواهد شد.

جاذبه های جهان اسلام برای جامعه جهانی و اثرگذاری بر جهان

کانون اولیه ظهور امام مهدی در آینده در جهان است. اما مقصد نهایی آن، جهان سازی معنویت و عدالت اسلامی

ص: ۱۴۶

است. از این رو، در آستانه ظهور، فرآیند صدور پیام‌ها و ارزش‌ها از جهان اسلام (با گرایش اسلام ناب) به جامعه جهانی خواهد بود، تجربه‌ای که در رابطه بین بیداری اسلام و جنبش‌های استریت تجربه شد، اما باید ماندگار شود و تعمیق و گسترش یابد.

مهم‌ترین پیام تاریخی و جهانی عاشورا و مهدویت شیعی؛ عزت و عدالت

تحولات معطوف به بیداری اسلامی باعث پیدایش احزاب گوناگون و جدیدی با محوریت شعار عدالت شده است. با نام‌هایی همانند عدالت و توسعه، عدالت و آزادی، عدالت و رفاه. در این زمانه، غرب و شرق و حتی نظام‌های سلطنتی منطقه سعی می‌کنند به نظریه پردازی یا مصداق‌سازی برای عدالت بپردازند.

این سخن به این معنی است که همه جریان‌های فعال در جبهه باطل با احساس خطر به تکاپو افتاده‌اند و در تلاشند در شرایط خیزش‌های منطقه‌ای و جهانی با تحریف دوباره عدل و عدالت، مانع معطوف شدن توجه انسان‌ها به عدالت دینی فطری شوند و از حرکت مسلمانان و جهانیان به سوی عدالت خواهی آسمانی جلوگیری کنند.

در این شرایط، تلاش برای تبلیغ عدالت بر مبنای انسان‌شناسی جامع که بن‌مایه اش معنویت و عبودیت باشد، می‌تواند مهم‌ترین پیام مکتب و فرهنگ اهل بیت به جامعه اسلامی و جهانی باشد. به ویژه که در اصول دین شیعه، اصل عدل وجود دارد. اهل سنت در تفکر تاریخی کلامی خود با انکار عقل‌گرایی، منکر حسن و قبح و عدل عقلی شده‌اند و از این رو، یکی از پرسش‌های مهم و بنیادین در تحولات بیداری اسلامی این است که برای عدالت چگونه باید اندیشید و چگونه باید عمل کرد؟

به نظر می‌رسد نظریه پردازی بر مبنای عدالت عقلانی و اهل‌بیتی می‌تواند مهم‌ترین پیام تشیع برای بیداری اسلامی و خیزش جهانی باشد.

ادوار شناسی تاریخی اهل بیت بر اساس تلاش برای تثبیت نظریه عدالت

طرح پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌برای استمرار بخشی و گسترش مدینه‌النبی که الگوی عملی عدالت اسلامی بود، پیوند دهی این مدینه و آن ارزش‌ها با اصل امامت و ولایت بود. اکثریت

ص: ۱۴۷

مردم آن جامعه پس از رحلت پیامبر با همراهی کردن از خلفا از این طرح روی گرداندند و این امر به خانه نشینی امام علی علیه السلام منجر شد. دوره خانه نشینی امیرمؤمنان علی علیه السلام در زمان خلفا در آغاز به واسطه هجوم های شدید آنها به اهل بیت با تقیه حفاظتی همراه بود. پس از مدتی که جامعه مشغول فتوحات و غنایم شد، امام این تقیه حفاظتی را برای خود به ویژه یارانش به تقیه مداراتی تبدیل کرد تا به حضور و اثرگذاری تدریجی آنها در جامعه یاری رساند. در اواخر این دوران، تقیه مداراتی به تقیه نفوذی تبدیل شد.^(۱)

در دوران تقیه نفوذ، امیرمؤمنان علی علیه السلام ابتدا به نفوذ دادن یاران خود در جامعه می پردازد به گونه ای که محمد بن ابی بکر، تربیت یافته امام، ساکن مصر شد، مالک اشتر و جمع بسیاری از یاران شیعی امام به کوفه رفتند و عده ای هم ساکن بصره شدند. آن گاه با حضور اجتماعی این افراد، به تدریج، برخی ارزش های فرهنگ اهل بیت همانند فرهنگ ظلم ستیزی، عدالت خواهی و تمرکز بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حق اعتراض اجتماعی در جامعه نهادینه شد.

این فرهنگ ها آن گاه که با ظلم های گسترده والیان خلیفه سوم همراه شد، به قیام هایی انجامید که در پایان وقتی به دنبال مصداق جویی برای جای گزینی برآمد، به راحتی جامعه اسلامی را متوجه امیرمؤمنان علی علیه السلام کرد و باعث به خلافت رسیدن ایشان شد.

پس از شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام، معاویه بر اساس تمام تجربه های گذشته حق و باطل به طرد اجتماعی امام و یاران و شیعیانش پرداخت. آن گاه تلاش کرد ستم پذیری و سکوت و قعود و روحیه بی اعتنایی اجتماعی را با جعل حدیث به اصول و قوانین شرعی جامعه اسلامی تبدیل کند و حتی امر به معروف و نهی از منکر را به تعطیلی کامل بکشاند. معاویه در راستای این هدف، بنیان ها را فراهم کرد و قرار بود یزید این طرح ها را به صورت نهایی و علنی اجرا کند.

ناگهان قیام عاشورا اساس این نقشه ها را به هم ریخت و طرح نابودی کامل اسلام و ارزش های آن خنثی شد. البته بسیاری از ارزش های اموی در نهاد اکثریت جامعه اسلامی باقی ماند. به دلیل رسوخ ارزش های اموی، اهل بیت پس از عاشورا، جامعه مستقلی برای

۱- در این زمینه نک: علی صفایی حائری، تقیه.

ص: ۱۴۸

حق طراحی کردند. البته بر اساس پیش بینی ها، ظلم گریزی پس از قرن ها دوباره باید به جهان اسلام باز می گشت. آن گاه که اکثریت آنها از شدت ظلم و تبعیض خسته شوند و از سویی دیگر، ارزش های عاشورایی و اعتلای آن را در جوامع حق ببینند.

بر اساس روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همین اتفاق در آخرالزمان دوباره تکرار خواهد شد، چرا که پایان تاریخ به اتفاق شیعه و سنی در قالب خلافت خواهد بود، اما خلافتی که از اهل بیت پیامبر خواهد بود. مفاد این روایات آن است که در آخرالزمان، سیر جوامع اسلامی به سوی مطالبه بن مایه ها، معارف و ارزش هایی خواهد بود. ارزش هایی که تنها در اسلام اهل بیتی یافت خواهد شد.

بر این اساس، تحولات جاری اگر به گونه ای غیرمستقیم از نظر نرم افزاری، درست مدیریت شود و ارزش های عاشورایی و مهدوی همانند: عدالت، عزت و ذلت ناپذیری، معنویت، انسانیت، خلافت و حکومت معصومانه، آزادی و کرامت انسانی درست تعریف گردد، برآیند نهایی آن می تواند همانند تجربه تاریخی امیرمؤمنان خواهی در جامعه اسلامی پس از ۲۵ سال، به مهدی خواهی اسلامی (به معنی جست و جوی مهدی بر اساس فرهنگ اهل بیت) و موعود خواهی فطری جهانی تبدیل شود.

ایده ها و نکته ها

خاستگاه ایده

ایده و شرح آن

پیام های عاشورایی

پرهیز از ظلم پذیری به نام دین، جست و جوی احیاگری دین اصیل و ارزش های راستین قرآن، شهادت طلبی و پرهیز از زندگی با ذلت، احیاگری امر به معروف و نهی از منکر در سیاست و جامعه

پیام های آخرالزمانی

سیر زوال حکومت ها، دولت ها و نظریه ها در جبهه باطل حتی در جهان اسلام به صورت متوالی بر اساس سنت های تاریخ و به طور کامل تا رسیدن به آن مرحله که مشخص شود هیچ نظریه یا ساختار زمینی توان پاسخگویی به نیاز بشر و ظرفیت تمدن سازی را ندارد.

گسترش ظلم و خستگی از ظلم و شیوع ناآرامی های اجتماعی بر اثر لبریز شدن صبر جامعه ها از نشانه های آخرالزمان است.

ص: ۱۴۹

تهدیدهای پیش رو

بیداری اسلامی اگر از نظر نرم افزاری با بن مایه های فرهنگ اهل بیت تغذیه نگردد، می تواند به نوزایی جریان های ضد تقریبی و ضد شیعی در جهان اسلام (بالا ترین مرتبه وهابی گری: نوسفیانی گری) تبدیل شود و همانند کوفه ای باشد که در دوران معاویه از ارزش های علوی به ارزش های اموی رو کرد و فاجعه عاشورا را آفرید.

احساس خطر جهان سلطه از توجه یافتن جوانان مسلمان به سوی ارزش های حماسی مکتب تشیع (در تجربه حماسه آفرینی حزب الله لبنان) و تلاش برای معطوف سازی هیجان های جوانان مسلمان در یک مدیریت پنهان به سوی شیعه ستیزی مدرن.

خطر وارونه سازی ارزش های عاشورایی برای تخریب و تضعیف آنها همانند تحریف شهادت طلبی به خودسوزی یا عملیات انتحاری.

خطر ضعیف عمل کردن حوزه ها و روحانیت در ایفاگری نقش مستقیم خود برای تولید پیام ها و اندیشه ها هدایت گری امواج عمومی جامعه و مدیریت نرم افزاری نهادهای فرهنگی؛ احتمال فرصت سوزی در این موقعیت حساس تاریخی همانند فرصت سوزی در مقطع سقوط شوروی و تحولات بالکان که نه تنها باعث راه افتادن امواج فرهنگی دعوت به اسلام در آن مناطق نشد، بلکه حتی مناطق شیعه نشینی همانند جمهوری آذربایجان از جغرافیای شیعه جدا نگه داشته شد (این هشدار سیدالشهدا در خطبه منا در حج سال ۵۹ ه. ق است).

فرصت ها

ارزش های عاشورایی که در قالب انقلاب اسلام و جریان مقاومت علیه رژیم صهیونیستی خودش را نشان داد.

شباهت تحولات ناشی از بیداری و فرصت سازی تاریخی ناشی از آن با تحولات معاصر امامت امام صادق علیه السلام که با کمک

ص: ۱۵۰

ارزش های اهل بیت و عاشورایی باعث گسترش و نشر تشیع در جهان اسلام در میان درگیری های جریان های باطل شد.

تحولات ناشی از بیداری اگر از نظر گرایش های فطری، درست رهبری شود، همانند قیام مسلمانان در اواخر دوران ۲۵ ساله خلافت در صدر اسلام خواهد بود که وقتی مردم خسته از تمام بی عدالتی ها به پا خاستند، با مدیریت یاران و صحابه فهمیده (علوی) با طرح شعارهای عدالت محور، در نهایت، جامعه اسلامی (با اکثریت اهل سنت)، مصداق عدالت را جز در امیرمؤمنان علی علیه السلام پیدا نکرد و پس از سال ها با آغوش باز طالب خلافت امام شد.

بیداری اسلامی یعنی فرصتی تاریخی همانند سقوط شوروی و فراهم شدن امکان تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم وجدان های تشنه به سوی مکتب اهل بیت (به صورت تدریجی و پلکانی).

بیداری اسلامی و ضرورت مطرح شدن بن مایه های مکتب اهل بیت (به جای تمرکز بر اسم شیعه یا مهدویت شیعی) همانند عقلانیت و معنویت و عدالت و آینده گرایی دینی در جامعه به عنوان راهبرد و قدرت نرم برای بسترسازی و توجه دهی تدریجی جغرافیای بیداری اسلامی به مکتب حق.

بیداری اسلامی، فرصتی تاریخی برای فعال سازی و معطوف سازی هیجان های جوانان شیعه با رهبری روحانیت برای ایجاد گفتمان های واقعی یا مجازی بین آنها و جوانان متحیر و علاقه مند و به پا خاسته در جهان اسلام و در گستره جهانی است (طرح: هر جوان شیعه، یک مبلغ دین در حد و اندازه توان مندی های قالبی و هنری خود).

رهیافت ها

ضرورت تلاش برای ترویج و گسترش ارزش ها و فرهنگ عاشورایی به ویژه نظر به ظرفیت بالای عاطفی، حماسی و

ص: ۱۵۱

پویابخشی اجتماعی که این ارزش‌ها در جامعه ایجاد می‌کند.

ضرورت بازخوانی تطبیقی بین مهدویت شیعی و مهدویت اهل سنت با هدف بازسازی و احیای اندیشه مهدویت اسلامی و تقویت آن به عنوان راهبردی آینده‌نگر اسلام و با هدف تضعیف اندیشه سلفی‌گری وهابی در جهان اسلام.

معرفی آینده‌نگری اسلامی در قالب مهدویت تنها راهبرد اسلامی در برابر سلفی‌گری اموی و آینده‌نگری و جهانی‌سازی سکولارها و صهیونیست‌ها.

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی‌دی‌اف مراجعه کنید

ص: ۱۵۳

بخش سوم: پژوهش های برنامه ای عاشورایی (ضمایم پژوهشی)

اشاره

بخش سوم: پژوهش های برنامه ای عاشورایی (ضمایم پژوهشی)

زیر فصل ها

پیش درآمد

الف) پژوهش برنامه ای برنامه مدیریت عاشورایی

ب) پژوهش ایده یابی بر اساس شخصیت شناسی عاشورایی (انسان شناسی و روان شناسی)

کتاب نامه

ص: ۱۵۵

پیش درآمد

پیش درآمد

در این بخش هم به عنوان نمونه و هم در مقام غنی سازی این اثر برای برنامه سازان تلاش می شود در دو بحث مفید و عام مدیریت و شخصیت شناسی، متن پژوهشی ارائه گردد. کارکرد پژوهش مدیریتی، بیشتر مناسب ساختار برنامه سازی است، ولی در بخش شخصیت شناسی علاوه بر قابلیت برای برنامه سازی باید برای ساختار روایی و داستانی کارکردهای فراوانی بر اساس تنوع قالب و مخاطب داشته باشد. در بخش شخصیت شناسی دو الگوی پژوهش ارائه شده است تا تنوع پژوهش رسانه و کارکرد های گوناگون آن به تصویر کشیده شود.

الف) پژوهش برنامه ای برنامه مدیریت عاشورایی**اشاره**

الف) پژوهش برنامه ای برنامه مدیریت عاشورایی

زیر فصل ها

یادآوری

۱. در جست وجوی هدف کلی و غایی عاشورا

۲. اصول برنامه ریزی در مدیریت عاشورایی

۳. زمان شناسی و اصول مدیریتی امام در دوران امامت تا مرگ معاویه

۴. معیار و ملاک سازمان دهی در مدیریت عاشورایی

۵. دشمن شناسی و مانع شناسی و شیوه های مواجهه با آن

۶. مدیریت فعال و پویا بر اساس تصمیم گیری آگاهانه و اقدام سریع

۷. مدیریت تربیتی و الگوی نیروسازی

۸. مدیریت بصیرت افزایی

۹. ثبات قدم و استقامت بر حق در سخت ترین شرایط

۱۰. مدیریت تبلیغی و راهبرد نرم امام در طول قیام
۱۱. مدیریت توان مند سازی با عبادت و عبودیت
۱۲. مدیریت بهره وری و فرصت سازی در شرایط بحرانی
۱۳. اصالت و جایگاه خانواده در مدیریت اسلامی
۱۴. مدیریت فرهنگی و فرهنگ سازی (به مناسبت شهادت امام سجاد علیه السلام)
۱۵. اصل عدالت، مساوات
۱۶. مدیریت مسئولیت برانگیزی و احساس مسئولیت همگانی
۱۷. مدیریت عزت محور و ذلت گریز؛ مدیریت مبتنی بر کرامت و عزت
۱۸. اصل کنترل، نظارت و ارزیابی
۱۹. مدیریت هشدارها و تشویقها
۲۰. مدیریت آینده نگری و انتظار پویای پیوسته (آخرین قسمت)

یادآوری

یادآوری

این طرح سعی می کند عاشورا را در قالب عظیم ترین پروژه تاریخی بشر بنگرد و آن گاه در نگاهی میان رشته ای با مباحث مهم، کلیدی و کاربردی مدیریت همانند بحث هدف گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی و...، برخی از اصول مدیریت عاشورایی را معرفی کند؛ اصولی که در مسیر حق باوری، حق زیستی و حق یآوری در همیشه تاریخ ثابت هستند و در ارزش های اصیل اسلامی ریشه دارند. در همین جا یادآوری می گردد که این اصول را در زندگانی همه معصومان می توان مطالعه کرد (به ویژه در زندگانی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام)، ولی خصوصیت عاشورا در شفاف سازی کامل درگیری حق و باطل و نمایش عمق مدیریت و شیوه های مدیریتی دو طرف در ظرف عاشوراست. از سوی دیگر، مخاطبان هم در دو ماه محرم و صفر آمادگی بیشتری برای دریافت و پذیرش این مباحث دارند.

ص: ۱۵۶

در کلیت و سیر مباحث سعی شده است به یک دوره از مباحث اصلی مدیریت و برخی از موارد مهم تر از نظر مدیریت و زندگی دینی توجه شود.

بدیهی است ناظر به میان رشته ای بودن بحث، غنی سازی بحث در هر دو زمینه نیازمند مطالعات تکمیلی عاشورایی یا مدیریتی است و نظر به گستردگی منابع کتاب خانه ای و اینترنتی از ارائه منابع و مآخذ پرهیز می شود.

این طرح پژوهشی از نظر ساختار محتوایی در هر قسمت شامل یک پیش درآمد، کلید واژگان کمکی، پرسش های کارشناسی و در نهایت، متن پیشنهادی برای دو میان برنامه است. مجموعه کلی این مراحل کمک می کند تا سیمای کلی بحث در اختیار برنامه ساز، کارشناس یا نویسنده قرار بگیرد.

۱. در جست وجوی هدف کلی و غایی عاشورا

اشاره

۱. در جست وجوی هدف کلی و غایی عاشورا

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

پیام نهایی

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

اولیای معصوم، حکیم و علیم هستند و از انجام فعل عبث یا کم ارزش پرهیز می کنند. از لوازم مهم فعل حکیمانه، وجود هدف و غایت نهایی مترتب بر آن است. از این منظر، هر چه فعل و عملی، عظیم باشد، هدف یا اهداف آن هم می تواند عظیم و تاریخ ساز باشد.

اولین گام و مهم‌ترین مرحله در موضوع مدیریت عاشورایی باید شناسایی همین هدف متعالی، کلان و غایی باشد؛ چون تا هدف شناسایی نشود، مراحل بعدی در مباحث مدیریت دچار ابهام خواهد شد و معلوم نخواهد شد آیا حادثه‌ای با این همه سرمایه گذاری، ارزش اقدام داشته است یا خیر؟ از این رو، از اولین دروس مدیریت، طراحی هدف روشن، مشخص، متعالی و قابل دست‌یابی است تا برنامه ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس آن انجام شود.

در مقام هدف شناسی در قیام حسینی، در کتاب‌ها و منابع تاریخی و کلامی، سخنان متفاوتی گفته شده است (که علی صفایی حایری آنها را در کتاب عاشورا گردآورده است) همانند قیام با هدف شهادت، حکومت، اصلاح‌گری و امر به معروف و نهی از منکر. ولی به نظر می‌رسد همه این نظریه‌ها به بخشی از قیام یا نتایج آن یا بخشی از منظومه سخنان سیدالشهدا و دیگر معصومان نگریسته و نتوانسته‌اند نگاهی جامع به قیام

سیدالشهدا داشته باشند. از این رو، نتوانسته اند هدف را کلان و جامع تعریف کنند و به دلیل تعریف ناقص هدف، باعث تقلیل ارزش حماسه عاشورا شده اند.

در برخی از این نظریه ها بین نتایج با هدف یا بین روش ها و تاکتیک ها و انتخاب ها با هدف خلط شده است. مثلاً شهادت انتخاب امام بود، ولی هدف نهایی امام نبود، بلکه روش و تاکتیک امام بود. برای شناسایی هدفی که جامع و کامل باشد، به نظر می رسد باید به کمک فرهنگ جامع سخنان اهل بیت درباره عاشورا به این حماسه از منظر فلسفه تاریخ نگریست. وقتی تا پیش از عاشورا، همه انبیا و اولیا به آن نگریسته و برای آن گریسته اند (و البته این گریه صرفاً گریه ای عاطفی نبوده است) و پس از عاشورا هم همه امامان بر محمل ارزش ها و دست آوردهای آن به احیای اسلام و تشیع پرداخته اند، یکی از مهم ترین فلسفه های ظهور هم فریاد انتقام عاشوراست. همچنین هویت تاریخی تشیع با عاشورا و انتظار تعریف می شود. از این رو، علم تاریخ از منظر مبحث فلسفه تاریخ می تواند بهترین روش برای غایت شناسی و هدف یابی عاشورا باشد.

در این روش، با کمک زیارات عاشورایی و زیارات مهدوی همانند زیارت عاشورا و اربعین به ویژه بر اساس نگاه فلسفه تاریخی دعای ندبه ابتدا سعی می شود فلسفه تاریخ از منظر دین حق، بررسی و محوریت تاریخ بر اساس درگیری حق و باطل مطالعه شود. این درگیری از هبوط آدم آغاز شده و شامل دو دوره کلی یعنی دوره پیامبران و امامان است و هدف نهایی آن، تحقق بهشت زمینی ظهور بر محوریت معنویت و عدالت جهانی است. در این نگاه کلان به تاریخ، نقش عاشورا پس از خاتمیت تعریف شده است. یعنی وقتی دین حق به کمال و جامعیت خود رسید، جریان تاریخی باطل در گسترده ترین برنامه ریزی و تلاش سعی کرد تا با کمک جنگ دین علیه دین، این دین حق را برای همیشه نابود سازد.

حماسه عاشورا که نقطه اوج مظلومیت و غربت ولی خدا و اوج فداکاری، ایثارگری و حماسه آفرینی اوست، باعث می شود در بزنگاه و مصافی مهم با تقدیم فدایی عظیم باعث ماندگاری حق گردد. آن گاه به پشتوانه این وضعیت تلفیقی حماسه و مظلومیت، بازسازی جبهه و جامعه حق صورت بگیرد تا در نهایت، حق و حقیقت در رشد تدریجی خود به ظهور جامع و کامل برسد.

ص: ۱۵۸

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

هدف گذاری بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت، سرمایه گذاری در اهداف کلان عاشورایی از زمان پیامبر به صورت رسمی، هدف گذاری شفاف و مشخص، متعالی ترین هدف که باعث جذب همت ها و اراده های بلند انسانی به خود می شود و طراحی هدف با جمع بین، متن گرایی و واقع گرایی.

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

تبلیغات اموی با اهداف بلندمدت و حتی میان مدت، روحیه آینده نگری و تلاش برای وضعیت بهتر را از جامعه گرفته بودند. جامعه اموی به جای هدف های متعالی، به رضایت مندی از وضع موجود و سکوت و سکون و قعود رسیده بود. نهایت هدفی که برای آنها در ضمن حفظ وضع موجود متصور بود، انجام فتوحات بیشتر به معنی توسعه کمی و سرزمینی اسلام اموی بود.

پیام نهایی

پیام نهایی

در بینش عاشورایی، هر انسانی باید هدف های متعالی ثابت و کلانی در زندگی داشته باشد. شرط کامل و جامع بودن این هدف گذاری، هماهنگی آن با هدف گذاری حق تعالی برای زندگی زمینی بشری است؛ یعنی هر انسانی، خود را جزئی از طرح کلی خداوند بیند و بر اساس زمان و مکان شناسی سعی کند هدف گذاری فردی، اما کلان خود را با هدف گذاری کلان خداوند هماهنگ سازد.

ادوار تحلیل تاریخ تشیع در زمان معصومین علیهم السلام

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

ص: ۱۵۹

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. زندگی بشر در زمین از منظر قرآن و اسلام و ادیان ابراهیمی چگونه شروع شده است؟ از کجا شروع شده است؟ به کجا می رود؟ هدف نهایی این زندگی زمینی و مقصد نهایی آن از منظر دین حق کجاست؟ ادوار شناسی تاریخ از آغاز تا انجام بر اساس نگاه تاریخی قرآن و اسلام چیست؟

۲. ادوار تاریخی حق و معصومان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا غیبت چگونه است؟ چگونه عاشورا در این ادوار شناسی نقش کلیدی می یابد؟ آیا عاشورا نقطه تفکیک جامعه شیعه از جامعه اسلامی است؟ آیا از عاشورا، مرحله جدید و استقلالی تشیع از جهان اسلام آغاز می گردد؟

۳. چگونه می توان بر اساس نگاه فلسفه تاریخی به کل تاریخ و ادوار شناسی زندگانی امامان، هدف کلی و کلان قیام حسینی را تشریح کرد؟ آیا هدف قیام را هدف های خردی همانند اصلاح گری یا امر به معروف یا صرفاً شهادت طلبی می توان تعریف کرد؟ چگونه اگر هدف عاشورا بسیار بزرگ و کلان و تاریخی باشد، نوع نگاه ها و تحلیل ها به عاشورا متفاوت می شود؟ آیا از سیره و گفتار امام در طول نهضت می توان نکات و پیام های عمیق تر از موارد ذکر شده استخراج کرد؟

میان برنامه

میان برنامه

۱.۱. عاشوراشناسی از منظر نگاه تاریخی دعای ندبه

تذکر: این میان برنامه دارای گاه شمار تاریخی است که در پیوست تقدیم می گردد؛ یعنی از نظر قالب طراحی گرافیکی، الگوی گرافیکی آن، یک گاه شماری است که به موازات خط زمان و موارد دارای مطلب کادری بر نمودار زمان باز می شود و توضیحات مکتوب یا تصویری بیان می گردد.

ص: ۱۶۰

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

از نگاه قرآنی و فرهنگ روایات و ادعیه، در مکتب اهل بیت، تاریخ و زندگی زمینی بشر با هبوط حضرت آدم و حوا آغاز می گردد. آن دو پس از آنکه نتوانستند بهشت فرامینی را برای خود نگه دارند، به زمین هبوط کردند تا بر اساس نظام عبودیت و تکلیف در جد و جهدی تاریخی، دوباره به همان بهشت، ولی این بار روی همین زمین برسند.

مشکل از آنجا ناشی شد که ابلیس هم همراه آنها از آسمان ها رانده شد. او تا زمان فرا رسیدن همان بهشت موعود زمینی مهلتی گرفته بود. از این رو، تاریخ بشریت با هبوط آغاز می گردد؛ تاریخی شامل درگیری پیوسته رهبران حق با هدف تحقق تدریجی بهشت زمینی با ابلیس و همراهانش که مانع و مزاحم تحقق آن بهشت هستند پس از نگاه دین، تاریخ، بازشناسی درست این درگیری حق و باطل است.

در این نگاه، مرحله اول تاریخ، دوران چند هزار ساله پیامبران است که با حضرت آدم شروع می شود. نقطه اوج آن، پنج پیامبر اولوالعزم هستند و در متن آن، ۱۲۴ هزار پیامبر قرار دارند. در این دوران، راهبرد تاریخی جبهه حق، دریافت تدریجی دین آسمانی به موازات رشد تاریخی تمدن و فرهنگ بشری است؛ دورانی طولانی که سرانجام در پیامبر اسلام به خاتمیت می رسد.

البته ادوار شناسی و مرحله شناسی تاریخ پیامبر به صورت رشد تدریجی و پلکانی از لحظه هبوط آدم تا دین خاتم، نیازمند نگاه های تحلیلی و تخصصی با کمک قرآن و احادیث است. پس از خاتمیت دین کامل و جامع، تاریخ امامان آغاز می گردد.

این دوران، دوران تلاش برای اجرا و تحقق دین کامل و آن گاه جهانی سازی تدریجی آن است.

وقتی جبهه باطل با کمک منافقان، امامت و ولایت را از رهبری جامعه کنار گذاشتند، سراسر امامت امامان تا عاشورا، تلاش برای بازگرداندن جامعه اسلامی به سود حق، رهبری حق و هدف نهایی و غایی حق بود. البته فاجعه عاشورا، نمایش جدایی و دور افتادگی کامل جامعه اسلامی از رهبری حق است.

عاشورا رخ می دهد تا هجوم همه جانبه باطل های دین نما را خنثی سازد. پس از

ص: ۱۶۲

خنثی سازی توطئه باطل برای نابودی همیشگی جبهه حق، با کمک رهبری امامان معصوم، طرح جامعه سازی برای حق دوباره آغاز می گردد. در مرحله اول، پی ریزی فرهنگی این جامعه بر اساس حماسه عاشورایی انجام می شود و به دنبال آن، رویکرد علمی و مکتبی آن در دوران امام باقر و امام صادق علیهما السلام انجام می شود. دوران امام هفتم و هشتم، دوره طراحی نظام اجتماعی است و در دوران امامان ابناء الرضا، آماده سازی برای غیبت صورت می گیرد. غیبت، دورانی است، طولانی تا جامعه شیعه به بلوغ کامل امام یآوری برسند و جبهه باطل هم به بن بست نهایی خود برسد تا سرانجام بهشت جهانی ظهور فراهم شود.

۱۲. هدف گذاری در جبهه یزیدی

جبهه باطل همانند جبهه حق از دو بُعد تشکیل شده است. یکی، بعد نرم افزاری و دیگری، بعد سخت افزاری و منابع انسانی در بستر و ظرف تاریخ است. از جهت سخت افزاری، جبهه باطل همواره در اکثریت بوده و هست، ولی از نظر تحقق وجودی در تاریخ و همچنین از جهت فکری و نرم افزاری، فرع بر حق است؛ چرا که از نظر تاریخی، با هبوط حضرت آدم و حوا، تاریخ بشریت با حق آغاز می گردد. پس از آن است که با وسوسه های ابلیس، قایل، پایه گذار جبهه باطل می شود. این جبهه از جهت نرم افزاری با ریزش نیروها از جبهه حق آغاز می گردد. پیام جبهه حق، تعریف هدف، هدف گذاری کلان و سپس طراحی های هدف های میان مدت و کوتاه مدت است. به این معنا که در تعریف هدف کلان باید تمام تاریخ بشریت را بر اساس هدف خلقت در نظر گرفت. در تعریف هدف میان مدت به ادوار و مراحل تاریخی جاری توجه می شود و در هدف کوتاه مدت، طول عمر تک تک انسان هاست که معیار و محور هدف گذاری قرار می گیرد. بدین گونه است که زندگی هر انسان و هدف کلان در هر یک از زندگی های انسانی به بخشی مهم برای هدف کلان و کلی تاریخ بشریت تبدیل می شود.

در جبهه باطل بر اساس دنیاگرایی و خودبینی، هدف کلان و کلی برای زندگی بشریت نادیده گرفته می شود. همانند شعار یزید که می گفت «لا خیر جاء و لا وحی نزل»، خود محورینی بخش اساسی زندگی قرار می گیرد. حتی دین آسمانی اسلام هم

ص: ۱۶۳

با تحریف و انحراف از هدف های غایی تهی می شود و به توجیه گر گذران زندگی تبدیل می گردد. این دین تنها مناسک و شعائر و شریعتی فردی و عبادی دارد و از پیام های بلند تاریخی و غایی که بر اساس آن، تمدن اسلامی و سیاست و جامعه دینی تعریف می شود، تهی شده است.

نگاهی به جامعه اسلامی در دوران خلافت امویان مشخص می کند در آن دوران، جامعه از نگاه تمدنی کلان تهی بود. در آن دوران، فتوحات اسلامی صورت می گیرد، ولی این فتوحات نه در راستای توسعه و ترویج کلان دین و جهانی سازی توحید، بلکه با هدف کسب چند روزه غنائم است. از این رو، در آن دوران، جامعه اسلامی از جهت جغرافیایی توسعه می یابد، ولی از جهت معنوی، اخلاقی، رفتاری و اجتماعی، هر روز به سوی پستی و انحطاط بیشتر می رود. از این منظر، پیام نهایی جبهه باطل برای انسان ها، روزمره گی و خوشی حداکثری فردی به هر قیمتی است؛ چرا که نه در انتهای این دنیا، خبری است و نه پس از مرگ، خبری هست. زندگی دنیوی هم جز مادیات و محسوسات معنای دیگری ندارد.

از این رو، جامعه یزیدی آینه تمام نمای مردمان دنیا زده است که به نام دین برای رسیدن به زندگی در دنیای چند روزه به بدترین ذلت ها تن می دادند و بدترین خیانت ها را انجام می دهند یا در برابر آن سکوت می کنند.

۲. اصول برنامه ریزی در مدیریت عاشورایی

اشاره

۲. اصول برنامه ریزی در مدیریت عاشورایی

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

این موضوع در جامعه و جبهه دشمن

پیام عاشورایی

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

در مدیریت عاشورا به دنبال تعریف هدف غایی و کلان که به دنبال آن، اهداف میان مدت و کوتاه مدت تعریف می شود، با درک زمان شناسی و مکان (جغرافیا) شناسی و امکانات موجود برای دست یابی مرحله به مرحله به آن اهداف، مراحل اجرایی و عملیاتی دست یابی به اهداف طراحی می گردد. تفاوت برنامه ریزی در مدیریت عاشورایی با برنامه ریزی های دیگر در انسان محور بودن این مدیریت بر مبنای آزادی و آگاهی منابع انسانی است. به این معنا که تحقق اهداف جبهه حق بدون یاران و یاوران شایسته امکان پذیر نیست؛ یاورانی که باید با آگاهی و اراده آزاد به حق پیوسته باشند و با تمام وجود در خدمت حق باشند.

ص: ۱۶۴

از این رو، در برنامه سازی عاشورایی، قیام سیدالشهدا با هجرت از مدینه به مکه شروع می شود، ولی ایشان تا رسیدن به شرایط لازم از هر گونه اقدام شتاب زده پرهیز می کند. این قیام همانند بسیاری از قیام های زیدیه یا خوارج یا قیام های دیگر نیست که سریع، ناگهانی، کور، بدون تعریف مشخص برای اهداف و نتایج صورت بگیرد، بلکه مراحل برنامه سازی در مدیریت عاشورایی چنین است:

اول طراحی برنامه های ناظر به آگاه سازی؛

دوم طراحی برنامه های ناظر به آزمون سنجی؛

سوم طراحی برنامه های عملیاتی و اجرایی نهایی.

امام پس از هجرت به مکه، برنامه ریزی برای آگاه سازی را با اقامت چند ماهه در فرصت مکانی و زمانی مکه انجام می دهد. پس از آن، طراحی برنامه های حساس سازی اجتماعی در کوفه و بصره به اجرا می گذارد. آن گاه طراحی برنامه های آزمون سنجی به ویژه به مدعیان کوفی را در برنامه کار خود دارد.

در مرحله آخر، امام (بر اساس پیش بینی های غیبی نبوی و علوی) به برنامه ریزی برای مرحله عملیاتی و اجرایی برای رفتن به سوی کوفه و کربلا می پردازد.

با نگاه به این مراحل برنامه ریزی می توان مشخص کرد چرا گاه گاه امام از اقدام شتاب زده پرهیز می کند یا گاه به ظاهر تصمیمی ناگهانی و خلاف معمول می گیرد (همانند خروج ناگهانی و غیرمتعارف از مکه). با نگاهی کلی به برنامه های امام مشخص می شود ایشان بر اساس برنامه ریزی خود از جهت برنامه های تبلیغی در جامعه، پیش گام و جلوتر از دشمن است، ولی از جهت اجرایی و شروع مواجهه، آغازگر درگیری تا قبل از اتمام حجت ها نیست. برنامه ریزی امام، مرحله به مرحله و با نگاه تلفیقی به سه جامعه سفید (آماده سازی آنها) خاکستری (حساس سازی و اتمام حجت با آنها) و سیاه (اتمام حجت و اعلان نفی سازش کاری با آنها و در نهایت، مبارزه و مصاف با آنها).

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

۱. طراحی عملیات و پیش بینی کردن مراحل عملیاتی رسیدن به هدف؛

۲. شفافیت و صراحت و روشنی برنامه ها و مراحل آن در جبهه حق؛

۳. تأخر برنامه های عملیاتی در جبهه حق از برنامه های تبلیغی و آگاه سازی.

ص: ۱۶۵

این موضوع در جامعه و جبهه دشمن

این موضوع در جامعه و جبهه دشمن

برنامه ریزی در جبهه باطل چون ناظر بر گسترش باطل به هر قیمتی است، در آن به جای تقدم آگاه سازی، برنامه های عملیاتی و اجرایی مقدم است. در این برنامه های اجرایی هم به جای آگاه سازی یا احترام به حق آزادی و اراده انسان ها، تحمیق و جهالت یا غفلت دهی آنها در اولویت اول قرار دارد. از سوی دیگر، به علت نبود اهداف غایی کلان و بلندمدت و دعوت به روزمره گی، جامعه باطل همواره به برنامه های کوتاه مدت و میان مدت متمرکز توجه دارد و هیچ هدف غایی و به دنبال آن، هیچ برنامه بلندمدتی ندارد.

پیام عاشورایی

پیام عاشورایی

مدیریت عاشورایی، درسی است برای نگاه جامع بین اهداف سه گانه بلند، میانه و کوتاه مدت. آن گاه ضرورت داشتن طراحی های سه گانه بلند و میانه و کوتاه مدت مطرح می شود. در نهایت، در مقام عمل و اجرا، اولویت با آگاه سازی و توجه به منابع انسانی مبتنی بر آزادی و آگاهی سازی جهت پیوستن و همراهی مؤمنانه آنها با حق است.

در این برنامه ریزی، اصل بر صداقت و شفافیت و طراحی برنامه های جامع و کامل برای زندگی و جامعه بشری است. همچنین در برنامه ریزی عاشورایی طراحی برنامه های تلفیقی معنوی و دینی با برنامه های دنیوی و مادی مورد نظر است.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. ناظر به هدف شناسی متعالی در مدیریت عاشورایی، اصول و مبانی برنامه ریزی عاشورایی چیست؟ و چرا در مدیریت و طراحی عاشورایی از اقدام شتاب زده پرهیز می شود؟
۲. نقش منابع انسانی در برنامه ریزی عاشورایی چیست؟ در برنامه ریزی عاشورایی، چه تعریفی از انسان مطلوب وجود دارد؟ بر اساس این تعریف، برنامه ریزی فکری و تبلیغی چه جایگاهی در قیام عاشورایی می یابد؟
۳. چرا در برنامه ریزی و مدیریت عاشورایی، مرحله عملیاتی و اجرایی از جهت زمانی و روشی متأخر است؟ الگوی آن با الگوی جبهه باطل چه تفاوتی دارد؟ یکی از

ص: ۱۶۶

جلوه های قیام سیدالشهدا علیه السلام، انجام دادن تاکتیک ها و برنامه های ناگهانی و غافل گیر کننده است. آیا این تصمیم گیری ها را در چارچوب برنامه ریزی کلان امام می توان قرار داد یا اینکه آنها اقدام هایی ناگهانی، انفعالی و بدون برنامه بوده اند؟

میان برنامه

میان برنامه

۲۱. سیدالشهدا علیه السلام و برنامه ریزی کلان دوران امامت

پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام و آغاز امامت سیدالشهدا علیه السلام، جمعی از شیعیان کوفه به تصور اینکه صلح نامه امام حسن علیه السلام منحصر به ایشان است و با شهادت ایشان، دیگر جایی و معنایی برای این صلح نامه وجود ندارد، به امام نامه ای نوشتند. آنها ضمن اعلان آمادگی خود، امام را به قیام فرا خواندند. امام در پاسخ به آنها اعلام کرد تا زمانی که معاویه زنده است، قرارداد صلح پابرجاست و پس از مرگ او تدبیر دیگری خواهد اندیشید.

این نامه در آغاز امامت سیدالشهدا علیه السلام گویای برنامه ریزی کلان دو مرحله ای امام برای دوران امامتش بود. برنامه ای دو مرحله شامل تقیه و انتظار و آن گاه قیام. مبنای این برنامه ریزی دو مرحله ای امام، نگاه تلفیقی به جوامع مختلف حق و باطل بود. از منظر امام، تا معاویه زنده بود، هنوز یکی از طرف های معاهده زنده بود و نقض آن، بهانه ای تاریخی به دست معاویه می داد. به ویژه آنکه معاویه در دوران زندگانی امام مجتبی علیه السلام خیلی دست به عصا حرکت می کرد و جرئت اجرای بسیاری از برنامه هایش را نداشت. از این رو، امام با استمرار بخشی به صلح نامه برادر منتظر بود معاویه در شرایط جدید، چهره باطنی خود را به نمایش بگذارد.

دقیقاً پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام، طرح های گسترده معاویه برای شیعه ستیزی در عراق و اجرای گسترده لعن و سب امیرمؤمنان علی علیه السلام به اجرا گذاشته شد. در نهایت هم طرح او برای جانشینی یزید به جای خود در کمال خفقتان و با در پیش گرفتن سیاست های زر، زور و تزویر به جامعه اسلامی تحمیل گردید.

امام در این دوران در تلاش است تا با سیاست تقیه و انتظار، جامعه حداقلی حق را حفظ کند و آن گاه که پس از مرگ معاویه، چهره باطنی باطل در قالب خلافت نامشروع یزید آشکار می شود، ایشان به راحتی بتواند علیه باطل، بطلان، فساد، انحراف و انحطاط

ص: ۱۶۷

آن تبلیغ کند. امام در مرحله بعدی خواهد توانست قیام خود را شروع کند. آن هم نه یک قیام سریع و ناگهانی، بلکه قیامی که از لحظه شروع تا انجام آن، نزدیک به ۶ ماه طول می کشد تا در این زمان، برنامه های تبلیغی و جذب نیروهای خالص کاملاً اجرا گردد.

دوران امامت سیدالشهدا علیه السلام نشانه برنامه ریزی جامعی برای دوره های گوناگون انتظار و قیام و برای جوامع گوناگون حق در مواجهه با باطل بر اساس زمان شناسی و سنجش امکانات و استعدادها است.

۲۲. اصول برنامه ریزی جبهه باطل

برنامه ریزی از اصول در مدیریت است. هرگونه مدیریتی چه در جبهه حق و چه در جبهه باطل بدون آن بی معنا و ابتر خواهد بود، ولی برنامه ریزی در جبهه باطل با جبهه حق تفاوتی ماهوی دارد. در جبهه حق، مبنای برنامه ریزی بر اساس، جذب و همراهی انسان ها بر مبنای آگاهی بخشی و آزادی اراده و اختیار و انتخاب هوشمند خودشان است. به همین دلیل، در جبهه حق همواره تبلیغ بر اقدام و عمل تقدم دارد؛ چرا که هدف جبهه حق، جذب جامعه سازی و تمدن سازی بر مبنای اختیار و انتخاب هوشمندانه است بر اساس این نگاه؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا ۱۳ سال در مکه به تبلیغ می پردازد. پس از فراهم شدن فضای اجتماعی در مدینه، اولین جامعه اسلامی را تشکیل می دهد و سیدالشهدا علیه السلام در قیام پنج ماهه خود، بخش عمده ای از این زمان را به تبلیغ و آگاه سازی اختصاص می دهد.

در برابر این جریان انتخاب آگاهانه، جبهه باطل قرار دارد. هدف این جبهه، جذب حداکثری انسان با هر قیمت و شیوه ای است و چون در این مکتب، هدف، وسیله را توجیه می کند، از جهت نرم افزاری، درباره تحریف و انحراف در مکتب حق برنامه ریزی می شود و از جهت سخت افزاری، هدف، رسیدن به بیشترین ریزش ها از جبهه حق و بیشترین همراهی با باطل است. در این زمینه، اگر انسان ها آگاه و آزاده باشند، بدیهی است جذب باطل نمی شوند. از این رو، تعطیلی دین و دانش یا تحریف آن، هدف است. در کنار آن، تمامی برنامه های تهدیدآمیز یا تطمیع برای منحرف کردن گرایش ها و ارزش های حق محور به عمل می آید.

خلافت سه ساله یزید نمونه بارز این برنامه ریزی باطل محور است. در این جامعه، هدف، کنترل اکثریت قریب به اتفاق جامعه در مسیر باطل همراه با خشونت و سرکوب و رواج جهالت و غفلت است. از این رو، یزید با انتخاب والیان فاسد و بی هویت جوان که هیچ ریشه و شناس نامه انسانی ندارند، سعی می کند با شدید ترین وجه به بیعت گیری و کنترل تمامی جامعه پردازد. والیان عراق (کوفه و بصره) و حجاز (مدینه و مکه)، فاسدترین، فاسق ترین و خشن ترین والیان در تاریخ اسلام بودند. آنها برای تبدیل اسلام به دینی اسمی و ظاهری و آن گاه نابودی کامل اسلام برنامه ریزی می کردند؛ طرح و برنامه ای که حماسه حسینی آن را به شکست کشاند.

۳. زمان شناسی و اصول مدیریتی امام در دوران امامت تا مرگ معاویه

اشاره

۳. زمان شناسی و اصول مدیریتی امام در دوران امامت تا مرگ معاویه

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه خاکستری

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

زمان شناسی یکی از اصول مهم در قیام سیدالشهداست. بازتاب زمان شناسی، جلوگیری از تعجیل و تسویف، تقدیم و تأخیر در برنامه هاست. همچنین نتیجه آن، پرهیز از هدر دادن بیهوده نیروها یا ندادن بهانه به دست دشمن است. جایگاه این اصل در مدیریت حسینی را از منظر سیره عمومی امام در زمان زنده بودن معاویه بررسی می کنیم.

دوران امامت امام حسین علیه السلام همانند مدت امامت برادرش، امام مجتبی، ۱۰ سال است. از این ۱۰ سال، نه سال و نیم آن با خلافت معاویه هم زمان بود. در این سال ها، استراتژی امام، ترکیبی از تقیه و انتظار است. با وجود اینکه معاویه عملاً معاهده صلح نامه را نقض کرده است و پیاپی عهدشکنی می کند، امام ناظر به اصل تعهدی که از سوی رهبری حق وجود داشته است، پای بندی خود را به صلح نشان می دهد. از سوی دیگر، با توجه به آمادگی نداشتن جامعه اسلامی و شیعه برای قیام، از انجام قیامی بی حساب و کتاب پرهیز دارد. از این رو، مهم ترین برنامه های مدیریت سیاسی اجتماعی امام در این سال ها چنین است:

امام در آغاز امامتش، درخواست کوفیان را برای قیام به مرگ معاویه موکول می‌کند و آنها را به انتظار و آماده سازی فرا می‌خواند.

امام در برابر جنایات معاویه از جمله شهادت حجر بن عدی و عمرو بن حمق ساکت نمی‌نشیند.

امام به شدت به مسئله خلافت یزید معترض است و با تمام قوا و تا آخرین لحظه با آن مخالفت می کند.

امام در تمام سال های امامت با توجه به محاصره افتادن شیعه عراق و سیاست های شیعه ستیزی معاویه، تمام اهتمام خود را بر نیروسازی از حداقل های موجود در مدینه می گذارد؛ یعنی متوجه تربیت و رشد جوانان بنی هاشم و غلامان اهل بیت به عنوان گروه مبنا برای آینده می شود.

امام در واپسین سال های خلافت معاویه، برنامه حساس سازی تبلیغی و فرهنگی خود را شروع می کند. نقطه اوج آن نیز سخنرانی آن حضرت در منا در سال ۵۹ ه. ق است.

امام در یک دهه گفته شده با درک درست نسبت شرایط زمانه در جوامع سه گانه سفید، سیاه و خاکستری، با در پیش گرفتن مدیریت موازی از یک سو و با حفظ حضور اجتماعی خود در مدینه و مکه و مراسم حج، هر سال خاری در چشم دشمن است. از سوی دیگر، ارتباطی اگر چه حداقلی با اقلیت شیعه در کوفه دارد و در نهایت، به تربیت ویژه جوانان بنی هاشم می پردازد. همچنین در آستانه مرگ معاویه برای حساس سازی جامعه خاکستری می کوشد.

این مدیریت همان مدیریت ترکیبی تقیه و انتظار بر اساس زمان شناسی و بهره وری از حداقل فرصت های آشکار و پنهان است. تقیه یعنی جلوگیری از اقدام بیهوده یا نابود کننده فرصت ها و منابع و انتظار یعنی آماده سازی تدریجی و گاه نامحسوس از نظر نیروسازی یا حساس سازی تدریجی. تقیه یعنی پرهیز از حساس سازی بیهوده دشمن و تلاش برای کم کردن حساسیت ها و مزاحمت های او در زمان نیروسازی و انتظار یعنی نهایت بهره وری بی سروصدا از فرصت ها و منابع در یک برنامه ریزی بلندمدت.

این سیره، بهترین الگو برای جامعه شیعه در عصر غیبت است، به ویژه بر اساس آن روایاتی که می گوید هر چه امر ظهور نزدیک تر شود، رعایت تقیه باید شدیدتر گردد. این سخن به این معناست که رسالت کنونی شیعیان، در پیش گرفتن سیاست ترکیبی تقیه و انتظار است. تقیه یعنی پرهیز از ایجاد تنش های بیهوده یا حساسیت زایی دشمنان علیه شیعه و انتظار یعنی زمینه سازی از حداقل های موجود به دور از سروصداهای فریبنده است.

ص: ۱۷۰

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مدیریت فرصت‌ها، پرهیز از شتاب زدگی، داشتن برنامه ریزی و سیاست مرحله به مرحله، پرهیز از تسویف و تعجیل و بهره‌وری.

جایگاه موضوع در جبهه خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه خاکستری

پرسش‌های سه‌گانه

۱. اصول سیره مدیریتی امام در آغاز امامتش تا پایان دوره معاویه چه بود؟ چرا امام تا معاویه زنده بود، (از جهت مباحث مدیریتی) به رعایت معاهده صلح پای‌بند بود و زمان قیام را تا مرگ معاویه به تأخیر انداخت؟ امام چگونه از اصل زمان‌شناسی و فرصت‌سازی در برنامه ریزی‌های خود در این سال‌ها استفاده می‌کند؟

۲. امام در این سال‌ها با زمان‌شناسی چگونه سیاست ترکیبی از تقیه (نفی قیام) همراه با اجرای امر به معروف و نهی از منکر در برابر معاویه را پیش می‌برد؟ سیاست موازی نقد باطل ضمن حفظ معاهده‌ها چگونه به اجرا در می‌آید؟ چه نکات مدیریتی برای پیروان آن حضرت دارد؟ امام در این سال‌ها با حفظ حضور اجتماعی خود در مراسم حج چگونه تلاش باطل را برای انزوای کامل حق خنثی می‌سازد؟

۳. امام چگونه در جامعه رو به انحطاط و راضی به باطل تلاش می‌کند بی‌سروصدا در بلندمدت و فرصت کافی، حداقل نیروهای در اختیارش را تربیت کند و به احیای سیره تربیتی، خانوادگی، اجتماعی و معاشرتی پیامبر اسلام (در همان شهر غفلت زده پیامبر) بپردازد؟

میان برنامه

میان برنامه

۳۱. گرایش سیاه، سفید و خاکستری در مدیریت حسینی در دوران ده ساله

یادآوری

ساختار این میان برنامه می‌تواند نقشه جغرافیایی بر محوریت کوفه، حجاز و دمشق باشد. آن‌گاه به تناسب مباحث مطرح شده برای هر کدام، یک کادر باز شود و متن‌ها یا تصاویر بیاید.

ص: ۱۷۱

متن

سیدالشهدا علیه السلام در دوران خلافت معاویه با سه گروه و جریان مواجه است. جریان سفید یا همان شیعیان که عمدتاً ساکن عراق با مرکزیت کوفه هستند. جریان سیاه که همان معاویه و حزب طرفداران او هستند. جریان خاکستری که صحابه و تابعینی هستند که به نام عالم و افراد دارای اعتبار و شهرت و موقعیت اجتماعی در برابر اهل بیت پیامبر ایجاد شده اند و با سکوت و قعود خود باعث رکود و رخوت اجتماعی در جامعه اسلامی می شوند. سیره مدیریتی امام در دوران ۱۰ ساله خلافت معاویه با این سه گروه چنین است:

جلوه های مدیریتی امام در برابر جریان سفید

امام در آغاز امامتش در سال ۴۹ ه. ق، دعوت شیعیان کوفی را برای قیام به دوران پس از مرگ معاویه موکول کرد و آنها را به صبر و بردباری فرا خواند. در سال ۵۰، آمارت و شیعه ستیزی زیاد بن ابیه در کوفه منجر به شهادت حجر بن عدی و محدودیت ارتباط شیعیان با امام می شود. با مرگ زیاد در سال ۵۱ ه. ق، به تدریج، ارتباط شیعیان با امام به ویژه در ایام مراسم حج رو به فزونی می گذارد. این اتفاق در سال ۵۵ باعث اعتراض مشترک والی مدینه و معاویه به امام می شود، ولی امام استواری می ورزد و این ارتباط را تا مرگ معاویه حفظ می کند.

جلوه های مدیریتی امام در برابر جریان سیاه

معاویه تلاش می کند در فرصت پیش آمده ناشی از شهادت امام مجتبی علیه السلام، سیدالشهدا علیه السلام را به شدت منزوی سازد تا بتواند هم سیاست های شیعه ستیزی خود را اجرا کند و هم برای خلافت یزید بیعت بگیرد. فریاد دادخواهی امام که گهگاه منجر به نامه نگاری های امام به عنوان نهی از منکر با معاویه است، امان را از معاویه می برد. با همکاری امام، اقلیتی قوی از معترضان به خلافت یزید در حجاز شکل می گیرد؛ گروهی که باعث وحشت معاویه می شوند و در نهایت، او را در بیعت گیری از آنها برای خلافت یزید ناکام می گذارد.

ص: ۱۷۲

جلوه های مدیریتی امام در برابر جریان خاکستری

بازتاب سیاست های فرهنگی خلفا، شکل گیری گروهی از صحابه و تابعین عالم نمایی است که در برابر دانش و رهبری اجتماعی و فرهنگی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایجاد شده اند. بازتاب حضور اجتماعی آنها، ترویج روحیه قعود و سکوت و دین ورزی فردی است. امام از یک سو، با حضور اجتماعی خود به ویژه در مراسم حج، بازار مکاره آنها را کم رونق می سازد و در نهایت، در سال آخر خلافت معاویه با فراخوان نزدیک به هزار نفر از صحابه و تابعین، نسبت به آنها اتمام حجت مفصلی می کند. از آنها می خواهد از خاموشی دست بردارند و به فریاد اعتراض در برابر ظلم، تبعیض، تحریف، انحراف و بدعت ها تبدیل شوند.

۳۲. زمان سوزی جبهه خاکستری

در مصاف حق و باطل، برنامه ریزی ها و موضع گیری های جبهه حق همواره هوشمندانه است به این معنی که رهبری حق و یاوران او با شناسایی درستی که از شرایط زمان و مکان دارند یا به دست می آورند، سعی می کنند هر اقدامشان در زمان خود بجا باشد.

در برابر، شناس نامه جبهه خاکستری یعنی درماندگان از جبهه حق، زمان سوزی است. جبهه خاکستری یعنی آنها که مدعیان حق طلبی و حق خواهی هستند، به جای زمان شناسی و انجام دادن هر اقدام در زمان و فرصت مناسب خود به تعجیل یا تسویف روی می آورند. یعنی آنها هر اقدام را یا زودتر از زمانه خود می خواهند در موقعی که هنوز شرایط فراهم نشده است یا اینکه چنان با تعلل و کندی عمل می کنند که فرصت ها می سوزد.

در قیام عاشورا، سیدالشهدا بر اساس زمان شناسی، قیام خود را متوقف بر مرگ معاویه می کند، ولی جبهه خاکستری که در زمان زندگانی او که دوره فریب و تزویر است، طالب قیام هستند، در آستانه آغاز امامت امام حسین علیه السلام، در خواست قیام از امام دارند. امام، قیام را به دوران پس از معاویه متوقف می داند. پس از مرگ معاویه، قیام امام با هجرت از مدینه به مکه آغاز می شود. در این زمان، عده زیادی از کوفیان با نامه نگاری از امام می خواهند به سرعت به کوفه بیایند تا بدون هیچ درگیری و آزمونی، حکومت را به دست بگیرد.

ص: ۱۷۳

امام برای قیام خود زمان بندی دارد تا بتواند هم مناطق دیگر را به قیام فرا بخواند و هم بتواند شرایط را برای آشکارسازی باطنی چهره نمایش ایجاد کند.

از این رو، وقتی قیام امام آغاز می شود و امام به سوی کوفه می آید، کوفیان دعوتگر با تعلل و کندکاری و زمان سوزی باعث تنهایی و غربت امام در کربلا شدند.

شاخصه و شناس نامه این گروه که بعد ها نام توابین را بر خود گذاشتند، زمان ناشناسی است. آنها به دلیل زمان ناشناسی یعنی با عجله کردن یا تأخیر کردن موجب می شوند آن گاه که به آنها نیاز است، با تحلیل و ترس غلط زمین گیر شوند و پس از فاجعه نیز با زمان ناشناسی دوباره، قیام کور دیگری را با نام قیام توابین شکل دهند.

۴. معیار و ملاک سازمان دهی در مدیریت عاشورایی

اشاره

۴. معیار و ملاک سازمان دهی در مدیریت عاشورایی

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه باطل

پیام عاشورایی

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

هدف مهم و محوری جبهه حق، هدایت و تعالی بخشی به انسان هاست. هدف دین حق که باید به رهبری رهبران حق اجرا شود، جذب و دعوت انسان ها بر اساس آزادی و آگاهی به سوی حق و آن گاه ایجاد جامعه، گروه و سازمان بین حق باوران بر مبنای حق زیستی و سپس رشددهی آنها به سوی مدینه فاضله است.

از این رو، نظام دهی اجتماعی، سازمان دهی، ایجاد هم خوانی و هم گرایی بین رهروان حق، یکی از مراحل مهم در مدیریت دینی است. مدیریت عاشورایی پس از جلوه های تاریخی مدیریت نبوی و مدیریت علوی برای طراحی جامعه دینی، گامی رو به جلو در طراحی سازمانی حق است. در تجربه های نبوی و علوی، صحنه های آزمون و ابتلا فراوان بود، ولی امکان همراهی منافقان یا سست ایمان ها در آن شرایط با مؤمنان هم فراهم بود و فرصت ایجاد و طراحی یک نظام سازمانی و اجتماعی ایمانی خالص فراهم نشد. تجربه مدینه النبی تجربه هم گرایی بر اساس اسلام ظاهری بود و تجربه شهر علوی بر محوریت عدالت جویی اولیه و ابتدایی بود. تجربه مدیریت سازمانی و سازمان دهی عاشورایی چون در نهایت به سوی ایثار و شهادت بود، در آن برای منافقان، ریاکاران، مدعیان میان تهی و عناصر سست ایمان به ویژه در مراحل پایانی آن مجال چندانی وجود نداشت. از این رو، امام در شب عاشورا، یارانش را به صورت مطلق و یک جا، وفادارترین یاران مکتب حق در طول تاریخ توصیف می کند.

ص: ۱۷۴

اینک پرسش این است که امام چگونه به این نظام سازمانی از یارانش رسیده بود؟ ایشان برای فراهم سازی و هم گرایی بین آنها چه فرآیندی را طراحی کرده بود؟ باید گفت اولین برنامه اجرایی امام پس از آغاز قیامش، آگاه سازی و پیام رسانی صادقانه و شفاف در کنار انجام دعوت های فراگیر و عمومی در مکه، بصره و کوفه بود. این سخن به این معنی بود که در مرحله فراخوان، امام بدون گزینش یا رابطه بازی یا غرض ورزی، فراخوانی عام انجام می دهد و در مرحله اولیه برای همراهی هم هیچ پیش شرطی نمی گذارد. تنها مطالبه امام از افرادی که همراه حضرت می شوند، این است که به تدریج سعی کنند خودشان را با شخصیت الگویی ایشان هماهنگ سازند.

البته وجود گروه مبنا و شاخص یعنی جوانان بنی هاشم هم نقش مکمل را در ایجاد گروه مرکزی برای الگوسازی ایفا می کند. در مرحله بعد، امام به موازات اجرای برنامه های جذبی و تشویقی برای اینکه این سازمان از افراد سست عنصر یا دنیاپرست و ناهمگون پالایش شود، بدون اینکه به کسی تندی کند یا او را طرد کند، سیاست دافعه ای خود را به اجرا می گذارد. این سیاست مبتنی بر اطلاع رسانی شفاف و صادقانه از خطرهای راه و لزوم ایثارگری و از خود گذشتگی در این مسیر است.

امام با اجرای سیاست های موازی رویش و ریزش بر مبنای آگاهی و در اختیار گذاشتن فرصت ها برای تجربه و آزمون، در نهایت و در فرآیندی طبیعی به پالایش نیروهایش می پردازد. بر این اساس، سازمان دهی نهایی نیروهایش را تا شب عاشورا به تأخیر می اندازد تا فرآیند آزمون سنجی آنها کامل شود. آن گاه طراحی نهایی را برای سازمان دهی و توان افزایی آنها با کمک برنامه های معنوی انجام می دهد.

انسجام، هم رنگی و به هم پیوستگی در سازمان یاران عاشورایی سیدالشهدا علیه السلام، بی نظیر ترین تجربه تاریخی در جامعه سازمانی حق است. این سازمان، بعدها مبنای الگویی برای یاران امامان بعدی قرار می گیرد و نظام سازمانی آنها پایه گذار نظامی سازمانی در شیعه می شود که هیئت نام می گیرد. هیئت یعنی گروهی که بر اساس ایمان و عشق (به کربلا و عاشورا) دور هم جمع شده اند و به دور از تشکیلات اداری دست و پاگیر، هر کس به میزان مهارت، تخصص، استعداد و توانایی خود در خدمت سازمان و هیئت قرار می گیرد و هیچ کس از دیگری توقعی ندارد. هیئت، الگویی اولیه از طرح

ص: ۱۷۵

سازمانی مدینه النبی و اصحاب الحسین است که در صورت تعمیق و توسعه می تواند مبنای سازمان شیعه و جاذبه جهانی آن باشد.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مدیریت ریزش ها و رویش ها، سرمایه اجتماعی و عدالت سازمانی؛

انسجام و سامان دهی، بالندگی و تعالی سازمان و انسجام فکری و فرهنگی؛

تجدید ساختار و سازمان پس از ریزش ها، برنامه ریزی اجتماعی و خط مشی اجتماعی؛

روابط درون گروهی، تعدیل ساختاری و الگوی اجتماعی؛

راهبرد منابع انسانی، کنترل منابع انسانی، مهندسی عوامل انسانی و کارآمد سازی منابع انسانی.

جایگاه موضوع در جبهه باطل

جایگاه موضوع در جبهه باطل

مبنای تاریخی باطل، جذب اکثریت نیروی انسانی به سوی خود و کمیت گرایی در برابر کیفیت گرایی جبهه حق است. مبنای سازمان دهی و نظام اجتماعی باطل نیز جهالت، تحمیق، استثمار و استعمار است. حتی گاه مبنای هم گرایی در این جبهه، جبر و فشار است بدون اینکه عدالت اجتماعی و سازمانی رعایت گردد یا تعهدی برای اجرای آن باشد. این جامعه با ترویج ارزش های جبرگرایانه برای جذب و حفظ منابع انسانی می کوشد.

پیام عاشورایی

پیام عاشورایی

بر اساس فلسفه تاریخی شیعه، دو سازمان و جامعه، خالص ترین و کامل ترین جوامع انسانی هستند. آنها یکی اصحاب الحسین علیه السلام و دیگری اصحاب المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. مبنای شکل گیری نظام سازمانی و هویت جمعی آنها هم ایمان و آگاهی آزادانه و تلاش برای رشد و کمال بر محوریت ولی زمان است. اگر انسانی ظرفیت این رشد و تعالی را نداشته باشد، در فرآیندی تدریجی از این سازمان حق دور خواهد افتاد و در نتیجه، گرفتار سازمان های باطل و یا خاکستری خواهد شد و از رسیدن به رشد و تعالی خود باز خواهد ماند.

ص: ۱۷۶

از سوی دیگر، یکی از نیازهای تاریخی جبهه حق، داشتن نیروهای خالص و کامل و رشد یافته است که توانایی رهبری سازمان حق و مدیریت آن را داشته باشد؛ یعنی به چنان مرتبه ای از رشد و بلوغ برسد که واسطه بین ولی زمان و جامعه مؤمنان شود و با پذیرش مدیریت واسطه ای، عصای دست او در پیشبرد سازمان باشد.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. تعریف سازمان و جمع و جامعه بر اساس مدیریت عاشورایی چیست؟ امام در مدیریت عاشورایی، افراد و انسان ها را بر اساس چه معیارهایی جذب می کند؟

۲. چرا امام در فرآیند قیام خود اصراری به حفظ نیروها ندارد یا از ریزش ها استقبال می کند؟ اصولاً معیار و ملاک امام برای ریزش ها و رویش ها چیست؟ (تفاوت این روش و معیار با روش و معیار دشمن برای سازمان دهی و جامعه سازی چیست؟) روش امام برای حذف نیروهای ناهمگون با حفظ حرمت ها چگونه است؟ آزمون سنجی پیوسته امام از همراهانش در این زمینه چه نقشی دارد؟

۳. امام برای ایجاد هم گرایی و انسجام بیشترین نیروهای جذب شده چه تدبیری دارد؟ چرا و چگونه سازمان عاشورایی یاران سیدالشهدا علیه السلام به برترین الگوی سازمانی جبهه حق در تاریخ تبدیل می شود؟

میان برنامه

میان برنامه

۴۱. مدیریت ریزش ها و رویش ها در جبهه امام

از وقتی سیدالشهدا علیه السلام از مدینه به مکه رفت، با هر فرد یا گروهی روبه رو شد یا امکان دسترسی داشت، آنها را به همراهی و یآوری دعوت می کرد. حتی وقتی کوفیان شروع به نامه نگاری کردند، ولی از بصره خبری نشد، خود امام نامه ای به بصره نوشت و مردم بصره یا حداقل، شیعیان آن را به یآوری فرا خواند. این در حالی بود که آنان که در مکه بودند، دیده بودند سیدالشهدا علیه السلام موقع خروج از مکه به صراحت، از شهادت خود در پایان مسیر خبر می دهد. این رفتار دوگانه امام بیانگر سیاست اتمام حجت و فراخوان عمومی برای قیام و ظلم ستیزی در جهان اسلام است. ایشان با وجود نیازمندی شدید به نیرو، در موارد حساس، با ارائه

ص: ۱۷۷

شفاف و صادقانه اخبار ناگوار، همراهانش را برای رفتن آزاد می گذارد. این اتفاق موقع خروج از مکه یا هنگام رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام رخ می دهد. حتی امام در شب عاشورا به یارانش اصرار دارد که بروند و ایشان را تنها بگذارند. با این حال، ایشان برای دعوت کردن زهیر بن قین یا عبیدالله بن جعفری برای دیدار با آنها به صورت شخصی و خصوصی اصرار می ورزد. این گونه است که امام در یک سیاست موازی و هماهنگ ضمن اتمام حجت و دعوت فراگیر به مدیریت ریزش ها و دفع نیروهای ناهمگون هم می پردازد.

ایشان نه در دعوت ها و نه اجازه دادن ها هیچ اصراری یا تشویق و تهدیدی انجام نمی دهد، بلکه با فراهم کردن شرایط و ارائه اطلاعات کافی مثبت و منفی به همراهان خود سعی می کند آنها را در انتخاب شان آزاد بگذارد. پس از آنکه آنها حتی انتخاب منفی خود را به امام می گفتند، امام همچنان دل سوزانه و با مهربانی با آنها برخورد می کرد. در بسیاری از موارد که افراد قصد جدایی از امام را داشتند، امام ضمن اتمام حجت و ارائه بهترین راه برای نجات دادن، از آنها می خواست چنان خود را از منطقه دور کنند تا مبادا فریاد استغاثه امام را بشنوند و او را یاری نکنند و نفرین امام شامل حالشان شود.

سیره موازی امام در ریزش ها یا رویش ها، در عصر تاسوعا باعث ایجاد چنان سازمان دهی عالی شد که وقتی یاران امام، تنهایی و اصرار امام را برای رفتن دیدند، هر کدام با بیان های احساسی و عاطفی، عمق وفاداری خود را به امام ابراز داشتند. در نهایت، امام همه آنها را به یآوری پذیرفت و به نقلی حتی جای آنها را در بهشت به خودشان نشان داد و یک شب عاشورا را برای آنها مهلت گرفت تا با همدیگر و در جوار حسین بن علی علیه السلام به عبادت و عبودیت پردازند و به اوج همانندی به امام زمان خود برسند.

۴۲. مدیریت ریزش ها و رویش ها در جبهه یزیدیان

پس از آغاز قیام سیدالشهدا علیه السلام و هجرت ایشان به مکه، وقتی شروع به نامه نگاری به شهرهای کوفه و بصره کرد، یزید در نامه ای به عبیدالله بن زیاد، والی خود در

ص: ۱۷۸

بصره از او خواست با تمام قوا و اختیارات کامل و هرگونه که صلاح می‌داند، به کنترل و مراقبت مردم در این دو شهر و استان پردازد. عبیدالله بن زیاد ابتدا در کوفه با کمک جاسوس های خود، نامه رسان امام را یافت و به عنوان اولین شهید قیام حسینی، او را به شهادت رساند. آن گاه در خطبه ای که در مسجد بصره خواند، در این شهر وضعیت ویژه اعلام کرد و تهدید کرد هر کس به حسین بن علی علیه السلام بپیوندد، خانه اش، خراب و خاندانش، زندانی و خودش هم در صورت دستگیری، کشته خواهد شد.

آن گاه با حکم یزید مبنی بر امارت کوفه به این شهر آمد و در آنجا با کمک تهدید و تطمیع و به شهادت رساندن مسلم بن عقیل علیه السلام، هانی بن عروه، عبدالاعلی کلبی و مردی از همدان چنان جوّی از رعب و وحشت در شهر ایجاد کرد که دیگر کسی جرئت نمی‌کرد نامی از امام بر زبان بیاورد. سپس در شهر حکومت نظامی اعلان کرد. همچنین راه های ورودی و خروجی کوفه را زیر نظر قرار داد تا نه نامه ای از امام به شهر برسد و نه کسی از کوفه بیرون برود. آن گاه که امام در کربلا به ناچار متوقف شد، این زیاد با تمام ابزارهای تشویقی و تهدیدی دنیوی و معیشتی از کوفیان خواست به اجبار به جنگ امام در کربلا بروند.

شدت ارباب از یک سو و نارضایتی کوفیان از حضور در کربلا در لشکر های اعزامی به گونه ای بود که به نوشته تاریخ نگاران، هرگاه لشکری هزار نفری از کوفه ارسال می شد تا از کنار رود فرات، خود را به کربلا برساند، در میانه راه، افراد فراوانی از آن به نخلستان های فرات یا بیابان ها فرار می کردند و از آن لشکر تنها ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر به کربلا می رسید.

از این رو اگرچه آمار نیروهای نظامی کوفه در آستانه قیام سیدالشهدا علیه السلام نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر است، ولی از آنها تنها ۳۰ هزار نفر به کربلا آمدند و بقیه یا در کنج خانه ها ماندند یا در نخلستان ها و بیابان ها مخفی شدند.

شدت سیاست های دیکتاتوری یزید و والیانش و خفقان و مدیریت جامعه بر اساس تهدید و ارباب به حدی بود که کمی بعد مردم مدینه و سپس مردم مکه سر به شورش برداشتند.

ص: ۱۷۹

۵. دشمن شناسی و مانع شناسی و شیوه های مواجهه با آن**اشاره**

۵. دشمن شناسی و مانع شناسی و شیوه های مواجهه با آن

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه خاکستری

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

از ویژگی های مدیریت حسینی، درک و آگاهی کامل نسبت به وجود دشمنان، موانع و مزاحمت ها و بهانه گیری های موعظه نمایانه و در یک کلام، دشمن شناسی و مزاحمت شناسی است. جلوه های دشمنی با امام در سراسر دوران قیامش چنین است:

۱. دشمنی امویان و حزب حاکم؛

۲. دشمنی و مخالفت صحابه طرفدار جریان خلافت؛

۳. دشمنی دنیاطلبان؛

۴. مزاحمت تراشی مدعیان علم و تقوا؛

۵. مانع تراشی و بهانه گیری حاجیان و توده های اجتماعی.

ناظر به این دشمن شناسی گسترده در تمام سطوح جامعه است که امام فقط در مرحله شناخت متوقف نمی شود، بلکه همواره می کوشد با پیش بینی رفتارها یا گفتارهای دشمن (جنگ تبلیغاتی) تا آنجا که امکان دارد، از گرفتار شدن در نقشه های دشمن اجتناب کند یا پاسخ های مناسب و مستدل را برای جنگ تبلیغی دشمن آماده داشته باشد. جلوه هایی از این پیش بینی رفتارهای

دشمنانه یا تبلیغات احتمالی آنها از سوی امام چنین است:

امام وقتی ناگهانی از سوی والی مدینه احضار می شود، پیش بینی می کند امر مهمی باشد در حد مرگ معاویه و خلافت یزید و مسئله بیعت اجباری. پس با آمادگی کامل به دیدار او می رود.

امام پس از جدایی از والی مدینه، اقدام های جبری آنها را برای بیعت گیری اجباری از خودشان پیش بینی می کند. از این رو، به سرعت از مدینه خارج می شود.

در مکه، انبوهی از نامه های کوفیان به امام می رسد. امام با دقت به گردآوری آنها می پردازد تا بعدها در مسیر راه کوفه و کربلا، مدرک اتمام حجت ایشان باشد.

امام با کسب آمادگی کامل نسبت به موعظه یا نصیحت ها یا خیرخواهی نمایی های صحابه و تابعین در مکه، با سعه صدر، پاسخ همه آنها را می دهد و از دیوار بلند مزاحمت های کارشناسی آنها عبور می کند.

یکی از اصول مهم در مدیریت عاشورایی، شناسایی کامل دشمن ها، موانع و مزاحم ها و بهانه ها، تبلیغات منفی و حتی خطر احتمال ریزش هاست به ویژه آنکه لازمه

ص: ۱۸۰

مدیریت عاشورایی، در مسیر صراط مستقیم بودن است و هر چه حوزه مدیریتی یا برنامه ریزی نسبت به حق مهم تر باشد، دشمنی ها و مزاحمت ها هم بیشتر خواهد بود. پس مدیری موفق است که به جای دشمن انگاری یا غفلت یا کوچک شماری آن یا حتی بزرگ نمایی بیهوده آن، ضمن باور نسبت به وجود طیف های گوناگون آنها با پیش بینی رفتارهای احتمالی دشمن از جهت منابع و امکانات یا از منظر طراحی برنامه ها یا برنامه های تبلیغاتی آنها، با آمادگی کامل به مصاف دشمن برود. از سویی دیگر، امام با ارائه دین حق در قالب ایثار گری و شهادت طلبی، تمامی مدعیان علم و زهد و تقوا را به چالش می کشد و در صحنه عاشورا هم خودشان را رسوا و هم ادعاهایشان را ابطال می کند.

نکته آخر اینکه باطل چون همیشه در اکثریت است، بدیهی خواهد بود حق در اقلیت خواهد بود. در این مورد، مهم ترین نقطه قوت جبهه حق، بر حق بودن و سلامت فکری و رفتاری است؛ یعنی رهبری حق با راهبردهای نرم افزاری و تبلیغی حق یا رفتارهای درست اجتماعی و مدیریتی که جاذبه آفرین باشد، بهترین و قوی ترین سلاح حق در برابر باطل است.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

پیش بینی دشمنی ها، مدیریت دشمن و دشمنی ها، در تنگنا گذاشتن دشمن، استراتژی خنثی کننده، اصرار بر مرز بندی آشکار حق و باطل، اصل عدم مداهنه و سازش کاری و مصلحت ورزی با دشمن و مدیریت بر هم زدن موازنه.

جایگاه موضوع در جبهه خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه خاکستری

در جبهه خاکستری، مصلحت جویان با انکار وجود دشمن یا با ارائه نظریه های مصالحه جویانه در جهت مسئولیت گریزی یا همکاری با دشمن بر می آیند. آنها به گونه ای غیرمستقیم به عناصر اجتماعی دشمن تبدیل می شوند تا با نام موعظه یا مانع تراشی در برابر حق یا تلاش برای ریزش نیروها از همراهی با حق باعث ضربه زدن غیرمستقیم به حق و رهبری آن شوند.

ص: ۱۸۱

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. قیام امام از منظر مواجهه حق و باطل، قیامی دفاعی برای دفع هجوم بسیار گسترده دشمنان بود. طیف ها و سطوح دشمنی ها با امام تا چه اندازه و از سوی چه قشرها و گروه هایی بود؟ امام چگونه در سراسر قیامش با انواع و اقسام دشمنی ها و مزاحمت ها و مانع تراشی ها رویارویی می کرد؟

۲. میزان دشمن شناسی و دشمن آگاهی امام تا چه اندازه است؟ جلوه ها و نمونه های پیش آگاهی امام از برنامه های احتمالی دشمن چگونه است؟ برنامه جامع امام در مواجهه با دشمنان چیست؟ امام چگونه سعی می کند همواره در برابر دشمن یک قدم جلوتر باشد؟ سر پاسخ های گوناگون امام در برابر مانع تراشان چیست؟

۳. امام چگونه با دشمن شناسی تاریخی خود به مرزبندی قاطع حق از باطل می پردازد؟ پیام روزآمد مدیریت امام در زمینه دشمن شناسی چیست؟ چرا طیف های گوناگون باطل از گسترش فرهنگ عاشورایی در طول تاریخ وحشت داشته اند؟

میان برنامه

میان برنامه

یک سطوح دشمنی در جامعه یزیدی با قیام سیدالشهدا علیه السلام

آغاز خلافت یزید به معنی آغاز دشمنی های فراگیر با حق و حقانیت به رهبری سیدالشهدا علیه السلام بود. دشمنی یزید و یزیدیان چنان قاطع و آشکار بود که در همان حرکت آغازین خود در مدینه قصد بیعت گیری یا نابودی سریع امام را داشتند، ولی برخورد هوشمندانه امام، طرح آنها را در اولین مواجهه ابراز دشمنی ناکام گذاشت و توانست موقتاً به حرم امن الهی، کعبه پناهنده شود.

این در ماندگی باعث شد جبهه باطل تمام جلوه ها و سطوح دشمنی و پلیدی خود را در برابر امام نشان دهد. جبهه باطل، دشمن اجتماعی، دشمن اقتصادی، دشمن فرهنگی و در نهایت، دشمن نظامی است که دشمنی خود را در برابر امام نشان می دهد.

در مرحله دشمن اجتماعی، مدعیان خود کارشناسی و به اصطلاح، خواص علمی و فکری و دینی جامعه هستند که به اسم کارشناسی و تخصصی یا به اسم نصیحت و موعظه با هدف حفظ وحدت و امنیت جامعه در برابر امام قرار می گیرند. این گروه عمدتاً در مکه و در قالب صحابه و تابعین در برابر امام قرار گرفتند. هدف اول آنها

منصرف سازی آنها از ادامه دادن به قیامش بود. در مرحله بعد، نفس حضور آنها در آستانه مراسم حج در مکه و همراهی نکردن آنها با امام، کمک فراوانی برای خلافت یزید بود تا جامعه اسلامی و حاجیان را از اطراف امام پراکنده سازند.

در مرحله دشمنی اقتصادی، خلافت یزیدی سعی کرد با استفاده از سیاست تهدید و تطمیع اقتصادی و مالی در عراق به ویژه در کوفه بتواند دنیاپرستان را از اشراف تا اراذل شهر در مقام پیاده نظام خلافت یزید به مقابل امام بکشانند. آن گاه که به کمک لایه های گوناگون دشمن امام در کربلا در محاصره قرار می گیرد، سلاح دین و فرهنگ به میان می آید تا با کمک شعارهای دینی باطل که در طول سال ها به فرهنگ جامعه تبدیل شده است، قیام حماسی امام را به نام شورش و اغتشاش معرفی کند و بر اساس آن، ریختن خون پاک امام و یارانش را حلال بشمارد.

صحنه قیام عاشورای حسینی، صحنه مواجهه گسترده ترین و متنوع ترین دشمنی ها در لباس دین و اسلام است؛ دشمنی های تودرتویی که هدفش، نابودی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حذف اسلام بود، ولی در نهایت، حسین بن علی علیه السلام همه دشمنان را رسوای تاریخ کرد.

دو سیره مدیریتی سیدالشهدا علیه السلام در دشمن شناسی

امام حسین علیه السلام وقتی در مدینه با خبر مرگ معاویه روبه رو شد، با نپذیرفتن بیعت با یزید، قیام خود را آغاز کرد. امام از همان لحظه آغاز قیام می دانست حداقل ۲۰ سال خلافت معاویه که در استمرار سیاست خلفای غیر معصوم بوده، باعث انحراف و تحریف در تمام جامعه اسلامی شده است و به همین دلیل با طیف گوناگونی از دشمنی های فراوان روبه رو خواهد شد.

در ساده ترین نوع این دشمنی ها، توده های انسان های کم ظرفیت جامعه قرار داشتند که غفلت و فراموشی، زندگی روزمره آنها را فرا گرفته بود. امام ناظر به آگاهی کاملی که از سطوح و تنوع و چگونگی دشمنی ها داشت، تلاش کرد در مقابل دشمن، مجموعه ای از برنامه های هوشمندانه را به کار بگیرد تا در برابر این همه دشمن به انفعال و درماندگی نیفتند و همواره ابتکار عمل را در مراحل قیام در اختیار داشته باشد. شرح این دشمن شناسی و مواجهه هوشمندانه با آن چنین است:

ص: ۱۸۳

امام در مواجهه با توده‌های انسان‌های کم‌ظرفیت و غافل، اما پرمدعا سعی می‌کند از درگیر شدن و استهلاک نیروها و فرصت‌ها پرهیز کند. خروج شبانه امام از مدینه از آن رو بود که می‌دانست مردمی که ده سال شاهد غربت و مظلومیت امام در شهر خود بودند، ولی هیچ‌گونه ابراز همدردی با امام نداشتند، در صورت ماندن امام در میان آنها خود می‌توانستند به سیاه‌لشکرهای دشمن تبدیل شوند.

امام در مواجهه با جبهه سیاسی و جریان حاکمیت به سیاست مذاکره حداقلی رو می‌آورد. هدف این مذاکرات در مدینه، مکه و کربلا، ابزار مواضع رسمی، نشان دادن سازش‌ناپذیری و اتمام حجت با دشمنان و همچنین تلاش برای کشف طرح و نقش دشمن است. شفافیت و قاطعیت امام در این مذاکرات، فرصت هرگونه سودجویی از سوی دشمن را می‌گیرد و در تمام جلسات، امام مدیریت مذاکره را به عهده دارد.

در برابر جبهه خواص و مدعیان کارشناسی، امام به احیاگری گفتار و سیره راستین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پردازد تا ضمن تلاش برای دفع شبهه‌ها و مانع تراشی‌های آنها، عقبه علمی و دینی ادعایی آنها را به چالش کشد و آنها را از جهت نرم‌افزاری و اندیشه‌ای، رسوای جامعه اسلامی کند.

در نهایت، در برابر توده‌های اجتماعی که به بهانه دنیا به مصاف امام آمده‌اند، با اجرای ترکیبی از برنامه اتمام حجت، هشدار و انذار و حتی ارائه برخی نفرین‌ها و عذاب‌های محدود و نمایش اسناد رسوایی اشراف و بزرگان تلاش می‌کند تا شاید وجدان خفته و فطرت‌های آنها را بیدار کند و از دشمنی با امام معصوم باز دارد.

در نگاهی کلی به مدیریت امام در برابر دشمنان می‌توان گفت امام در این مدیریت ضمن دشمن‌شناسی کامل و جامع و نمایش سازش‌ناپذیری و با پرهیز از کوچک‌شمردن دشمن سعی می‌کند تمام زمین‌های بازی دشمن را شناسایی کند و از جهت نرم‌افزاری، هیچ‌مجال مانوری برای او باقی نگذارد بدان امید که فطرت‌های پاک، او را یاری کنند.

۶. مدیریت فعال و پویا بر اساس تصمیم‌گیری آگاهانه و اقدام سریع

اشاره

۶. مدیریت فعال و پویا بر اساس تصمیم‌گیری آگاهانه و اقدام سریع

زیر فصل‌ها

پیش‌درآمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

از جلوه های بارز مدیریت عاشورایی، مدیریت انعطاف پذیری و فعال در طول نهضت است. به این معنا که امام در طول قیام خود از جهت نرم افزاری، شعارهای اصولی و

ص: ۱۸۴

شفافی را مبنی بر مخالفت با خلافت یزیدی و احیاگری اسلام انتخاب می کند و در هیچ شرایطی با ابراز قاطعیت، حاضر به کوتاه آمدن از این شعارها و ارزش ها نیست. از جهت مبارزه سخت و فیزیکی نیز به جای اینکه همانند ابن زبیر به مکه پناهنده شود و تا آخر عمر در آنجا بماند تا سرانجام به وضع فجیعی و در ذلت بمیرد، مدیریتی فعال و روزآمد ارائه می دهد. در این مدیریت، امام به جای ابراز درماندگی یا اصرار بر یک تصمیم حتی پس از پایان یافتن تاریخ مصرف آن، الگوی مدیریت انعطاف پذیر را ارائه می دهد.

امام در این نوع مدیریت، در هر مرحله از قیام با ملاحظه شرایط زمانی و مکانی و فرصت ها و تهدیدها سعی می کند بهترین انتخاب عملیاتی را داشته باشد. آن گاه باقی ماندنش در این موقعیت به ارزیابی پیوسته امام از موقعیت و اقدامات سه گانه جوامع و گروه های سفید، سیاه و خاکستری وابسته است. امام در یک مدیریت سیال هرگاه احساس کند عمر تصمیمی به پایان رسیده یا دشمن در آستانه تحرك جدیدی است یا جریان کلی حق نیازمند تغییر تاکتیک است، به سرعت به این اقدام دست می زند.

اصولاً از جلوه های بارز قیام عاشورا، مجموعه ای از تصمیم گیری های ناگهانی یا غیرمنتظره و بی سابقه است؛ تصمیم هایی که گاه چنان به سرعت اجرایی می شود که حتی مایه تعجب دشمن می شود. از نکات جالب در عملیات واکنش سریع امام، همراهی و همکاری کامل خاندان و یارانش با این مدیریت پویای امام است.

نمونه هایی از این مدیریت پویای امام چنین است:

وقتی یزید به خلافت می رسد، تلاش می کند امام را به بیعت گیری مجبور یا از صحنه گیتی حذف کند. از این رو، یزید به والی خود در مدینه نامه ای می نویسد و از او می خواهد قاطعانه برخورد کند و با قدرت تمام از امام بیعت بگیرد. امام وقتی در دیدار با والی مدینه از نقشه یزید با خبر می شود، ضمن پرهیز از پذیرش بیعت، قیام خود را آغاز می کند. از لحظه آغاز تهدید رسمی یزیدیان تا صبح عاشورا به مدت نزدیک به شش ماه شاهد مدیریت پویا و فعال امام هستیم.

امام بر اساس این شیوه مدیریت می داند دشمن با تمام قوا و امکانات به دنبال اوست و در نهایت، درگیری هم رخ خواهد داد. تلاش امام این است که در این مصاف فرسایشی و در آن درگیری نهایی همواره ابتکار عمل را در دست داشته باشد و از

ص: ۱۸۵

زمین‌گیری و اسارت در شرایط تکمیلی پرهیز کند. در این مدیریت، امام همواره یک گام از دشمن جلوتر حرکت می‌کند. تصمیم‌گیری‌های امام، هوشمندانه و بر اساس بهره‌وری حداکثری از منابع جغرافیایی و زمان تا موقعی است که این شرایط به نفع دشمن نیست و آن‌گاه که عمر یک فرصت تمام می‌شود، امام با تصمیم‌گیری درست و اقدام سریع، دشمن را سر بزنگاه ناکام می‌گذارد.

جلوه بارز این مدیریت فعال، در ماندگی والی مدینه در برابر امام است؛ چراکه امام هم در دیدار با او، جوانان بنی‌هاشم را با خود همراه کرده بود تا خطر محاصره پیش نیاید و آن‌گاه به سرعت آن‌هم همراه بیشتر افراد بنی‌هاشم از مدینه به مکه می‌رود.

ایشان در مکه چنان عمل می‌کند که در آغاز تمام نگاه‌ها متوجه امام است. در ضمن از فرصت پیش آمده برای حساس‌سازی عراق و آگاه‌سازی حجاج نهایت استفاده را می‌برد. این اقامت که در تاریخ اهل بیت بیشترین مدت اقامت امامان در مکه است، تا آنجا استمرار می‌یابد که دشمن کم‌کم در آستانه مراسم حج، خود را آماده مواجهه با امام می‌سازد. امام به صورت ناگهانی، مکه را ترک می‌کند و در برابر اقدام نظامی والی مکه برای بازگرداندن ایشان مقاومت می‌کند.

در کربلا هم تا آنجا که دشمن به ارتکاب اعمال ناجوان‌مردانه و جنایات جنگی دست نزده است، تمامی ابتکار عمل به نفع و در اختیار امام است و در حقیقت، تدبیر دشمن در برابر مدیریت پویای امام، اجرای شدیدترین خفقان‌ها در عراق و اجرای کثیف‌ترین جنایات جنگی در کربلاست تا شاید بتواند قیام امام را به طور موقت سرکوب کند. این‌گونه امام با به‌نمایش گذاشتن مدیریت سیال و پویا در بدترین شرایط سیاسی و اجتماعی به شیعیانش یاد می‌دهد حتی در بحران‌ها، محدودیت‌ها و مهجوریت‌ها از فرصت‌های موجود به بیشترین اهداف دست یابد.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

پیش‌بینی رفتار دشمن و پرهیز از خوش‌بینی غفلت‌زا؛

اقدام سریع و فوری و به موقع و قدرت درک سریع تغییر شرایط و واکنش مناسب؛

مدیریت تغییر، واکنش سریع، سازمان‌پویا و قدرت شتاب بالای سازمان در همراهی

با رهبر، تحرک گروهی بالا، توان سازمان دهی بالای نیروها پس از هر ریزش یا رویشی و اعتماد به نفس بالا؛

تاکتیک غافل گیرکننده، خلاقیت پیوسته، حفظ ابتکار عمل و مدیریت خطرپذیری؛

طراحی و مدیریت توالی و ترتیب رویدادها، زمان بندی عملیات؛

تصمیم گیری استراتژیک، اقدام نامعمول انجام دادن، انتخاب احسن در هر شرایط جدید و قدرت سنجش احتمالات و انتخاب بهترین راهکار.

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

مشکل بزرگ جبهه خاکستری در زمان امام، بی بهره ماندن خود را از پویایی حداقل در دو سطح نشان داد. اول، طیف گسترده صحابه و حاجیان در حجاز که با نداشتن قدرت درک و توان عملیاتی بالا، پیوسته از امام می خواست همانند آنها در جایی مثل مکه بماند و منتظر رویدادها بماند و با تحرک و تلاشگری بالای خود باعث رسوایی و نمایش قعود ذلت بار آنها نباشد. دوم، دعوتگرانی بودند که آرزوی آنها یآوری امام بود، ولی چنان اسیر دل بستگی ها و زندگی روزمره شدند که توان همراهی با تلاشگری بالای امام و سرعت بالای رویدادها را نداشتند. برخی از آنها به امام قول دادند پس از سامان دهی زندگی و امور خانوادگی خود به امام خواهند پیوست، ولی وقتی راهی کربلا شدند که همه چیز تمام شده بود یا تا به خود جنبیدند، اسیر محاصره دشمن و بهانه های ناشی از تهدیدهای آن شدند.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. حادثه کربلا- با آغاز خلافت یزید و تحریک های اولیه او شروع شد، ولی به نظر می رسد آنها (یزید و یزیدیان) هیچ گاه نتوانستند امام را شکار کنند یا در تنگنا قرار دهند. دلیل این وضعیت چه بود؟ (البته آنها در نهایت امام را در کربلا محاصره کردند و به شهادت رساندند آن هم وقتی که به جنایات جنگی دست زدند).

اصول روش و سیره مدیریتی کلی امام که باعث پویایی و انعطاف پذیری مدیریت ایشان می شد، چه بود؟ چگونه امام با مدیریت هوشمندانه ترتیب و توالی رویدادها ابتکار عمل را در دست می گیرد؟

ص: ۱۸۷

۲. دوران قیام امام آکنده از اقدام‌ها و تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و غیرمنتظره است. جلوه‌های بارز این تصمیم‌گیرهای مهم که در استراتژی و مدیریت فعال امام ریشه داشت، چه بود؟ (بازتاب تاریخی آنها، به انفعال کشیدن دشمن و به چالش کشیدن جبهه خاکستری بود) امام چگونه با رصد پیوسته تحولات و انتخاب احسن در هر موقعیت جدید همواره از محاصره شدن به دست دشمن رهایی می‌یافت.

۳. جلوه‌های زندگی و مدیریت منفعل و زمین‌گیر شده خاکستری که باعث دورافتادگی افراد از امام می‌شود، کدامند؟ اصولاً بین امام تلاشگر و فعال و با مدیریت تغییر بالا ناظر به آگاهی از تحولات زمانه با مدعیان یآوری که آرزوها و دل‌بستگی‌های زیاد دارند و خواهان عافیت طلبی هستند، چه نسبتی وجود دارد؟ این گروه با ضعف عملکرد و عقب ماندن از ولیّ زمان چگونه باعث مهجوریت و غربت ایشان می‌شوند؟

میان برنامه

میان برنامه

یک بازتاب مدیریت فعال و پویای امام

در طول خلافت بنی امیه و بنی عباس، همواره سه جریان ثابت به مقابله و اعتراض علیه آنها اقدام کردند. یکی از آنها خوارج بودند که بیشترین شورش‌های آنها در زمان امویان رخ داد. در دوران خلافت ۹۰ ساله بنی امیه، جهان اسلام به طور میانگین، شاهد سالی یک تا دو شورش خوارج بود.

در صد سال آغازین خلافت بنی عباس هم زیدیه قیام‌های فراوانی علیه آنها به راه انداختند. حتی گاه هم زمان در دو یا چند منطقه از سرزمین پهناور خلافت، ناگهان قیام‌های زیدی رخ می‌داد به گونه‌ای که یکی مثلاً در عراق صورت می‌گرفت و دیگری در یمن و سومی در طبرستان. وجه مشترک این شورش‌ها و قیام‌ها آن بود که یا عمر کوتاهی داشتند و عمر شورش یا قیام آنها گاه حتی به چند روز هم نمی‌کشید یا اگر هم به حکومتی دست می‌یافتند، بیشتر حکومت‌های آنها محلی، کوتاه مدت و متزلزل و بدون پیام سیاسی مشخصی بود. بیشتر آنها هم به سرعت شکست می‌خوردند و برای همیشه نام آنها از تاریخ محو می‌شد.

قیام عاشورا با وجود کمبود نیروی انسانی و قدرت همه‌جانبه دشمن تنها قیام اسلامی است که تلاش می‌کند در هیچ مرحله‌ای از مراحل قیام، درماندگی و انفعال از

ص: ۱۸۸

خود نشان ندهد. در برابر، تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه و به بازی گرفتن دشمن به ظاهر مقتدر، مراحل قیام را خود طراحی می‌کند و برنامه ریزی تبلیغاتی و رفتاری قیام را به گونه‌ای انجام می‌دهد که اثری به امتداد تاریخ آینده داشته باشد.

امام در آغاز قیام خود در مدینه از نظر نیروها به شدت در اقلیت بود. از این رو سعی کرد از درگیر شدن با یزید در مدینه پرهیز کند. درگیری در مدینه به معنی خفه شدن قیام در نطفه و بدون هیچ گونه آگاه‌سازی بود. امام از ورود به مکه و درگیر شدن با دشمن در مکه هم پرهیز کرد تا در آینده در تاریخ به عنوان اولین هتک‌کننده حرمت مکه شناخته نشود. در ضمن مردمان مکه هم با امام هیچ گونه همراهی نمی‌کردند. انتخاب عراق و کربلا به معنی ایجاد پایگاه جغرافیایی جدیدی در سرزمین بین‌النهرین بود تا در آینده تاریخ به یکی از کانون‌های جغرافیایی برای حق‌باوران تبدیل شود. در آنجا بود که با وجود تمام محاصره‌ها، امام بیشترین یاوران خود را می‌یابد. در آنجا امام به راحتی می‌تواند نقاب را از چهره کریمه جامعه یزیدی کنار زند و آن را رسوای تاریخ کند.

این گونه است که مدیریت امام، مدیریتی فعال و پویاست. این مدیریت تلاش می‌کند از اسارت در طراح و نقشه‌مدیریتی دشمن پرهیز کند؛ دشمنی که به ظاهر دین‌دار و مقدس است، ولی چهره باطنی او آکنده از پستی و رذالت است.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین پیام‌های مدیریت حسینی برای حسین باوران و آنها که در جست‌وجوی زندگی عاشورایی هستند، داشتن طراحی و برنامه‌ریزی کلان، فعال و پویا است. این نوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری که هیچ‌گاه به درماندگی نرسد و از تلاشگری و پویایی ولی‌زمانه و همراهی عملی مدعی امام یاوران برخوردار باشد، باعث عزت حق و ذلت باطل می‌شود.

۶۲. قدرت تصمیم‌گیری و تأثیر آن در همراهی با امام یا جدایی از امام

امام حسین علیه السلام در طول قیام و نهضت خود با افراد گوناگونی مواجه شد و همه آنها را به همراهی و یآوری دین‌حق دعوت کرد. در بسیاری از موارد هم آنها نسبت به شناخت حق و باطل یا دارای آگاهی کامل بودند یا اگر نیازمند آگاهی بودند، پس از دیدار با امام این آگاهی و شناخت برای آنها فراهم می‌شد. از این رو، دلیل همراهی کردن یا نکردن با امام در مسئله علم و جهل و معرفت و غفلت نمی‌توان جست‌وجو

کرد، بلکه به نظر می‌رسد عامل مهم به امری دیگر باز می‌گردد؛ امری که در مسئله انتخاب آنها تأثیر مستقیم دارد.

یکی از عوامل مهم در فرآیند انتخاب بر سر دو یا چند راهی، قدرت تصمیم‌گیری و داشتن تجربه و مهارت به ویژه شهامت و جرئت تصمیم‌گیری است. بدیهی است هر چه تصمیم و انتخاب، مهم و بزرگ‌تر و همراه با خطرپذیری بیشتر باشد، این تصمیم‌گیری دشوارتر خواهد بود. تردید یا شهامت در این تصمیم‌گیری‌ها عامل بسیاری از ریزش‌ها و رویش‌هاست. برای نمونه به موارد زیر توجه کنید:

زهیر بن قین که قصد فرار از دو طرف معرکه را دارد، وقتی با امام مواجه می‌شود و با او اتمام حجت می‌کند، پس از کمی تأمل، ناگهان با جرئت و شهامت، تصمیم تاریخی خود را می‌گیرد تا با امام همراه باشد. فرآیند این تصمیم‌گیری برای حر بن یزید ریاحی کمی زمان می‌برد و پازل‌های این تصمیم سرانجام صبح عاشورا کنار هم جمع می‌شود و او درست در آخرین لحظه، تصمیم استراتژیک زندگی خود را می‌گیرد.

در برابر آنها طرم‌اح بن عدی قرار دارد. او در مواجهه با پیشنهاد امام، مهارت و تجربه تصمیم‌گیری درست و به موقع را ندارد و نمی‌تواند آن زمان که به او نیاز است، عزم خود را جدی و متمرکز کند. کسی همانند عیدالله بن حر جعفری نیز اصولاً جرئت تصمیم‌گیری همراه با خطرپذیری را ندارد یا اصلاً تاکنون تجربه تصمیم‌گیری استراتژیک نداشته است. از این رو از همراهی امام عقب می‌ماند.

از این منظر، یکی از راه‌های داخل شدن در جرگه یاران مقرب معصومان علیهم السلام، قدرت و مهارت تصمیم‌گیری است؛ تصمیم‌گیری‌هایی که ناظر به شناخت و کسب آمادگی در مسیر حق یاوری استراتژیک پر مسئولیت، سنگین و نیازمند جرئت، شهامت، سرعت و دقت لازم باشد. در این صورت، یاران و یاوران می‌توانند به مرتبه و منزلت امامان معصوم نزدیک شوند که مرتبه تصمیم‌گیری‌های خلاقانه و پویا و مستمر برای مدیریت حق و جبهه حق است.

۷. مدیریت تربیتی و الگوی نیروسازی

اشاره

۷. مدیریت تربیتی و الگوی نیروسازی

زیر فصل‌ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه باطل یا خاکستری

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

هدف نهایی دین حق، رشددهی جامع و کامل انسان هاست؛ رشدی که ابعاد جسمی، روحی، اخلاقی، اجتماعی، مهارتی و نظامی را شامل می شود. مهم ترین تفاوت جذب

ص: ۱۹۰

نیروها و نیروسازی در جبهه حق در مقایسه با جبهه باطل، حداقل در دو زمینه رخ می‌نماید: اول اینکه در جبهه حق این جذب باید آگاهانه و آزادانه باشد؛ یعنی خود افراد بر اساس آگاهی کامل و آزادی و انتخاب خود به سوی رهبری حق آمده باشند. دوم اینکه چون رشد در جبهه حق، جامع و کامل و مطابق با فطرت آدمی است. افراد باید رهبر حق را که معصوم و انسان کامل است، به عنوان الگوی خود بپذیرند و برای همانند سازی و رشد در مسیر هدایت‌های او بکوشند.

با نگاه به این معیارهای گزینش افراد در جبهه حق مشخص می‌شود. دلیل کمبود منابع انسانی در جبهه حق چیست. نبود اراده و آمادگی برای رشدی که زمان بر، همراه با تکلیف و مسئولیت‌زاست، در کنار جهالت‌ها، غرورها، تکبرها و خودپسندی‌های کاذب یا وجود تبلیغات منفی همگی از مهم‌ترین عواملی است که سبب می‌شود اکثریت انسان‌ها رهبری حق را تحمل نکنند.

با وجود این، سیدالشهدا علیه السلام در جامعه‌ای که اکثر مسلمانان از امام روی گردان هستند، آرام نمی‌نشیند و در تلاش است از حداقل‌های موجود جهت نیروسازی برای جبهه حق به ویژه برای قیام تاریخی‌اش استفاده کند.

امکانات و محدوده نیروسازی یا حفظ نیروها از سوی امام به شرح زیر است:

امام از یک سو، ارتباط حداقلی خود را با جامعه شیعه در کوفه با تمام دشواری‌هایش حفظ می‌کند و در تلاش است با وجود تمام موانع، حداقل با خواص شیعه در تماس باشد و آنها را برای آینده و قیام تاریخی‌اش به بردباری و صبر و کسب آمادگی‌های لازم روحی و اجتماعی دعوت کند.

امام در حجاز به ویژه مدینه در مهاجرت و غربت شدید است، ولی در عین حال، در مدینه هم متوجه چند گروه است:

اول جوانان بنی‌هاشم، بهترین و خالص‌ترین نیروی انسانی در اختیار امام هستند. بازتاب تربیت حسینی درباره آنها حضور ۱۸ جوان هاشمی در کربلاست؛ یعنی با توجه به بازماندن کمتر از ۱۰ نفر از بنی‌هاشم از کاروان امام مشخص می‌شود امام بیش از دو سوم جوانان بنی‌هاشم را جذب خود کرد و آنها را محور نیروسازی درجه اول برای نهضت خود قرار داد. در حقیقت، آنها مهم‌ترین سرمایه اجتماعی امام هستند و قرار است در آینده نقش سازمان و گروه مبنای الگو را در قیام ایفا کنند.

ص: ۱۹۱

دوم اندک غلامان خود امام و اهل بیت و حتی برخی صحابه علوی همانند غلام ابوذر از جهتی نقطه اوج تربیت و نیروسازی امام بودند؛ چون افرادی بودند که از حضيض گم نامی و بی اعتباری به بالا ترین مراحل رشد خود رسیدند و با همراهی با امام زمان خود در تاریخ ماندگار شدند.

سوم اندک صحابه اهل بیتی مقیم حجاز که مهم ترین کارکرد آنها اتمام حجت کردن به انبوه صحابه ساکت یا غافل یا همراه باطل بود. آنها با یادآوری احادیث پیش گویی های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش و کارکرد عمار گونه در جامعه حجاز و عراق داشتند.

(در مرتبه آخرهم معدودی از نیروهای امام را در آخرین مرحله، اندک ریزش ها از جبهه دشمن تشکیل می دهد. آنهایی که دارای فطرت هایی پاک بودند و زمینه های رشد را داشتند و امام با شناسایی آنها و فرصت گذاری برای آنها در نهایت به جذب آنها اقدام کرد. کسانی همانند زهیر و حر در این گروه می گنجند).

در این میان، مبنای نیروسازی و سرمایه اجتماعی امام در گروه مبنای جوانان بنی هاشم هستند. برخی از اصول مدیریت تربیتی امام در برابر آنها چنین است:

تربیت آنها جامع و کامل است و ابعاد معنوی و عبادی، علمی و معرفتی، اخلاقی و رفتاری، اجتماعی و معاشرتی، مدیریتی و نظامی، خطابی و تبلیغی را شامل می شود.

در این نظام، امام با ایجاد محیطی کوچک و سالم سعی می کند نیروهای در حال تربیت را از گزند اثرپذیری جامعه آلوده دور نگه دارد.

مدیریت تربیتی امام شامل دختران، بانوان و همسران اهل بیت هم می شود و آنها هم سرآمد بانوان دوران خود هستند و به اوج آمادگی برای تحمل مسئولیت های سنگین می رسند.

امام برای تربیت آنها فرصت کافی نه ساله (همان دوران امامت و مهجوریت در مدینه) را در اختیار داشت و برنامه تربیتی امام مستمر و پیوسته بود.

امام به تأمین نیازهای همه آنها توجه دارد و مراقب است مبدا در دام برنامه های اجتماعی دشمن گرفتار شوند. (نمونه آن، اهتمام امام به ازدواج آنها و جلوگیری از پیوند یکی از دختران بنی هاشم با امویان است).

این گونه است که جوانان بنی هاشم از دختر و پسر و کوچک و بزرگ به بزرگ ترین سرمایه اجتماعی و نقطه قوت مدیریت تربیتی امام تبدیل می شوند.

ص: ۱۹۲

امام با مدیریت تربیتی در محدوده حداقل ها به ویژه نسبت به افراد مستعد در خاندان، خویشان، زیر دستان، یا اطرافیان خود به تک تک عاشورا باوران یاد می دهد. که هر شیعه باید حداقل در شرایط زمانه خود بر اساس جاذبه و تربیت به نیروسازی بپردازد.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

سرمایه اجتماعی، الگو سازی عملی، ایجاد محیط سالم و محدود برای سهولت فرآیند تدریجی تربیت، تربیت شکوفاساز، شکوفایی گروهی، تربیت بر اساس پیش بینی نیازهای آینده جبهه حق، رشددهی مهارت های انسانی، مدل سازی برای مدینه فاضله و نظام اجتماعی و تجسم بخشی به اهداف آرمانی؛

سبک زندگی از جهت مدیریت تربیتی و رشد شخصیت.

جایگاه موضوع در جبهه باطل یا خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه باطل یا خاکستری

آشفته‌گی نظام تربیتی جامعه از معضلات جامعه اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود به ویژه آن گاه که نظام خلافت، نظریه عدالت و مرجعیت همه صحابه را در برابر اهل بیت طراحی کرد. در دوران معاویه با حذف شدن اندک صحابه ظاهر الصلاح عملاً دنیا گرایی و دین حداقلی و رهاشدگی فرزندان و جوانان به شاخصه های اصلی جامعه اسلامی بدل شده بود. نتیجه این وضعیت، رواج تدریجی مواردی همانند غنا در جایی همانند حجاز و مدینه و دل مشغولی جوانان به چنین مواردی بود. در مدینه بعدها قیام حزه رخ می دهد؛ قیامی که اکثریت مردم و جوانان مدینه حتی آنها که نسبت به امام بی اعتنا بودند، ولی به ارزش های دوران شیخین پای بند بودند، در آن شرکت جستند. در کوفه هم پیران شهر به ویژه در قبایل شیعی از گمراه شدن و ضعیف شدن اعتقادات جوانان بر اساس اثر پذیری از فرهنگ اموی شکوه داشتند. بیشتر لشکر کوفه در کربلا را افراد رها شده و اراذل و اوباش شهر تشکیل می دادند.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. چگونه امام دوران مهجوریت نه ساله خود در مدینه را به فرصتی تاریخی برای ارائه عالی ترین روش و نتایج برای تربیت دینی تبدیل می کند؟ دامنه و سطوح برنامه های تربیتی امام در این دوران چگونه بوده و چه شاخصه هایی داشته است؟

ص: ۱۹۳

۲. بنی هاشم در حماسه حسینی، الگوهای اول نیروهای انسانی و سرمایه اجتماعی ایشان هستند. آنها چگونه به این جایگاه رسیدند؟ امام بر اساس کدام مدیریت تربیتی آنها را به این مرحله از رشد و تعالی رساند؟ کارکرد آنها به عنوان گروه الگو و مبنا در طول نهضت چگونه بود؟

۳. بانوان بنی هاشم در مدیریت تربیتی حسینی چه جایگاهی دارند؟ چگونه امام آنها را برای آن ابتلائات عظیم و مسئولیت های سنگین آماده می سازد؟ امام در این نظام تربیتی چگونه به تعریف شخصیت ها، رشددهی آن و تعیین مأموریت ها بر اساس نقش جنسیتی می پردازد؟

میان برنامه

میان برنامه

یک الگو و نظام تربیتی سیدالشهدا علیه السلام برای جوانان بنی هاشم

دوران امامت سیدالشهدا علیه السلام ده سال طول کشید. از این مدت، نه سال و نیم آن با خلافت معاویه هم زمان بود. در این دوران چون امام، خود را به صلح نامه برادرش، امام مجتبی علیه السلام متعهد می دید، از قیام پرهیز می کرد. در همین دوران هم ارتباط شیعیان با امام بسیار محدود شده بود.

امام این غربت ها و مهجوریت را در مدینه به فرصت مناسبی برای تربیت ویژه و اختصاصی جوانان بنی هاشم تبدیل کرد. امام چون بزرگ خاندان بنی هاشم در این سال ها بود، فرزندان بنی هاشم را نزد خود گردآورد. این افراد عبارت بودند از: فرزندان خود امام و فرزندان از بنی هاشم که پدرانشان شهید شده بودند، همانند فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام یا پدرانشان درگذشته بودند، همانند فرزندان عقیل بن ابی طالب یا فرزندان که پدرانشان ولایت امام را پذیرفته بودند، همانند نواده های عقیل و جعفر بن ابی طالب.

به این صورت، جمعی از فرزندان بنی هاشم با محوریت خاندان ابی طالب گرد امام جمع شدند. امام در آن سال ها به تربیت، علم آموزی و مهارت ورزی رزمی و پهلوانی آنها همت کرد. حتی برای آموزش قرآن، اگر معلم قرآن سوره ای را به آنها می آموخت، از معلم بسیار قدردانی می کرد.

ص: ۱۹۴

در این سال‌ها، امام در مدینه و در تنها سفر سالانه اش یعنی سفر حج همواره سعی می‌کرد این جوانان را همراه خود ببرد. امام حتی نسبت به مسئله ازدواج آنها در آغاز سن جوانی، حساس بود حتی یک مرتبه معاویه با اغراض سیاسی و نقشه‌های شوم خود قصد داشت دختر عبدالله بن جعفر را برای یزید خواستگاری کند. عبدالله اختیار دختر را به امام تفویض کرد و امام، او را به عقد پسرعمویش، قاسم بن محمد بن جعفر در آورد و مهریه آنها را از زمین‌های خود در اطراف مدینه قرار داد تا مبادا فرزندی از فرزندان بنی هاشم آلوده نقشه‌ها و فتنه‌های امویان نگردد.

این گونه، که این جوانان پس از سال‌ها انس و همراهی با امام به آن مرحله از آمادگی و توان مندی رسیدند که در شب هجرت غریبانه امام از مدینه، تنها همانا یاوران امام بودند. برخی از آنها حتی با کسب اجازه از پدرانشان از پدر خود دل‌کنند و همانند فرزندان عبدالله بن جعفر دل در گرو سیدالشهدا علیه السلام بستند و با او تا قتلگاه کربلا آمدند.

دو رها شدگی تربیتی و دورافتادگی جامعه از امام

پس از صلح امام مجتبی علیه السلام با معاویه، رهبری جامعه اسلامی به دست معاویه سپرده شد. این دوران ۲۰ سال طول کشید. در آغاز این دوران وقتی معاویه پس از امضای معاهده صلح و کسب خلافت وارد کوفه شد و بر منبر مسجد کوفه رفت، عهدنامه را پیش روی مردم باطل کرد و صریحاً گفت که نبرد او با امام صرفاً برای رسیدن به خلافت بوده است. اینک که به آن رسیده است، هیچ تعهدی را نمی‌پذیرد. معاویه بر اساس سیاست نقض عهدنامه پس از آنکه سعی کرد دست اهل بیت را از جوامع اسلامی به ویژه کوفه و بصره کوتاه کند، با حاکم کردن حاکمانی فاسد و کم‌تعهد به اخلاق و دین در کنار رواج تفکر مرجئه‌گری سعی کرد ایمان و دین‌داری را به گفتار زبانی خلاصه کند. آن‌گاه جامعه را نسبت به تربیت و سازندگی جوانان و نوجوانان در راستای معارف اسلامی سست سازد. به گواهی منابع تاریخی، در اواخر خلافت معاویه، یکی از شکوه‌های بزرگان علمی و دینی در کوفه، سستی و ناهنجاری‌های اخلاقی جوانان شهر است. حتی در برخی از قبایلی که سابقه محبت اهل بیت و رسم و نشانی از اخلاق علوی وجود داشت، این فرهنگ از میان جوانان آنها رخت بر بسته بود. در مدینه

ص: ۱۹۵

هم رها شدگی جوانان چنان بود که به تدریج، این شهر در دوران خلافت مروانین به یکی از مهم ترین مراکز غنا و آوازه خواهی در جهان اسلام تبدیل شد. این گونه به تدریج و در مدت ۲۰ سال خلافت معاویه در کنار شامات، عراق و حجاز نسلی رشد می یابد آموزش ندیده و تربیت نشده که در برابر قیام و نهضت دینی سیدالشهدا علیه السلام یا بی اعتناست و یا مقاومت می کند. این نسل به دلیل نداشتن زمینه و پشتوانه تربیت دینی مناسب، راضی یا طالب خلافت یزید است و حتی بخشی از منحط ترین افراد در این جامعه تحت تأثیر تبلیغات فریبنده آن حاضر می شود بدترین جنایات را نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتکب شود. سیدالشهدا علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در حساس ترین شرایط و مراحل قیام که ناچار به بیان ماهیت جانیان کربلا می شوند، به همین مسئله آلوده بودن بسترهای تربیتی یا رها شدگی و انحطاط اخلاقی آنها اشاره می کنند و جدایی و مرزبندی خود و اهل بیت و یاران شان را از این جامعه منحط و آلوده اعلان می کنند.

۸. مدیریت بصیرت افزایی

اشاره

۸. مدیریت بصیرت افزایی

زندگی و جامعه بشری گاه چنان دچار پیچیدگی می شود که فضا را غبار آلود می سازد و تشخیص حق از باطل دشوار می گردد. آنچه این غبار آلودگی را تشدید می کند، این است که دین نماهای فراوان در مقابل دین حق، جنگ دین علیه دین را به راه اندازند. به این وضعیت، فتنه می گویند.

در این وضعیت، تنها راه نجات، داشتن بصیرت یعنی آگاهی عمیق و قدرت تشخیص بالاست. از جلوه های بارز مدیریت حسینی، ارائه راهکار عملی بصیرت افزایی است. سیدالشهدا در جامعه ای به نام دین که به سکوت و قعود و رضایت به باطل مقدس رسیده، ناچار است بیش از پنج ماه مقیم مکه شود و با استفاده از ظرفیت نزدیک بودن مراسم حج و ارتباط گسترده ای که با حجاج برقرار می کند، به آگاهی رسانی برای آنها پردازد. در این زمان، تلاش امام، ایجاد بصیرت و معیار تشخیص حق از باطل مقدس مبتنی بر معرفی معیارها و ملاک هایی است که به توانایی و قدرت تشخیص آدمی کمک کند. در این مسیر و در راستای تحقق این هدف، امام از یک سو به یادآوری سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می پردازد و از جهت رفتاری نیز سعی می کند الگویی

ص: ۱۹۶

عملی باشد تا مردم دست کم یک بار دیگر با حق ناب مواجهه مستقیم داشته باشند. آن گاه امام، معیار و ملاک تشخیص حق از باطل مقدس را چنین تعریف می کند که هرگونه عمل و شریعت و مناسک دینی که باعث ریختن آب به آسیب دشمن باشد، از مصادیق باطل مقدس و از عوامل تقویت فتنه و دوری از بصیرت است.

امام با آمدن به مکه از یک سو، خود در کنار خانه خدا، نماز جماعتی مستقل تشکیل می دهد و از سویی دیگر، در حج آن سال زیر پرچم یزید شرکت نمی کند.

همچنین با آمدن خود و اهل بیتش به کانونی ترین تجمع مسلمانان یعنی مکه سعی می کند معیار خواص بودن و مرجعیت را به جامعه معرفی کند. مرجعیت علمی و اجتماعی از آن کسی باید باشد که در مسیر سیره و دستوره‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن باشد. یعنی معیار با حق و حق شناسی است و افراد را با حق باید شناخت نه اینکه حق را با افراد و بر اساس موضع گیری آنها. امام با احیا و بزرگ نمایی سیره و گفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سعی می کند آن را به عنوان معیار حق در جامعه یادآوری کند و بر اساس آن خواص مدعی (صحابه و تابعین مدعی عبادت و علم و شهرت اجتماعی) را به پرسش و چالش بکشد.

شاید یکی از علل جزع و فزع خواص در برابر امام که با تمام قوا به نام نصیحت از امام می خواستند کوتاه بیاید، همین بود که امام با گفتار و کردار خود موجب بصیرت زایی در جامعه و رسوایی و کساد بازار آنها شده بود. نمونه آن تیر آنکه امام تا در مکه بود، همه نماز جماعت ها کساد شده و نماز امام پر رونق بود.

مدیریت عاشورایی یعنی مدیریتی که از یک سو، خواص مدعی و متظاهر را به چالش بکشد و عوام و توده ها را معیار و ملاک تشخیص قرار دهد.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

آزمون برون افکنی، معیارهای اولویت دهی، حساسیت برانگیزی افکار عمومی، مدیریت به چالش کشیدن خواص، به چالش کشیدن بی طرفی، استراتژی حداقل سازی اثر گذاری خواص بی بصیرت، بلوغ ذهنی رسانی جامعه، اصل اهم و مهم در تشخیص مصالح، ابهام زایی، جامع نگری در برابر برخورد گزینشی و جزئی نگری، مدیریت نشانه ها و نشانه شناسی، داشتن یا نداشتن نگاهی منظومه ای و کلان، مدیریت مواجهه با توجیه های شیطانی، تکلیف شناسی و عمل به آن در هر شرایطی.

ص: ۱۹۷

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

در جبهه باطل سعی می‌شود با طراحی خواص خودکارشناس در برابر رهبری حق باعث ایجاد ابهام و تشویش در جامعه شود تا سبب فریفتن جامعه و استمرار باطل شود.

در جبهه خاکستری هم مصلحت‌گرایی و توجیه‌گرایی جای‌گزین تکلیف‌گرایی می‌شود. در این شرایط، آنها سعی می‌کنند با جزئی‌نگری و نداشتن و ندادن معیار برای درک همه ابعاد و اولویت‌دهی باعث به‌رکود و سکون کشیدن جامعه شوند.

پرسش‌های کارشناسی

پرسش‌های کارشناسی

۱. تعریف بصیرت چیست؟ فرد یا جامعه در چه شرایطی نیازمند بصیرت است؟ چگونه بی‌بصیرتی (بر اساس تجربه عاشورا) باعث ضربه زدن مدعیان دین داری به دین حق می‌شود و جنگ دین علیه دین راه می‌اندازد؟

۲. امام حسین علیه السلام در مدیریت عاشورایی خود چگونه به بصیرت زایی جامعه کمک می‌کند؟ جلوه‌ها و روش‌های بصیرت زایی در مدیریت حسینی به صورت مصداقی کدامند؟

چگونه در این موارد و مثال‌ها، امام معیار و ملاک تشخیص را به جامعه ارائه می‌دهد؟

۳. چگونه بصیرت زایی و مدیریت بصیرت افزایی سیدالشهدا علیه السلام در جامعه به مصاف مصلحت‌گرایی می‌رود؟ چگونه با مدیریت بصیرت افزایی در جامعه می‌توان ارباب‌فتنه و همراهان مصلحت‌جوی آنها را رسوا کرد؟

میان برنامه

میان برنامه

یک نشانه‌های غیبی و و تعریف نقش برای صحابه با بصیرت

از مهم‌ترین تعریف دین و دین باوری، ایمان به غیب و غیب باوری است (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ). غیبی که دارای سطوح مختلفی است و از خداوند را که غیب مطلق است تا جهان برزخ و عالم قیامت یعنی آن عوالم موازی و طولی را که انسان ندیده است، ولی وجود دارند یا وجود خواهند داشت، شامل می‌شود. از این منظر، رویدادهای قطعی که در آینده رخ خواهند داد، ولی هنوز نیامده اند، یعنی اخبار غیبی و پیش‌گویی‌های

پیامبران و معصومان هم یکی از جلوه های ایمان به غیب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران رسالت به ویژه در آستانه رحلت، توجهی ویژه به آینده جهان اسلام داشت و در این زمینه، اخبار غیبی فراوانی فرمود. بخشی از این اخبار غیبی، به آینده دور و بلندمدت مربوط است همانند اخباری که درباره مهدویت و نشانه های ظهور است.

بخش مهم دیگر مربوط به مجموعه رویدادهای پس از رحلت ایشان تا حادثه عاشوراست. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای این مقطع در کنار بیان خبرهای غیبی، برخی از صحابه را به عنوان معیار و نماد در رویدادهای خاص معرفی می کند یا نشانه های یک رویداد مشخص را بیان می کند تا وقتی آن اتفاق رخ داد، دیگر بهانه ای برای کسی باقی نماند. اینک با در نظر گرفتن اخبار غیبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حوادث نیم قرن پس از رحلت ایشان، با صحابه ای که نشانه و نماد بصیرت و یا غیب باور راستین بودند، آشنا می شویم:

خبر دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آزار ابوذر و رحلت غریبانه و مظلومانه او که نشانه باطل بودن دشمنان او خواهد بود.

خبر دادن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از شهادت عمار در حالی که همراه حضرت علی صلی الله علیه و آله است و به دست گروهی شهید می شود که گروه ستم کار و باطل هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مثنی از خاک کربلا را به همسرش، ام سلمه می دهد تا نشانی باشد برای زمان تحقق شهادت نواده اش، حسین بن علی علیه السلام.

خبر های غیبی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام درباره موقعیت دقیق و محل شهادت حسین بن علی علیه السلام که در نهایت باعث شد یکی از صحابه کهن سال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام انس بن مالک اسدی بر اساس همین آگاهی ها، وقتی خبر هجرت حسین بن علی علیه السلام را به مکه شنید، از کوفه به جای رفتن به مکه، به سوی کربلا برود و در آنجا بر اساس پیش گویی های نبوی و علوی، چشم انتظار آمدن امام حسین علیه السلام بنشیند.

دو معیاری برای بصیرت با کمک دشمن شناسی

پس از هبوط آدم و حوا روی کره زمین و طراحی دین آسمانی برای آنها، طرح و نقشه شیطان در آغاز مواجهه، بی دینی و یا طراحی دین باطل در برابر دین حق بود. در این مرحله، مرزبندی دین حق و باطل کاملاً مشخص بود، درست همانند مرزبندی

ص: ۱۹۹

بت پرستی با خداپرستی توحیدی غیب محور. ولی به موازات رشد و گسترش دین حق، شیطان در یکی از خطرناک ترین طراحی های خود دست به طراحی نقشه نبرد دین علیه دین زد. بر اساس این طرح، جریان باطل، جریان انحرافی در داخل مکتب حق و همراه با بسیاری از نشانه های آن و البته میان تهی و بدون حقیقت و واقعیت است.

در این روش، با طراحی دینی ظاهری همراه با تحریف، اما توخالی که با دین حق شباهت های بسیار دارد، به طراحی نبرد دین علیه دین می پردازد. از این منظر، در برابر دین اسلام، مهم ترین دشمن و خطر، نه مشرکان و نه اهل کتاب، بلکه منافقان هستند. منافقان، مسلمان نماهای بدون اعتقاد قلبی هستند که به تدریج، حتی بسیاری از اعمال و مناسک را یا ترک می کند. یا آنها را از روح خود تهی می کنند و تنها پوسته ای از آن باقی می گذارند تا اسم اسلام از آنها حذف نشود.

در عاشورا، یکی از دشوارترین صحنه های نبرد و مواجهه سیدالشهدا علیه السلام، مواجهه با طرح و نقشه در همین حوزه جنگ دین علیه دین و با کمک مقدس نماهای منافق بود.

امام در قیام عاشورا با نمایش سیره ای شفاف و صریح تلاش می کند این دین نماها و رفتار های متظاهر را از اسلام راستین متمایز سازد. این گونه بصیرت عاشورایی متولد می شود.

بن مایه و روح بصیرت عاشورایی در میان هجوم و تبلیغات سنگین مدعیان دین داری، پرهیز از همراهی و انجام هرگونه رفتار اجتماعی و حتی عبادت اجتماعی است که کمک یا منفعتی برای جریان باطل داشته باشد. از این رو، امام در نماز جماعت یا حجبی که زیر پرچم یزید باشد، شرکت نمی کند و نشان می دهد که در دین داری به جای تمسک به ظواهر بی روح باید ظواهر و شعایر دینی را در کنار حقیقت و باطنی و ارکان واقعی اسلام دید. هر جا این شعایر همراه آن حقیقت باطنی بود، شعایر دینی است و گرنه شعاری و نشانه ای برای نفاق و ترویج باطل خواهد بود.

۹. ثبات قدم و استقامت بر حق در سخت ترین شرایط

اشاره

۹. ثبات قدم و استقامت بر حق در سخت ترین شرایط

زیر فصل ها

پیش در آمد

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

در مصاف تاریخی حق و باطل، پیوسته باطل در اکثریت و حق در اقلیت بوده است، ولی گاه پیش آمده است که باطل در نهایت قدرت خود و حق در محاصره شدید بوده

ص: ۲۰۰

است. در این موارد، اگر حق اقدامی انجام دهد، تمام هجوم‌ها علیه‌اش سامان‌دهی خواهد شد و هر کسی به گونه‌ای سعی می‌کند در برابر آن، مانع یا مزاحمتی ایجاد کند به ویژه اگر باطل لباس دین و تقدس بپوشد. در این شرایط، مقاومت، صبر و تحمل، استقامت و ثبات قدم در برابر این وضعیت سخت، نشان‌دهنده قدرت روحی و اراده‌ای بسیار بالا و بی‌نظیر است.

امام حسین علیه السلام وقتی قیام خود را آغاز کرد، دشمن اصلی‌اش، یزید و امویان بودند، ولی در مدتی که در مکه مقیم بود، از سوی بیشتر مسلمانان با موعظه و نصیحت و اما و اگرها مواجه شد. در برخی از مراحل نیز خبرهای ناراحت‌کننده یا منفی به امام می‌رسید. با این حال، امام به واسطه انتخاب هدف بسیار بلند خود و به دلیل تکیه و اعتماد بر حق تعالی «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» در هیچ مرحله‌ای از قیامش، نه دچار ضعف و سستی شد و نه هیچ‌گونه ناراحتی از خود نشان داد. حتی ریزش‌های فراوان همراهانش باعث دل‌نگرانی ایشان نشد، بلکه هر چه به لحظات سخت‌تر نزدیک‌تر می‌شد، استوارتر می‌گردید. متن خطبه‌ها یا دعاهایی که زمزمه می‌کرد، بیانگر اوج قدرت روحی بالا و صلابت و استواری بیشتر ایشان بود.

این ثبات قدم و استواری یکی از جلوه‌های بارز مدیریتی حسینی است. صد البته این ثبات قدم و مقاومت با تعصب، لجاجت و عناد تفاوت بسیار دارد؛ چرا که در این موارد، اصرار بر جهالت و گمراهی، آگاهانه است؛ چیزی که فطرت انسانی هم گواه آن است.

ثبات قدم آن‌گاه خواهد بود که هدفی بلند و متعالی و آگاهانه انتخاب شود و مشکل در تنهایی یا هجوم‌های سنگین باطل و کثرت موانع باشد. ثبات قدم یعنی اتکا کردن بر حق تعالی و دل از غیر او بریدن و در مسیر حق سستی نوزیدن.

امام و یارانش در سراسر مراحل قیام در اوج صلابت و استواری و استقامت قرار دارند. یکی از جلوه‌های بسیار بارز استقامت و رزی در یاران حسینی را در کوشش فراوان و خستگی‌ناپذیر و پیوسته حبیب بن مظاهر در شرایط سخت و دشوار کوفه می‌توان دید. او ۵ ماه در کوفه با تمام توان در برابر انواع و اقسام مشکلات، ریزش‌ها و هجوم‌ها تلاش کرد تا در مقام برترین یاور امام در کوفه ظاهر شود.

ص: ۲۰۱

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

نهراسیدن از تبلیغات روانی دشمن، توکل و دین باوری بسیار بالا، اعتماد به نفس، اراده بسیار قوی، بزرگ نمایی نکردن موانع و مشکلات، ثبات برنامه و عمل، شجاعت و شهامت، پرهیز از انبوه هراسیدن و جبران کمیت با کیفیت.

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

تجربه تاریخی نشان داده است سران باطل آن گاه که در هجوم دشمنان قرار بگیرند و توان آنها رو به تحلیل باشد، به نسبت تضعیف نیروها، میزان مقاومت استقامت، تحمل پذیری و مدیریت بحران شان نیز پایین می آید. ابن زیاد پس از مرگ ناگهانی یزید چنان در سراسر عراق از تجهیز حتی دسته ای کوچک از نیروهای هوادارش عاجز شد که در نهایت، از بصره با لباس زنانه فرار کرد.

در جبهه خاکستری هم، تواین بعدها اقرار کردند: «نامه های امام پیوسته به سوی ما می آمد، ولی ما از ترس به کنج خانه ها خزیده بودیم».

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. تجربه تاریخی مصاف حق و باطل همواره شاهد اکثریت باطل و اقلیت حق بوده است، در این صورت، نقطه قوت حق چه می تواند باشد؟ ایمان به غیب چگونه می تواند قوت حق را به کیفیت بسیار و فراوان تبدیل کند؟ چگونه ایمان به غیب باعث تقویت اراده و استقامت ورزی می شود؟

۲. در قیام حسینی، امام با کدام موانع، بهانه ها، ریزش ها، خطرها و بحران های گوناگون روبه رو بود؟ آیا این وضعیت باعث سستی، نومیدی، ابراز ضعف امام یا حتی یارانش همانند بنی هاشم شد؟

جلوه های بارز استقامت ورزی امام که در سخنان معروف ایشان آمده باشد، چیست؟

۳. استقامت ورزی چگونه به یکی از علل و عوامل مهم ریزش ها و رویش ها در جامعه معاصر امام تبدیل شد؟

چگونه استقامت و ثبات قدم باعث افزایش تلاش و بهره وری یاران امام شد؟

در این موارد، پیام های تاریخی امام به شیعیانش درباره ثبات قدم و استواری و استقامت در مسیر حق چه بوده است؟

ص: ۲۰۲

میان برنامه

میان برنامه

یک گاه شمار ثبات قدم و استقامت حبیب بن مظاهر

حبیب بن مظاهر اسدی از پیروان کوفی امام حسین علیه السلام است. او جزو صحابه هم شمرده شده است. وقتی شنید امام از مدینه به مکه هجرت کرده است، چون بر اساس نشانه‌ها می دانست این همان قیام تاریخی موعود است، به مدت ۵ ماه، تلاش های خستگی ناپذیری در کوفه انجام داد.

او در ابتدا همراه دوست و یاور دیرینه اش، مسلم بن عوسجه اسدس در کوفه به سراغ شیعیان رفت و سعی کرد آنها را طبق آرزوی همیشگی شان، به دعوت سیدالشهدا علیه السلام به کوفه تشویق کند. آن گاه که موج نامه نگاری ها در کوفه آغاز شد، اولین پیک ها و نامه رسانان همانند قیس بن مسهر را از میان دوستان خود انتخاب کرد و نزد امام فرستاد تا حداقل نامه رسانان کوفه باعث آبرو و افتخار شیعه نزد امام باشند.

با آمدن مسلم بن عقیل، نماینده سیدالشهدا علیه السلام به کوفه، او به همراه ابن عوسجه از مهم ترین افراد برای دعوت کردن کوفیان برای بیعت کردن با مسلم و جزو بهترین یاران و یاوران او بودند. پس از شکست قیام حضرت مسلم و رسیدن خبر ورود سیدالشهدا علیه السلام به کربلا او سعی کرد در کوفه، مخفیانه، با افرادی دیدار کند که آنها را به شجاعت و استواری می شناسد تا آنها را برای رفتن به کربلا تشویق کند.

ابن زیاد در حال تکمیل محاصره کوفه بود تا کسی از کوفه به امام نپیوندد. حبیب پس از فرستادن مسلم بن عوسجه به کربلا، خود در نیمه شبی تاریک و از بی راهه ها در کربلا به امام می پیوندد. در کربلا وقتی غربت امام را می بیند، تلاش می کند با رفتن نزد عشایر و روستائینان نزدیک کربلا- که از قبیله بنی اسد بودند، برای امام نیرو و یاور بیاورد. این برنامه با خیانت عده ای و حمله لشکریان عمر بن سعد خنثی می شود. او که در دام محاصره دشمن افتاده است، با شکستن محاصره دوباره در نیمه های شب، خود را به حسین بن علی علیه السلام در کربلا می رساند. ثبات قدم و استقامت حبیب سرانجام او را به فرمانده میسر لشکر امام در روز عاشورا تبدیل می کند.

دو آمار از یاران حسین علیه السلام

کاروان امام از مدینه که راه افتاد، کاروان کوچکی از بنی هاشم به همراه برخی غلامان منزل امام بود. مردان کاروان را ۲۲ نفر و شمار غلامان را تا ۱۰ نفر شمرده اند.

ص: ۲۰۳

به فرموده سکینه بنت الحسین، «آن شبی که همراه پدرم از مدینه بیرون آمدیم، هیچ خاندانی مانند خاندان پیامبر هراسان نبود.» این کاروان وقتی به مکه می‌رسد، نزدیک ۶ ماه به آنجا پناه می‌برد.

در طول اقامت امام در مکه، وقتی اخبار امام به کوفه می‌رسد و موج نامه نگاری آغاز می‌شود. به تدریج، دو گروه به امام می‌پیوندند. یکی، آن دسته از خواص شیعه که امیدی به کوفه ندارند و دیگری، برخی شیعیان خالص که به بهانه مأموریت رساندن نامه‌های کوفی به مکه می‌آیند و در نهایت، همان‌جا همراه امام می‌شوند و به کوفه باز نمی‌گردند.

در این مدت، امام یک نامه به شیعیان بصره می‌نویسد که بازتاب آن، آمدن یزید بن ثبیط بصری و دو پسرش و احتمالاً دو نفر از دوستانش است. در همین مدت هم اندک صحابه علوی از مدینه به امام می‌پیوندند.

موقع خروج امام از مکه، از ۷۲ شهید کربلا، نزدیک به ۴۵ تا ۵۰ نفر همراه امام بودند. یک سوم از این عده، جوانان بنی هاشم بودند و یک دوم از شیعیان کوفه. بقیه هم معدودی از صحابه مدینه یا شیعیان بصره بودند که یک پنجم شهدای کربلا را که از مکه همراه امام بودند، تشکیل می‌دادند.

در این زمان، جمعی از اعراب از مکه همراه امام شدند که بعدها در میانه راه از امام جدا گشتند، ولی عده آنها هم چندان زیاد نبود؛ چون امام موقع خروج از مکه اعلان کرده بود مسیر نهایی این کاروان، شهادت است، اگر چه مقصد ظاهری امام در آن زمان کوفه بود. این عده که بین ۲۰ تا ۳۰ نفر بودند، در میانه راه پس از شنیدن خبر شهادت حضرت مسلم و منتفی شدن هرگونه امید به منافع دنیوی از امام جدا شدند.

از سوی دیگر، هر چه امام به کربلا نزدیک تر می‌شد و خبرش به کوفه می‌رسید، اندک اندک بقیه یارانش از کوفه به امام ملحق شدند.

این گونه مشخص می‌شود که در نهایت آمار یاران شهید امام در کربلا چنین است: در حدود ۵ نفر از بصره، در حدود همین عدد از صحابه مدینه، ۱۸ نفر از جوانان بنی هاشم و در حدود ۷ تا ۶ نفر از غلامان اهل بیت و بقیه که کمی بیش از نصف لشکر امام را تشکیل می‌دادند، همگی از شیعیان و یاوران کوفی بودند.

ص: ۲۰۴

۱۰. مدیریت تبلیغی و راهبرد نرم امام در طول قیام**اشاره**

۱۰. مدیریت تبلیغی و راهبرد نرم امام در طول قیام

زیر فصل‌ها

پیش درآمد

نکات تکمیلی در مورد مدیریت و سیرت تبلیغی امام

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

پرسش‌های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدت ۲۵ سال و پس از شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام به مدت ۲۰ سال از تبلیغ دینی صحیح دور بود. به جای آن، اسلام تحریف شده به ویژه اسلام اموی همراه با تطمیع‌ها و تهدیدهای فراوان به صورت گسترده تبلیغ شده بود. این اسلام با ستم، بدعت، جاهلیت، انحراف و تحریف جمع گشته و در طول ۴۵ سال اصناف گوناگون، شخصیت‌ها و رهبران دینی و اجتماعی برای خود طراحی کرده بود.

مهم‌ترین چالش پیش روی قیام سیدالشهدا علیه السلام، دورافتادگی شدید جامعه از اسلام راستین بود. از این رو، فاصله بین هجرت امام از مدینه تا حادثه کربلا ۶ ماه طول کشید که در این مدت هم امام ساکن مکه می‌شود. این دوران، زمان مدیریت تبلیغی امام است.

شاید بتوان گفت مدیریت تبلیغی امام کمی زودتر از آغاز خلافت یزید شروع شده بود؛ چون امام با پیش‌بینی مرگ قریب الوقوع معاویه و نزدیک دیدن نشانه‌های قیام خود، برای اولین مرتبه، در مراسم حج سال ۵۹، نهضت خود را در جبهه نرم شروع می‌کند. سیاست امام هم در خطبه منا در مراسم حج سال ۵۹ و ۵ ماه اقامت در مکه بر تبلیغات گسترده، آگاه‌سازی و حساس‌سازی جامعه متمرکز است. محورهای اساسی تبلیغات امام به شرح زیر است:

یادآوری انتساب خود به پیامبر و اینکه ایشان منبع اصیل و راستین اسلام است، نه امویان یا صحابه و تابعین بزرگ نمایی شده از سوی جریان خلافت؛

احیاگری و یادآوری سنت و سیرت و گفتارهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ویژه در زمینه اصول سیاسی و اجتماعی و شرایط خلافت و خلیفه؛

تمرکز بر ویژگی‌های شخصیتی فاسد و فاسق یزید و تلاش برای رسوا کردن او؛

تلاش برای آسیب‌شناسی نیازدگی و اخلاق‌گریزی جامعه اسلامی؛

آسیب‌شناسی نظریه‌های کلامی اموی همانند جبرگرایی یا ترک امر به معروف و نهی از منکر به بهانه پدید آمدن ناامنی اجتماعی بر اثر اجرای آن؛

تلاش برای فعال‌سازی صحابه و تابعین با توجه به رسالت دینی آنها زمینه آگاه‌سازی جامعه و ظلم‌ستیزی در برابر باطل؛

ص: ۲۰۵

تلاش برای اتمام حجت با تمام طبقات جامعه و هشدار دهی به آنها نسبت به مسیر آینده جامعه و عبرت هایی که دامن گیر همه آنها خواهد شد.

در نگاهی کلی، سیاست تبلیغی امام فراگیر بود و از والیان اموی شهرها تا علما و هنرمندان و عموم مردم و عموم دشمنانش و حتی عموم حاجیان را شامل می شد. محتوای سخنانش، ترکیبی از راهکارهای اثباتی و هشدارهای اندازی بود. سخن آخر اینکه سخنان امام در برخی مواقع چنان اثرگذار بود که دشمن برای نرسیدن پیام امام به مخاطب، به سروصدا و هوچی گری می پرداخت. در نهایت، در برابر راهبرد نرم و تبلیغی قوی امام دست به ارتکاب شدیدترین جنایات زد تا شاید بتواند صدای امام را خاموش سازد.

نکات تکمیلی در مورد مدیریت و سیرت تبلیغی امام

نکات تکمیلی در مورد مدیریت و سیرت تبلیغی امام

سیر و مراتب مدیریت تبلیغی امام در مکه، در میان راه و در صحرای کربلا از جهت سیر و نظام محتوای سخنان آن حضرت؛

تنوع پیام و پاسخ امام نسبت به پرسش های یکسان (ناصرحان مکه) بر اساس شخصیت علمی یا سیاسی و اجتماعی پرسش گران؛

شفافیت و صراحت در پیام بدون هیچ گونه ابهام یا فریب و مکر و خدعه در هدف قیام و برنامه های آن؛

کارکرد تبلیغات و سخنان امام در ایجاد اندیشه و عمق بخشی به بصیرت و ایجاد تحول در افراد؛

ارائه پیام ها و بیانیه های استراتژیک در لحظات حساس همانند موقع خروج تاریخی از مکه.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مدیریت پیام و محتوا، شکستن سانسور خبری دشمن + تبلیغات یادآوری، مدیریت فشار روانی بر جبهه سیاه خاکستری، صراحت و شفافیت در پیام، توجه به آگاه سازی و شبهه زدایی و حساس سازی افکار عمومی، برنامه ریزی تبلیغی، انسجام و ثبات پیام، سخنرانی احساسی، تبلیغات پیوسته و مداوم، عملیات روانی، مخاطب شناسی، اطلاع رسانی و مدیریت ارتباطات.

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

از جلوه های بارز ضعف و ناتوانی دشمن در برابر امام و شکست آنها در زمینه تبلیغی و نرم افزاری بود. دشمن یزیدی نظام اندیشه ای و مجموعه ای از دستگاه ها و نظام های تبلیغی داشت و بیشتر مساجد هم در اختیارش بود، ولی می دانست در برابر راهبرد نرم و پیام های فطری و بر حق امام چندان حرفی برای گفتن ندارد. پس می کوشید پیام امام به جامعه نرسد. بر همین اساس، در اقدامی شتاب زده، تمامی ارتباطات عراق را با ایشان به سرعت قطع می کند و در کربلا سروصدا راه می اندازد تا با روش های فیزیکی جلوی اثرگذاری تبلیغی امام را بگیرد.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. مدیریت تبلیغی و اطلاع رسانی، مهم ترین عنصر در قیام سیدالشهدا علیه السلام است. دلیل تقدم آن بر مبارزه فیزیکی چیست؟ مراحل و مراتب این مدیریت تبلیغی از مدینه تا کربلا از جهت مخاطب یا روش چه سیری را می پیماید؟ چه طیف هایی از جامعه را خطاب قرار می دهد؟ در مورد مخاطب شناسی از چه الگویی پیروی می کند؟

۲. مدیریت تبلیغی امام از جهت محتوایی بر چه پیام ها و اصولی متمرکز است؟ آیا در این پیام ها و محتواها نسبت به اقشار سیاه، سفید و خاکستری، تفاوتی هم دیده می شود؟

مهم ترین محورهای تبلیغی امام از جهت محتواهای عام و فراگیر برای تاریخ بشریت چیست؟

۳. واکنش دشمن در برابر مدیریت تبلیغ امام چه بود؟ آیا دشمن دارای برنامه تبلیغی خاصی در برابر امام بود (همانند اینکه در نهایت، امام را از خوارج یا خروج کننده بر خلیفه و خارج از دین معرفی کردند)؟ چرا دشمن در برخی موارد، از رسیدن صدای امام به جامعه وحشت داشت؟ واکنش امام در برابر تبلیغات دشمن چه بود؟ اصولاً امام در مدیریت تبلیغی خود به دنبال کدام بازتاب های اجتماعی است؟

بازتاب بلندمدت تبلیغی امام در جامعه اسلامی چه بود؟ چگونه فعالیت های امام در بلندمدت باعث خنثی سازی تلاش های تاریخی امویان برای نابودی اسلام شد؟

ص: ۲۰۷

میان برنامه

میان برنامه

یک صراحت و صداقت و شفافیت در پیام

از جلوه‌های بارز مدیریت تبلیغی امام، صراحت و صداقت و شفافیت و رسایی در پیام‌رسانی است. این امر بر خلاف مدیریت تبلیغی و رسانه‌ای امویان است که بر مکر، خدعه، فریب و دروغ و تحمیق جامعه استوار است. امام در تمام مراحل قیام با مخاطب‌های گوناگونی از طیف‌های سیاه، سفید و خاکستری روبه‌رو بود. ایشان با همه این گروه‌ها سخن گفته است و همه آنان صداقت و صراحت ایشان را ستوده‌اند.

لحظه آغازین قیام امام، لحظه مواجهه با والی مدینه است. در این جلسه، وقتی از امام می‌خواهند با یزید بیعت کنند، با صراحت، شفافیت و شهادت، مخالفت خود را با خلافت یزید اعلام می‌دارد و بیان می‌کند که از بیعت پشت درهای بسته هم اکراه دارد.

پس از آن، امام در مدت اقامت ۵ ماهه در مکه، خطاب به مردم مکه و صحابه و تابعینی که برای مراسم حج به مکه می‌آیند و نیز در نامه‌هایی که به کوفه و بصره می‌نویسد، با صراحت به مخالفت با خلافت یزید بر می‌خیزد. ایشان همیشه خطر نابودی اسلام را گوشزد می‌کند و پیوسته مردم را به قیام فرا می‌خواند. در مسیر این دعوت نیز از دادن وعده‌های تو خالی حکومت، امارت و غنیمت یا توهم پیروزی خبری نیست. هر چه امام به لحظه خروج از مکه نزدیک می‌شود، سخن از شهادت هم در کلام امام دیده و شنیده می‌شود. این تصریح به شهادت را کاملاً در خطبه و سخن امام در موقع خروج از مکه می‌توان دید.

در میانه راه وقتی اخبار ناگوار شهادت حضرت مسلم یا اوضاع خفقان آور کوفه به امام می‌رسد، امام از پیک‌ها می‌خواهد اخبار را در جمع بازگوید. آن‌گاه همراهان خود را در انتخاب و تصمیم‌گیری آزاد می‌گذارد و به صراحت اعلان می‌کند که مسیر آنها به سوی شهادت است و هر کس آمادگی ندارد، می‌تواند برود.

در کربلا و شب عاشورا نیز چون تصمیم کوفیان برای جنگ، قطعی و نهایی می‌شود، امام در آخرین اتمام حجت با یارانش، روز عاشورا را روز خون و شهادت اعلان می‌کند و با طیب خاطر و به دور از هرگونه ناراحتی یا تهدید و تطمیع، آنها را برای رفتن آزاد می‌گذارد. همگی شیفته این صداقت، صراحت، شهادت و حقانیت امام می‌شوند و بر یاری‌اش اصرار می‌ورزند.

ص: ۲۰۸

این گونه است که قیام سیدالشهدا علیه السلام در تاریخ قیام ها و نهضت های بشری، منحصر به فرد ترین و سالم ترین قیام از جهت صداقت، صراحت و شفافیت پیام با دوست و دشمن است و همین امر یکی از مهم ترین عوامل ماندگاری این قیام در تاریخ است.

دو مدیریت پیام در جامعه یزیدی

جامعه یزیدی نقطه اوج جامعه باطل در تاریخ بشریت است. در این جامعه، تلاش مهم و اولیه جبهه باطل در برابر حق، جلوگیری از رسیدن پیام حق به گوش استعدادهای احتمالی در جامعه اسلامی و بشری است. جبهه باطل برای تأمین این هدف از یک سو با به کارگیری تمام ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی سعی می کند بین جوامع مستعد و رهبر و منادیان حق فاصله بیندازد، همان گونه که در جامعه یزیدی با انتصاب عبیدالله بن زیاد بر بصره و کوفه سعی شد این دو شهر را در محاصره کامل از بیرون و در سیطره شدیدترین نوع از حکومت نظامی از داخل قرار دهد. دستگاه تبلیغاتی یزید با جلوگیری از رسیدن پیام حق به مردم این دو شهر و تهدید و تطمیع سعی کرد سنگین ترین اتهامات دینی یا حقوقی را بر امام وارد سازد، حتی اتهاماتی که در حالت طبیعی، باور پذیری آن بسیار سخت است. آنان خارج بودن از دین را به امام و اهل بیت نسبت دادند و امامی را که همراه برادرش، ۲۰ سال صبر و بردباری را برابر باطل تحمل کرده بودند، به بی قراری، قانون شکنی و اخلال در امنیت و نظم عمومی متهم کردند.

یزیدیان در نقطه اوج این بمباران و هجوم نرم افزاری تلاش می کردند تمام پرونده های تاریخ خلافت را به گردن امام بیندازند و او را در قتل عثمان و دیگر شکست های جبهه باطل متهم کنند تا به این وسیله امام در اذهان مسلمانان ساده لوح، مستحق تحقیر و نابودی باشد.

جبهه باطل در مکه و مدینه به شخصیت تراشی های کاذب برای صحابه و تابعین می پردازد و به تنوع و تکثر پیام های باطل یاری می رساند تا موقع قیام، فریاد عدالت خواه امام حتی در میان مظلومان جامعه، بی پاسخ بماند؛ همان مظلوم هایی که فریفته سروصداهای گوناگون شده اند و در معرض هجوم تهاجم فکری و فرهنگی جریان های گوناگون باطل، قدرت تشخیص پیام صادق از کاذب را ندارند.

ص: ۲۰۹

این گونه است که سیدالشهدا علیه السلام به مدت ۵ ماه از مدینه تا مکه و مکه تا کربلا هم خود و هم نامه ها و هم پیک ها و قاصد ها و هم یارانش سراسر فریاد اعتراض هستند، ولی این تبلیغات فراگیر در میان مواجهه سخت افزاری و نرم افزاری یزیدیان، مظلومانه، بی پاسخ می ماند.

۱۱. مدیریت توان مند سازی با عبادت و عبودیت

اشاره

۱۱. مدیریت توان مند سازی با عبادت و عبودیت

زیر فصل ها

پیش درآمد

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

موارد تکمیلی

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

قیام حسینی، سخت ترین و حساس ترین صحنه حق و باطل است. در مراحل بسیاری از این قیام، امام و خاندان و یارانش با هجوم بلاهای بسیار عظیم و پیاپی روبه رو بودند. این وضعیت به ویژه از روز هفتم محرم در کربلا شدت می گیرد و در روز عاشورا به نهایت خود می رسد و پس از عاشورا به مدت نزدیک به یک ماه امتداد می یابد.

بدیهی است تحمل مسئولیت و مأموریت سنگین، نیازمند صبر، تحمل و سعه صدر بسیار است ولی پرسش این است که این صبر و تحمل و سعه صدر در این قیام عظیم چگونه ایجاد شد و سپس حفظ و ارتقا یافت؟

به نظر می رسد بر اساس آیات قرآنی: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ...»، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، «قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْأَمُوا» و «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، تنها راه برای تقویت اراده و ارتقای روحیه ایمانی و بالا بردن میزان تحمل پذیری، عبادت و عبودیت است؛ چرا که هر چه میزان انس و ارتباط انسان با خداوند عظیم بیشتر شود، به فرموده سیدالشهدا علیه السلام، دیگر بر او آسان خواهد بود هر آنچه بر او بیارد (هون علی...).

از این منظر، مدیریت دینی و عبادی امام در طول نهضت و قیام هم برای خود و هم برای خاندانش و هم برای یارانش، الگویی جامع است حتی اقامت ۵ ماهه امام در مکه که پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه، طولانی ترین اقامت یک معصوم در مکه است، هرچند از روی اضطرار و ناچاری بود یا به جهت برخی اهداف سیاسی و اجتماعی و تبلیغی دیگر رخ داد، ولی نتیجه طبیعی آن، بهره مندی فراوان امام و یارانش از فضای معنوی و ملکوتی مسجدالحرام و کعبه شد.

نقطه اوج این بهره گیری معنوی، مهلت گیری برای عبادت در شب عاشوراست. این مهلت گیری برای خود امام و برای خاندانش به ویژه برای یارانش از جهت

توان مند سازی و ارتقای روحیه و کسب آمادگی برای بلاهای عظیم و تحمل دشواری های شهادت بسیار مفید و اثر گذار است.

این برنامه بعدها در کاروان اسارت به رهبری امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام برای حفظ روحیه اهل بیت امام نیز به اجرا گذاشته شد. حتی می توان گفت یکی از برکات قرآن خواندن سر بریده امام پیش روی کاروان اسارت توان افزایی اهل بیت در شرایط و لحظات بسیار سخت اسارت است.

عبادت و عبودیت امام وقتی با فطرت پاکی برخورد می کرد، باعث جذب او می شد، البته اگر اغراض دنیوی سد راه او نمی شد. امام در مکه به مدت ۵ ماه در مسجدالحرام نماز گزارد و در مسیر راه کربلا و در کربلا بسیاری نمازها و عبادت ها و عبودیت های امام را دیدند، ولی با غفلت و غرور از کنار تنها عبادتی گذشتند که یادآور عبادت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام بود حرّ از لحظه مواجهه با امام تا رسیدن به کربلا ۲ تا ۳ روز بیشتر با امام نبود، ولی در همین مدت، با رعایت ادب در تمام نمازهای جماعت امام شرکت کرد. وی برای اولین بار در عمر خود، تجربه عبادت واقعی را دید و همین عامل به شدت او را به هم ریخت تا آن گاه که صبح عاشورا دوری از امام را نتوانست تحمل کند و برای همیشه به او پیوست.

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و خاکستری

وضعیت عبادت ورزی در جبهه سیاه و خاکستری چنین بود:

دشمنان امام به دوری از عبادت و عبودیت شناخته می شدند و این امر باعث شقاوت و قساوت دشمنان امام شده بود؛ چرا که بیشتر لشکریان کوفه از اراذل و اوباش دین گریز کوفه بودند. آنها حتی در شب و ظهر عاشورا، عبادت و عبودیت امام را به تمسخر گرفتند. البته به فرموده امام سجاد علیه السلام، همه آنها ادعای مسلمانی هم داشتند و گاه نمازهای خود را به امامت ابن زیاد و عمر سعد می خواندند.

در جبهه خاکستری هم عبادت صوفیانه وجود داشت که جامعه و مسئولیت گریز بود. جلوه های این عبادت را به ویژه در شاگردان ابن مسعود در کوفه و عبادت تقلیدی و بدعت آمیز حاجیان و صحابه و تابعین در حجاز و مکه آن سال ها می توان دید.

ص: ۲۱۱

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مدیریت نیرومند سازی انگیزه ها و اراده ها، مرز بندی عبودیت خالصانه از عبادت های دیگر با نمایش آثار و بازتاب های عبودیت راستین، به چالش کشیدن نماها در قربان گاه کربلا و حضور تاریخی امام در مکه، مدیریت انسجام سازمانی و بهسازی نیروها بر اساس عبودیت، مدیریت شاداب سازی و سرزنده کردن نیروها در اوج هجوم ها با عبادت و عبودیت، پیوند و تعریف عبودیت با مسئولیت، نقش عبادت در تعدیل فشارهای روانی و نقش موازی و هم زمان عبادت راستین در تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. توانا سازی و خودشکوفایی و ارتقای روحیه و اراده یکی از اصول مدیریت (منابع انسانی) است. در مکتب حق که مبتنی بر آزادی و آگاهی و اختیارات است، این ارتقای روحیه چگونه انجام می شود؟ اصولاً سلوک عبادی افراد (اگر هماهنگ با سلوک عبادی ولی زمان باشد) چگونه باعث روحیه افزایی آنها می شود؟ چرا شاخصه و شخصیت یاران امام را به عبادت و عبودیت ستوده اند؟

۲. هدف مکتب حق، طراحی جامعه دینی بر محوریت ایمان آگاهانه و آزادانه است. عبادت و عبودیت چگونه باعث هم گرایی و هماهنگ سازی مؤمنان و ایجاد هویت مشترک بر محوریت عبودیت و عبادت معصوم (به عنوان برترین عبادت و عبودیت) می شود؟ چگونه جامعه ای همانند یاران امام بر محوریت عبودیت به هم گرایی می رسند؟

مهلت گیری امام برای عبادت در شب عاشورا همراه با یارانش، چه نقشی از جهت افزایش و تقویت این هم گرایی بین یارانش دارد؟

۳. عبادت و عبودیت چگونه به ارتقای روحیه آرامش بخشی و اطمینان در افراد منجر می شود؟ چه نسبتی بین عبادت راستین و افزایش بردباری انسان وجود دارد؟ عبودیت های عاشورایی چه در روز عاشورا و چه در مرحله اسارت چگونه باعث حفظ و تقویت روحیه ها در شرایط بسیار سخت می شود؟

۴. شیوه های توان مند سازی در جبهه باطل چگونه است؟ میزان اثر گذاری آنها تا چه اندازه است؟

ص: ۲۱۲

میان برنامه

میان برنامه

یک وحشت دشمن از جلوه های عبادی امام

اولین مواجهه لشکر کوفه با امام حسین، مواجهه حر بن یزید ریاحی با امام بود. او چون ناچار به همراهی با امام و کنترل کاروان امام بود، توفیق اجباری پیدا کرد تا چند روزی در کنار امام باشد. او وقتی شاهد برگزاری اولین نماز جماعت امام شد، شکوه و عظمت و جاذبه آن نماز چنان او را گرفت که در آن چند روز نه تنها خود، بلکه لشکریانش را هم ملزم کرد تا در نماز جماعت امام شرکت کنند.

پس از ورود هر دو لشکر به کربلا- و متوقف کردن امام در آنجا، وقتی عمر بن سعد به کربلا آمد و شکوه و معنویت نماز امام را دید، دستور جدایی لشکرها را صادر کرد تا مبادا کوفیان جذب نماز امام شوند. پس از آن، عمر سعد با اجرای برنامه هایی همانند بستن آب تلاش کرد به تضعیف روحیه امام و یارانش پردازد، ولی در این نقشه ناکام ماند. روز تاسوعا با آمدن شمر بن ذی الجوشن، کوفیان تصمیم به اجرای حمله ای سریع و غافل گیرانه داشتند، ولی امام از آنها یک شب مهلت برای عبادت خواست. این درخواست امام مدتی باعث کشمکش میان عمر سعد و فرماندهانش شد؛ چرا که آنها می ترسیدند امام و یارانش با یک شب عبادت روحیه بسیار بالایی کسب و تمام نقشه های آنها را خنثی کنند. سرانجام کوفیان با توجیه قدرت کمی بسیار بالای خود به امام مهلت دادند. وقتی در نیمه های شب، صدای مناجات از لشکرگاه امام به گوش نگهبانان شب لشکر کوفه رسید، آنها که تحمل شنیدن این نجواهای ملکوتی را نداشتند، شروع به تمسخر امام و قرآن خوانی ایشان کردند.

سرانجام وقتی در روز عاشورا، نبرد شروع شد، انتظار کوفیان، به شکست کشاندن سریع امام و یارانش بود به ویژه آنکه تعداد آنها بسیار اندک بود. پس از ناکامی های مکرر آنها نبرد تا ظهر طول می کشد و در میانه نبرد هم زمان با نماز ظهر، ناگهان با درخواست امام روبه رو شدند که برای نماز خواندن مهلت می خواست. دوباره بحرانی جدی در میان کوفیان ایجاد شد مبنی بر اینکه برای نماز به امام مهلت بدهند یا خیر.

همین تردید باعث کمتر شدن نسبی درگیری ها شد و امام در این فرصت تنها توانست دو رکعت نماز ظهر را به صورت نماز خوف به جا آورد. همین نماز چنان

ص: ۲۱۳

وحشت دشمن را به دنبال داشت که در میانه نماز، هتاک‌ها و هجوم‌های دشمن اوج گرفت تا آنجا که چند نفر از یاران امام در مقام تأمین امنیت ایشان برآمدند و به عنوان «شهدای نماز در کربلا» به شهادت رسیدند.

دو میزان روحیه بالای یاران امام

یاران امام، انسان‌هایی دارای خانواده و زندگی و مسائل و مشکلات روزمره بسیار بودند، درست همانند انسان‌های بسیاری که در زمانه آنها بودند. در بسیاری از مواقع، مشکلات آنها بیشتر بود؛ چون مَهر محبت علی بن ابی طالب بر پیشانی آنها خورده بود. از این رو، از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم بودند. با وجود این، وقتی صدای یاری خواهی امام به آنها رسید، با آگاهی از سختی‌های پیوستن به امام، آن را به جان خریدند و خود را به امام رساندند. آنها در مدتی که با امام بودند، با تشویق‌ها و تهدیدهای فراوانی از سوی دشمن برای جدایی از امام مواجه شوند. از سوی دیگر، امام در جدی‌ترین تلاش در شب عاشورا، از آنها خواست او را ترک کنند، ولی آنها با اصرار و خواهش و ابراز ارادت قلبی ویژه از امام خواستند آنها را به یاری و یآوری خود بپذیرد و امام چنین کرد.

آنها گاهی نیز با اخبار ناگواری مواجه می‌شدند؛ همانند محمد بن بشیر که کوفیان در شب عاشورا، خیر اسارت یکی از پسرانش را در منطقه دیلم به او دادند. خاندانش با اصرار از او خواستند از امام جدا شود و برای آزادی پسرش اقدامی کند، ولی او حاضر نشد برای لحظه‌ای امام را تنها گذارد (در نهایت، امام اموالی را به پیک کوفی داد تا از طرف محمد بن بشیر برای آزادی فرزندش هزینه کنند). این گونه بود که یاران حسین با او ماندن تا این توفیق را بیابند که در شب عاشورا، هم نوا و هم راز مناجات‌ها و عبادت‌ها و عبودیت‌های او شوند.

بازتاب این عبادت و عبودیت از یک سو به فرموده امام صادق علیه السلام، رفع حجاب‌ها از چشمان آنها و دیدن مکان‌های بهشتی‌شان در شب عاشورا بود. از سوی دیگر، تقویت روحیه آنها در روز عاشورا بود، به گونه‌ای که به نوشته برخی منابع، کوفیان در روز عاشورا برای اینکه باعث ریزش نیروها از اطراف امام شوند، تلاش کردند به صورت پیوسته به آنها پیشنهاد امان یا اموال بدهند، ولی آنها نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند حسین بن

ص: ۲۱۴

علی کشته شود، در حالی که چشمان ما آن را ببیند. در این صورت، در پیشگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما هیچ عذری نخواهد بود.

همین رفتار آنها در برابر پیشنهاد امان یا مال یزیدیان باعث روحیه بسیار بالای آنها شده بود، به گونه‌ای که لشکر کوفه برای کشتن و به شهادت رساندن تک تک آنها دچار زحمت‌ها و تلفات فراوان شد.

عمرو بن حجاج از فرماندهان کوفی به لشکریانش می‌گفت: «آنها (یاران حسین) از جنگ جویان شهر (کوفه) هستند؛ کسانی که آرزوی مرگ می‌کنند. پس کسی از شما به تنهایی مقابل آنها نرود».

۱۲. مدیریت بهره‌وری و فرصت‌سازی در شرایط بحرانی

اشاره

۱۲. مدیریت بهره‌وری و فرصت‌سازی در شرایط بحرانی

زیر فصل‌ها

پیش درآمد

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری

پرسش‌های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

وقتی ابن زیاد از روز هفتم محرم مطمئن شد که دیگر نیرو و یاور مهمی از کوفه و دیگر مناطق عراق به یاری امام نخواهد رسید، دستور بستن آب بر امام را داد. از روز نهم محرم نیز دستور محاصره کامل قرارگاه امام صادر شد. وی انتظار داشت عمرین سعد با انبوه لشکریانی که داشت و آمارشان به ۳۰ هزار نفر می‌رسید، به راحتی نبرد را به پایان ببرد. اگر حداکثر یاران امام هم ۱۰۰ نفر بودند، نسبت یک سیصدم بین لشکریان دو طرف برقرار بود.

امام هم می‌دانست که روز عاشورا، روز شهادت است، ولی به این معنا نبود که با یک نبرد ضعیف و انفعالی، خود را به کشتن دهد. چون هدف امام، روشنگری درباره چهره کریه جامعه یزید برای تاریخ بود، باید به گونه‌ای عمل می‌کرد که از یک سو، مظلومیت، غربت، شهامت و شجاعت جبهه حق روشن گردد و از سویی دیگر، رذالت، خباثت و پستی جبهه باطل آشکار شود. از

این رو، امام با برنامه ریزی و سازمان دهی نیروها و بهره‌وری از امکانات حداقلی خود و متکی بر کیفیت معنوی و معنایی جبهه حق سعی می‌کند به کمک بهره‌وری حداکثری از نیروها و امکانات و منابع موجود به فرصت‌سازی پردازد. آن‌گاه با در اختیار گرفتن ابتکار عمل در جنگی متعارف و شرافتمندانه، اما کاملاً نابرابر، دشمن را به استیصال بکشاند.

جلوه‌هایی از مدیریت بهره‌وری و فرصت‌سازی امام در حوزه منابع انسانی و امکانات موجود چنین است:

۱. امام تا ورود به کربلا، آزادانه، اجازه ریزش نیروها را می‌دهد تا هر آن کس که با اهداف و برنامه‌هایش ناهمگون است، برود و یاران امام با وجود تفاوت سن و نژاد و طبقه اجتماعی از جهت هدف و اعتقاد، یک دست و هماهنگ شوند.

۲. امام در برابر ماجرای محاصره آب، منفعل ننشست و با شکستن محاصره دشمن، قدرت ایمانی و رزمی و شجاعت یاران اندکش را در برابر انبوه لشکر دشمن به نمایش گذارد.

۳. امام در شب عاشورا، ترکیبی از برنامه‌های فیزیکی و رزمی و برنامه‌های عبادی را با استفاده از تاریکی شب و به سرعت انجام می‌دهد تا ضمن ارتقای روحیه یاران در روز عاشورا، مدیریت صحنه نبرد در اختیار خودش باشد (این اقدامات عبارت بودند از: حفر خندق و پرکردن آن از هیزم و نزدیک ساختن چادرها. بازتاب این اقدامات، تبدیل قرارگاه امام به دژ صحرایی کوچک بود که از حملات از سمت پشت یا طرفین در امان است و دشمن را ناچار به حمله فقط از روبه‌رو می‌کند).

۴. امام در صبح عاشورا با اقدامات تاکتیکی لازم، نیروهایش را در دو مرحله به پایداری ویژه فرا می‌خواند، یکی، هنگام تیرباران آغازین است و دیگر، زمان حمله اول دشمن که حمله‌ای عمومی است. دشمن با انجام این دو اقدام، قصد وارد کردن تلفات سنگین بر یاران امام را دارد، ولی نتیجه اقدام اول، تنها زخمی شدن سطحی برخی از یاران امام و نتیجه اقدام دوم، شهادت افرادی کمتر از انگشتان یک دست است. در برابر، با رشادت یاران امام، نقشه دشمن برای انجام حملات گسترده عمومی و پیاپی ناکام می‌ماند. پس از ساعتی از گذشتن زمان نبرد، وقتی دشمن در تمام نقشه‌هایش (حمله همه‌جانبه از همه طرف، تیراندازی گسترده، حمله متمرکز و گسترده از روبه‌رو) ناکام می‌ماند، ناچار به نقشه امام تن می‌دهد که همان روش جنگاوری تک‌به‌تک و فردی آن‌هم با پیشگامی یاران امام است.

این‌گونه است که در روز عاشورا هرگاه دشمن با مجموعه‌ای از رشادت‌های یاران امام روبه‌رو می‌شود، از سر درماندگی، دست به جنایت می‌زند، همانند اینکه اولین اقدام برای آتش زدن خیمه‌های امام را در همان صبح عاشورا انجام می‌دهد یا اینکه تا یکی از یاران امام به شهادت می‌رسد، پیکر مطهر او را مثله می‌کنند.

ص: ۲۱۶

در نهایت، ابتکار عمل حداقل در صبح عاشورا کاملاً به دست امام می‌افتد. امام با انجام دادن این برنامه‌ها که منجر به طولانی شدن زمان نبرد تا عصر عاشورا می‌شود، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

اتمام حجت‌های پیاپی در فرصت‌های مناسب؛

به نمایش گذاشتن استعدادها و ظرفیت‌های یارانش؛

به نمایش گذاشتن چهره باطنی دشمن؛

نمایش عمق مظلومیت و غربت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی پس از نیم قرن از رحلت پیامبر؛

آفرینش حماسه‌ای بی سابقه در تاریخ که هیچ‌گاه فراموش‌شدنی نباشد.

روش امام در رسیدن به این اهداف، استفاده از بهره‌وری و فرصت‌سازی است: امام با ارتقای بهره‌وری نیروها و یاورانش و با طراحی مناسب قرارگاه و خیمه‌گاه خود، فرصت زمانی لازم و ابتکار عمل را در روز عاشورا به دست می‌آورد و دشمن را اسیر طرح‌های خود می‌کند. ایشان با استفاده از فرصت به دست آمده، تبلیغات مناسبی انجام می‌دهد که باعث آشفتگی روحی و روانی دشمن می‌شود، به گونه‌ای که آنها یا باید به حق می‌پیوستند یا چهره واقعی خود را آشکار می‌کردند. این‌گونه، در کربلا، مظلوم‌ترین و برحق‌ترین اقلیت، چهره باطنی و پلید اکثریت یزیدی را رسوا می‌کند.

موارد دیگر

مدیریت بحران، مدیریت شرایط اضطراری و خطرپذیری؛

شناسایی و شکار فرصت‌ها، فرصت‌سازی، فرصت‌سوزی و گرفتن ابتکار عمل و حفظ آن؛

خلاقیت و ابتکار در اوج بحران‌ها و هجوم‌ها؛

مدیریت به اوج رسانی مهارت‌ها و توانایی‌ها در بحران‌ها؛

تاکتیک‌های غافل‌گیرکننده برای فرصت‌سازی؛

پیش‌بینی و مدیریت خطرهای احتمالی یا نقشه‌های احتمالی دشمن؛

کنترل رفتار دشمن و زمین‌گیر کردن دشمن و به انفعال کشیدن او.

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری

جبهه باطل در طول تاریخ، جبهه اتکا به کمیت و اکثریت است. در این اکثریت چون از معنویت و کیفیت باطنی راستین نشانی نیست، بسیاری از استعدادها و توان مندی های انسانی مغفول می ماند. از سوی دیگر، تخصیص یافتن نعمت ها در مسیر باطل، آرامش و رضایت مندی را برای انسان به همراه ندارد. جبهه خاکستری نیز در فرصت سوزی و تعطیلی استعدادها و امکانات مهارت فراوانی دارد.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. چرا از منظر تربیت و سلوک و زندگی دینی، شکست و بن بست و تسلیم در زندگی هیچ گاه معنا ندارد و حتی در اوج هجوم ها و بحران ها می توان با اتکا به نظام مدیریتی ترکیبی معنوی دنیوی دارای برنامه و راه حل بود؟ در تجربه امامان به ویژه در تجربه عاشورا چگونه سعی شده است برای شرایط بحرانی و اوج هجوم ها، راه و روش مناسب به جامعه شیعه ارائه شود؟ بر اساس مدیریت بحران در شیوه دینی / عاشورایی چگونه کیفیت جایگزین کمیت می شود و حتی از آن هم جلو می زند؟ آیا می توان ادعا کرد که بهره وری کامل و جامع و بلوغ استعدادها تنها در پناه مدیریت دینی صورت می گیرد؟

۲. مدیریت بهره وری و فرصت سازی (بر مبنای اصول دینی) با استفاده از مثال ها و نمونه های عاشورایی چیست و چه دست آوردهایی دارد؟ چگونه در شرایط بحرانی می تواند دست مایه حق باوران شود؟ با این روش، چگونه اقلیت بر حق حداقل می تواند ارزش های خود را به رخ اکثریت باطل بکشانند و با استفاده از قدرت ها و قوت های معنوی خود، اکثریت کمی باطل را زمین گیر کند؟ سیدالشهدا علیه السلام چگونه در شب و روز عاشورا با مدیریت بهره وری و فرصت سازی از حداقل های موجود، ابتکار عمل را در صحنه نبرد کربلا در اختیار گرفت؟

۳. مدیریت بهره وری و فرصت سازی با کمک ابزارهای معنوی و فیزیکی چگونه باعث خنثی سازی و به انفعال کشیدن دشمن می شود؟ انفعال و درماندگی عاشورایی یزیدیان در کربلا چگونه باعث رسوایی های تاریخی آنها شد؟

ص: ۲۱۸

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

میان برنامه

میان برنامه

یک مدیریت روحیه افزایی امام نسبت به یارانش در شب عاشورا

عمر بن سعد در عصر روز نهم محرم سال ۶۱ ه. ق به لشکر کوفه دستور داد با محاصره کردن و آغاز جنگ همه جانبه، کار حسین بن علی و یارانش را در کمترین زمان ممکن تمام کنند. امام از آنها درخواست کرد که شب عاشورا را به او و یارانش مهلت بدهند. کوفیان به سختی و پس از کشمکش درونی بین خود، سرانجام تنها به این دلیل با این تصمیم موافقت کردند که چون امام در محاصره و در ضعف است، اعطای مهلت به او

ص: ۲۱۹

زیان ندارد. امام پس از عقب نشینی موقت دشمن در آستانه مغرب، یارانش را گرد خود فرا خواند و از آنها خواست او را تنها بگذارند و جان خود را نجات دهند. پس از ابراز موافقت همگی آنها و پس از اقامه نماز مغرب و عشا، امام و یارانش ابتدا چند تاکتیک جنگی را در لشکرگاه خود انجام دادند. آنها ابتدا خیمه‌ها را کنار همدیگر نصب کردند و طناب آنها را بین همدیگر چنان بستند تا راه نفوذ از بین خیمه‌ها وجود نداشته باشد. آن گاه پشت خیمه گاه، خندقی در زمین‌های شنی بیابان کردند و آن را از خار و خاشاک بیابان پُر کردند تا سپر حفاظتی خیمه گاه باشد و مانع حمله دشمن از پشت سر گردد. سپس امام و یارانش سراسر شب را به عبادت، نماز، قرآن، دعا و شب زنده داری پرداختند، به گونه‌ای که صدای مناجات و تلاوت آنها همانند صدای کندوی زنبور به لشکریان کوفه می‌رسید.

چون سحرگاه شد، امام به یارانش دستور داد در خیمه‌ای مخصوص به نظافت و غسل پردازند تا با طهارت کامل به استقبال شهادت بروند. آن گاه پس از نماز صبح که به جماعت و امامت امام برگزار شد، برای آخرین مرتبه برای یارانش خطبه خواند. در نهایت به آنها فرمود برخیزید و صفوف خود را مرتب کنید و آماده شهادت شوید.

دو فرصت سازی امام برای مدیریت تبلیغی در صبح عاشورا

امام حسین علیه السلام برای صبح عاشورا قصد اتمام حجت کامل و جامعی را داشت تا بعدها برای کوفیان یا تاریخ، شک و شبهه‌ای در حقانیت امام و بطلان یزید و یزیدیان نباشد. مشکل آنجا بود که صبح عاشورا، لشکر کوفه قصد انجام حمله همه جانبه و سریعی را بدون آمادگی شنیدن حتی یک کلمه از سخنان امام داشت.

صبح عاشورا، لشکر دشمن پس از اولین تیری که عمر بن سعد به سوی لشکر امام انداخت، حمله همه جانبه خود را از همه سو آغاز می‌کند، ولی وقتی به قرارگاه امام نزدیک می‌شوند و آرایش نظامی جدید و برنامه ریزی شده امام را می‌بینند، مبهوت و متحیر می‌شوند. به ویژه خندق آتش در پشت و اطراف خیمه گاه باعث شوکه شدن و زمین گیر شدن کامل آنها می‌شود. در این زمان، اول شمربن ذی الجوشن و سپس عبدالله بن ارجوزه با شدت بیشتری شروع به هتاک و جسارت به امام می‌کنند. سخنان ابن ارجوزه، امام را به گونه‌ای ناراحت می‌کند که با نفرین امام و رم کردن اسب، این

ص: ۲۲۰

ارجوزه به هلاکت می‌رسد. با این کار، لشکر کوفه در بهت و شوک بیشتری فرو می‌رود. در این زمان که عمده لشکر کوفه هم روبه روی امام قرار می‌گیرند تا آرایش جدید پیدا کنند، امام، فرصت مناسب و کافی برای اتمام حجت کردن پیدا می‌کند. امام و برخی از یارانش در ساعتی از صبح به سخنرانی‌های کوتاهی می‌پردازد.

ترتیب خطبه‌ها و سخنرانی‌ها چنین است:

اولین سخنرانی: سخنرانی آغازین را بُریر بن خضیر همدانی، معلم قرآن قبیله همدان در کوفه و از شخصیت‌های محترم و شناخته شده در کوفه انجام داد. او ضمن معرفی امام به کوفیان، قصد داشت تصمیم‌نهایی کوفیان را از خودشان بشنود. آنها گفتند که قصد جنگ با امام را دارند.

دومین سخنرانی: سخنرانی اول امام با کوفیان است. در این سخنرانی، امام خود را به طور مفصل معرفی می‌کند و برخی از نامه‌های اشراف را در فراخواندن امام به آنها نشان می‌دهد، ولی آنها نامه‌ها را انکار می‌کنند.

سومین سخنرانی: سخنرانی زهیر بن قین است. او از کوفیان محترم و بی‌طرف بود که به امام پیوست. او دلیل پیوستن خود را مقایسه خط اهل بیت با خط یزید و والیان او از جهت سیاسی و اجتماعی می‌داند و از کوفیان می‌خواهد با مثل این اندیشه‌ها به حق پیوندند، ولی کوفیان، او را مسخره می‌کنند.

چهارمین سخنرانی: سخنرانی دوم امام بود. امام در این سخنرانی تند و هشدار دهنده، علت گمراهی کوفیان را دنیا پرستی و حرام خواری می‌داند و آنها را از آینده شومشان هشدار می‌دهد و در نهایت، آنها را نفرین می‌کند. سپس عمر بن سعد را خطاب قرار می‌دهد و آینده او را پیش‌بینی می‌کند.

پنجمین سخنرانی: سخنرانی حرّ بن یزید ریاحی است. او که در بازتاب سخنان امام پشیمان شده است، پیش روی دو لشکر به امام می‌پیوندد. وقتی توبه‌اش نزد امام قبول می‌شود، از امام اجازه می‌خواهد با کوفیان سخن بگوید. این گونه آخرین خطبه و سخنرانی را قبل از شروع نبرد انجام می‌دهد.

این گونه، امام با برنامه ریزی حساب شده، فرصت و زمان کافی را برای سخنرانی به دست می‌آورد. آن گاه خود و ترکیبی از یاران کوفی و شناخته شده، خطابه و اتمام حجت جامعی انجام می‌دهند تا گواهی برای کوفیان و تاریخ باشد.

ص: ۲۲۱

۱۳. اصالت و جایگاه خانواده در مدیریت اسلامی

اشاره

۱۳. اصالت و جایگاه خانواده در مدیریت اسلامی

زیر فصل ها

پیش درآمد

بانوان جبهه سیاه و خاکستری

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

اسلام بر خلاف اصالت فردگرایی غربی و اصالت جامعه گرایی شرقی کمونیستی، قائل به اصالت خانواده است. خانواده یعنی رابطه بین زن و مرد که در آن، نقش های هر دو، بر اساس دین، تعریف و تقسیم شده است. بر اساس این نقش، زن، نقش محوری را در خانه و خانواده دارد، ولی در عین حال زنی، دانشمند، عاقله، شجاع، دارای قدرت سخنوری و آگاه به مسائل سیاسی و اجتماعی است، درست همانند بانوان حرم حسینی از حضرت زینب علیها السلام گرفته (که عاقله و عالمه بود) تا دخترانی همانند سکینه بنت الحسین.

البته بانوان بر اساس این نقش تعریف شده تا حضور کفایی مردان هست، حضور اجتماعی با هدف نمایش و فعالیت مستقیم سیاسی یا خطابی ندارند، ولی آن گاه که نیاز باشد، با اتکا به تمام مهارت ها و توان مندی هایی که دارند، همانند مردان و با رعایت حریم ها و مرزها به پرچمداری حق و پاسداری از آن خواهند پرداخت.

در مدیریت حسینی، شاخصه بانوان حرم ایشان و سرّ همراهی آنها چنین است:

رشد و کمال بخشی دینی، اخلاقی، علمی و فرهنگی بانوان و دختران؛

تعریف کارکرد و نقش الگویی بانوان حرم برای همه بانوان مسلمان؛

قدرت و قوت و آمادگی بانوان حرم برای همراهی با امام در شرایط و مأموریت سخت و دشوار (امام در خطبه ای که در اولین

دیدارش با حرّ می خواند، می فرماید: «وَأَهْلِي مَعِ أَهْلِكُمْ» به این معنا که من، خاندان خود را با خود آورده ام تا در حوادث نیک و بد و سرد و گرم روزگار، همراه خانواده های شما باشند و نگویند امام خود تنها به کوفه آمد و باعث زحمت ما و خانواده های ما شد، در حالی که خانواده خودش در آسایش بودند؛

آماده سازی بانوان حرم برای مرحله اسارت.

با این نگاه، سیدالشهدا علیه السلام همان گونه که در ۱۰ سال دوران امامت خود به تربیت جوانان بنی هاشم پرداخته، تربیت بانوان، همسران و دختران بنی هاشم را در همین سال ها در نظر داشت.

ص: ۲۲۲

البته در یک مدیریت حساب شده، این بانوان با اینکه با امام در راه کربلا و در کربلا همراه می شوند، ولی نه بیهوده در جمع نامحرمان حاضر می شوند و نه با بی صبری و کم تحملی، سد راه امام هستند و نه دنبال آرزوها و خواسته های خرد و دنیوی صرف هستند. آنها با درک تمام مسئولیت ها و شرایط و سختی ها سعی می کنند در هر لحظه و در اندازه توان خود، یاور امام باشند.

رعایت ادب، حرمت ها، نظم و انضباط، از سوی آنها در کربلا تا بدان حد است که در بعد از ظهر عاشورا و اوج به شهادت رسیدن امام و بنی هاشم، با عمل به دستور امام، همگی تحت فرمان حضرت زینب علیها السلام هستند. در صحنه های نبرد بنی هاشم جز حضرت زینب علیها السلام، بقیه بانوان حرم بیهوده از خیام بیرون نمی آیند و نامحرمان آنها را نمی بینند و مرثیه سرایی آنها هم در هر جا و بی نظم و دست و پا گیر نیست. در دوران اسارت هم رسالت بسیار مهم و سنگین پیام رسانی در سایه اقتدار ظاهری دشمن به عهده آنهاست.

در حقیقت، سیدالشهدا علیه السلام با یک تقسیم کار حساب شده تا آن مرحله از قیام را که مرحله خون و رزم و مبارزه فیزیکی است، خود به عهده می گیرد. آن مرحله از قیام را نیز که مرحله پیام رسانی در سخت ترین مرحله تاریخ و همراه با خفقان و دیکتاتوری شدید است، به حضرت زینب علیها السلام و بانوان حرم واگذار می کند تا آنان همانند مرحله اول قیام که ترکیبی از مظلومیت و عاطفه (بیان عاطفی) را می طلبد، این پیام رسانی را انجام دهند.

انجام همین پیام رسانی عاطفی استدلالی هم باید با رعایت تمامی حریم ها و عفاف ها در عین دارایی ها از علم و فصاحت بیان می شد. از این رو، تمامی حضورهای حرم حسینی در جامعه یا قصرها همراه با هیبت و وقار و ابهت است به گونه ای که در نهایت، باعث درماندگی دشمن می شود.

بانوان جبهه سیاه و خاکستری

بانوان جبهه سیاه و خاکستری

بانوانی هستند با گرایش عمومی جهالت و بی سواد، شخصیت نقش دوم در جامعه و آکنده از غفلت ها و دل بستگی های دنیوی که خود، عاملی مهم برای گمراهی یا قعود و سکوت مردان زندگی شان شده اند.

ص: ۲۲۳

بازتاب فاجعه عاشورا بر بانوان اهل بیت علیهم السلام

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. خاندان سیدالشهدا علیه السلام قرار بود نقشی تاریخی را ایفا کنند. آنها برای رسیدن به اوج آمادگی برای این امر مهم چه برنامه های تربیتی و علمی و دینی را داشتند؟

آیا سیدالشهدا علیه السلام همانند تربیت جوانان بنی هاشم در دوران ۱۰ ساله خانه نشینی، برنامه ای هم برای رشد و تربیت اهل حرم خود و بانوان بنی هاشم داشت؟

گوشه ای از شخصیت حضرت زینب علیها السلام و دیگر بانوان حرم حسینی را که بیانگر شخصیت رشدیافته آنها باشد، توصیف کنید. با نگاهی به این برنامه تربیتی و جلوه های شخصیتی، برنامه های تربیتی مناسب بانوان و دختران مسلمان چگونه باید باشد؟

۲. سرّ همراهی اهل حرم با امام در طول نهضت چه بود؟ دلیل این همراهی تا قبل از اسارت چه بود؟ کارکرد های تربیتی و الگویی و اتمام حجتی این همراهی را تا قبل از اسارت بیان فرمایید؟

۳. مسئله اسارت حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یکی از سنگین ترین مصایب تاریخ اهل بیت است، ولی آنها از این امتحان سربلند بیرون آمدند. شیوه مدیریتی آنها در حضور اجتماعی یا مدیریت تبلیغی چگونه بود که باعث جمع بین ارزش های دینی و ایفای آن رسالت تاریخی شد؟ سیره حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت چگونه بعدها الگوی بانوان اهل بیت و امامان شد؟

ص: ۲۲۴

میان برنامه

میان برنامه

یک جلوه های مدیریتی حضرت زینب علیها السلام

در طول قیام سیدالشهدا علیه السلام، نام حضرت زینب با ورود به صحرای کربلا به تدریج به چشم می آید به گونه ای که هر چه به شب و روز عاشورا نزدیک می شویم، این نقش پررنگ تر می شود. در عصر تاسوعا و شب عاشورا، نام ایشان کاملاً پررنگ می شود، ولی در روز عاشورا از صبح تا بعد از ظهر تا آن گاه که یاران امام زنده اند، هیچ حضوری از ایشان به ثبت نمی رسد. وقتی نوبت حماسه آفرینی اولین شهید بنی هاشم، علی بن الحسین فرا می رسد، ناگهان حضور زینب علیها السلام در کنار امام با هدف مدیریت عاطفی و تسلی بخشی به امام پررنگ می شود و او یک پای ماجرای شهادت بیشتر جوانان و کودکان بنی هاشم است. در شهادت علی اکبر، قاسم بن الحسن، عبدالله رضیع فرزند امام حسین، عبدالله بن الحسن، حضوری پررنگ دارد. در مرحله رزم و شهادت برادرش، امام حسین علیه السلام، تمام بانوان حرم با پذیرش جایگاه مدیریتی ایشان در خیمه ها می مانند و تنها حضرت زینب علیها السلام، رابط بین برادر و خیمه هاست و تنها اوست که صبورانه و اشکبار، ولی استوار، ناظر رویداد شهادت سیدالشهدا علیه السلام است.

با شهادت برادر و آغاز هجوم دشمن، او هم زمان مسئولیت مراقبت از بانوان حرم، محافظت از امام سجاد علیه السلام و مواجهه با فرماندهان دشمن را بر عهده دارد. شب یازدهم محرم سال ۶۱ ه.ق، سخت ترین شب زندگانی اوست. روز یازدهم، روز وداع با پیکر شهدا از شب یازدهم هم سخت تر است. بسیار سخت تر از آن نیز زمان ورود به کوفه، پایتخت دوران خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن هم در وضعیت اسارت و در کنار سر بریده برادر است. زینب در اولین لحظه ورودش به کوفه وقتی در جمع کوفیان قرار می گیرد و اولین خطابه اش را ایراد می کند، صدای علوی گونه اش ناگهان باعث متأثر شدن کوفیان و راه افتادن فریاد گریه ها و جاری شدن اشک ها می شود.

به دنبال آن، حضور با هیبت زینب در برابر ابن زیاد و گفت و گوی محکم و شجاعانه اش با او باعث خواری و خفت ابن زیاد می شود. این حضور کوتاه مدت، اما به شدت اثر گذار زینب در شهر و قصر دارالاماره کوفه باعث ارسال سریع کاروان اسارت به دمشق می شود. بازتاب حضور آنها در دمشق به فاصله کوتاه، تبدیل آن شهر و حتی قصر یزید به ماتم سرایی برای سیدالشهدا علیه السلام است. البته در دمشق و در برابر یزید، وقتی

ص: ۲۲۵

شرایط به طور نسبی آماده می شود، او عرصه خطابه و بیان و رسالت انتقال پیام را به ولیّ زمانش، حضرت زین العابدین علیه السلام واگذار می کند و این گونه است که در شام، شاهد اولین و آخرین خطبه مفصل امام سجاد علیه السلام در دوران اسارت هستیم؛ خطبه ای که حضرت زینب علیها السلام، زمینه ساز آن بود.

دو بازتاب نقش خاکستری بانوان در جامعه یزیدی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی مدینه‌النبی را پایه گذاری کرد، کوشید به طراحی الگوی جامع و کامل یک خانواده اسلامی در قالب ازدواج و زندگانی حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام بپردازد. در این خانه و خانواده، با اینکه نقش ها از همدیگر تفکیک شده بود، از جهت شخصیتی و ظرفیت های رشد و تعالی، فرصت ها برای زن و مرد برابر بود. مدیر خانه، بانویی بود دانشمند، دارای مهارت های بیانی و علمی و مدیریتی، پرهیزکار و دارای حضور اجتماعی مناسب همراه با حیا و حجاب و عفاف. این بانوان گه گاه در حادثه ای همانند ماجرای مباحله، پیش روی دوست و دشمن، به معیار و ملاک حقانیت تبدیل می شدند یا با حضور و سخنرانی منحصر به فرد خود تاریخ ساز شدند یا مدیریت پشت جبهه جنگ به عهده آنها بود.

پس از رحلت پیامبر اکرم علیه السلام و بازگشت تدریجی ارزش های جاهلی در دوران خلافت خلفا، اگر چه زنان گاهی در صحنه فتوحات نقشی داشتند، برای رشد و تعالی معنوی اخلاقی و به ویژه علمی و دینی زنان، طرح و برنامه ای ایجاد نشد. آن گاه که نظام شهری مثل کوفه و بصره ایجاد شد، زن کوفی و یا زن بصری، زنی بود که غالباً دنیایش در محدوده خانه اش می گذشت و تمام تلاش او تشویق همسران دنیازده برای تحصیل رفاه بیشتر بود. در آستانه قیام سیدالشهدا علیه السلام، نه در مدینه، نه در مکه و نه حتی در بصره و کوفه، زنانی نبودند که از جهت علمی و دینی یا اجتماعی بتوان آنها را شایسته توجه دانست. حجاز، شاهد انبوه زنانی است که همانند مردمان خود، ساکت و بی اعتنا از کنار تحولات جاری می گذشتند. در کوفه هم اگر در دوره ای، مردان تحت تأثیر هیجانات اجتماعی یا سخنرانی ها قرار می گیرند، گه گاه بی تدبیری و بی بصیرتی این زنان به حدی می رسد که آنها از یک سو، همسرانشان را تشویق می کنند به جنگ امام برونند تا به غنیمت برسند با

ص: ۲۲۶

اینکه می دانستند هم امام و هم یارانش اگر چه اندک هستند، ولی در اوج شجاعت و مهارت رزمی قرار دارند.

این گونه است که در جامعه یزیدی، زن به عنصری درجه دوم و مکمل دنیا پرستی مردان تبدیل می شود و سدّ راه او در مسیر خیر و سعادت قرار می گیرد تا عاملی باشد برای توسعه فرهنگ منحط سکوت و بی اعتنایی و همراهی با باطل در جامعه یزیدی.

۱۴. مدیریت فرهنگی و فرهنگ سازی (به مناسبت شهادت امام سجاد علیه السلام)

اشاره

۱۴. مدیریت فرهنگی و فرهنگ سازی (به مناسبت شهادت امام سجاد علیه السلام)

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

در جامعه سیاه

پرسش های سه گانه

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

پس از رخداد عاشورا، طرح کلی اهل بیت، پی ریزی جامعه ای ویژه و متمایز بر اساس ارزش های عاشورایی بود. در مسیر تحقق این هدف و ایجاد جامعه ای که با دیگر مسلمانانی که حاضر به پذیرش جامعه اموی هستند، متفاوت باشد؛ مدیریت فرهنگی جایگاهی ویژه می یابد. از این رو برای اینکه به موازات جامعه اسلامی گمراه شده، جامعه ای جدید و همیشگی برای حق ایجاد شود، جامعه ای که مبتنی بر آزادی و آگاهی و انتخاب آزاد افراد باشد؛ فرهنگ جایگاه ویژه پیدا می کند. فرهنگ در مکتب حق یعنی توجه به ابعاد عاطفی انسانی و تلاش برای طراحی آداب و رسوم که جامع احساس و عقلانیت باشد؛ آداب و رسوم که در متن زندگی روزمره جاری و ساری باشد و بتواند با سامان دهی عواطف و احساسات باعث زنده نگه داشتن مجموعه ای از ارزش ها شود. با این نگاه، امام سجاد علیه السلام پس از عاشورا در تاریخ تشیع جایگاه ویژه ای دارد. بر این اساس، جامعه شیعه در مدینه‌النبی و صحابه علوی پیامبر اکرم علیه السلام ریشه دارد، ولی بازسازی هویتی و فرهنگی آن را امام سجاد علیه السلام انجام می دهد. امام سجاد علیه السلام با تلاش برای احیا و باز سازی، با تمرکز بر عاشورا و ارزش های آن در زمینه ایجاد جاذبه برای

فطرت های پاک و تمرکز بخشی اجتماعی مجدد آنها بر محوریت ابعاد عاطفی و ارزشی عاشورا می کوشد.

از این رو، امام به مدت ۲۰ سال ضمن تمرکز و تأکید بر حادثه عاشورا آن هم از منظر عاطفی و احساسی به انسجام بخشی فرهنگی مجدد شیعه و ایجاد هویت مستقل و ایجاد شیوه زندگی جدید برای آنها می پردازد. این گونه است که شیعه بعد از عاشورا دارای چنان ظرفیت های فرهنگی و عاطفی نیرومندی در جهان اسلام می شود که استغنا،

ص: ۲۲۷

و استقلال، پویایی و نشاط و سرزندگی آن منحصر به فرد است بر خلاف دیگر فرقه‌های اسلامی که دچار ایستایی، روزمره‌گی و رکود و سکون فرهنگی و اجتماعی شدند از آن زمان، عاشورا به یکی از ارکان هویت فرهنگی جامعه شیعه تبدیل می‌شود و باعث می‌گردد جاذبه‌ای فطری و عاطفی برای تشیع ایجاد شود که همواره باعث جذب انسان‌های حق‌طلب به سوی آن شود و تشیع در مسیر تاریخ، همیشه روندی روبه‌رشد داشته باشد.

از این منظر، مدیریت فرهنگی یعنی ترکیب احساسات و عواطف با عقلانیت و دین‌ورزی بر اساس دین حق به گونه‌ای که بر اساس آن، آداب و رسوم و عرف اجتماعی تولید شود تا روحیه نشاط را در جامعه بدمد. این همه در جامعه شیعه، در عاشورا ریشه دارد؛ عاشورایی که ترکیبی از مظلومیت و عاطفه و ایثار و حماسه و شهادت و اسارت در عین آزادگی است.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

پویایی فرهنگی و نوسازی فرهنگی در برابر ایستایی فرهنگی؛

مهارت تفکر استراتژیک فرهنگی، بازسازی فرهنگی، پاسداری فرهنگی و فرآیند فرهنگ‌سازی؛

مهارت انسجام‌سازی فرهنگی؛

تلاش برای عمق‌بخشی به ارزش‌های فرهنگی بر اساس تهییج عواطف و احساسات مقدس و پاک.

در جامعه سیاه

در جامعه سیاه

از ویژگی‌های جوامع باطل دینی در بلندمدت، گرفتار شدن آنها در ایستایی و رکود و سکون فرهنگی است و این به دلیل رویکرد گذشته‌گرایی و توقف آنها در سلف است. سلفی‌گرایی باعث ایستایی و تحجر و حتی عقب‌ماندگی فرهنگی در آنها می‌شود، به گونه‌ای که در بلندمدت برای حفظ نشاط فرهنگی در جوامع دینی اسلامی به دلیل ناکارآمدی فرهنگ اسلامی، به تدریج، این فرهنگ دچار التقاط یا تهاجم فرهنگی می‌شود.

ص: ۲۲۸

گاه شمار زندگانی امام در دوران اسارت (از کربلا تا مدینه)

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

پرسش های سه گانه

پرسش های سه گانه

۱. چرا عاشورا یکی از رمز های هویتی و فرهنگی شیعه است؟ مگر تشیع قبل و بعد از عاشورا چه تفاوتی با هم دارد؟ اصولاً نقش فرهنگ در تشیع تا چه اندازه است؟ آیا می توان شیعه را فرهنگی ترین یا دارای پویا ترین فرهنگ در میان مذاهب اسلامی دانست؟
۲. چگونه ابعاد عاطفی و حماسی و احساسی عاشورا با مدیریت طولانی مدت و شبیه سازی های امام سجاد علیه السلام از رویداد های عاشورا به پایه های فرهنگی برای جامعه سازی جدید حق تبدیل می شود؟ نقش امام سجاد علیه السلام در سرمایه گذاری بر ارزش های عاطفی عاشورا ناظر به فرهنگ سازی چیست و چگونه امام به این هدف می رسد؟
۳. چگونه فرهنگ عاشورایی شیعه هم باعث پویایی شیعه در بستر تاریخ شده و هم امروزه از مهم ترین جاذبه ها برای تشیع است. امروز چگونه می توان در امتداد رسالت امام سجاد علیه السلام ، با گسترش بخشی به فرهنگ عاشورا مبتنی بر تهییج احساسات و عواطف پاک، به نشر دین حق یاری رساند؟

ص: ۲۲۹

چرا دشمنان تاریخی تشیع همواره از گسترش فرهنگ عاشورایی در جوامع خود وحشت داشته اند؟ چگونه فرهنگ عاشورایی در جغرافیای جهان اسلام باعث ایجاد جاذبه و هم گرایی بین مسلمانان (شیعه و سنی) و حتی بین مسلمانان و غیر مسلمانان شده است؟

رویدادهای معاصر امامت امام سجاد

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

امام و جریان های داخلی تشیع

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

ص: ۲۳۰

میان برنامه

میان برنامه

یک گاه شمار شکل گیری تدریجی تشیع در بستر رشد تاریخی توسط امامان معصوم علیهم السلام

تشیع در مدینه النبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ریشه دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در طراحی مدینه النبی، اصول و اساس و ساختار کلی جامعه اسلامی را طراحی کرد، ولی اجرای کامل آن را در زمان های آینده به رهبری و امامت امامان معصوم واگذار کرد.

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جامعه اسلامی به جای امتدادبخشی به طرح جامع پیامبر زیر پرچم امامت امامان معصوم، زیر پرچم خلفای غیر معصوم رفتند و به ماندن در وضع حداقلی موجود رضایت دادند. بازتاب این وضعیت، بازگشت تدریجی جاهلیت و ستم به جامعه اسلامی بود.

قیام مردم علیه ظلم و تبعیض در اواخر خلافت خلیفه سوم، در نهایت، منجر به آغاز خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام شد. هدف آن خلافت، تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی بود. این گونه بود که پس از طرح کلی جامعه حق و شیعه در زمان پیامبر، در زمان خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام، در کنار اصل امامت، عدالت به عنوان یکی از بن مایه ها و ارکان این جامعه معرفی می شود.

بازگشت اسلام اموی پس از صلح امام حسن علیه السلام و فساد و گمراهی ناشی از آن در نهایت، سیدالشهدا علیه السلام را ناچار می کند برای حفظ اسلام از گزند نابودی، به خلق حماسه ای تاریخی دست بزند. کارکرد این حماسه عظیم در برابر جبهه باطل، خنثی سازی نقشه های آنها برای نابودی اسلام بود، ولی از مهم ترین بازتاب های دیگر آن، ارزش ها و ظرفیت های فرهنگی عاشورا است که با رهبری و مدیریت امام سجاد علیه السلام انسجام و نظام یافته و سبب طراحی مجدد تشیع بر اساس آن می شود. در نتیجه، جامعه شیعه ای که در حال نابودی بود، با کمک فرهنگ و آداب و رسوم عاشورایی، نشاط و پویایی ویژه ای می یابد و احیا می گردد تا از آن پس، تشیع با دارا بودن شعارها و ارزش های عاطفی و احساس قوی و تهییج کننده خود، آخرین و ماندگارترین نسخه از دین حق در طول تاریخ باشد.

پس از امام سجاد علیه السلام، وقتی این جامعه به هویت ثابت فرهنگی خود می رسد، با کمک امامین باقرین علیه السلام، نظام مکتبی و علمی اش کامل می شود. آن گاه در زمان امام هفتم و هشتم

ص: ۲۳۱

بر اساس این پیشینه ها و تلاش ها به طراحی ساختار اجتماعی و اقتصادی مستقل می رسد. سرانجام در زمان امامت امام زمان، آخرین عنصر غیبت و انتظار به هویت آینده نگر شیعه تبدیل می شود تا تشیع بر هویت عاشورا که بنیان و ساختار ساز است و هویت مهدویت و انتظار که آینده ساز است؛ به پویا ترین مذهب در جهان بشریت تبدیل گردد.

سیره رفتاری و گفتاری امام ناظر به شرائط زمانه

۱. سیره رفتاری

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

امام و احیاءگیری در تشیع و تسنن

لطفاً برای مشاهده نمودار به فایل پی دی اف مراجعه کنید

ص: ۲۳۲

دو نگاهی تطبیقی به فرهنگ اهل بیتی و فرهنگ اموی

فرهنگ را به مجموعه آداب و رسوم و شعارها و شعایر تعریف کردند؛ یعنی رفتارهای عمومی که عرف و عادت جامعه شده است و به گونه‌ای در اخلاق اجتماعی مردم ریشه دارد. فرهنگ در همگانی شدن یک هیجان و عاطفه و احساس مشترک ریشه دارد. وقتی که این احساس مشترک، خود را در یک شکل و قالب نشان دهد، به فرهنگ تبدیل می‌شود.

در مکتب حق همانند تجربه مدینه‌النبی و تجربه اهل بیت پس از عاشورا سعی می‌شود با نگاه جامع به انسان و نیازهای فردی و احساس عاطفی و خلق و خویهای اجتماعی، این هیجان در دو چارچوب عقل و دین تعریف و کنترل گردد و رشد یابد.

از این رو است که فرهنگ دینی ناب همانند فرهنگ عاشورایی در اوج جمع‌گرایی بین عقلانیت، احساس و عاطفه و دین‌گرایی است. سرماندگاری عاشورا هم در همین ابراز احساسات و اجرای شعایر عاطفی با پشتوانه عقلانی دینی است.

در برابر، نظام فرهنگی باطل قرار دارد. نظام و مکتب باطلی همچون خلافت یزید از یک سو چون تعریف و نگاهی ناقص از انسان و دین دارد، از باز تولید فرهنگ دینی و اجتماعی مناسب باز می‌ماند. از این رو است که در جامعه‌ای همانند جامعه یزیدی دیروز یا وهابی و سلفی معاصر، دین‌داری به مناسکی خشک، بی‌روح و به دور از نشاط و پویا سازی اجتماعی تبدیل می‌شود. از آنجا که بشر بدون نشاط فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی که هیجان‌آفرین باشد، نمی‌تواند زندگی کند، اگر در جامعه دینی، این پاسخ‌ها را از دین نگیرد، گرفتار فرهنگ سازی‌های انحرافی یا تهاجم فرهنگی خواهد شد. از این رو، شاخصه جامعه اموی و یزیدی از جهت دینی و مناسک دینی، سردی و جمود و رکود و سکون و در یک کلام، سلفی‌گرایی (به معنی درجا زدگی و روزمره‌گی) است و از جهت فرهنگی، روی آوردن به غنا، شرب خمر و مفسد و گناهان هیجان و احساسات درونی آدمی با مناسک خشک و بی‌روح تأمین نمی‌شود. در جامعه یزیدی، مدینه و مکه از یک سو، کانون تاریخ و نمادها و مناسک دینی است و از سوی دیگر، به تدریج به کانون غنا و آواز خوانی تبدیل می‌شود. در جامعه حسینی، هم عبادتش بانشاط و هیجان‌آفرین است و هم فرهنگش عبادی و دینی است.

ص: ۲۳۳

۱۵. اصل عدالت، مساوات**اشاره**

۱۵. اصل عدالت، مساوات

زیر فصل ها

توضیح

موارد تکمیلی

این وضعیت در جبهه دشمن

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

توضیح

توضیح

از زوایای گوناگون، معانی فراوانی برای عدالت ارائه شده است که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱. دادن حق هر صاحب حق؛

۲. نهادن هر چیزی در جای خود؛

۳. موزون بودن (تعادل و تناسب و توازن)؛

۴. میانه روی بین افراط و تفریط، (اعتدال)؛

۵. تساوی و نفی هر گونه تبعیض (تفاوت قائل نشدن میان افراد)؛

۶. رعایت استحقاق در افاضه وجود (عدل در تکوین)؛

۷. پرهیز از گناه کبیره و اصرار نداشتن بر گناه صغیره، (عدالت فردی و فقهی)؛

۸. برابری اجتماعی (قسط، عدالت اجتماعی و قضایی و سیاسی و اقتصاد)؛

۹. رعایت مفسد و مصالح در قانون گذاری (عدل در تشریح)؛

۱۰. نقطه تعادل و تلاقی تمام فضایل مثل عفت و شجاعت و حکمت که اوصاف اخلاقی هستند و قدر جامع آنها عدالت است.

بر این اساس، مدیریت هم که ناظر به رهبری گروهی یا همه افراد جامعه است، چه در بخش مدیریت منابع انسانی که متکفل امر گزینش، ارزیابی، حقوق و دستمزد، پاداش و تنبیه و انضباط است و چه در بخش وظایف مبانی مدیریت که عبارت از سازمان دهی، نظارت، برنامه ریزی و هماهنگی و رهبری است، اصول و قواعدی دارد. در میان همه این عناصر شناخته شده، عدالت نقش محوری دارد و می تواند «ام الاصول» لقب بگیرد.

حضور عدالت در مدیریت، منجر به برنامه ریزی، پذیرش مساوات در برابر قانون، قاطعیت و سازش ناپذیری در برپا داشتن حق، مسئولیت خواهی، انتقادپذیری، پای بندی به حق، تقدم منافع جمع بر فرد و میانه روی در اداره امور خواهد شد.

با این تعریف و آثاری که برای عدالت بیان شد، در یک مقایسه تطبیقی بین جامعه یزیدی و کاروان حسینی، تفاوت آشکاری بین این دو جامعه را در مشاهده بی عدالتی و ظلم و تبعیض و ستم فراگیر در برابر عدالت و مساوات و قسط همه جانبه می توان دید.

ص: ۲۳۴

سیدالشهدا علیه السلام در طول دوران امامت و قیام، هم خود الگوی تمام نمای عدل است، هم سیره رفتاری و اجتماعی او سراسر عدل است. سیره مدیریتی ایشان هم در تعامل با دوست و دشمن مبتنی بر عدالت است و هم از بن مایه های اصلی قیامش، دعوت به عدالت و دوری از ظلم است.

به همین دلیل، اولین گام در اصول بارز مدیریت معصومانه اهل بیت، توجه به عدالت و مساوات در استفاده از فرصت ها و بهره وری از نعمت ها یا انس و بهره مندی از محضر امام در مسیر رشد و تعالی است.

در کاروان امام، تا وقتی فردی با امام همراه بود، از همه فرصت ها و امکانات مثل همه بهره مند بود و حتی می توانست از محضر امام به راحتی استفاده های علمی و اخلاقی را ببرد. اصولاً یکی از عوامل ماندگاری و رشد و در نهایت، شهادت موالی و غلامان امام، درک اعمال مساوات و عدالت از سوی امام بین آنها و دیگر افراد در تمامی حقوق و منافع بود.

عدالت امام حتی در طول سفر و در صحرای کربلا به گونه ای بود که در ارتباط و همراهی بین اصحاب خود و اهل بیت خود افراط و تفریط نداشت و بر اساس سیره عادلانه اش به همه همراهان توجه لازم را داشت. امام حتی در آستانه خروج از مکه همه معترضان و یا ناصحان را با سعه و شرح صدر یکسان به حضور می پذیرفت (البته پاسخ های امام به اندازه شخصیت یا دانش آنها متفاوت بود).

از جلوه های بسیار بارز مدیریت مساوات و عدالت محور امام، عدالت و مساوات امام با یارانش در آستانه رفتن به نبرد یا در آستانه شهادت بود، به گونه ای که بین صحابی و غیر صحابی، مسن و جوان، غلام و آزاد، هاشمی و غیر هاشمی تفاوتی نگذاشت و تا آنجا که می توانست، در آخرین لحظات زندگانی یارانش بر بالین شهدا حاضر می شد.

امام در کنار این رعایت همه جانبه نسبت به عدالت ورزی سعی می کرد جامعه ای را که به ظلم پذیری روی آورده است، را به حرکت در آورد. در حقیقت، امام با ترکیب نمایش عملی عدالت در جامعه کوچک خود در کنار راهبرد نرم و برنامه ریزی تبلیغاتی اش که علیه ظلم دینی یزید، به حرکت آفرینی در جامعه اسلامی می پرداخت. از این رو، بخش مهمی از پیام های امام در برنامه ها و خطبه هایش، ناظر به برانگیختن همین حس فطری عدالت خواهی و دور کردن جامعه از ظلم پذیری بود.

ص: ۲۳۵

جلوه هایی از مدیریت عدالت ورز امام:

تأکید امام مبنی بر شرط بودن عدالت در خلیفه؛

تعادل و اعتدال پیام های امام بین آسیب شناسی و ارائه راهکار با خوف و رجا آفرینی؛

حمله شدید امام نسبت به گسترش روحیه ظلم پذیری در جامعه؛

معرفی الگوی شخصیتی یارانش مبتنی بر عدالت و اعتدال.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

تفویض مسئولیت بر اساس شایستگی و توان مندی، رفتار منصفانه، ایجاد فضا برای رفتار های هماهنگ بین افراد، عدالت سازمانی، عدالت تعاملی، نفی روحیه ظلم پذیری، شایسته سالاری، برنامه ریزی عدالت محور و مدیریت منابع انسانی عدالت محور.

این وضعیت در جبهه دشمن

این وضعیت در جبهه دشمن

شاخصه جامعه یزیدی به معنی آشکار شدن تبعیض و ستم فراگیر است. برای نمونه، ابن زیاد، کوفه را قبضه کرد؛ چون توانست با سرازیر کردن اموال فراوان، رؤسای قبایل و اشراف شهر را تطمیع کند. آن گاه آنها را به عنوان عاملان تهدید توده های مردم به کار بگيرد. این، نهایت تبعیضی بود که کوفیان به آن رضایت دادند؛ یعنی به چپاول بیت المال از سوی اشراف خود راضی شدند تا پس از آن با حربه تحمیق، جامعه را به هر سو که می خواهند، بکشند.

مشکل خواص هم در این جامعه، ترویج روحیه ظلم پذیری به نام دین و شریعت اسلامی بود. اصولاً آنها با تبیین وارونه از اسلام، شرط عدالت و اعتدال و قسط را از تمامی احکام و قوانین اسلامی به ویژه در حوزه فقه سیاسی و اجتماعی حذف کردند تا در نهایت، جامعه دچار روحیه ظلم پذیری مقدس و اسلامی شود.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. امام چگونه در راهبرد نرم افزاری خود و در مقام به چالش کشیدن خلافت یزید بر مسئله جور و ظلم و عدالت گریزی او تأکید دارد؟ امام در کنار ظلم یزید، چه نگاهی به آسیب شناسی روحیه ظلم پذیری و گستردگی آن در جامعه اسلامی آن زمان دارد؟ بین

ص: ۲۳۶

ظلم پذیری و گسترش ظلم چه نسبتی می بیند؟ امام، نقش خواص را در ترویج این روحیه چگونه می بیند؟ امام در مدیریت تبلیغی خود چگونه از یک سواندیشه و رفتار خواص را به چالش می کشد و از سوی دیگر، چگونه تلاش می کند روح عدالت گرایی را در آنها یا جامعه تزریق کند؟

اصولاً سیر کاروان قیام و اسارت در جغرافیای شهرهای اسلامی مهم آن زمان در نمایش عملی عدالت برای آنها چه تأثیری دارد؟

۲. طرح امام برای معرفی همه جانبه عدالت و مساوات و قسط چیست؟ جاذبه های عدالت در کاروان و جامعه حسینی چیست؟ امام چگونه در صحنه عاشورا، اوج عدالت ورزی و مساوات را به نمایش می گذارد؟ عدالت چگونه از جلوه های بارز شخصیتی یاران امام است؟

۳. چگونه مساوات و عدالت حسینی بعدها خود را در فرهنگ عاشورایی نشان می دهد؟ (در پدیده ای همانند هیئت که همه یکسان و هماهنگ و همراه با هم و فارغ از اسم ها و رسم ها با تأثیر پذیری از عاشورا، جمع می شوند و در خوبی ها و کمبود های هیئت با هم همراه هستند. یا چگونه به تدریج عدل و عدالت به یکی از اصول مکتب شیعه در برابر تمام مکاتب دیگر اسلامی تبدیل می شود؟

چرا امروزه هر کس بخواهد شعار انقلاب و عدالت اسلامی را به صورت راستین و مستمر بدهد، باید متوجه عاشورا و ارزش های آن شود؟

میان برنامه

میان برنامه

یک جلوه های عدالت و مساوات در سیره مدیریتی امام

یکی از مهم ترین پیام های عاشورایی، پای بندی به عدالت و مساوات و دوری از جور و ستم است. امام در نامه هایی که به کوفه و بصره ارسال می کند، یکی از دلایل صلاحیت نداشتن یزید را برای خلافت، ظلم و جور فراگیر او می داند. ایشان مهم ترین دلیل صلاحیت مندی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای خلافت، پای بندی آنها به عدالت و مساوات می داند. ایشان در مواردی همانند خطبه منا که آن را در سال ۵۹ ه. ق در سال آخر خلافت معاویه در جمع صحابه و تابعین خواند، مردم را به دلیل ظلم پذیری و حاکم کردن ظالمین بر امور خود سرزنش کرد.

ص: ۲۳۷

امام برای اینکه بازتاب عدالت را نشان دهد، مجموعه همراهان و جامعه کوچک خود را برای مردم مدینه و مکه و کوفه به نمایش گذارد تا حجت بر آنها تمام شود.

جلوه‌هایی از عدالت‌گرایی و مساوات امام در جلوه‌های گوناگون مدیریتش چنین است:

امام از یک سو در آن دوران که به ترتیب افراد مستعد برای قیامش مشغول است، بین جوانان بنی هاشم و غلامان و موالی خود، فرصت‌های برابر برای رشد و تعالی را فراهم می‌کند؛

معیار ایشان هنگام قیام و در مقام تفویض مسئولیت‌ها، شایسته‌سالاری است. از این رو، امام در صورت احراز شایستگی فردی، او را انتخاب می‌کند و دیگر طبقه و جایگاه اجتماعی آن فرد برایش مهم نیست. امام همان‌گونه که مسلم بن عقیل را به عنوان نماینده ویژه اش به کوفه می‌فرستد، سلیمان بن ابی رزین از غلامانش را به عنوان پیک و فرستاده ویژه به بصره اعزام می‌کند.

از جهت تبلیغی و پیام‌رسانی، امام در مکه و مسیر راه و حتی در کربلا-همواره تلاش می‌کند در مقام ابلاغ پیام حق و فطرت برانگیزی به گونه‌ای عمل کند که پیامش به همگان برسد و اتمام حجتی بلیغ و فراگیر داشته باشد. امام در این موارد ضمن اینکه با خواص اعم از صحابه و امیران و فرماندهان جلسات و دیدارهای ویژه دارد، برای عموم مردم یا لشکریان دشمن هم فرصت کافی و شایسته و مناسب پیام‌رسانی را فراهم می‌کند.

نقطه اوج عدالت‌ورزی امام در مقام مدیریتش در روز عاشورا آشکار می‌شود، آن‌گاه که هنگام شهادت یارانش، بین غلام و آزاد، جوان هاشمی و جوان تازه پیوسته به امام، صحابه مسن و خدمت‌کاری گم‌نام تفاوتی نمی‌گذارد و تا آنجا که بتواند، سعی می‌کند هنگام شهادت، بر بالین همه آنان حاضر شود و سر آنها را به دامن بگیرد.

دو فرهنگ عاشورایی و عدالت‌گرایی در برابر فرهنگ اموی و ظلم‌پذیری

معاویه پس از صلح با امام حسن علیه السلام به مدت ۲۰ سال تلاش کرد خلافت را برای همیشه در خاندان بنی امیه تثبیت کند. او برای تحقق این خواسته اش، شروع به جعل یا تحریف برخی از اصول اسلامی کرد. او به جای اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل لزوم اطاعت مطلقه از خلیفه را جای‌گزین کرد و در مقام تثبیت خلافت، مسئله قضا و قدر به معنی جبر‌گرایی را رواج داد. همچنین در برابر ضرورت تحقق عدالت،

ص: ۲۳۸

اولویت داشتن مسئله امنیت و حفظ نظام موجود را طراحی کرد. او پس از ایجاد تدریجی این اصول فکری، با خریدن و جذب و کمک جمع فراوانی از صحابه و تابعین سعی در ترویج این اصول فکری در جهان اسلام کرد.

پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام که آن هم توطئه ای از سوی معاویه بود، جهان اسلام به چنان سکوت و رضایت به ظلم و انحراف تن داده بود که به سب و لعن کردن امام علی علیه السلام راضی شده بود. سب و لعنی که ظاهرش، هتک حرمت و شخصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام بود و باطنش، سب و لعن اصول شخصیتی و حکومتی او همچون عبودیت و عدالت بود.

معاویه آن گاه که سب امام و بی توجهی به عدالت را نهادینه ساخت، مسئله خلافت و ولایت عهدی یزید را مطرح ساخت. در این شرایط، بدیهی بود هر کس خلافت یزید را می پذیرفت، در ضمن هم قبول می کرد فسق و فجور و ستم یزید ضرری به خلافت او نمی زند. این سخن به این معناست که پذیرش خلافت یزید، امضایی بود بر ظلم پذیری و ترویج فسق و فجور علنی در جامعه اسلامی و این امور، دلیل لبریز شدن تحمل امام در برابر خلافت یزید بود.

بعد ها که حماسه حسینی رخ داد، مهم ترین دست آوردش، جلوگیری از نابودی فرهنگ اهل بیت بود. از آن پس، جهان اسلام به دو جبهه تقسیم شد. یکی، جبهه ای که مبتنی بر عدالت و عبودیت گرایی و طرفدار اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و جبهه ای دیگر که با امضای ظلم پذیری و اعتراض نکردن به رواج مفسد اجتماعی، در جبهه یزیدیان ماند. بر اساس سنت های تاریخی مورد تأکید قرآن، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که جامعه اسلامی و بشری از اسارت در گرداب ستم و فسق و فجور خسته می شود و فریاد اعتراضش را بلند خواهد کرد.

۱۶. مدیریت مسئولیت برانگیزی و احساس مسئولیت همگانی

اشاره

۱۶. مدیریت مسئولیت برانگیزی و احساس مسئولیت همگانی

زیر فصل ها

توضیح

موارد تکمیلی

این موضوع در جبهه باطل

پرسش های کارشناسی

میان برنامه ها

توضیح

توضیح

از نگاه دین اسلام، انسان‌ها در زندگی اجتماعی «کلهم راع و کلکم مسئول عن رعیت» هستند؛ یعنی بر اساس امر به معروف و نهی از منکر و اصل ضرورت زندگی اجتماعی، هیچ کس به هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند از روند امور در جامعه و تحولات ناشی از آن غافل باشد.

ص: ۲۳۹

متأسفانه یکی از روحیه های فراگیر در جامعه، نهادها و سازمان ها، رواج روحیه بی اعتنائی، غفلت یا مسئولیت گریزی است. گسترش این روحیه یا ناشی از فرد گرایی و راحت طلبی فردی یا شیوع استبداد سیاسی و اجتماعی و ترس های ناشی از آن است. بازتاب این وضعیت، خالی کردن صحنه از حضور اجتماعی و واگذاری کامل آن در اختیار باطل و گمراهان خرد و کلان است.

در مدیریت دینی که نقطه اوج آن، مدیریت عاشورایی سیدالشهدا علیه السلام است، مسئله گسترش بخشی به روحیه و احساس مسئول بودن و آن گاه حساب رسی و حساب خواهی، اصل بسیار مهمی است.

در این مدیریت، هر انسانی در حد مقدورات خود نسبت به جامعه و حضور مؤثر در آن نقش دارد.

در مدیریت دینی، میزان حضور یا غیبت مؤمنان و مسلمانان از ایفای نقش اجتماعی است که باعث کمرنگی یا پررنگی جبهه باطل می شود. از این رو، هر مسلمانی به میزان حضور یا سکوت خود در تحولات اجتماعی، مؤثر یا مقصر است. در مدیریت دینی عاشورایی، تلاش برای به صحنه کشاندن مردم است و در مدیریت یزیدی، تلاش برای قعود و بی اعتنا کردن و به سکوت کشاندن آنها.

برای نمونه، در سال آخر خلافت معاویه، مراسم حج، شاهد حضور انبوه صحابه و تابعین است؛ صحابه ای که همه سر در لاک خود دارند و مراقب هستند حج آنها به عنوان عبادتی فردی، درست انجام شود. امام ناگهان در صحرای منا، آنها را به خیمه خود فرا می خواند و جمع بسیاری از آنها را گرد می آورد. آن گاه در خطبه ای طولانی، آنها را محترمانه و به طور ضمنی سرزنش می کند و مسئولیت های اجتماعی آنها را یادآوری می کند. از آنها می خواهد پس از بازگشت از حج به تدریج، فعالیت اجتماعی خود را آغاز کنند و از سیاست سکوت و قعود دست بردارند.

پس از آغاز قیام سیدالشهدا علیه السلام، مهم ترین برنامه حضرت، تلاش برای حساس سازی و به حرکت در آوردن جامعه بر اساس مسئولیت پذیری در هر سطح است. امام در این مسیر تبلیغی، تلاش گسترده ای را آغاز می کند که از عام و خاص و صحابه و تابعین، مردان و زنان را شامل می شود و در ضمن سعی می کند روحیه و احساس مسئولیت را در تک تک مردم بیدار و فعال کند.

ص: ۲۴۰

امام در مکه به روش تبلیغ مستقیم و برای کوفه و بصره با نامه نگاری به این مهم می پردازد. امام در مسیر راه مکه تا کربلا با هر کس روبه رو می شود، او را به اندیشیدن درباره اوضاع موجود فرا می خواند و تلاش می کند غیرت دینی او را تحریک کرده و به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم، سکوت و بی اعتنایی او را یاری رسان به استمرار انحطاط موجود بداند.

پس از شهادت سیدالشهدا علیه السلام، رسالت کاروان اسارت هم توییخ جوامع گوناگون به دلیل مسئولیت گریزی آنها بود؛ مسئولیت گریزی و سکوتی که دست یزیدیان را در جنایت آفرینی آزاد گذاشت.

پس از عاشورا هم نقطه امتیاز بزرگ تشیع که در فرهنگ و مدیریت عاشورایی ریشه دارد، همین توجه به وظیفه مسئولیت پذیری و احساس مسئولیت همگانی است. بر اساس مکتب تشیع، همه افراد نه تنها خود باید نسبت به اوضاع جاری احساس مسئولیت کنند. بلکه باید با الگوگیری از مدیریت عاشورایی نسبت به تعمیم و گسترش بخشی این احساس در جامعه یاری رسانند. البته تلاش تاریخی اسلام غیرعاشورایی، ترویج سکوت مقدس بوده و هست.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مسئولیت پذیری، مسئولیت دهی، تلاش برای ترویج احساس مسئولیت و حساب خواهی، پرسش گری، ترویج غیرت دینی، اعتراض به سکوت و بی اعتنایی، ضرورت ایجاد ظرفیت تحمل تبعات، آماده سازی برای مسئولیت آسیب شناسی عادات اجتماعی، انگیزش اجتماعی، تحریک بخشی به جامعه دچار ایستایی اجتماعی، رفتار شهروندی، رفتار سازمانی، رفتارهای ضعیف شهروندی سازمانی و بی اعتنایی در روابط اجتماعی.

این موضوع در جبهه باطل

این موضوع در جبهه باطل

در اسلام غیرشیعی، فرد مسلمان عملاً نه تنها احساس مسئولیتی نسبت به تحولات جامعه در حد یک اقدام اجتماعی نمی کند و نسبت به فراگیر ساختن این حس وظیفه ای ندارد، بلکه اگر در مواردی هم شاهد باشد که اقدام یا حرکتی باعث قیام یا مبارزه یا

ص: ۲۴۱

اعتراض ناشی از احساس مسئولیت باشد، می تواند در مسیر آن مانع ایجاد کند، درست همانند رفتار صحابه و تابعین موعظه گر امام در مکه.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. سیدالشهدا علیه السلام در مقام آسیب شناسی انحطاط پیش آمده در جامعه اسلامی، چگونه یکی از علل و عوامل آن را مسئولیت گریزی و بی اعتنائی آحاد جامعه می داند؟ امام در برابر خلفا و امویان چگونه و با چه تعریفی باعث گسترش حس مسئولیت گریزی در جامعه شده بود؟

جلوه های مسئولیت گریزی عوام و خواص در جامعه یزیدی چگونه بود؟ امام بازتاب و سرانجام این سکوت را چه می داند؟

۲. امام در مقام مدیریت احساس مسئولیت برانگیزی در دوران امامت و قیامت چه برنامه هایی را انجام می دهد؟ امام چگونه در مقام تحریک این احساس، همه جامعه را اعم از عوام و خواص خطاب قرار می داد؟ چگونه می توان به میزان روحیه و حس مسئولیت پذیری یا مسئولیت گریزی، معیاری برای رویش ها و ریزش ها در همراهی با امام یافت؟

۳. کاروان اسارت در طول دوران اسارت چگونه جوامع گوناگون اسلامی را به خاطر مسئولیت گریزی توبیخ و سرزنش کرد؟

امام سجاد علیه السلام پس از عاشورا از جهت مبنا قرار دادن اصل احساس مسئولیت و مدیریت گسترش بخشی به آن در جهان تشیع چگونه جامعه شیعه را متفاوت از جامعه اسلامی طراحی می کند؟

میان برنامه ها

میان برنامه ها

یک امام و مدیریت احساس مسئولیت برانگیزی

سال ۵۹ ه. ق بود. معاویه، خلیفه مسلمانان بود و به تازگی با تهدید و تطمیع هایش از مسلمانان بیعت گرفته بود و سایه سکوتی کاملاً سنگین بر جهان اسلام حاکم شده بود. در این سال، سیدالشهدا علیه السلام همراه بیشتر مردان و زنان بنی هاشم در آستانه مراسم حج از مدینه ره سپار مکه شد. در مکه، مراسم حج آغاز می گردد و خیلی زود حاجیان در منا

ص: ۲۴۲

جمع می گردند. آنها در آنجا فرصت بیشتری دارند و بهترین گردهم آبی را در حج فراهم می سازند. از این رو، امام در اقدامی بی سابقه، جمعی از بنی هاشم و انصار طرفدار خود را به آنجا فرا می خواند و از آنها که همه از صحابه و تابعین هستند و به صلاح و عبادت معروفند و در منا حضور دارند، می خواهد به خیمه ایشان بیایند.

در نهایت، ۷۰۰ نفر که در حدود دویست نفر از آنها صحابه و بقیه تابعین هستند، جمع می شوند. امام خطبه ای مفصل برای آنها می خواند و بعد از حمد و ثنای حق تعالی به آنها می فرماید: «شما شاهد اعمال این خلیفه طغیانگر (معاویه) درباره ما و شیعیان ما بوده اید. اینک می خواهم برای شما سخنانی بگویم. اگر راست بود، تصدیق کنید و گرنه تکذیب کنید. شما را به خداوند قسم می دهم به حق خداوند و پیامبرش بر شما و به حق خویشاوندی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارم، سخنم را بشنوید (و در نقلی فرمود: سخنم را بشنوید و بنویسید). چون به شهر و دیار و قبایل خود رفتید، آن را به آنها که ایمان و اطمینان دارید، برسانید و از آنها دعوت به عمل آورید؛ چون بیم آن دارم که این امر کهنه گردد و حق از بین رود و مغلوب گردد. (اگرچه او در کتابش می فرماید: خداوند، نور خود را به اتمام می رساند، اگرچه کافران را خوش نیاید (صف: ۸) آن گاه حضرت آیه های نازل شده در شأن اهل بیت را برای آنها بیان کرد و از آنها بر شأن نزول آنها اقرار گرفت. در نهایت، دوباره به آنها تأکید کرد که وظیفه آنها رساندن پیام امام به مردمان مستعد در سرزمین های گوناگون اسلامی است. در انتها فرمود: شما ای مردم، اگر ما را یاری نرسانید و در خدمت ما نباشید، هر آینه ستمگران بر شما نیرو گیرند و در خاموش کردن نور پیامبر شما بکوشند»^(۱).

دو معیارسنجی ریزش ها و رویش ها در طول مسیر بر اساس میزان احساس مسئولیت و غیرت ورزی

سیدالشهدا علیه السلام از وقتی پا در مسیر کربلا- گذاشت و از مکه خارج شد، تا وقتی که در آستانه ورود به کربلا بود، هر از چندگاهی با فردی یا عده ای در مسیر روبه رو می شد. مسیر بیش از هزار کیلومتری مکه تا کوفه اگر چه از میان صحرای بزرگ عرب

۱- فرهنگ جامع سخنان امام، ص ۳۰۶.

ص: ۲۴۳

می گذشت، در آن زمان چون در آستانه مراسم حج بود، خالی از جمعیت نبود. همچنین در نزدیکی این مسیر، در برخی مناطق، برخی از قبایل هم زندگی می کردند. از این رو با عده ای از افراد که در آمد و شد با آن قبایل هم بودند، احتمال دیدار بود.

در آغازین روز حرکت، امام در ۸ ذی الحجه با فرزدق شاعر روبه رو می شود. فرزدق همراه مادرش عازم حج است. در انتهای مسیر در روز اول محرم، یک روز پیش از ورود به کربلا- نیز با عبیدالله بن حر جعفی روبه رو می شود که در حال گریز از کوفه است. امام در طول این مسیر، با هر فردی از دوستان یا افراد متعلق به گروه ها یا جریان های دیگر روبه رو می شد، آنها را به همراهی و مبارزه و قیام برای احقاق حق و ابطال باطل دعوت می فرمود. واکنش افراد در برابر امام بر سه گونه بود. عده ای که تعدادشان بسیار محدود و معدود بود، پس از شنیدن سخنان امام و برانگیخته شدن حس غیرت و مسئولیت در درون آنها همانند زهیر بن قین در نهایت به امام می پیوستند. عده ای دیگر همانند طرمح بن عدی که ادعای علاقه مندی به امام را هم داشتند، در مواجهه با امام می پذیرفتند که مسئولیت یاوری امام را دارند، ولی مسئولیت های خانوادگی نظیر آذوقه رسانی به خاندان و قبیله اش را مهم تر می دیدند.

در دسته سوم هم عده ای همانند عبیدالله بن حر جعفی بودند. با اینکه امام به دیدارش آمد و با نهایت مهر و برهان و استدلال با او سخن گفت، ولی به امام بی اعتنایی کرد. سردی رفتار او با اینکه ادعای شجاعت و پهلوانی را داشت، به گونه ای بود که امام نسبت به آینده نابسامانش هشدار داد.

این گونه مشخص می شود مسئولیت گرایی یا مسئولیت گریزی از عوامل سفیدی و سیاهی در عاشورا است و ناتوانی در طبقه بندی و اولویت بندی مسئولیت های اهم و مهم، عامل خاکستری شدن خواهد بود.

۱۷. مدیریت عزت محور و ذلت گریز؛ مدیریت مبتنی بر کرامت و عزت

اشاره

۱۷. مدیریت عزت محور و ذلت گریز؛ مدیریت مبتنی بر کرامت و عزت

زیر فصل ها

توضیح

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

توضیح

توضیح

از مهم ترین پیام های عاشورایی، بحث عزت و کرامت انسانی است. امام از مخاطبان خود و جامعه می خواست که از ذلت و تحقیر و اهانت شخصیت خود خودداری کنند

ص: ۲۴۴

و از پذیرش یا تحمل نظام، سازمان و رهبری یا مدیریتی که باعث ذلت پذیری می شود بپرهیزد.

امام در مهم ترین پیام های تکرار شونده خود در طول قیامش، نتیجه آشکار و پنهان، حال و آینده پذیرش خلافت یزید را به نهایت ذلت و اهانت و تحقیر شخصیتی رسیدن مسلمانان می داند و همین عامل یکی از علل مهم مخالفت امام با خلافت یزید است. امام با طراحی شعار «هیئات منا الذله» سعی می کند شعار عزت و کرامت و ارزش انسانی را احیا کند که از مهم ترین ارزش ها و دست آوردهای اسلام است. از این رو مدیریت عزت محوری و ذلت گریزی یکی از شاخصه های مهم در مدیریت امام در طول قیامش است. امام از یک سو در طول قیام از هر رفتاری که نماد و نشان ذلت پذیری باشد، با هوشیاری کامل پرهیز می کند. در مقابل والیان و فرماندهان یزید در مدینه و مکه و کربلا هرگز حاضر به ذلت پذیری نمی شود و حتی از انجام دادن مراسم حج زیر لوای یزید ابا دارد و در برابر، با نمایش مدیریت و سیره عزت آفرین سعی در مدیریت کرامت بخشی به انسان های اطراف خود دارد.

جلوه های مدیریت ذلت گریز و عزت آفرین امام چنین است:

مدیریت تربیتی امام برای جوانان بنی هاشم باعث تربیت و رشد آنها در اوج عزت و کرامت انسانی می شود؛

امام در مواجهه با صحابه و مردم حجاز با راه اندازی مدیریت تبلیغی خود به سکوت ذلت آفرین آنها اعتراض می کند؛

امام در طول قیامش، کاروانی کوچک از اهل بیت و یارانش با خود همراه دارد که مهم ترین نشانه آنها ذلت گریزی است. آنها با اینکه با امان نامه دشمن روبه رو شدند تا نجات یابند، ولی حاضر به پذیرش زندگی با ذلت نگردیدند.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

عزت مندی در مدیریت و یا نقش آفرینی اجتماعی، راهبرد منابع گزینش منابع انسانی بر اساس کرامت و عزت، روحیه جمعی یاران بر محور کرامت و عزت، تلاش برای شور آفرینی اجتماعی با عزت بخشی و خودشکوفایی نیروها با عزت و کرامت.

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

مهم ترین شاخصه حکومت یزیدی و اموی، تحقیر و ذلیل کردن انسان ها و گرفتن روحیه کرامت و شرافت و عزت و بزرگی و سربلندی انسانی آنهاست. بازتاب این وضعیت، مرگ روحیه شجاعت و شهامت در افراد جامعه و رضایت مندی آنها به خواری و پستی است.

در احادیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، زبون ترین مردم کسی دانسته شده است که مردم را خوار کند، و در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام ، آزمندی به دنیا، خوار کننده ترین مسئله برای انسان تعریف شده است. در جامعه یزیدی از یک سو با ترویج روحیه ذلت پذیری می خواستند به حکومت بر ملتی ساکت دست یابند. در این مسیر، با تطمیع علما و اشراف، آنها را به زبونی کشاندند تا بقیه قشرهای جامعه هم روح عزت و سربلندی را فراموش کنند.

این وضعیت به تدریج با شعار لزوم اطاعت از حاکم و حفظ جماعت باعث سکوت و قعود تاریخی مسلمانان و انحطاط آنها شد.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. از جلوه های بارز فرهنگ عاشورایی، بحث عزت گرایی و ذلت گریزی است. چرا عزت، کرامت و شرافت انسانی به مهم ترین پیام های حسینی تبدیل می شود؟

چرا امام در مقام آسیب شناسی جامعه یزید، ذلت اجتماعی را مهم ترین شاخصه آن می داند؟ چرا امام، نتیجه بیعت با یزید را ذلت و پستی و نابودی ارزش های انسانی اعلام می کند؟

۲. امام در کنار احیای شعار و ارزش عزت و کرامت، در مدیریت خود چگونه آنها را اجرا کرد یا به نمایش گذاشت؟ جلوه های بارز مدیریت عزت آفرین امام در دوران امامت یا در طول قیام کدامند؟ چگونه عزت گرایی باعث جذب و هم گرایی بین یاران امام می شد؟

۳. امام در مدیریت تبلیغی خود نسبت به آینده گسترش ذلت پذیری در جامعه اسلامی هشدارهای گوناگونی دارد. این هشدارها کدامند؟ چگونه بعد ها دوری جامعه ای اسلامی از فرهنگ عاشورایی باعث رکود و انحطاط آنها می شود؟ امروز

ص: ۲۴۶

چگونه با مدیریت تبلیغی ارزش های عاشورایی مبتنی بر عزت طلبی و ذلت گریزی می توان به گسترش اسلام راستین و تشیع کمک کرد؟

میان برنامه

میان برنامه

یک گزارشی آماری از سخنان امام در مورد ذلت گریزی

ذلت گریزی یکی از مهم ترین ارزش های عاشورایی و از پیام های تکرار شونده مهم در سخنان امام حسین علیه السلام در طول قیامش بود. امام در طول قیامش، اولین مرتبه که سخن از ذلت ناپذیری می زند، در شب آغازین قیام است. آن گاه که والی مدینه ایشان را دعوت می کند تا هم خبر خلافت یزید را به او بدهد و هم به زور از او بیعت بگیرد، امام با اعلان فسق و فجور و فساد یزید حاضر به بیعت با او نمی گردد.

پس از هجرت غریبانه امام به مکه، امام هرگاه با کسی یا گروهی سخن می گوید، یا در مقام بیان علت قیامش ضمن بیان ویژگی یزید، بیعت با او را ذلت و پستی برای خود و مسلمانان می داند و آن را منافی با کرامت و عظمت و عزت مسلمانی می شمارد.

در مکه، برخی از صحابه به ویژه عبدالله بن عمر سعی در آرام ساختن و متقاعد ساختن امام به سکوت و قعود هستند، ولی امام به صراحت اعلان می کند هدف یزید، بیعت گیری ذلیلانه است و گرنه او را همچون یحیی بن زکریا شهید خواهند کرد. امام نیز شهادت را بر بیعت ذلیلانه با فاسقی چون یزید ترجیح می دهد.

با آغاز حرکت امام به سوی کوفه و کربلا، به گزارش بنیهاشم، یاد کرد امام حسین علیه السلام از ماجرای شهادت مظلومانه یحیی بن زکریا فزونی می یابد، به گونه ای که امام در هیچ منزلی فرود نمی آید مگر اینکه از آن یاد می کند. در ضمن همواره تأکید دارد که یزیدیان تنها در صورتی از به شهادت رساندن ایشان منصرف می شوند که او به بیعت ذلیلانه راضی شود، ولی او شهادت را انتخاب کرده است.

در کربلا در مدتی کوتاه، امام چند دوره با عمر بن سعد مذاکره می کند. عمر بن سعد در این مذاکرات تلاش بسیاری می کند بدون خون ریزی و با صلح، از مسیر کربلا- به حکومت ری دست یابد، ولی امام در آنجا به صراحت و صلابت اعلان می کند مسیری که عمر بن سعد در پیش گرفته است، مسیری ذلیلانه است که هیچ گاه هم به نتیجه

ص: ۲۴۷

نخواهد رسید. سرانجام صبح عاشورا که کوفیان به صراحت از امام می‌خواهند به بیعت با یزید تن در دهد، ایشان جمله معروفشان را می‌فرماید که «هیئات منا الذله».

دو سرانجام ذلت‌پذیری

آن‌گاه که سیدالشهدا علیه السلام قیام خود را آغاز کرد، چهار شهر در برابرش قرار داشتند که می‌توانستند به صورت مستقیم، مخاطب پیام‌های عزت و ذلت‌گریز امام باشند. از این چهار شهر، دو شهر مکه و مدینه در منطقه حجاز و بصره و کوفه در عراق بودند. امام در آغاز قیام به هیچ وجه در مدینه نماند و درنگی نکرد و حتی پیامی هم برای آنها نفرستاد؛ چرا که اقامت ۱۰ ساله امام در شهر فرصت کافی برای اتمام حجت و هم‌شناس نامه شهر را در اختیار امام گذاشته بود. امام می‌دانست مردم مدینه پس از رحلت پیامبر اکرم علیه السلام به غنایم فتوحات فریفته شده و تا آن زمان با سکوت و بی‌اعتنایی خود به هرگونه خلافتی راضی شده بودند. البته مردم این شهر سه سال پس از قیام سیدالشهدا علیه السلام وقتی با ظلم فراگیر و فسق آشکار یزید مواجه شدند، دست به قیامی کور زدند؛ قیامی که سرانجام قتل و غارت مدینه، هتک حرمت مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در نهایت بیعت بازماندگان شهر به عنوان برده و کنیز با فرمانده یزید بود.

این وضعیت در مکه هم حاکم بود امام نزدیک به ۵ ماه در مکه ساکن بود، ولی چندان خطابی با مکیان نداشت. سرانجام آنها هم این بود که در مدت ۱۰ سال، دوبار زیر حمله سنگین امویان قرار گرفتند و در نهایت هم با ذلت و خواری با حجاج بیعت کردند.

در این مدت، کانون دعوت امام معطوف به عراق و البته شهر کوفه بود، ولی مردم این دو شهر از ترس و وحشت و با پذیرش ذلت و پستی یا در کنج خانه‌ها پنهان شدند یا به مصاف امام آمدند. سرانجام ذلت‌پذیری آنها، مبتلا شدن به ۱۰ سال جنگ و درگیری و قتل و غارت و پس از آن، تحمل ۲۰ سال امارت بسیار ظالمانه و تحقیرآمیز حجاج بن یوسف ثقفی بود.

از این رو امام در طول قیام از منظر قانون سنت‌های الهی به طور پیوسته از مخاطبان خود می‌خواست کرامت و عزت خود و دین خود را حفظ کنند. به نظر امام، اگر آنان به بهانه آزمندی و دنیا پرستی به هرگونه تحقیر خودخواسته تن بدهند، این ذلت به

ص: ۲۴۸

سنتی طولانی و فرآینده تبدیل خواهد شد و حتی آنها را هم از زندگی دنیوی معمولی و ساده دور خواهد ساخت.

۱۸. اصل کنترل، نظارت و ارزیابی

اشاره

۱۸. اصل کنترل، نظارت و ارزیابی

زیر فصل ها

توضیح

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری

پرسش های کارشناسی

میان برنامه

توضیح

توضیح

از جلوه های بارز مدیریت عاشورایی، پرهیز امام از اقدام های ناسنجیده و به صرف دعوت از سوی گروه های مختلف بود. امام بر اساس اصل کنترل و ارزیابی در مدیریت، در طول قیام هرگاه با دعوت، ادعا و یا درخواستی مواجه می شود، همواره تلاش می کند از گره زدن سریع و بی حساب و کتاب قیام عظیم خود با جریان ها و ادعاها پرهیز کند. در برابر، با در پیش گرفتن اصل و سیاست اختیار و تلاش برای راست آزمایی مدعیان، میزان آمادگی های عملی و نسبت بین قول و عمل آنها را بسنجند.

از این رو، امام در آغاز امامت خود، در پاسخ به دعوت قیام کوفیان آن را به پس از مرگ معاویه موکول می کند، ولی هنگام هجرت از مدینه، راهی کوفه نمی شود، بلکه به مکه می رود و در مکه هم پس از اطمینان از وصول نامه های فراوان در نهایت، یکی از نیروهای توان مند خود، حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام را عازم کوفه می کند تا به سنجش و ارزیابی شرایط کوفه بپردازد.

مدیریت کنترل و مراقبت امام برای کوفه به عنوان مهم ترین نقطه امیدش، باعث ایجاد خطی از رفت و آمد پیک ها و نامه رسان ها می شود تا امام در مواقع لزوم، از اخبار و میزان آمادگی کوفه و کوفیان مطلع باشد. امام فرآیند نهایی قیامش را به تحولات کوفه وابسته نکرده بود، ولی در عین حال در تلاش بود در تصمیم گیری های خود، دور از روند امور نباشد یا تصمیم ناسنجیده نگرفته

باشد.

از دیگر جلوه‌های مدیریت ارزیابی امام، ارزیابی و سنجش افکار است. امام در ارتباطی پویا همواره سعی می‌کند از افکار و گرایش‌های اندیشه‌ای و ایمانی جبهه مقابل خود آگاه شود. از این رو همواره در سخنرانی‌ها یا سخنانش با افراد، گروه‌ها یا لشکر کوفه، با آگاهی کامل از روحیات آنها با آنها سخن می‌گوید.

از منظری دیگر، شاید بتوان ادعا کرد تأخیر انداختن در اجرای تاکتیک‌های نظامی به نیمه‌های شب عاشورا ناشی از کنترل و مراقبت و ارزیابی امام نسبت به تاکتیک‌های

ص: ۲۴۹

نظامی دشمن است. آن گاه که امام در عصر تاسوعا متوجه نقشه اصلی دشمن در صحنه نبرد می شود، تلاش می کند در جمع بین بررسی شرایط محیطی و کشف طرح و نقشه دشمن، بهترین تاکتیک را طراحی و اجرا کند.

موارد زیر از جلوه های بارز مدیریت عاشورایی است:

سنجش و ارزیابی پیوسته مدعیان همراهی؛

کنترل و مراقبت و نظارت بر رفتار دشمنان.

ارزیابی شرایط حال و آینده و آماده سازی نیروها حتی برای مراحل میان مدت و بلندمدت ناظر به همین نکته است که امام وقتی در ارزیابی شرایط، ضرورت استمرار قیام حتی پس از شهادت خود را در نظر می گیرد، اهل بیت را با خودش همراه می کند تا پرچمدار مراحل بعد باشند. این گونه مدیریت عاشورایی، درسی مهم به عاشورازستان می دهد که در مراقبت و ارزیابی برنامه های خود باید آینده و عاقبت هر برنامه و حتی مراحل پس از آن را هم بنگرند و بر اساس آن، خود یا نیروهای مناسب را برای آن شرایط آماده کنند.

از این منظر است که از شب تا عصر عاشورا، امام به حضرت زینب علیها السلام و دیگر بانوان توجهی ویژه دارد تا با نظارت بر کنش ها و واکنش های آنها در مقایسه با میزان نزدیکی به اوج بحران و فاجعه، آنها را برای مواجهه کامل با مسئولیت های خود آماده سازد. امام در این مرحله ضمن توجه به احساسات و عواطف و هیجان های آنها به مدیریت و آماده سازی آنها برای مواجهه با بزرگ ترین فاجعه ها و پذیرش سخت ترین مسئولیت ها می پردازد.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مدیریت و ارزیابی اطلاعات، ارزیابی پیوسته فرصت ها و تهدیدها، سنجش و ارزیابی افکار، عدم خودسانسوری، خبرگیری پیوسته، ارزیابی تهدید و ماهیت تهدید، شخصیت شناسی نیروهای خودی و دشمن، درک تغییرات و تحولات، ارزیابی نیروها و منابع انسانی، آزمون توانایی، ارزش یابی شناختی، امتحان صلاحیت، خطر حساب رسی، خطر عدم کشف، خطر کنترل، طراحی نظام ارزیابی کارکنان، فرهنگ ارزیابی، آمار و اطلاعات، ترویج الگوی خودکنترلی، سنجش توان عملکرد سازمان.

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری

جایگاه موضوع در جبهه سیاه و یا خاکستری

کارکرد ارزیابی، کنترل و مراقبت و نظارت، هوشیاری و آماده سازی روزآمد نیرو هاست. یکی از نقاط ضعف مهم جبهه خاکستری در صحنه عاشورا، نداشتن ارزیابی و نظارت درست و به موقع بود. این اتفاق هم از سوی صحابه و تابعین حجاز رخ داد. که با فهم نادرست فاجعه در حال وقوع، به خلافت یزید رضایت داده بودند و تا فجاج حره و حمله به مکه رخ نداد، یزید و کنه خلافت او را نشناختند. هم از سوی گروهی که بعد ها به نام توأیین معروف شدند، رخ داد آنها در کوفه با ارزیابی غلط یا ناقص نتوانستند همراهان حضرت مسلم علیه السلام باشند و او را تنها گذاشتند. ضعف کنترل و نظارت و ارزیابی از سوی آنها موجب غافل گیری به دست دشمن و غلبه رعب و وحشتی کاذب بر آنها و انزوای تدریجی شد تا در نهایت فاجعه کربلا رخ دهد.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. مراقبت، کنترل و ارزیابی چه نقشی در مدیریت دارد؟ چگونه مدیریت موفق به نظارت پیوسته، وابسته است؟

در درگیری حق و باطل که همواره حق در اقلیت است، چگونه مراقبت و کنترل پیوسته باعث کسب هوشیاری کامل از سوی حق و جلوگیری از غافل گیری یا ضعف عملکرد آن می شود؟

۲. در مدیریت حسینی و در طول نهضت عاشورا، جلوه های بارز کنترل و ارزیابی در سیره عاشورایی امام چیست؟ امام چگونه این اصل را در مراحل مختلف قیام به اجرا می گذارد؟ امام چگونه کوفیان را ارزیابی می کند؟ امام چگونه افکار جریان های مقابل خود را سنجش و شناسایی می کند؟ امام چگونه رفتار های دشمن را زیر نظر می گیرد؟

۳. به نظر می رسد امام در یک نظارت و ارزیابی ویژه در متعالی ترین مرحله خود، ضمن ارزیابی پیوسته یاران و اهل بیت علیهم السلام به تدریج به کنترل و سنجش میزان آمادگی آنها می پردازد و حتی در مواردی برای تقویت و آمادگی کامل آنها برنامه دارد؟ (همانند سنجش امام نسبت به یارانش در شب عاشورا، و یا مدیریت امام

ص: ۲۵۱

نسبت به ارزیابی و آماده سازی حضرت زینب علیها السلام (اصول این سیره مراقبتی امام چیست؟

میان برنامه

میان برنامه

یک ضعف مدیریت توابع در کنترل و ارزیابی درست و اوضاع و زمین گیر شدن آنها

سلیمان بن سرد خزاعی، از بزرگان و رئیس قبیله خزاعه در کوفه و مدعی محبت و علاقه مندی به سیدالشهدا علیه السلام بود. او پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام به همراه عده ای دیگر به امام نامه نوشت و امام را در آغاز امامتش به قیام دعوت کرد، ولی امام با ترسیم ارزیابی اجمالی از زمانه خود آن را به پس از مرگ معاویه موکول کرد.

پس از مرگ معاویه، وقتی خبر هجرت امام از مدینه به مکه و سلیمان بن سرد و دوستانش رسید، آنها دوباره به امام نامه نوشتند و در راستای قیام موعود، امام را به کوفه دعوت کردند. آنها بعد از آن برای تشویق هر چه بیشتر امام سعی می کردند به موج نامه نگاری های فراوان از کوفه دامن بزنند تا امام را هر چه سریع تر به کوفه بکشانند. امام ضمن پرهیز از شتاب زدگی، پسر عمویش، مسلم بن عقیل را برای بررسی و ارزیابی و آماده سازی کوفه به آنجا فرستاد.

پس از آمدن مسلم به کوفه و وارد شدن او نزد مختار بن ابی عبیده ثقفی آنها با دل سردی کنار کشیدند و موجب کندی برنامه های مسلم شدند. آمدن ناگهانی ابن زیاد که همراه با تهدید ها و ارباب ها بوده، در یک ارزیابی غلط باعث شد آنها تصور کنند دیگر قیام هیچ سودی نخواهد داشت با اینکه نقطه اتکای ابن زیاد، لشکریان شام نبود، بلکه او با تهدید و تشویق اشراف کوفه و گروه ها و احزاب غیرشیعی، شهر را با خود همراه کرده بود.

به اعتراف سلیمان و دیگر بزرگان این گروه که بعد ها خود را توابع نامیدند، در روزهایی که امام در مسیر راه و یا در کربلا بود، پیاپی نامه های امام برای دعوت و یاری به آنها می رسید، ولی آنها در یک ارزیابی غلط از اوضاع، نه تنها در کنج خانه های خود پنهان شدند، بلکه جمعی بین ۴ هزار تا ۱۶ هزار نفر از مردم خود را هم با خود خانه نشین کردند. اینان با قعود و سکوتی که ناشی از ارزیابی غلط اوضاع بود، باعث غربت و شهادت امام شدند.

ص: ۲۵۲

دو شیوه ارزیابی سنجی امام از میزان صداقت و آمادگی همراهانش

آن هنگام که امام قصد حرکت از مکه به سوی عراق را داشت، چون هنوز احتمال و زمینه برای پیروزی نسبی امام در کوفه فراهم بود، جمعی که همراه امام به راه افتادند، از نظر کمی قابل توجه بود و به حدود صد نفر، کمی بیشتر یا کمتر می رسید. امام هنگام خروج از مکه به صورت ضمنی به شهادت خود اشاره کرده بود، ولی تا رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم علیه السلام در میانه راه به صراحت و مکرر از آن سخن نفرموده بود. از این رو، جمع همراه امام در حدود ۱۰۰ نفر بودند، ولی از آنجا که قصد آفرینش قیام و حماسه ای عظیم و تاریخی را داشت، نیازمند آن بود که محترمانه به ارزیابی و پالایش آزادانه همراهانش بپردازد.

شیوه و برنامه امام برای این مهم بر سیاست و صداقت و شفافیت امام مبتنی بود. ارزیابی سنجی با کمک آزادی جریان مبادله در اطلاعات بود به این معنا که امام در طول نهضت، چیزی به نام اخبار محرمانه به ویژه نسبت به اخبار بد و مایوس کننده نداشت و با فراهم کردن شرایط آگاهی همگانی از خبرها و جریان آزاد مبادله آن سعی می کرد به ارزش یابی و ارزیابی همراهان خود بپردازد. امام در این مسیر، از مقطع رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم علیه السلام تا شب عاشورا، با مبادله آزاد اطلاعات و آزمودن همراهانش با ارائه مکاشفات و رؤیاهایش یا ارائه اخبار غیبی، با آنها درباره سرانجام مسیری که می روند، سخن گفت و آنها را در مواجهه با امان نامه های دشمن آزاد گذاشت. همه این موارد، ابزاری است برای سنجش صداقت و تاب و توان مدعیان همراهی.

فرآیند این ارزیابی ناظر به اهمیت طرح و برنامه امام، هر چه به عاشورا نزدیک می شود، روندی فزاینده دارد و آن گاه که در شب عاشورا به مرحله اطمینان و پالایش کامل می رسد، پایان می گیرد.

این اصل ارزیابی و ارزش یابی تدریجی با کمک آزمون با شرایط و موقعیت های سخت به همراه فرصت سازی برای کسب آگاهی آزادانه، سیاست کنترلی امام در برابر کوفیان هم است. امام در مواجهه با نامه های دعوت کوفیان در آغاز دعوتش نه ذوق زده شد و نه نسبت به آنها بی اعتنا بود، بلکه در برنامه ریزی منظم، ادعا و عمل آنها را ارزیابی کرد تا به آشکار سازی ماهیت واقعی آنها از پیوندزنی بیهوده قیام تاریخی خود با انسان ها یا جامعه کم ظرفیت پرهیز کند.

ص: ۲۵۳

۱۹. مدیریت هشدارها و تشویقها**اشاره**

۱۹. مدیریت هشدارها و تشویقها

زیر فصلها

توضیح

موارد تکمیلی

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

پرسش‌های کارشناسی

میان برنامه

توضیح

توضیح

تشویق و تنبیه عامل مهمی برای جذب و دفع افراد نسبت به هدف و مأموریتی واحد است. به ویژه اگر دامنه و گستره این تشویق و تنبیه در دایره سنتها و عبرت و حکمت‌های خداوند قرار بگیرد. این سخن به این معنی است که اولیا و رهبران حق در طول تاریخ آن‌گاه که حرکتی و قیامی مذهبی و تاریخی را صورت داده‌اند، برای همراه سازی آزادانه مردم به این حرکت و پیوستن به حق و جدا سازی آنها از همکاری با باطل، مجموعه‌ای از هشدارها و تشویق ارائه می‌کنند. این هشدارها به جای آنکه موجب رعب و وحشت، جنایت، تهدید و خشونت باشد، بازتاب اعمال و سنت‌های ناشی از آن است. تشویق‌ها هم به جای تطمیع‌های فریبنده یا چپاول بیت‌المال برای عده‌ای خاص، بیان سنت‌های برکات و توفیقات و رشد نعمات است.

این مدیریت در برابر مدیریت جبهه باطل قرار دارد؛ چرا که در جبهه باطل هم سیاست تهدید و تشویق به صورت گسترده وجود دارد، ولی این سیاست در اجرای تهدید‌های فراگیر با هدف ایجاد رعب و وحشت و سلب و کنترل اراده‌ها ریشه دارد. همچنین تشویق در جبهه باطل یا وعده‌های فریبنده است یا مواهب ناشی از چپاول بیت‌المال. در مقابل، اولیای خدا به جای ایجاد رعب و وحشت عملی سعی می‌کنند با ایجاد آگاهی و توجه‌دهی درست به عواقب امور بر اساس سنت‌های خداوند، مردم را به اندیشه وادارند. آن‌گاه با ارائه برخی مشوق‌های دینی و معنوی، زمینه ساز جذب و هدایت آنها شوند. موارد زیر از جلوه‌های بارز مدیریت امام در ارائه تهدید و تشویق آگاهانه مبتنی بر سنتها و عبرت‌هاست:

خطبه امام در منا آن گاه که امام، نتیجه سکوت علما را سقوط جامعه و نابودی دین می‌داند و آنها را در این امر مقصر و آینده همه حتی آنها را تاریک می‌بیند؛

برخی سخنان امام در دوران اقامت در مکه به ویژه در آستانه خروج (همانند هر کسی که با ما نیاید، به پیروزی و رستگاری نخواهد رسید)؛

مجموعه هشدارهای امام به افراد ملاقات کننده همانند عبیدالله بن حر جعفی که درباره آینده شوم شان به آنها هشدار می‌دهد؛

ص: ۲۵۴

سیدالشهدا علیه السلام و مکاشفاتی که شب عاشورا برای یارانش داشت و باعث ثبات و اطمینان خاطر ایشان شد.

هشدار امام در روز عاشورا نسبت به آخر و عاقبت کوفیان در آینده نزدیک و میان مدت (سیاستی که پس از ایشان کاروان اسارت در سراسر جهان اسلام به اجرا گذاشت و نسبت به آینده نزدیک و شوم جهان اسلام هشدار های فراوان داد)؛

امام و هشدار دادن به ذلت و زبونی مسلمانان در آینده.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

انبوه هراسی (ایجاد هراس اجتماعی)، عبرت سازی، پیش بینی و پیش گویی، عبرت ها و سنت ها، تبلیغات انذار، آینده هراسی تبلیغات و تضعیف روحیه، اصل و مدیریت یادآوری، رسوخ در دشمن، پرسش برانگیزی، مدیریت بیدارگری فطرت، روش شناسی تهدید و تطمیع، مدیریت موازی جاذبه ها و دافعه ها، مدیریت هشداردهی با روشنگری، مدیریت فشار عصبی، سر دوراهی قرار دادن و دفاع از حقوق با تعیین پاداش یا تنبیه.

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

جایگاه موضوع در جبهه دشمن

جلوه بارز مدیریت تهدید و تشویق در جبهه باطل را در چهره ابن زیاد و در عراق به ویژه شهر کوفه می توان دید. ابن زیاد در این شهر با به شهادت رساندن عده ای و ایجاد حکومت نظامی، سعی در تهدید کامل کوفیان داشت. تشویق های او هم با اعطای کیسه های زر از بیت المال همراه بود که فقط به اشراف می رسید. به لشکر کوفه هم در کربلا وعده داده بود در صورتی که مرتکب جرم و جنایات شوند، هدایای ویژه ای دریافت کنند. هدایایی که اگر نگوییم هیچ کدام، ولی بیشتر آنها محقق نشد حتی برای عمر سعد و فرماندهان کوفه.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. تهدید و تشویق در مدیریت و حرکت دهی در زندگی انسانی چه نقشی دارد؟ بر اساس دین حق، معیار و مبانی ارائه و القای تهدید و تشویق به جامعه چگونه باید

ص: ۲۵۵

باشد؟ چگونه این تهدید و تشویق های دینی بر اساس الگوی سنت ها تعریف می شود؟ تفاوت این روش و مبنا با روش باطل در این زمینه چیست؟

۲. سیدالشهدا علیه السلام در طول قیام خود چگونه بر اساس قانون سنت ها از سیاست و مدیریت تهدید و تشویق برای همراهی جامعه با قیام خود استفاده می کند؟ در این سیاست ها، تهدیدها بیشتر است یا تشویق ها؟ امام در تهدید های خود بر چه مفاهیم یا مصادیقی تأکید می کند؟ آیا بین بیان های هشداردهنده امام در حجاز و عراق، تفاوتی دیده می شود؟ چرا؟ آیا امام در طول نهضت برای جامعه یا یارانش بیان تشویقی دارد؟

چگونه کاروان اسارت مدیریت تهدید و هشدار دینی و عاشورایی را استمرار می دهد؟ هدفش در این مقطع چیست؟

۳. مدیریت تهدید و تشویق سیاست یزیدی چگونه در جامعه اسلامی به ویژه در کوفه اجرا می شود؟ این مدیریت چگونه باعث مرگ روحیه انسانی و احیای چهره درنده خویی و حیوانی گمراهان در جامعه کوفه شده بود؟ راهکار جبهه حق برای خنثی سازی سیاست های تهدیدی باطل چیست؟ آیا سیدالشهدا علیه السلام در کربلا برای سعی در خنثی سازی مدیریت تهدیدی ابن زیاد بر کوفیان تلاش کرد؟

میان برنامه

میان برنامه

۱۹۱. امام و مدیریت تهدید و تشویق

سیدالشهدا علیه السلام پس از آنکه در آغاز خلافت یزید، ناچار به هجرت غریبانه از مدینه به مکه شد، برای زمینه سازی قیام خود و تأمین نیروی انسانی دعوتی فراگیر را شروع کرد. از آنجا که جامعه اسلامی به شدت آلوده انحراف ها و تحریف ها و بدعت ها شده و در نهایت بی اعتنایی و غفلت و رکود بود، دعوت امام نیازمند به کارگیری تبلیغات تهدید و تشویق گسترده بر مبنای اصول و روش های دینی بود.

از این رو، امام همانند شیوه و روش قرآن که در قالب آیات سنت های تاریخی یا در قالب آیات بهشت و جهنم به این مهم می پردازد، برنامه تبلیغی خود را در زمینه تحریک عواطف و اذهان با کمک بیان تهدیدها و تشویق آغاز کرد.

شیوه امام در این برنامه، بیان آثار و نتایج دو طرف، همراهی کردن یا نکردن با ایشان است. امام در این تهدید ها ضمن بیان سیمای کلی و همراهی با باطل و رستگار

ص: ۲۵۶

نشدن قاعدین، هر چه به عاشورا و کربلا نزدیک می شود، سعی می کند بر اساس پیش گویی های غیبی بر شدت و جزئیات تهدید ها بیفزاید تا احتمال نفوذ و اثر گذاری یا ایجاد رعب و هراس ناشی از آن فزونی یابد. امام اوج این تهدید ها را در برابر فرماندهان و لشکریان کوفه در کربلا انجام می دهد، به گونه ای که آینده تاریک کوفه و برخی از آنها را دقیقاً بیان می کند.

در برابر، مدیریت تشویق امام، متوجه نتایج و آثار همراهی با ولایت و اهل بیت علیهم السلام است. این تشویق ها هم در آغاز، عمومی و ناظر به حیات طیبه دنیوی است، ولی وقتی اکثریت جامعه، امام را رها می کنند و جز اندکی با امام نمی مانند، ایشان پس از اتمام حجت متعدد با آنها و آزاد گذاشتن شان برای رفتن، چون استقامت و صلابت آنها را مشاهده می کند، به پاس معرفت و اطاعت آنها، بنا به برخی روایات، در شب عاشورا، مقام های بهشتی را به یارانش نشان می دهد.

از سوی دیگر، امام نسبت به کاروان اسارت و بانوان حرم در شب و روز عاشورا ضمن بیان روز های سخت و دشوار آنها، سرانجام آنها و رسالت شان را ختم به خیر و درخشان و موفقیت آمیز ترسیم می کند تا در آستانه روز های سخت پیش رو، با روحیه ای قوی پا در این مسیر بگذارند.

دو بررسی تطبیقی کارکرد تهدید در دو جبهه حق و باطل

هشدار و انذار یکی از روش های تربیتی در زندگی بشر است و اصولاً- زندگی و جامعه بشری را بدون آن نمی توان کنترل و مدیریت کرد. از این رو هم در مدیریت حق محور و هم در مدیریت باطل گرا، تهدید و انذار جایگاهی ویژه دارد. این اشتراک تقریباً اشتراکی در لفظ است و گرنه تعریف، ماهیت و روش های تهدید و انذار در دستگاه حق و باطل، با هم بسیار تفاوت و فاصله دارد. این تفاوت و فاصله را از منظر و آینه عاشورا بهتر می توان بازشناخت.

در مدیریت عاشورایی سیدالشهدا علیه السلام، تهدید رویکرد گفتاری دارد. به این معنا که امام بدون اینکه عامل ارباب و وحشت باشد، صرفاً وعید می دهد. البته این وعید امام در سنت های الهی ریشه دارد و از باب عاقبت نمایی و تجسم اعمال است. در حقیقت، اما هشدار می دهد اگر جنایت و فاجعه عاشورا رخ دهد، این فاجعه چون سنگین ترین

ص: ۲۵۷

جنایت در تاریخ درگیری حق و باطل خواهد بود، عواقب و نتایج آن نیز بر اساس قانون سنت می تواند بدترین سرانجام را برای جانیان داشته باشد. این تهدید و هشدار و انذار چیزی نیست جز بازتاب اعمال خود جنایت کاران. از این رو، سیره انذار دهی امام به جای تحقق عملی انذار بر آگاه سازی و عاقبت نمایی است.

در مدیریت یزیدی، تهدید، رویکرد عملی و اجرایی دارد آن هم در شدیدترین نوع خود که با هدف ارعاب و ایجاد وحشت و هراس و خفقان اجتماعی است. برای تحقق این تهدید، تمام ابزارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به کار گرفته می شود. این تهدید، نه وعید، بلکه واقعیتی اجتماعی است که باعث رکود و نابودی ارزش ها، روحیه ها و اندیشه ها در جامعه می شود.

این گونه مشخص می شود که انذار در بیان سیدالشهدا علیه السلام، وعیدی تفکربرانگیز و به صورت مشروط است، ولی انذار در روش یزید، اجرای خشن ترین رفتارها با هدف نابودی احساسات و اندیشه هاست.

۲۰. مدیریت آینده نگر و انتظار پویای پیوسته (آخرین قسمت)

اشاره

۲۰. مدیریت آینده نگر و انتظار پویای پیوسته (آخرین قسمت)

زیر فصل ها

پیش درآمد

موارد تکمیلی

پرسش های سه گانه

میان برنامه

پیش درآمد

پیش درآمد

مهم ترین آفت در تمامی ادیان و مذاهب انحرافی (به غیر مکتب حق که یکی هم بیشتر نیست)، ادعای خاتمیت به معنی قطع تمامی رابطه های آسمان و زمین است؛ انقطاعی که آغاز دوره ای خودبنیاد مبتنی بر مدیریت و رهبری دین داران غیر معصوم برای جوامع دینی است. لازمه این نظریه و روش، پذیرش نظریه سلفی گرایی است. بازتاب سلفی گرایی، پذیرش استمرار نداشتن شرایط معصومانه هماهنگ با پیشرفت زمان و مکان است که به دین داران می پذیرند در بلندمدت دچار روزمره گی و تکرار شوند. در این فضا، همه این ادیان و فرقه ها برای حفظ اعتبار خود دایم به گذشته ها و گذشته گرایی دامن می زنند و با ادعای تحقق مدینه

فاضله در تاریخ و گذشته و امکان نداشتن تکرار آن، ملت‌ها را به سکون، سکوت و قعود فرا می‌خوانند.

فریاد‌های بلند سیدالشهدا علیه السلام در سراسر مراحل قیامش، نفی هرگونه قرائت غیراهل بیتی از اسلام است. امام بر ایجاد مرزبندی بین جامعه اسلامی نبوی با جامعه

اسلامی اموی و امثال آن تأکید دارد. معیار جامعه اسلامی اموی، گذشته گرایی و نفی امکان بازگشت به تجربه مدینه فاضله نبوی است. در مقابل، شعار امام در قالب اصلاح یا دعوت به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با رهبری خودش، اعلام امکان تحقق مدینه النبی در تمام زمان های پس از پیامبر به دست اهل بیت علیهم السلام است. البته شرط تحقق آن آرمان شهر، خواست و اراده جدی مردم است. از این رو، امام آشکارا در برابر سکوت و سکون گرایی که از مبانی جامعه اموی است و هدفش، ایجاد رضایت مندی نسبت به جامعه یزیدی است، به مخالفت می پردازد. آن گاه تلاش می کند با بالابردن سطح آگاهی و توقع مردم، آنها را از باقی ماندن در وضع موجود منصرف سازد و حالت آینده نگر دینی و انتظار در آنها ایجاد کند و آنها را رو به آینده ای مقدس و متعالی به حرکت در آورد.

امام می دانست که به دلیل رسوخ شدید جاهلیت در جامعه معاصر خود، این دعوت به انتظار و حرکت دعوت صرفاً به سوی خودش به تنهایی نیست و نمی تواند باشد. از این رو، دعوت امام در خطبه منا در سال ۵۹ ه. ق و در دیگر سخنرانی های مهمش، دعوت به بازگشت به خط اهل بیت علیهم السلام است؛ خطی که با رهبری امامان معصوم از اهل بیت علیهم السلام، به صورت پیوسته با انتظار و حرکت ملازم است تا آن گاه که به جهانی سازی عبودیت و عدالت منجر شود.

از این رو، یکی از ارزش های بلند عاشورا، تغییر نگاه از سکون و سکوت گرایی به سوی انتظار و قیام خواهی است که لازمه اش، داشتن نگاه به آینده و آینده نگر است. امام همواره در حجاز، عراق و کوفیان، آنها را از عاقبت و آینده همراهی با یزید و امثال او انذار می دهد و سنت های خداوند را یادآوری می کند و فردای آنها را بدتر از امروز آنها می داند. بدیهی است سخن گفتن از آینده نگر و وقتی جواب می دهد که افراد از جهت مبانی ارزشی و بینشی، آینده نگر باشند و این آینده نگر و وارد همه جنبه های هویتی، ارزشی و دینی افراد و جامعه شود.

بر اساس این ارزش عاشورایی که امامان بعدی در قالب فرهنگ انتظار و مهدویت توسعه دادند، هویت تشیع تکمیل می گردد. به این ترتیب، آینده نگر و مدیریت

ص: ۲۵۹

آینده نگری، انتظار و دل بستگی نداشتن به وضع موجود و تلاش برای جهانی سازی ارزش های حق به یکی از ارکان تشیع تبدیل می شود.

موارد تکمیلی

موارد تکمیلی

مثبت اندیشی، انتظار پویا، آینده روشن، آینده پژوهی، پیش بینی آینده نگر، عبرت و عاقبت پژوهی، سنت های الهی در جامعه و تاریخ و هویت سرخ و سبز تشیع در جبهه حق؛

رکود گرایی، سکون گرایی، رجعت گرایی، سلفی زدگی، انکار آینده و رضایت به وضع موجود در جبهه سیاه و خاکستری.

پرسش های سه گانه

پرسش های سه گانه

۱. امام در مقام آسیب شناسی زمانه خود چگونه یکی از آسیب های مهم آن را رضایت مندی به وضع موجود، تعریف زمان حال صرفاً به گذشته گرایی خنثی و بی تحرک می بیند؟

چرا امام حتی در مقام بازشناسی گذشته (هویت ارزشی و پیشینه هویتی)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از خود و خود را از پیامبر معرفی می کند و مدعیان خلافت را جدای از پیامبر می داند؟ آیا هدفش، باز تعریف درست گذشته نیست تا گذشته از رکود و روزمره گی خارج شود؟ این باز تعریف چگونه ضرورت استمرار رهبری معصومانه در هر زمان را اثبات می کند؟

۲. امام بر اساس نگاه کلان و فلسفه تاریخی مکتب اهل بیت علیهم السلام چگونه در قیام خود، اندیشه آینده نگری و انتظار را در جامعه تزریق می کند؟ اصولاً تفاوت و شاخصه جامعه کوچک همراه با امام با جامعه بزرگ اسلامی جدای از ایشان در چیست؟

مدیریت جامع تشیع از جهت زمانی که به جمع گرایی بین گذشته هویت ساز و آینده چشم انداز می پردازد، چگونه باعث ایجاد پویایی و نشاط و تحرک در زمان حال می شود؟ آیا همین نگاه جامع به زمان ها از عوامل مهم پویایی و نشاط یاران سیدالشهدا علیه السلام نبود؟

ص: ۲۶۰

برنامه فطری تشیع در جمع بین زمان ها ناظر به تعریف هویت (گذشته)، رسالت (آینده)، مسئولیت و تکالیف پویا (حال) چگونه باعث ایجاد جاذبه جهانی برای تشیع شده است؟

۳. تشیع با عاشورا به عنوان هویت پیشینه و ارزش ساز و مهدویت انتظار و آینده ساز شناخته می شود. چگونه ترکیب این دو عنصر باعث تمایز تشیع از تمام مکاتب و فرقه ها و مذاهب (رجعت گرا) شده است؟

اصولاً- نسبت مهدویت با عاشورا در چیست؟ چرا مهدویت شیعی (بر اساس فلسفه تاریخ شیعه) بدون عاشورا بی معناست؟ آیا عاشورای بدون مهدویت (همانند مکتب شیعی زیدیه یا اسماعیلیه) هم بی معنا نخواهد بود؟

میان برنامه

میان برنامه

یک ادیان آسمانی و پیامبر اسلام؛ پایه گذار نظریه آینده گرایی مقدس

بر اساس نگاه فلسفه تاریخی ابراهیمی، پیامبران در توالی و تسلسل ظهور خود، همگی به یک دین واحد دعوت می کردند. هدف نهایی زمینی آنها هم رسیدن به مدینه فاضله جهانی توحیدی و جهانی سازی معنویت و عدالت توحیدی بود. از این رو، در تاریخ پیامبران هر پیامبری که می آمد، مصدق به پیامبران گذشته و مبشر نسبت به پیامبران آینده به ویژه پیامبر اسلام بود.

با این نگاه، خاتمیت به معنی پایان دوران وحی و پیامبری است، ولی به معنی پایان رابطه آسمان و زمین و استمرار رهبری و حاکمیت انسان های معصوم نیست؛ چرا که پیامبر همواره ضمن تأکید بر خاتمیت بر جای گزینی نبوت با امامت و ولایت تأکید داشت. پیامبر اسلام حتی در مراسم روز غدیر و در خطبه غدیریه خود، در کنار معرفی ولایت و امامت علی ابن ابی طالب، سلسه ولایت را معرفی می کند و به تعداد ۱۲ ولی پس از خود تصریح می کند. همچنین در ۱۸ مورد مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله مهدویت به عنوان آینده روشن بشریت اشاره دارد.

از این منظر، حتی قرآن از جهت فضیلت شناسی به تفکیک بین پیامبر اسلام و جامعه معاصر با ایشان می پردازد. از منظر قرآن، اگر چه پیامبر اسلام، افضل انسان ها و بلکه افضل پیامبران است، ولی افضل بودن ایشان به معنی افضل بودن جامعه معاصر با ایشان

ص: ۲۶۱

یا به اصطلاح، اهل سنت به معنی عدالت همگی صحابه نیست. به گواهی آیات فراوانی از قرآن که به بحث نفاق یا بهانه گیری های صحابه می پردازد، معلوم می شود جامعه اسلامی در زمان پیامبر، تازه در آغاز راه اسلامی شدن است. در مراحل همانند جنگ بدر برای آنها فضیلت ارزشی اثبات می شود، ولی این صرفاً ارزشی است، نه تمدنی و مطلق که باعث رکود و روزمره گی خود آنها و جوامع پس از آنها شود.

بر اساس این نگاه، دین واحد حق در طول تاریخ هیچ گاه گذشته گرا یا واقع گرا به معنی ساکن در زمان حال نبوده است. بر اساس فلسفه تاریخ دین حق، تا جهانی سازی معنویت و عدالت توحیدی فراهم نشود، دین حق به آرامش و قرار و اطمینان خود نخواهد رسید. این آینده نگری و پرهیز از سکون گرایی یکی از مهم ترین پیام های عاشورایی برای جامعه اسلامی آن زمان و همیشه تاریخ است.

دو معضل سلفی گرایی از جامعه یزیدی تا تمامی جوامع اسلامی معاصر (بیداری اسلامی در تقابل با سلفی گرایی)

امام وقتی قیام خود را آغاز و به مکه هجرت کرد، بلافاصله عده ای از صحابه نمایان مدعی علم و دین نزد امام آمدند و با نصیحت گری و موعظه به اصرار از امام خواستند همانند آنها و تمامی افراد دیگر جامعه، ساکت و آرام بنشینند تا مبادا آرامش و امنیت جامعه، به هم ریزد. آنها امام را به سکوت و سکون و قعود دعوت می کردند تا همانند آنها به وضع موجود راضی باشد.

امام در برابر آنها با یادآوری ارزش ها و گفتار و سیره پیامبر تأکید می کرد هدف پیامبر هیچ گاه رسیدن جامعه اسلامی به جامعه یزیدی آن هم همراه با سکوت و سکون و رضایت به ظلم و فساد نیست. ایستادگی اکثریت جامعه اسلامی به نام خلافت یزید در برابر سیدالشهدا علیه السلام، بعد ها باعث مرزبندی روشن اسلام اهل بیتی و عاشورایی از اسلام خلافتی و اموی شد؛ یعنی به تدریج، مرزبندی کلی بین دو الگو از اسلام ایجاد شد. اسلامی که به رکود و سکون و قعود و رضایت به وضع موجود دعوت می کرد و هیچ گونه آینده ای را تعریف و ترسیم نمی کرد و تمام ارزش ها و افتخاراتش را در گذشته، آن هم گذشته تحریف شده جست و جو می کرد. این اسلام با ارائه نظریه مدینه فاضله در گذشته و تمام شدن آن عملاً جامعه را به روزمره گی می کشاند.

ص: ۲۶۲

اسلامی دیگر که اسلام اهل بیتی بود، هماهنگ با فطرت، مدینه فاضله را در پایان تاریخ جست و جو می کرد و تمام ارزش های گذشته را هم به عنوان هویتی که محرک آفرین است، مطرح می کرد؛ هویت هایی که باید پویا، انتظار ساز و نشاط آفرین باشد.

از آن پس، در تاریخ اسلام، شاهد تقابل دو نظریه کلی بوده ایم. از یک سو، تشیع و اسلام اهل بیتی است که پیوسته به آینده نگری دعوت می کند و در برابر آن، تمام فرقه ها و مذاهب رسمی و کوچک و بزرگ اسلامی بودند که به سلفی گرای دعوت می کنند. سلفی گرای که به معنی بزرگ نمایی گذشته و دوران صحابه و تابعین و نوامیدی از بازگشت دوباره آن دوران است، رضایت دهنده به وضع موجود و دعوتگر به آرامش و سکوت و قعود در هر شرایطی است.

این گونه، در تاریخ اسلام، جوامع اسلامی به جای رشد و بالندگی، هر روز دچار روزمره گی، عقب ماندگی و انحطاط بیشتر می شوند؛ چرا که زمانه و تمدن در حال پیشرفت است، ولی گذشته گرای چنان مقدس می شود که هر گونه اعتراض به وضع نابسامان موجود و متفاوت بودن تو را ممنوع و حرام اعلان می کند. البته این وضعیت تا ابد نمی تواند ادامه پیدا کند؛ چون سرانجام فزونی ظلم و تبعیض به جایی می رسد که دیگر ماندن در گذشته گرای جواب نمی دهد و فطرت ها در برابر دین های مدعی به پا بر می خیزند. درست همانند وقتی که فطرت جوانان مسلمان خسته از قرن ها ظلم و ستم مقدس، پس از مواجهه و مشاهده با نظریه اسلام آینده نگر اهل بیتی و کسب افتخارات آن در جهان معاصر مبتنی بر ارزش های عاشورایی، ناگهان به خروش در می آید و به پا می خیزد. فطرت ها یاد می گیرند دیگر نمی توانند ستم را تحمل کنند. این گونه است که بیداری اسلامی متولد می شود، همان بیداری که اگر درست مدیریت شود، می تواند به آینده گرای مقدس روی آورد و بر اساس ارزش های عاشورایی، شعار ذلت گریزی و عزت مداری و عدالت خواهی را جهانی سازد.

ص: ۲۶۳

ب) پژوهش ایده یابی بر اساس شخصیت شناسی عاشورایی (انسان شناسی و روان شناسی)**اشاره**

ب) پژوهش ایده یابی بر اساس شخصیت شناسی عاشورایی (انسان شناسی و روان شناسی)

زیر فصل ها

پیش درآمد

۲. پژوهش شخصیت شناسی بر اساس روش مقایسه ای (یک موقعیت؛ سه انتخاب)

پیش درآمد

پیش درآمد

این بخش، مهم ترین قسمت این کتاب است؛ مباحث آن با مخاطب پیوند نزدیک تری دارد. همچنین از نظر جذب مخاطب و برنامه سازی داستانی و غیرداستانی، دارای ظرفیت های فراوانی است. در ضمن آن نیز می توان بسیاری از گرایش های علمی دیگر را اجرا کرد.

۲. پژوهش شخصیت شناسی بر اساس روش مقایسه ای (یک موقعیت؛ سه انتخاب)**اشاره**

۲. پژوهش شخصیت شناسی بر اساس روش مقایسه ای (یک موقعیت؛ سه انتخاب)

زیر فصل ها

موضوع برنامه

هدف برنامه

یک پرسش و پاسخ

چند تذکر

جدول شخصیت شناسی

۱. احساس نیاز یا بی نیازی به امام (انسان کامل)

۲. از آگاهی تا ایمان

۳. انتظار و سطح درک و توقع مردم از امام

۴. دین و دنیا

۵. دل بستگی‌ها و وابستگی‌ها

۶. تخصص و اعتبار اجتماعی

۷. شخصیت دنباله‌رو، بی‌اعتنا و جریان ساز

۸. فرصت‌ها و انتخاب‌ها: (از گمنامی تا شهرت)

۹. حریم‌ها و حرمت‌ها

۱۰. ابعاد و مراتب حق‌یابوری

۱۱. زنان (و همسران)

۱۲. فرهنگ‌سازی یا عبرت‌روزگار شدن

موضوع برنامه

موضوع برنامه

یک موقعیت انسانی واحد و سه نوع انتخاب: سفید، سیاه، خاکستری.

هدف برنامه

هدف برنامه

بازشناسی کاربردی عاشورا از منظر تحلیل شخصیت‌های عادی و معمولی موجود در جامعه اسلامی، هم‌زمان با رخداد عاشورا، با هدف الگوگیری از آن برای تقویت و اصلاح روابط انسان‌های معمولی در جامعه انتظار است. در این مجموعه تلاش می‌شود، به جای توجه با سیدالشهدا علیه السلام یا بنی هاشم یا حتی بنی امیه و طاغوت در رخداد عاشورا، به مردم عادی آن جامعه پردازیم؛ چرا که اکثر مخاطب‌های رسانه، مردمی عادی هستند که در پای کلاس‌های محرم و عاشورا در جست‌وجوی راه از بیراهه هستند، ولی غلبه مباحث تاریخی یا کلامی در سطح کلان سبب گشته که مخاطب معمولی، کمتر با مباحث و معارف ارائه شده در خطابه‌ها هم‌ذات‌پنداری کند.

البته ارائه‌ی قصه برخی شخصیت‌های عادی عاشورایی، گه‌گاه در خطابه‌ها وجود دارد، ولی غالب‌روایت‌گری‌ها، خطی و تکراری و کلیشه‌ای است؛ چرا که مخاطب از قبل پایان‌قصه را می‌داند.

این در حالی است که ارائه‌ی تطبیقی و مقایسه‌ای در موقعیت واحد و مشابه، همراه با نگاه تحلیلی روان‌شناختی و مردم‌شناسی، کمتر مورد توجه خطبا و برنامه‌سازان و نویسندگان بوده است.

ص: ۲۶۴

در این مجموعه سعی شده، حداقل متناسب با یک دهه محرم و در یک سیر محتوایی منظم، به این بررسی تطبیقی و کاربردی پردازیم و بتوانیم از جامعه عاشورایی، پلی به جامعه اسلامی کنونی بزنیم، به امید آنکه با عبرت گرفتن از شخصیت های معمولی سفید، سیاه و خاکستری، بهتر بتوانیم امام زمانمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بشناسیم.

یک پرسش و پاسخ

یک پرسش و پاسخ

از منظر دینی، انسان ها یا اهل بهشت هستند یا دوزخ؛ چرا که مسیر زندگی، صحنه مصاف خیر و شر و حق و باطل است. با این نگاه، سفید و سیاه معنا دارد و جایگاه خاکستری مشخص می شود. آیا خاکستری به معنای اثرپذیری از نگاه های غیر اصیل و وارداتی بر آمده از فرهنگ انسان شناسی غربی نیست؟

در جواب باید گفت که سیاه و سفید، حکم نهایی و قطعی انسان ها از منظر قاضی عالم و خیر هستی است که برای درصدی از انسان ها صدق می کند، ولی غالب انسان ها از منظر و نگاه انسانی به فرموده قرآن، معجون و مخلوطی از رفتار های خیر و شرند که در مسیر زندگی، سرانجام به یک سو گرایش پیدا می کنند و گاه حتی تا لحظه مرگ در آن سرگردانی (۱) باقی می مانند.

در اینجا خاکستری به معنی خاکستری در لحظه روایت موقعیت است، نه از باب بیان حکم قطعی و نهایی برای این دسته از انسان ها. بدیهی است که این نگاه منافاتی با نگاه دینی ندارد؛ چرا که انسان خاکستری که اصلی ترین ویژگی اش، شک و تردید و عمل مخلوط یا ترک هر دو طرف خیر و شر است، سرانجام توبه می کند و به خیر می پیوندد یا با استمرار شک و تردید به مرتبه ای از سیاهی می رسد.

بنابراین، خاکستری در این بحث به معنی مطالعه موقعیتی خاص در زمان و مکانی خاصی و مشاهده انسانی مردد و سرگردان در آن حالت است.

چند تذکر

چند تذکر

۱. الگوی کلی هر قسمت شامل این طرح است:

توصیف و تبیین کلی موضوع؛

۱- «مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَ لَا إِلَى هُوَ...» نساء: ۱۴۳.

ص: ۲۶۵

جایگاه این موضوع در سخنان یا سیره امام حسین علیه السلام در طول تاریخ؛

بررسی موضوع از منظر یک موقعیت و سه وضعیت اجتماعی و شخصیت های آن زمان

وضعیت ها و شخصیت های سه گانه؛

نتیجه گیری و جمع بندی با رویکرد عاشورا و انتظار.

۲. چون هدف، کاربردی کردن رخدادهای عاشورا برای زندگی روزمره خود و انسان های جامعه است، از شخصیت پردازی امام و بنی هاشم به دلیل جایگاه و تربیت ویژه آنها پرهیز شده است تا امکان همانندیابی و الگوبرداری راحت تر شود.

۳. در این اثر، سعی بر شخصیت شناسی بر اساس منابع معتبر دست اول و رویدادهای مستند است. از این رو از شخصیت ها و رویدادپردازی های غیرمستند، پرهیز و از حاشیه پردازی های احساسی و افسانه ای دوری شده و سعی در عدم تکرار در استفاده از شخصیت ها در غالب موارد، به جهت رعایت تنوع و توسعه در کمیت افراد و پرهیز از تکرار است.

۴. شخصیت پردازی تفصیلی و تبیین مقایسه ای به مخاطبان واگذار شده و به جهت اختصار و رعایت امانت در مستند ها، از استشهاد های قرآنی و حدیثی درباره دیگران پرهیز شده است و این امر مهم را به عزیزان و مجالس و محافل گوناگون واگذار کرده ایم.

۵. ظرفیت بالای این گونه تحلیل شخصیت های عاشورایی برای انجام دادن فعالیت های گوناگون هنری به ویژه در حوزه ادبیات داستانی و نمایشی.

۶. طرح کلی برنامه: در این مجموعه برای رسیدن به هدف الگوگیری و کاربردی شدن شخصیت شناسی مخاطبان از صحنه عاشورا تلاش شده است ۱۲ قسمت برای ۱۲ برنامه در نظر گرفته شود که هماهنگ با رویکرد محتوایی بر اساس سیر منطقی محتوا و مباحث و نظام خطابه در دهه محرم پیش می رود. از این رو، سیر مباحث از آغاز تا شب تاسوعا بر محوریت سیاه، سفید و خاکستری می گذرد، ولی شب عاشورا به سر مرتبه سفیدی اختصاص دارد و پس از آن، رویکرد اصلی پی گیری می شود.

ص: ۲۶۶

۱

حس نیاز فرهنگ یابی نیازی از امام اجتماعی

۲

آگاهی و شناخت یا ایمان روی تخصص

۳

انتظارشناسی

۴

دین و دنیا

۵

وابستگی ها، دل بستگی ها

۶

یک اعتبار یا تخصص

۷

جریان سازی یا دنباله شدن

۸

فرصت ها و انتخاب ها

۹

حریم ها و حرمت ها

۱۰

مراتب یاوری

۱۱

حق زنان

۱۲

نقش سازی یا عبرت شدن

سیر محتوایی بحث در یک جدول شخصیت شناسی کلی چنین است:

جدول شخصیت شناسی

جدول شخصیت شناسی

بیشتر شخصیت های برجسته سه گانه در عاشورا در موقعیت های متعددی قابل استفاده بودند، ولی در این مجموعه، برای رعایت تنوع سعی شده است حتی الامکان از تکرار شخصیت در چند مورد پرهیز شود.

موضوع

سفید

خاکستری

سیاه

حس نیاز

جون

عمرو بن حنظله غسیل الملائکه

نافع بن ارزق خارجی

علم و ایمان

زهیر

هرثمه بن اعین

قره بن ابی قیس

انتظار شناسی

قیس بن مسهر

سلیمان سرد

اشراف کوفه

دین و دنیا

حر

عبیدالله ابن حر جعفی

عمر سعد

وابستگی ها

محمد بن بشیر

طرماح

پسر طوعه

ص: ۲۶۷

اعتبار و تخصص

ابو ثمامه / ابوالشعثاء

فرزدق / ابراهیم اشتر

حرمله / حمید بن مسلم / عمرو بن حجاج

جریان سازی

حبیب بن مظاهر

ابن عمر

شمر

فرصت ها و انتخاب ها

سلیمان غلام حضرت

عقبه بن سمعان

غلام شمر و ابن زیاد

حریم و حرمت

حر

پیام رسان خیر شهادت حضرت مسلم

عبدالله بن ارجوزه

کثیر بن شهاب

حق یاوری

(مراتب سه گانه سفیدی)

انس بن مالک اسدی

بریر خضیر

حبیب بن مظاهر

نقش زنان و همسران

ماریه سعدیه

همسر عبدالله بن عمیر

نوار همسر خولی

دختر عماره بن عقبه

فرهنگ سازی یا عبرت شدن

جابر بن عبدالله انصاری

ابن حر جعفی

عمر سعد

متن محتوایی و تفصیلی این برنامه چنین است:

۱. احساس نیاز یا بی‌نیازی به امام (انسان کامل)

۱. احساس نیاز یا بی‌نیازی به امام (انسان کامل)

آدمی چون به دنیا می‌آید، چه در ظاهر و چه در باطن در مرحله استعداد و رشد است. انسان مأمور است که به سوی سعادت و کمال گام بردارد و در این مسیر تنها نیست؛ چون خداوند، سرشت و فطرتی را همراه او کرده که همواره او را به نیکی و خیر فرامی‌خواند. همین فطرت باطنی است که همواره او را به انتخاب الگو و راهنما و سرمشق دعوت می‌کند؛ یعنی کسی که پیشرو است و می‌تواند در شکل‌یابی استعدادها، او را رهنمون گردد.

بر اساس الگوی فطرت، طرح‌واره سیر زندگی انسان چنین است: «انسان کامل = کمال انسانی».

ص: ۲۶۸

به دیگر سخن، ابتدا یافتن انسانی کامل و آن گاه تلاش برای الگو گیری از او در جهت کمال انسانی در تمام ابعاد وجود انسانی مطرح می شوند. چه بسیارند انسان هایی که بر اساس میل فطری خود به الگویابی روی می آورند، ولی به جای انتخاب انسان کامل صرفاً متوجه ابعاد زمینی و مادی و جسمانی خود می شوند و انسان های ناقص و گمراه را به عنوان الگو و امام و پیشوا خود انتخاب می کنند و از انتخاب و پیروی امام و انسان کامل احساس بی نیازی می کنند. همین نقطه، سرآغاز انحراف و گمراهی آنهاست.

این موضوع را ابتدا در سخنان امام و آن گاه از منظر سه موقعیت و یک انتخاب تاریخی بررسی می کنیم.

در محضر سخن و سیره امام حسین علیه السلام

الف) ضرورت انتخاب الگو و هوشیاری در این زمینه

امام حسین علیه السلام در راه عراق با مردی به نام بشر بن غالب اسدی روبه رو شد که از آن حضرت درباره آیه ۱۷۱ سوره اسرا (و روزی که هر گروهی را به پیشوایشان فرا می خوانیم) پرسید. پس امام فرمود:

آری، ای برادر اسدی، امام و پیشوا بر دو گونه است؛ امامی که به هدایت می خواند و امامی که به گمراهی دعوت می کند. پس هر کس که امام حق و هدایت را اجابت کند، به بهشت رهنمون گردد و هر کس امام باطل و گمراهی را پاسخ گوید، به آتش در آید. (۱)

ب) روش هر یک از امامان حق و باطل

امام در نامه اش به مردم بصره درباره الگوی امام حق می فرماید:

من، شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم؛ چرا که سنت او را کشته و بدعت را احیا کرده اند. اگر گفتارم را بشنوید و فرمانم برید، شما را به راه راست هدایت کنم و سلام و رحمت خدا بر شما باد. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

از سخنان آن حضرت علیه السلام در توصیف مسیر امام باطل و جامعه باطل، سخنی است که به فرزدق در میانه راه عراق گفت:

اینان مردمی هستند که در پیروی شیطان پابرجایند و خدای رحمان را پیروی نمی‌کنند و در زمین فساد را رواج داده و حدود خداوندی را باطل کرده‌اند. شراب می‌نوشند و اموال فقرا را ویژه خود ساخته‌اند. من سزاوارترم که به یاری دین خدا برخیزم و آیین او را گرامی بدارم و در راه دینش جهاد کنم تا کلمه خدا، برترین باشد. (۱)

ج) سرانجام انتخاب و همانندی هر یک از این دو الگو چنین است

مردی نزد امیرمؤمنان علی علیه السلام آمد و از آن حضرت درباره معنی کلمه «ناس» در آیه ۱۲۲ بقره پرسید. آن حضرت پرسشگر را نزد سیدالشهدا علیه السلام فرستاد. او از آن حضرت از معنی کلمات «ناس» و «اشباه الناس» و «نسناس» پرسید. آن حضرت فرمود:

ناس یعنی ما اهل بیت که خداوند، مردم را به پیروی از ما حتی در جزئیات اعمال حج توصیه کرده است.

اشباه الناس یعنی شیعیان و دوستان ما، به دلیل آیه ۳۶ ابراهیم که می‌فرماید: هر کس از من پیروی کند، از من است.

نسناس یعنی همین توده گمراه و مردم بی‌خبر از ما که خداوند درباره آنها می‌فرماید: «آنان نیستند مگر همانند حیوانات و بلکه گمراه‌تر از آنان هستند». (فرقان: ۴۴) (۲)

البته از نگاه و منظر سیدالشهدا علیه السلام، انس و ارتباط با اهل بیت، خیرات و برکات فراوانی دارد که نمونه آن چنین است:

از سخنان سیدالشهدا علیه السلام است که می‌فرماید:

هر کس به سراغ آید، یکی از این چهار مورد بهره‌او گردد: یا نشانه‌ای استوار از توحید و معرفت دینی به او رسد؛ یا حکم و قانونی درست و عادلانه را بشنود و

۱- تذکره الخواص، ص ۲۱۷.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۴۴.

ص: ۲۷۰

بیند؛ یا برادری پرسود و منفعتی بهره او گردد؛ یا دست کم (ثواب) هم نشینی با علم و دانشمندان بهره او گردد. (۱)

یک موقعیت، سه انتخاب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توصیه و سفارش به ثقلین رحلت می کند، ولی نیم قرن پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و پس از گذشت یک نسل از جامعه اسلامی؛ نظام خلافت و امویان تلاش می کند بعد از غصب خلافت، این حس نیاز به اهل بیت پیامبر را به اطاعتی کورکورانه از خلفای فاسد تبدیل کند. در کشاکش تبلیغات فکری و فرهنگی نظام خلافت و امویان در طرد مسلمانان به ویژه نسل های دوم و سوم جامعه از اهل بیت، وضعیت اجتماعی مردم نسبت به احساس نیاز یا عدم نیاز به انسان کاملی چون سیدالشهدا علیه السلام در لایه های طبقات گوناگون اجتماعی چنان آشفته و پراکنده می شود. در این صورت، نه تنها دیگر جایی برای اهل بیت در حجاز و شام نمی ماند، بلکه حتی در عراق هم تلاش ها برای قطع رابطه شیعیان عراق از دیدار ها با امام در ضمن سفر حج صورت می گیرد. تا در کنار ایجاد برنامه های تبلیغی و فرهنگی انحرافی در عراق باعث دوری و احساس بی نیازی هر چه بیشتر توده ها جامعه از امام گردد.

موقعیت مورد نظر: حس نیاز یا بی نیازی نسبت به امام معصوم (انسان کامل) و بازتاب های اجتماعی آن:

الف) وضعیت سفید: جون (حوی) غلام ابوذر

او غلامی گم نام بود که ابوذر او را خرید. مدتی در خانه ابوذر بود تا اینکه رخداد تبعید و رحلت ابوذر پیش آمد؛ رخدادی که زمینه ساز آزاد شدن او از سوی ابوذر بود.

او که در خانه ابوذر با کیستی و چیستی خود تاره آشنا شده بود و تنها پاسخ درست را نزد اهل بیت می دید، پس از رحلت ابوذر به خانه اهل بیت آمد و چنان اصرار کرد تا ماندگار شد. پس از شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام، ۱۰ سال، خدمت گزار سیدالشهدا شد. سرانجام همراه ایشان به کربلا آمد و هنگام رزم عاشورا در برابر

اصرارهای امام بر رفتن او، شهادت در رکاب امام را نقطه هویت و رمز جاودانگی خود اعلام کرد. (۱)

نمونه دیگر: در زمانی که والی مدینه در زمان معاویه مانع دیدار مردم عراق در ضمن سفر حج با امام در مدینه می‌شد یا بیشتر مردم به طمع هدایای معاویه راهی شام می‌شدند، جمعی از شیعیان کوفی به دیدار امام در مدینه رفتند. آنجا گفتند: «ما به خاطر دینمان نزد شما آمده ایم.» امام لحظه‌ای سر به زیر افکند و آن‌گاه فرمود: «هر کس ما را دوست دارد..... فقط برای خدا و رسولش در روز قیامت همراه ما خواهد بود...» (۲)

ب) موقعیت خاکستری: بی‌اعتنایی یا سرگردانی نسبت به انتخاب الگوی معصوم

احساس بی‌نیازی مراتبی دارد که در مرتبه خاکستری و اولیه آن، سرگردانی و حیرت در انتخاب است که به همراه بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به مسئله الگو و پیشوا است. در این وضعیت، فرد یا جامعه، نه پیشوای حق و نه پیشوای باطل را انتخاب نمی‌کند و در یک برزخ سرگردان زندگی می‌کند. این وضعیت برای سال‌های سال دامن‌گیر شهر مدینه و حتی مکه بود.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«در دور شهر مکه و مدینه برای ما اهل بیت حتی ۲۰ نفر دوستدار یافت نمی‌شود».

در این شهر، عمرو بن حنظله پسر حنظله غسیل الملائیکه از نسل دوم انصار و صحابه است و ده پسر دارد که آنها نسل‌های سوم جامعه اسلامی هستند. اینها از نظر فکری و دینی، نه متمایل به اهل بیت هستند و نه متمایل به حکومت امویان. در سال دوم حکومت یزید، پس از حادثه عاشورا و البته بدون طرح و برنامه مشخص به قیام علیه یزید دست می‌زنند. البته وضعیت قیام آنها به گونه‌ای است که هنگام قیام، نه آنها به اهل بیت و امام سجاد علیه السلام توجهی دارند و نه امام سجاد علیه السلام به آنها. حتی امام سجاد علیه السلام موقع قیام آنها از شهر مدینه خارج می‌گردد تا از آسیب‌های آن‌ها دور باشد.

۱- انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲- اعلام الدین، ص ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۷.

ص: ۲۷۲

در این سال ها، آقازاده های انصار هم ساکن مدینه هستند، ولی در برزخ خاصی سرگرم زندگی ظاهری و متوسط خویش شده اند و احادیث نبوی و حضور اهل بیت در مدینه معنا و جایگاه خاصی نزد آنها ندارد.

ج) وضعیت و موقعیت سیاه: ایجاد الگوهای بدلی در برابر امام معصوم

در جامعه رویگردان از اهل بیت و تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خیلی زود الگوها و جریان های سیاسی و فکری ایجاد می گردد تا مردم به آنها مشغول شوند و از اهل بیت روی بگردانند. در این میان، چه بسیارند آنها که عالمانه و آگاهانه در برابر اهل بیت می ایستند و به نفی آنها می پردازند.

روزی ابن عباس در مسجدالحرام مشغول تدریس برای شاگردانش بود و سیدالشهدا علیه السلام هم در گوشه ای نشسته و تک و تنها مشغول عبادت بود. در این حال، نافع بن ارزق (از خوارج عراق) وارد مسجد شد و جمع کلاس ابن عباس را که دید، به آن سو رفت و کمی گوش کرد. پس برخاست و گفت: «ای ابن عباس، به مردم درباره مورچه و شپش فتوا می دهی؟ برای من از خدایی که می پرستی و اوصاف او، بگو!» ابن عباس از سخنان او به فکر فرو رفت.

سیدالشهدا علیه السلام که سخنان آنها را شنیده بود، رو به نافع کرد و فرمود: «ابن ارزق، نزد من بیا تا پاسخ تو را بگویم.» نافع گفت: «من از تو سؤال نکرده ام!»

ابن عباس گفت: «ای ابن ارزق، این حسین بن علی علیه السلام و از اهل بیت پیامبر است.»

نافع که اصرار ابن عباس را دید، به ناچار رو سوی امام کرد و به ناچار گوش به سخنان امام سپرد. پس از آن با این سخن گفتن به امام که: «شما قومی و مردمی ستیزه گر هستید»، از آن جمع دور شد. (۱)

نمونه های دیگر

شقیق از علمای تابعین کوفه چند سال ساکن مدینه بود و در این مدت جز شاگردی عایشه نکرد. (۲)

۱- تاریخ ابن عساکر، ترجمه امام حسین ۷، ص ۱۵۷.

۲- طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۸۲.

ص: ۲۷۳

نتیجه و جمع بندی

وجود استعداد های گوناگون در انسان و ابعاد و روابط متنوع و پیچیده او اثباتگر اضطراب انسان به الگو و انسان کامل است. پس از درک ضرورت حجت باید نوبت به احساس حضور حجت برسد؛ یعنی اینکه بفهمیم و بدانیم در کنار این نیاز من حجت هم وجود دارد و من می توانم به او دسترسی داشته باشم، و گرنه اگر این احساس نیاز یا احساس حضور در انسان شکل نگیرد، زمینه ساز غربت و شهادت یا غربت و غیبت امام معصوم را فراهم می کند. تا این عطش ایجاد نگردد و به دردی مشترک تبدیل نشود، نباید توقع ظهور و مدینه فاضله را داشت.

۲. از آگاهی تا ایمان

۲. از آگاهی تا ایمان

در مصاف حق و باطل با وجود فطرت باطنی و حجت های بیرونی کمتر پیش می آید برای انسانی که در جامعه دینی زندگی کند؛ حق را شناسد یا در تشخیص آن دچار مشکل شود. به ویژه اگر آن حق، شخص یا رویداد مهمی باشد که از قبل باید برای آن زمینه سازی صورت می گرفت.

در این صورت، وجود انبوه گزاره ها و نشانه های پیش گویی آسمانی و غیبی که هر کدام یا علم آور است یا یاد آور علم، نهفته در سینه هاست، با هدف تحقیق ایمان و پیروی از حق صورت می گیرد، ولی چه بسیارند انسان هایی که به فرموده قرآن، حق را چونان فرزند خود می شناسند، ولی از آن روی گردانند یا به مصاف آن می روند.

در طول تاریخ، اولیای حق با وجود انبوه پیش گویی ها آسمانی درباره اصل حوادث مهم تاریخ اولیای حق که شامل ابعاد گوناگون می شود، همانند: شخصیت های حق و باطل، مکان و حتی گاه زمان آن به ظاهر پیروان حق باید بسیار بودند و باشند، ولی واقعیت گویای حقایق دیگر است. این تناقض علم و باور خود موقعیتی مهم و تکرار شونده در زندگی تمام ما انسان هاست که با جلوه کامل آن در عاشورا آشنا می شویم.

در محضر سخن و سیره امام

الف) از نکته های بارز در حادثه عاشورا، وجود انبوه روایات نبوی و علوی در معرفی سیدالشهدا علیه السلام به جامعه آن روز تاکنون است تا بعدها کسی ادعای جهالت نسبت به شخصیت و مقام امام نداشته باشد.

ص: ۲۷۴

ب) همچنین انبوه روایات نبوی و علوی در مورد پیش گویی رخداد عاشورا است که شامل این ابعاد حادثه است. اصل رخداد، رهبر حق در آن حادثه، رهبران باطل مستقیم و غیرمستقیم، مکان حادثه، پی آمدهای یاری یا ترک یوری حق، زمان تقریبی و ...

ج) خطبه ها و سخنان سیدالشهدا علیه السلام در طول قیام خود برای یادآوری با رویکرد تحقق ایمان در افراد و جامعه درباره این روایات است:

امام حسین علیه السلام در طول مسیر قیام از مدینه تا کربلا هر گاه با شخص یا گروهی روبه رو می شد، یکی از محورهای فعالیتش، معرفی خود بود، به گونه ای که در نقطه اوج آن در روز عاشورا اهتمام بسیار در باز شناسی شخصیت و مقام خود حتی از منظر شخصیت نسبی دارد. گاه پژوهشگر امروزی در این نوع رفتار امام به حیرت می افتد که این همه تمرکز امام بر روی شخصیت نسبی و خانوادگی شان، آن هم برای کوفیان برای چیست؟

چرا به جای اینکه برای آنها از معارف استدلالی یا تحلیل های سیاسی بگوید، از حسب و نسب خود و پدر و مادر و عمو و جد خود می گوید. در مقابل، گویا اتاق فرماندهی لشکر کوفه هم از همین قدرت مانوردهی امام حسین علیه السلام و استمرار آن وحشت دارد. از سویی دیگر، اگر گاه اندک تحول ایمانی در برخی افراد هم رخ می دهد، به دلیل همین نسبت امام حسین علیه السلام است. پس این منظر باید چیزی فراتر از یک معرفی فامیلی یا خانوادگی باشد و در این حسب و نسب باید تمام هویت امام نهفته باشد که از یک سو، عامل تفکر برانگیزی و تحول ایمان است و از سویی دیگر، باعث وحشت دشمن می گردد. برای نمونه طلحه اولین خطبه امام علیه السلام در صبح عاشورا چنین است:

و اما بعد، پس نسب من را بررسی کنید و ببینید من کیستم. سپس به خود باز آید و خویشان را نکوهش کنید. بنگرید آیا رواست که مرا بکشید و حرمت مرا هتک کنید؟ آیا من فرزند دختر پیامبر شما و فرزند وصی و پسر عموی پیامبر شما و فرزند اول مؤمن به خدا و اول تصدیق کننده به آنچه پیامبر از جانب خداوند آورده است، نیستم؟ آیا حمزه سیدالشهدا، عموی پدرم و جعفر طیار ذوالجناحین، عموی من نیست؟ آیا این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره من و برادرم نیست آنکه پیامبر درباره او و من فرمود: «آن دو سرور جوانان بهشت هستند؟» (۱)

ص: ۲۷۵

خطبه امام در منا یک سال قبل از مرگ معاویه است که درباره آن گفته اند: حضرت ضمن آن هیچ آیه قرآنی را که در شأن اهل بیت نازل شده بود، فرونگذاشت مگر اینکه آن را بر جمع صحابه و تابعین حاضر در مجلس خواند و از آنها بر هر یک از روایات گواه می گرفت. آنها هم می گفتند: آری، به خدا سوگند که این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدیم و شهادت می دهیم. تابعین می گفتند: به خدا سوگند، این سخنان را از کسانی از صحابه شنیدیم که آنها را به امانت و راستی می شناسیم. (۱)

یک موقعیت و سه انتخاب

رابطه علم و ایمان یا علم و کفر را در صحنه عاشورا به راحتی می توان دید و تحلیل کرد. به راستی، چرا علم و آگاهی گاه به تحول ایمان و باور منجر می شود و گاه بی خاصیت می ماند؟ آیا مشکل در نوع و درجه علم است یا اینکه شرایطی دیگر برای ایمان، لازم است؟ این تناقض در زندگی همه ما وجود دارد. بسیاری از ما نسبت به راه صحیح یا ضلالت راه باطل علم داریم، ولی با وجود این، انتخاب هایمان یا سست یا غلط است. در عاشورا بر اساس پیش گویی های نبوی و علوی و حتی برنامه ای که حضرت علی علیه السلام موقع رفتن به صفین در کربلا داشت، تمام حجت ها درباره معرفی و پیش گویی حادثه کربلا، معرفی شخصیت های بارز حق و باطل در آن، معرفی تفصیلی مکان آن و حتی معرفی اجمالی زمان آن صورت گرفته بود تا مسلمانان هنگام مواجهه با آن هیچ عذر و بهانه ای نداشته باشند.

معاویه در طول ۲۰ سال حکومت خود برای منع و نابودی این معارف کوشید، ولی با وجود این، هنوز رگه های بسیاری از این روایات و پیش گویی ها حتی در دست افراد خاکستری و سیاه هم وجود داشت که می توانست منجر به تحول ایمانی آنها شود. در این میان، لجاجت و عناد آنها در برابر علم و شناختشان، رویدادها را به سمت دیگری برد.

موقعیت: مواجهه با علم و بحرانی قاطع و نوع ایمان یا تردید های پس از آن

ص: ۲۷۶

وضعیت و انتخاب سفید: از شناخت تا باوری عمیق:

زهیربن قین

به او نسبت داده شده است که از گروه عثمانیه شهر کوفه بود که به بهانه سفر حج و در واقع، برای گریز از رویداد های ناخواسته آینده کوفه از شهر دور شده بود. وی در رویدادهای ناخواسته با امام و کاروان او هم مسیر می گردد و دوباره تلاش می کند به هر طریقی از کاروان امام فاصله گیرد و به سرعت دور شود. به جهت اتراق اضطراری در منزل زرود با اینکه با دعوت امام برای دیدار روبه رو شد، ولی آن را نپذیرفت. در این میان، شماتت و اصرار همسرش، او را ناچار به پذیرش دعوت امام کرد.

پس از دیدار که تحولی عمیق و ژرف در او رخ داده بود، از او پرسیدند: این تحول سرچشمه در کجا دارد؟ او گفت که سال ها پیش در ماجرای نبرد و فتح شهر بلنجر در آذربایجان چون فتح نصیب ما شد، سلمان فارسی که همراه ما بود، به ما گفت: «شادی حقیقی شما در این فتح نباید باشد. شادی و فتح برای آن کسی است که در کربلا، حسین بن علی علیه السلام را یاری کند.» یادآوری این سخن سلمان، مرا به دیدار حسین علیه السلام و پذیرش سخن او ترغیب کرد. (۱)

دیگر موارد

قصه تحول ایمان حر هم به گونه ای ناشی از علم و آگاهی تدریجی او نسبت به امام است که به واسطه انس چند روزه او و مشاهده امام از نزدیک است. حر سعی در کتمان یا مقابله با این علم ندارد و اجازه می دهد تا این علم به تدریج در درونش به حیرت و تردید و آن گاه باوری عمیق و اراده ای قطعی تبدیل شود.

موقعیت و انتخاب خاکستری: علمی بی فایده

هنگام حرکت امیرمؤمنان علی علیه السلام از کوفه به سوی صفین برای رویارویی و مصاف با معاویه، مسیر امام به سوی شمال عراق و در مرز عراق و شامات از کربلا می گذشت. امام به همراه لشکری که از ۶۰ تا ۹۰ هزار نفر گفته شده و بیشتر آنها کوفی بودند،

ص: ۲۷۷

چون به کربلا می‌رسد، در محل قتلگاه از اسب پایین می‌آید و پیش روی تمام لشکریان ضمن حزن و گریه و ماتم از آینده می‌گوید و به همگان هشدار می‌دهد. این برنامه برای کوفیانی که اعتقاد قلبی به امام ندارند، به جای آنکه زمینه ایجاد پرسش و جست‌وجو و علم و ایمان باشد، باعث شک و تردید و هجو و تمسخر می‌گردد.

هرثمه

هرثمه بن اعین از حاضران در لشکر صفین و شاهدان سوگواری امیرمؤمنان علی علیه السلام در کربلا بود، ولی او که از شیعیان شهر نبود و اعتقاد قلبی به امام نداشت، به این رویداد به دیده شک و تردید نگریست. با وجود آنکه نبرد صفین یک سال طول کشید، ولی او در بازگشت از صفین، مهم‌ترین خاطره‌ای را که برای همسر شیعی خود به قصه هجو امامش ذکر می‌کند، همان حادثه رویداد کربلاست. همسرش از مقام امام خود دفاع می‌کند. سال‌ها می‌گذرد تا زمان قیام سیدالشهدا علیه السلام فرا می‌رسد و او که همه چیز را فراموش کرده است، همراه گروه چهار هزار نفری اعزامی با عمر سعد، روز چهارم محرم وارد کربلا می‌شود. یک روز که می‌گذرد و می‌فهمد آنجا کربلاست و در برابر آنها حسین هست، دچار شک و تردیدی عجیب و فراوان می‌شود که سرانجام او را از لشکر کوفه، راهی لشکرگاه امام می‌کند. پس از دیدار با امام به یادآوری آن رخداد تاریخی می‌پردازد. امام از او می‌پرسد: «اکنون قصد داری چه کنی؟» او می‌گوید: «دیگر با کوفیان نخواهم بود، ولی طاقت ماندن با شما را هم ندارم. امام می‌فرماید: «پس چنان از اینجا دور شو که فریاد یاری خواهی ما را نشنوی.» او هم به سرعت پا به فرار می‌نهد. (۱)

از دیگر موارد

شیبان بن مخرم هم از حاضران لشکر کوفه به همراه امیرمؤمنان علی علیه السلام بود که چون رخداد را می‌بیند و نسبت به سخن امام شک می‌کند، همان وقت می‌گردد و استخوان خر مرده‌ای را می‌یابد و محل قتلگاه را علامت می‌نهد. سال‌ها می‌گذرد و چون حادثه کربلا در شرف رخداد است، او به آنجا می‌آید و به انتظار می‌نشیند تا ماجرا تمام شود.

۱- واقعه صفین، ص ۱۴۰.

ص: ۲۷۸

آن گاه پس از رفتن لشکر کوفه می آید و به جست و جوی علامت خود می پردازد. پس از یافتن آن می بیند دقیقاً قتلگاه امام در همان جای گریستن امیرمؤمنان علیه السلام بوده است. و تازه آن وقت سخن ۲۰ سال قبل امام علی علیه السلام را باور می کند. (۱)

موقعیت و انتخاب سیاه: دانش آزردهنده که سرانجام زیر پا گذاشته می شود

لشکر عمر سعد چون به کربلا می رسد، به لشکر حر می پیوندد و در آنجا اتراق می کند. عمر سعد به تلاش می افتد تا قاصدی نزد امام بفرستد و پاسخی شفاف از امام دریافت کند. پس خواص لشکر خود را جمع می کند تا یکی از آنها را نزد امام بفرستد. اولین نفر، عزره بن قیس است، ولی او چون از نامه نگاران به امام است، از دیدار امام سر باز می زند. چند نفر دیگر هم قبول نمی کنند تا اینکه کثیر بن عبدالله شعبی انتخاب می شود. او هم به واسطه تندى و بی ادبى اش در آستانه خیمه گاه امام از سوی یاران حضرت برگردانده می شود. پس عمر سعد، قره بن قیس را انتخاب می کند. او به سوی کاروان امام راه می افتد و چون در کنار خیمه گاه امام در انتظار اجازه ورود می ایستد، حیب بن مظاهر او را می بیند و می شناسد، پس به او می گوید: قره، من تو را آدمی خوش فکر و سالم می شناختم و گمان نمی کردم در مثل چنین جایی تو را بینم. قره به او پاسخ نمی دهد و به دیدار امام می رود. پس از دریافت جواب حضرت، قصد بازگشت دارد که حیب دوباره با تعجب می گوید: قره نزد این قوم ستمگر باز می گردی و این مرد (امام) را یاری نمی کنی؟ قره می گوید: من اکنون قاصد هستم و باید خبر را برسانم و پس از آن شاید با خود بیندیشم. او می رود و تا آخر با عمر سعد می ماند. (۲)

دیگر موارد

روزی عمر سعد با امام قبل از حادثه عاشورا رودررو شد. عمر سعد به امام گفت: «سفیهان شهر گمان می کنند و می گویند که من قاتل تو هستم.» امام پاسخ داد: «آنها سفیه نیستند، بلکه دانشمندان شهر هستند.» (۳)

۱- تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۵.

۲- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۱۰.

۳- تهذیب الکمال، ج ۱۴، ص ۷۴؛ ارشاد، ص ۲۸۲.

نتیجه و جمع بندی

در روایات، پیش‌گویی نبوی و علوی و اهل بیته برای هیچ حادثه‌ای به اندازه عاشورا و آخرالزمان و مهدویت وجود ندارد. روایاتی که مهم‌ترین کارکرد آنها در آگاهی بخشی و ایجاد زمینه سازی اجتماعی نسبت به رویداد های پیش‌روست با این نگاه، بین آخرالزمان و جامعه اموی زده معاویه و بین ظهور قیام سیدالشهدا شباهت های فراوان است. باشد که با درس‌گیری از روایات هشدار های آخرالزمانی و الگوگیری از دانش مفید یاران امام، به سوی زمینه سازی و آماده سازی ظهور گام برداریم.

۳. انتظار و سطح درک و توقع مردم از امام

۳. انتظار و سطح درک و توقع مردم از امام

آدمی پس از درک ضرورت انتخاب الگو برای زندگی خود و شناخت انسان کامل، حالت انتظار و توقع در وجودش شکل می‌گیرد؛ چراکه وقتی نقص خودت و کمال الگو را درک کنی، حرکت و ضرورت حرکت معنا پیدا می‌کند و این یعنی پیدایش انتظار برای حرکت و فعالیت.

البته این انتظار می‌تواند دو حالت داشته باشد. انتظار صحیح آن است که در او شکل‌گیرد؛ یعنی او وقتی نقص خود و کمال الگو را یافت، از خود متوقع باشد تلاش و فعالیت کند؛ چون فرض آن است که امام کامل است. پس باید ببیند انتظار یا انتظارهای امام از انسان چیست؟ متأسفانه این رابطه به صورت معکوس شکل می‌گیرد و این انتظار در درون انسان بدون هیچ حالت توقع و تلاش شکل می‌گیرد و او، خود را مهم تصور می‌کند و انتظار یا انتظارهایش از انسان کامل و تعالیم وی شکل می‌گیرد. لازمه این انتظار دانی از عالی به واسطه نقص و رشدنیافتگی انسان، ایجاد انتظاری است در حد و معنای اینکه امام باید حلال مشکل‌هایش باشد یا اینکه به فرمان او باشد یا اینکه امام، تهدیدی برای منافعش نباشد، بلکه برای رشد و تکثیر منافع او تلاش کند.

این موقعیت و موضوع یکی از فرازهایی حساس و از نقاط سیاه و تاریک رخداد کربلاست که به تحلیل آن می‌نشینیم.

ص: ۲۸۰

در محضر سخن و سیره امام

الف) امام با آغاز حرکت تاریخی خود از مدینه به ویژه هنگام اقامت چند ماهه در مکه، تلاش ویژه ای دارد تا سطح توقع و انتظار جامعه اسلامی را از حاکمیت بالاتر ببرد و آنها را به حرکت وا دارد که نمونه آن، اقدام امام برای نامه نگاری به اشراف و بزرگان بصره است. فرازی از این نامه چنین است:

«... شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرامی خوانم؛ چرا که سنت او را نابود کرده و بدعت را احیا کرده اند. اگر گفتارم را بشنوید و فرمانم برید، شما را به راه راست هدایت کنم...» (۱)

دیگر موارد: فراز پایانی خطبه امام در منا یک سال قبل از مرگ معاویه

بارالها، تو می دانی که آنچه از ما سر زد (و می زند)، برای رقابت بر سر فرمانروایی و نیز دسترسی به مال بی ارزش دنیا نبود، بلکه از آن روست که نشانه های آیین تو را بنمایانیم و سامان بخشی را در سرزمین هایت آشکارا سازیم تا بندگان ستم دیده تو آسوده گردند و به فرایض و سنن و احکام تو عمل کنند. (۲)

مورد دیگر

اولین نامه امام، پاسخ به نامه های کوفیان است که ضمن اعزام حضرت مسلم به کوفه می فرستد و نگاه کوفیان را به مسئله امامت و قیام سیدالشهدا علیه السلام این گونه اصلاح می کند:

اما بعد، هانی و سعید، نامه های شما را آوردند. از مطالب آن آگاهی یافتم که سخن بیشتر شما این بود که ما امام نداریم. پس به سوی ما بیا؛ چرا که امید است خدای متعال به واسطه تو، ما را به هدایت و حق رهنمون گردد. (۳)

ب) از نکات شایسته توجه در قیام سیدالشهدا علیه السلام، صحبت امام از نامه های کوفیان در دیدارها و ملاقات هایش است. امام این همه نامه را به همراه خود تا کربلا می آورد

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲- تحف العقول، ص ۱۶۸.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۷۸.

ص: ۲۸۱

تا از آنها محافظت کند و پس از پایان حادثه عاشورا معلوم نمی شود که بر سر این نامه ها چه آمده است. امام سوای علم غیب خود با تحلیلی سیاسی و اجتماعی ساده می تواند به بی اعتمادی به کوفیان آگاه شود، ولی با وجود این، نامه ها را همواره با خود دارد و این عقلانی نیست جز از منظر انتظار و توقع امام از مردم و نقش آن در تصمیم گیری های امام، اگر چه بی پایه بودن کار آنها را بدانند.

برای نمونه، امام در طول راه مکه به کربلا، در پاسخ به مردی اسدی، در برابر حر و در برابر عمر سعد، نامه ها را رو می کند. مثلاً در مواجهه با حر و یارانش چنین می فرماید:

هان ای مردم، من به سوی شما نیامدم مگر پس از اینکه نامه های شما رسید و فرستادگان شما آمدند و گفتند که به سوی ما بیا که ما امامی نداریم. اکنون اگر بر پیمان خود هستید، من آمده ام، و اگر این کار را نمی کنید و از آمدنم، ناخرسند هستید، من نیز از شما روی می گردانم و به همان جا می روم که آمده ام. (۱)

یک موقعیت، سه انتخاب

حکومت امویان (معاویه، وضعیت مطلوب و ایده آن برای جامعه اسلامی نبود. هم امام و هم جامعه کوفه سال ها در انتظار فرصتی برای تحول و اصلاح گری بودند. برای نمونه، پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام، کوفیان با ارسال نامه ای نزد امام حسین علیه السلام، ایشان را به قیام دعوت کردند، ولی امام این حادثه را به پس از مرگ معاویه حواله می دهد. (۲)

با مرگ معاویه، حرکت و قیام حسینی آغاز می گردد و انتظار امام از جامعه اسلامی به ویژه کوفیان به فعلیت می رسد. از آن سو هم در کوفه، پس از آغاز قیام امام، موجی از انتظار و دعوت شکل می گیرد و به فاصله کوتاهی، جو حاکم بر شهر کوفه به جو انقلابی و دعوت گری تبدیل می شود. شعاع این موج هر روز وسیع تر می گردد، به گونه ای که در نیمه ماه رمضان، به فاصله تنها ۵ روز، ۱۲ هزار نامه به امام می رسد.

آیا پشت سر این همه نامه، واقعیتی نهفته است یا نه؟ آیا دعوت ها به همراه شکل گیری مرتبه و توقع انتظارهای امام از آنهاست یا نه؟

۱- ارشاد، ص ۲۲۴.

۲- انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۵۱.

ص: ۲۸۲

آیا این دعوت‌ها ناشی از انتظار آنها از امام است یا برعکس؟ عمر این انتظارها تا چه اندازه است؟

این گونه است که یک موقعیت و سه انتخاب تاریخی شکل می‌گیرد که وضعیت سه گانه آن چنین است:

موقعیت: ادعا و ایجاد حالت انتظار و ابعاد و مراتب ذهنی آن

وضعیت سفید: انتظار مثبت و پویا

قیس بن مسهر

او از شیعیان بر جسته شهر همانند حبیب بن مظاهر بود که صرفاً با جمع آوری شیعیان شهر پایه گذار جلسات بحث درباره حرکت امام و ایجاد نهضت محدود نامه نگاری به سیدالشهدا علیه السلام برای دعوت ایشان به کوفه بود. عشق انتظار که در او به تلاش و فعالیت فراوان منجر شده بود، باعث شد خودش از اولین قاصدان شیعیان کوفی نزد امام باشد و برای دعوت کردن امام، مسافت ۱۴۰۰ کیلومتری کوفه تا مکه را در بیابان‌ها پیماید. او چون به مکه رسید، عاشقانه در محضر امام ماند، ولی چند روز بعد به فرموده امام همراه مسلم بن عقیل علیه السلام راهی کوفه می‌شود و در بیعت‌گیری از کوفیان برای مسلم، نهایت تلاش خود را انجام می‌دهد. چون این مهم به انجام می‌رسد، قاصد نامه حضرت مسلم علیه السلام از کوفه به نزد امام در مکه می‌شود. چون به مکه می‌آید، عشق او به حضرت سبب ماندگاری اش نزد امام می‌شود تا همراه کاروان امام راهی مسیر عراق گردد. چون در بین راه، امام نامه ای برای کوفه می‌نویسد، او که راه بلد کوفه است، عاشقانه دستور امام را برای بردن نامه به کوفه با تمام خطرهایش می‌پذیرد. در میان راه دستگیر می‌شود و در کوفه با شجاعت و فریب دادن دشمن ضمن آنکه پیام امام را بر فراز منبر کوفه قرائت می‌کند، به شهادت می‌رسد. (۱)

وضعیت خاکستری: انتظار خنثی

سلیمان بن صرد خزاعی

رئیس قبیله خزاعه در کوفه و مدعی تشیع است. سستی او از حضور در نبرد جمل یا تندروی او در برابر امام مجتبی علیه السلام پس از رخداد صلح با معاویه در پرونده او به چشم

۱- ابصار العین، شرح حال قیس.

ص: ۲۸۳

می خورد. پس از شروع قیام حضرت، موج نامه نگاری کوفیان را شروع می کند و شیوع می دهد؛ موجی که او ایجاد می کند، چنان توسعه می یابد که غیرشیعیان شهر هم مانند برخی اشراف مصلحت اندیش شروع به نامه نگاری می کنند. نهایت تلاش او ایجاد نامه نگاری است، ولی پس از آمدن حضرت مسلم علیه السلام به عنوان نماینده امام و رخدادهای پس از آن، دیگر نامی و اثری از او نیست. با خطرناک شدن اوضاع کوفه، نه تنها خود، بلکه قبیله اش را هم به کنج انزوا می کشاند، خود او که بعد ها رئیس و رهبر نهضت توأین شد، در موقع شروع نهضت چنین سخن گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به سوی عراق حرکت کرد، پیاپی نامه های یاری خواهی اش به ما می رسید، ولی ما از ترس از دست دادن دنیای خود به کنج خانه هایمان پناه برده بودیم و او را یاری نکردیم. (۱)

وضعیت سیاه: انتظار منفی در جهت حفظ منافع و مصالح دنیوی

هنگامی که در کوفه در اواخر ماه شعبان سال ۶۰ ه. ق در دوران ضعف حکومت والی اموی شهر، نهضت نامه نگاری شیعیان به اوج می رسد و شایعه آمدن قریب الوقوع سیدالشهدا به شهر مطرح است، گروه هایی از غیرشیعیان هم به خاطر تبلیغات یا احساس خطر از آینده به موج نامه نگاری می پیوندند تا اگر فردا امام بر شهر مسلط شد، آنها هم از شرایط جدید عقب نیفتاده باشند. سرآمد این گروه، اشراف مصلحت سنج شهر کوفه هستند که سابقه همکاری ۲۰ ساله با حکومت امویان را دارند. امویان چون موقعیت را در شهر رو به ضعف و گسترده گی موج نامه نگاری می بینند، در مجلس مشورتی به این نتیجه می رسند که نامه ای به این مضمون به امام بنویسند: «اما بعد، باغ ها سرسبز و خرم است و میوه ها رسیده است و چاه ها پر آب هستند. هرگاه خواستی، ما سربازان آماده تو خواهیم بود». (۲)

این نامه شبث بن ربعی، حجار بن ابجر و عمرو بن حجاج بود. آنان تا باخبر شدند ابن زیاد وارد شهر کوفه شده است، به سرعت برای حفظ منافع خود به او پیوستند و حتی برای حفظ آن تا کربلا به مصاف امام آمدند.

۱- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۷۸.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۷۷.

ص: ۲۸۴

نتیجه گیری

انتظار به معنی انتظار امام از من باید باشد یا انتظار من از امام؟

اگر به معنی انتظار های من از امام؛ باشد یعنی درک و معرفت ناقص من که باعث ایجاد خودمحوری و قضاوت کردن درباره امام بر اساس خواسته هایم می شود. در این حالت، انتظار من یا مختص خوشی هاست یا برای حفظ منافع خودم. بر اساس آن، امام، عامل و مجری نیازها و خواسته های من است.

اگر به معنی انتظار و آمادگی من نسبت به امام باشد، به معنی ضرورت حرکت و فعالیت من بر حسب توان مندی ها و تلاش های من است؛ یعنی تا آنجا که نفس دارم و اعتبار دارم، باید از جنبش و فعالیت دریغ نکنم و بدان گونه باشم که امام هست و از من توقع دارد.

همین امر نقطه تمایز شهدای کربلا از دیگران بود. شهدای کربلا کسانی بودند که زندگی خود را در افق انتظار های سیدالشهدا علیه السلام از خود شکل داده بودند، ولی دیگران به جای ایجاد انتظار راستین در درون خود، بیشتر از امام انتظار و توقع داشتند تا در مسیر اهداف و خواسته هایشان حرکت کنند. چون امام در آن مسیر حرکت نکرد یا زمانه ساز موافقت با اهداف آنها را نزد، از ادعای خود منصرف و روی گردان شدند.

با این نگاه، آنچه در زیارت های سیدالشهدا علیه السلام درباره آرزوی مقام یاران سیدالشهدا علیه السلام می خوانیم، در حقیقت، به معنی آرزوی استمرار انتظاری حقیقی است که آنها در مقام باوفاترین یاران امام زمان خود، نماد آن بودند.

۴. دین و دنیا

۴. دین و دنیا

هرچه سن آدمی بالاتر می رود، احساس تعلق و وابستگی اش به محیطی که در آن زندگی می کند، بیشتر می گردد؛ چرا که به موازات رشد بیشتر، دارایی های دنیوی اش، بیشتر و میزان درگیری و انسش با دنیا و مظاهر دنیوی بیشتر می شود. همین نقطه، آغازگر بسیاری از بحران ها و انحراف ها در انسان است؛ چون آدمی بر اساس محدوده زندگی خود به ارزش گذاری، طراحی و برنامه ریزی می پردازد.

ص: ۲۸۵

این محدوده می تواند فقط بستر تاریخی و جغرافیایی زندگی زمینی باشد؛ یعنی آنچه هست و در اختیار دارد و می تواند فراتر از آن باشد؛ چون آدمی می بیند امکانات، استعدادها و ظرفیت های وسیعی در درونش هست که بسیار فراتر از زندگی نهایتاً صد ساله زمینی است. پس قابل قبول نیست این همه امکانات و استعدادها برای صد سال باشد و در آخرش هم با مرگ همه چیز تمام شود. پس دنیا همه چیز و محدوده زندگی آدمی نیست، بلکه اولین مرحله از حیات انسانی را حیات زمینی تشکیل می دهد.

درک این واقعیت که دنیا، مزرعه و معبر است و باید ضمن توشه برداری هر چه بهتر و بیشتر از آن گذر کرد، برای بسیاری از افراد تلخ و باورناپذیر است. همین جاست که در تقابل درونی و باطنی حق و باطل، تردید بین دین و دنیا یا آخرت و دنیا پدیدار می شود؛ یعنی در لحظه لحظه انتخاب ها و برنامه ریزی ها، معیار و ملاک ارزش گذاری و انتخاب در محدوده دنیوی یا اخروی چیست؟

کارزار کربلا، صحنه واقعی ترین تردید های انسانی در انتخاب بین دین و دنیا به عنوان محدوده و معیار و طراحی برای زندگی است.

در محضر سخن و سیره امام

□ شخصی به امام حسین عرض کرد: «خانه ای ساخته ام که دوست دارم شما داخل آن شوید و دعا کنید.» حضرت وارد آن شد. نگاهی به آن انداخت و فرمود: «با توجه به خرجی که در آن شده بود، خانه آخرت خود را ویران ساخته و خانه دیگران را آباد کرده ای. زمینیان، تو را فریفتند و آسمانیان از تو نفرت دارند.» (۱)

□ امام در راهی به خانه ای گذر کرد و فرمود: «گل را برافراشته و دین را برانداخته است.» (۲)

□ نیز می فرماید: «ای اهل لذت های ناپایدار دنیا، فریفته شدن به سایه ناپایدار، ساده لوحی است.»

اولین خطبه امام صبح عاشورا:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷.

ص: ۲۸۶

سپاس خداوندی را که دنیا را آفرید و آن را منزل فنا و نیستی قرار داد که پیوسته اهل خود را از حالی به حال دیگر در آورد. فریب خورده کسی است که فریب دنیا را بخورد و بدبخت کسی است که دنیا گمراهش کند. پس فریب دنیا را نخورید که دنیا، امیدواران خود را نا امید می کند و آزمندان خود را محروم می کند. به راستی که شیطان بر شما چیره گشته و خدای بزرگوار را از یادتان برده است. پس هلاکت بر شما و آهنگ شما. حَقاً که ما از آن خداییم و به سوی او باز می آییم. اینان مردمی اند که بعد از ایمانشان، کافر شدند. پس دور باد گروه ستم کاران.

□ امام می فرماید:

همانا مردم بندگان دنیا هستند و دین آویزی بر زبانشان است. پس تا آنجا که معیشت های دنیویشان را پاسخ دهد، دین داری کنند و هرگاه با بلا و سختی آزموده شوند، دین داران اندک گردند. (۱)

از سخنان امام در خطبه منا خطاب به صحابه و تابعین

شما، ظالمان بر امور دین خدا را به آنها سپردید تا به شبهه کار کنند و در شهوت و خواهش های خود راه روند. این همه به خاطر فرار شما از مرگ و خوش بودن شما به زندگی دنیوی است که سرانجام از شما جدا خواهد شد. (۲)

یک موقعیت، سه انتخاب

تردید و جمع بین دین و دنیا و دنیا و آخرت به هر قیمتی، مشکل بسیاری از انسان هاست. این امر در اسارت های انسان ها در دنیا و زندگی دنیوی ریشه دارد؛ ولی چون غیرابدی بودن آن را می بیند، می خواهد از آخرت هم روی گردان نشود. چون دغدغه مرگ هیچ گاه او را رها نمی کند، همواره تلاش می کند به نوعی جمع و هم زیستی دست بزند که متأسفانه این جمع به حاشیه رفتن دین و آخرت منجر می شود و فجایع بعدی را به دنبال دارد. صحنه کربلا آکنده از این دنیاگرایی ها و تردید ها در انتخاب دین یا دنیا در مقابل انتخاب اهداف یا

۱- تحف العقول، ص ۱۷۴.

۲- تحف العقول، ص ۱۶۸.

ص: ۲۸۷

معیارها و ملاک‌های زندگی است. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر خلاف تعالیم اسلامی، دنیاگرایی و مظاهر فریبنده آن در جامعه رواج یافت و تلاش شد همه طبقات اجتماعی به گونه‌ای اسیر و گرفتار دنیا شوند. آن روحیه ایمانی و معنویت خواهی مخلصانه که پیامبر در صدد ایجاد و ترویج آن بود، دیگر وجود نداشت. همین امر باعث ایجاد جامعه جدید دنیازده شد. جالب است که بسیاری از آنها که از همراهی سیدالشهدا علیه السلام باز ماندند، چه در گروه سیاه و چه در گروه خاکستری، به دلیل اینکه هنوز از تعالیم اسلامی و حقایق فطری کاملاً دور نشده بودند، حدس می‌زدند و یقین اجمالی داشتند که فردایی روشن برای آنها نخواهد بود، ولی اسارت زمان حال، آنها را زمین گیر کرده بود. از منظر اسارت زمینی و تلاش برای زرننگ بازی در مقام جمع دین و دنیا و ادعای محاسبه‌گری، نظاره‌گر شخصیت‌های عاشورایی می‌شویم.

موقعیت: تعارض دین و دنیا

شخصیت سفید: ارزیابی جمع‌گرایی تا معادله نهایی معنویت خواهی

در این بخش، یاران خالص سیدالشهدا علیه السلام هستند که از همان آغاز ضمن داشتن زندگی دنیوی موفق هیچ‌گاه به آن دل نبستند و چون ندای یاری امام را شنیدند، به سرعت دست از زندگی شستند و راهی کربلا شدند، ولی دو نفر شاخص این موضوع هستند:

۱. عبدالله عمیر کلبی: او جوانی تازه ازدواج کرده در کوفه بود که به همسرش هم علاقه فراوان داشت. آرزوی او هم مثل همه جوانان کوفی به عنوان جوانان شهر نظامی اسلامی، شرکت در جهاد اسلامی بود.

وی روزی از منزل بیرون می‌آید و انبوه سربازان کوفی را در نخيله (لشکرگاه حومه کوفه) می‌بیند، ولی وقتی از هدف آنها می‌پرسد و می‌شنود که قصد آنها نبرد با حسین بن علی علیه السلام است، کمی با خود خلوت و اندیشه می‌کند و می‌بیند آرزویش در حال تحقق است، ولی حق و باطل در آن در هم آمیخته است.

پس به منزل می‌رود و به همسرش می‌گوید سرانجام حسین علیه السلام را انتخاب کرده است و باید برود و همسرش نمی‌گوید نرو. می‌گوید مرا هم با خود ببر و او عاشقانه می‌پذیرد. هر دو مخفیانه راهی کربلا می‌شوند و در رکاب امام تنها زوج شهید کربلا می‌گردند. (۱)

ص: ۲۸۸

۲. مهم ترین شخصیت سفید، حر بن یزید ریاحی است:

او از شیعیان کوفه نیست، اما از فرماندهان و دلاوران کوفی است. از این رو، برای کنترل راه امام به رویارویی ایشان اعزام می شود. در اولین مواجهه با امام، حسین بن علی علیه السلام را کاملاً می شناسد و حتی احترام ویژه ای به او می گذارد، اما درون او آشوبی عجیب به پا می شود که آیا حسین را انتخاب کند یا مأموریت دنیوی اش را به عنوان یک قهرمان به انجام برساند و از منافع آن بهره مند شود؟ در میان این تردیدها، پس از محاسبه گری سعی می کند بین دین و دنیا یا جمع کند؛ یعنی هم رعایت ادب و احترام نسبت به امام و هم باقی ماندن در پست و مقام و انجام مأموریت خود. وی این بازی دوگانه را تا صبح عاشورا ادامه می دهد، اما هنوز تردید و دو دلی او را رها نکرده است و دارد خود را فریب می دهد تا بتواند این جمع را به سرانجام نیکو برساند.

سرانجام در صبح عاشورا که نبرد قطعی می شود، می بیند به پایان و خط مشی خود رسیده است و دیگر جمع این دو امکان پذیر نیست. اینجاست که باید انتخاب کند. سرانجام با اعتراف به شکست طرح تجمیعش نزد امام می آید و اعترافی مهم و عجیب می کند: «من گمان نمی کردم که کار را به اینجا بکشند و اینها واقعاً به جنگ با شما بیایند».

این کار یعنی او تا آن لحظه بر بازی دوگانه اصرار داشت به امید اینکه همه چیز به خوبی و خوشی تمام شود، ولی در حقیقت، خود را فریب می داد تا منافعش را حفظ کند و اکنون که فهمیده است این طرح، خودفریبی بیش نبوده است، برای توبه می آید. (۱)

شخصیت خاکستری: نه دنیا، نه آخرت، بلکه چند روز نفس کشیدن بیشتر

عبیدالله بن حر جعفی

او از شجاعان کوفه بود که همواره عده ای از جوانان گرد او جمع می شدند. چون خبر راه افتادن امام به سوی عراق را شنید و تلاش ابن زیاد را برای جمع آوری لشکر در کوفه با تمام قوا دید، فهمید دیر یا زود باید وارد بازی سیاست و نبرد

۱- صفایی، وارثان عاشورا، ص ۲۷۰.

ص: ۲۸۹

شود. یک سو، حسین بود و شهادت و آخرت و یک سو، ابن زیاد و وسوسه های دنیوی. او مدتی به حساب و کتاب پرداخت و با تمام تردید های درونی که او را فرا گرفته بود، به این نتیجه رسید که مصاف با امام هیچ وقت برای او منافع دنیوی نخواهد داشت و خون حسین علیه السلام به زودی گریبان گیر عاملانش خواهد شد. پس وسوسه های دنیوی، فریب است. یاری حسین علیه السلام هم به معنی شهادت است، در حالی که او به زنده ماندن علاقه مند است. در نهایت، در محاسبه جمع بین دین و دنیا به این نتیجه می رسد که با فرار به موقع از کوفه و کناره گیری و بی اعتنایی نسبت به دو طرف، حداقل منافع و زندگی و حیات خود را حفظ کند.

از این رو، هنگام دور شدن از کوفه، راه شمال غربی (بر خلاف راه حجاز) را انتخاب می کند تا حتی با کاروان امام مواجهه نشود. امام که در حال دور زدن منطقه کوفه از جنوب به سوی شمال است» در آخرین منزل خود، قبل از کربلا، در قصر بنی مقاتل با او روبه رو می شود، زود یکی از یاران را نزد او می فرستد تا عیدالله به دیدارش بیاید، ولی او اعتنایی نمی کند. خود امام به دیدارش آمد و او را با یاری می خواند، ولی او در بی اعتنایی کامل، اسب و شمشیرش را به امام عرضه می کند. امام می فرماید: «ما برای اسب و شمشیر نیامده ایم و یاری ات را می خواهیم. اکنون که از ما دریغ داری، ما را به اموال تو نیازی نیست».^(۱)

شخصیت سیاه: سر که نقد به از حلوای نسیه و لگد مال کردن آخرت در امروز به امید توبه فردا

عمر بن سعد

او پسر سعد بن ابی وقاص، فاتح ایران و بنیان گذار کوفه و اولین والی شهر کوفه بود. این امتیاز های آقازاده بودن باعث شده بود در جوانی جزو افراد و اشراف سرشناس کوفه باشد. که همیشه به دنبال رسیدن به مقامی همانند مقام پدرش گردد. از این رو، در طول حکومت ۲۰ ساله معاویه همواره خود را همراه دیگر اشراف شهر به والی اموی کوفه نزدیک می کرد تا شاید به آرزوی دیرینه اش برسد، ولی در دوران معاویه هیچ گاه به او توجهی ویژه نشد.

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۹.

ص: ۲۹۰

با خلافت رسیدن یزید و موج زمام داری جوانان فاسد (یزید، ابن زیاد، عمرو بن سعید بن عاص و....) در بحبوحه قیام حسینی و نزدیک شدن امام به کوفه که خلافت اموی دنبال گزینه ای مناسب در داخل کوفه بود تا او را به مصاف امام بفرستد، به عنوان بهترین و تنها ترین گزینه انتخاب می گردد؛ چون:

هم فرزند بنیان گذار و اولین والی شهر کوفه بود که نام پدرش را برای اکثریت مردم شهر یدک می کشید؛

مدعی ریاست قبیله قریشی بنی زهره در شهر کوفه بود؛

جزو گروه اشراف و خواص اجتماعی شهر بود؛

مدت ها بود برای پست و مقام دست و پا می زد؛

اگر او فرمانده لشکر می شد، بسیاری از مردم شهر را می توانست به دنبال خود بکشاند.

در یک بازی سیاسی ابتدا حکم مأموریت و امارت منطقه ری را به او می دهند و می گذارند به مدت چند روز همراه چند هزار نفر، لشکر خود را آماده کند. آن گاه که در آستانه راه افتادن به سوی آرزوی تاریخی اش است، ناگهان پیش شرط امارت ری یعنی رفتن به کربلا را به او می گویند. او یک شب کاملاً بحرانی را مهلت می گیرد. حتی مشاورانی را به مشورت می خواند و تا صبح حساب و کتاب های فراوانی می کند، ولی سرانجام نمی تواند به جمع بندی برسد. با اینکه می داند مصایب و خطرهای رویارویی با امام چیست، و سوسه تاریخی امارت بر او غلبه می کند و شعری می خواند با عنوان (می گویند) یعنی اعتراف می کند که دارد سر وجدان خود را کلاه می گذارد. او در آن صبح تاریخی که عازم کربلا بود، چنین گفت: «می گویند بهشتی و جهنمی است. اگر باشد، باز می گردیم و توبه می کنیم»^(۱).

نتیجه گیری

نوع نگاه به دنیا و هدف دیدن یا وسیله دیدن آن در سرنوشت آدمی بسیار مهم است. فرار از مرگ و تلاش برای چند روز بیشتر نفس کشیدن به هر قیمتی، حتی به قیمت

زیر پا گذاشتن تمام ارزش و کرامت و منزلت خود می تواند انسان را به حیوانی درنده، بلکه پست تر از آن تبدیل کند. جالب است که در روایاتی که درباره توصیف شرایط آخرالزمان است، همه این اوصاف درباره انسان های گمراه آخرالزمانی صدق می کند. اینجاست که درس بزرگ عاشورا، دعوت به محاسبه گری درست درباره دنیا و چگونگی جمع بین آن و دین و آخرت است. در این مسیر باید مراقب بود چشم داشت گندم ری یا چند روز نفس کشیدن بیشتر، نه تنها تو را از امامت جدا نکند، بلکه تو را ناچار به تحمل هرگونه پستی و زبونی نکند. و به تدریج، تو را در برابر امامت قرار ندهد؛ تویی که قرار بود یار و یاور امام باشی، به واسطه تعلقات خود، حجاب ظهور نشوی و عاملی برای استمرار سیاهی آخرالزمانی نگردی.

۵. دل بستگی ها و وابستگی ها

۵. دل بستگی ها و وابستگی ها

دنیا از نگاه دین، مزرعه آخرت است و از نگاه دنیاگرایان، خود هدف است و از منظر مدعیان هوش و زرنگی با نظریه جمع بین دنیا و آخرت، هم عرض آخرت است. از آنجا که دنیایی که مظاهر و جذابیت های فراوان دارد و از ابتدای تولد به ویژه پس از بلوغ و تکلیف، هر چه بر سن آدمی افزوده می شود، با تعلقات و جذابیت های بیشتری روبه رو می گردد و با کمیت های دنیوی فراوانی روبه رو می گردد، اینجاست که نوع نگاه به دنیا، وضعیت آدمی را نسبت به کمیت جذابیت ها و نوع گرایش به آنها تعیین می کند. در این مرحله، اگر آدمی نیاززده با فریب کاری مدعی نظریه جمع گردد، کار به جایی می رسد که دل بستگی هایش به وابستگی تبدیل می شود و وابستگی، اسارت هایی را به همراه دارد که از سر و روی او می بارد. گاه حتی کوچک ترین مظاهر دنیوی چون بتی برای او می گردد که دل کندن و جدا شدن از او برایش ممکن نیست. اینجاست که انسانی که آزاد و رها آفریده شده بود، وقتی به خود می آید، خود را اسیر انواع بت ها و دل بستگی ها می بیند که او را کاملاً زمین گیر کرده اند. بدترین مرحله وابستگی آن است که آدمی به واسطه طمع و دل بستگی هایش، اسیر و برده مردمی همانند خود گردد و برای حفظ منافع خود به دنبال راضی کردن آنها یا چاپلوسی برای آنها باشد. ثمره این کارها، بردگی، پستی و زبونی و در نهایت، تن دادن به هر کار ناشایستی است.

ص: ۲۹۲

در محضر سخن و سیره امام

الف: مواعظ امام در مورد دل بستگی ها

□ امام علیه السلام به شخصی فرمود:

در راه به دست آوردن روزی ستیزه گرانه تلاش مکن و بر قدر همچون واگذار کننده بی اختیار، تکیه نکن؛ زیرا در جست و جوی روزی برآمدن از سنت است و قناعت جوایی از عفت است. البته عفت مانع از روزی نیست و بدان حرص زیادی، روزی نمی آورد. همانا رزق تقسیم شده است و اجل حتمی است و به کارگیرنده حرص، جوینده گناه است. (۱)

□ شخصی به امام نامه نوشت که: «مولایم، مرا از خیر دنیا و آخرت آگاه فرما.» حضرت در پاسخ نوشت:

به نام خداوند بخشنده مهربان

اما بعد، حقاً که هر کس خشنودی خداوند را با خشم مردم می طلبد، پس خداوند، او را از کارهایی که در دست مردم هست، کفایت می کند. هر کس خشنودی مردم را با خشم خداوند می طلبد، خداوند، او را به مردم واگذار می کند. والسلام. (۲)

□ کسی از امام خواست که با دو کلمه، او را پند دهد. امام برایش نوشت: «کسی که با نافرمانی خداوند در صدد رسیدن به چیزی بر آید، آنچه را امید دارد، زودتر از دست می دهد و آنچه را بیم دارد، زودتر به او می رسد.» (۳)

□ امیرمؤمنان علی علیه السلام از فرزندش، حسین پرسید: «بی نیازی چیست؟» فرمود: «اینکه آرزوهایت کم باشد و به اندازه کفاف، خشنود باشی.» پرسید: «فقر چیست؟» فرمود: «طمع داشتن و نومید شدن شدید.» (۴)

ب: راه درمان

از امام حسین علیه السلام پرسیدند: «چگونه صبح کردی؟» فرمود:

۱- اعلام الدین، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۳.

۲- امالی صدوق، ص ۱۶۷.

۳- عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۵۲.

۴- معانی الاخبار، ص ۴۰۱.

ص: ۲۹۳

صبح کردم در حالی که پروردگارم، بالای سر؛ آتش، پیش رو؛ مرگ به دنبال من و حساب خداوند فراگیرم بود و من گرو اعمال خویشم. نه آنچه را دوست دارم، پیدا می‌کنم و نه آنچه را نمی‌پسندم، از خود می‌توانم برانم و همه کارها در اختیار دیگری است که اگر بخواهد، عذابم می‌کند و اگر بخواهد، از من می‌گذرد. پس کدام فقیری از من فقیر تر است؟ (۱)

ج: نتیجه وابستگی و دل بستگی

□ مردی به نام جعید همدانی می‌گوید که نزد امام رفتم. ایشان از من سؤال کرد: جوانان عرب (در شهر شما کوفه) چگونه اند؟ گفتم: اهل تیر و کمان بازی و مجالس بطالت. پرسید موالی چگونه اند؟ گفتم: خورنده ربا یا حریص بر دنیا.

ایشان فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». اینان آن دو گروهی بودند که ما می‌گفتیم خدای سبحان، دین خود را با آنها یاری خواهد کرد (و سیاست‌های معاویه باعث سرگرمی‌ها و دل بستگی‌ها و گمراهی‌های آنها شده است تا در نتیجه از یاری دین حق و گسترش آن باز مانند). (۲)

□ سیدالشهدا علیه السلام در مدت اقامت در کربلا، جلسه مذاکره‌ای با عمر سعد داشت تا شاید او را به راه حق بکشاند، اما عمر سعد بهانه‌خانه و املاک خود را در کوفه آورد که ابن زیاد آنها را مصادره یا ویران می‌کند. امام فرمود: «من بهتر از آن را از بهترین اموالم در حجاز به تو می‌دهم»، عمر سعد نپذیرفت. (۳)

□ صبح عاشورا، امام به عمر سعد فرمود:

هر چه خواهی مرتکب شو که تو پس از من در دنیا و آخرت، شادمان نخواهی بود و گویا سرت را بر نی در کوفه‌های کوفه می‌بینیم که آماج سنگ پرانی بچه هاست. (۴)

□ در میانه راه عراق، چند نفر از یاران امام از کوفه به آن حضرت پیوستند. امام از آنها درباره کوفه پرسید: یکی از آنها گفت: اشراف کوفه را رشوه‌های بزرگ دادند و از

۱- امالی صدوق، ص ۴۸۷.

۲- طبقات ابن سعد، ترجمه الامام الحسین، ص ۳۶.

۳- تذکره الخواص، ۲۲۵.

۴- بحارالانوار، ج ۸، ص ۴۵.

ص: ۲۹۴

زندگی زیبا سرشار ساختند و دلشان را به دست آورده اند و هوای آنها را ویژه خود ساختند. از این رو، همگی آنها دشمن تواند. بقیه مردم دل هایشان با تو، ولی شمشیر هایشان علیه تو است. (۱)

□ امام در برابر لشکر حر:

حقاً که مردم، بندگان دنیایند و دین، آویزی ناچیزی بر زبانشان است که بر گردش تا آنجا حلقه می زنند که دنیایشان در آسایش باشد. پس هرگاه با بلا آزموده شوند، دین داران اندک گردند.

یک موقعیت، سه انتخاب

در حادثه کربلا، یک جمله معروف در تحلیل وضعیت توده مردم کوفه بسیار پر زبان آورده شده است:

«ای حسین علیه السلام، مردم کوفه، قلب هایشان با تو و شمشیر هایشان علیه توست».

این موقعیت عجیب و متناقض از منظر کارشناسی و تحلیلی امام آن گاه ایجاد می گردد که دل بستگی های دنیوی فراوان گردد و عمیق شود و در برابر اعتقادات آدمی قرار بگیرند، دل بستگی هایی همانند زن، فرزند، خانه، زمین، منافع مادی و اقتصادی، منافع و اعتبار اجتماعی.

از این منظر با چند تعلق ویژه و مهم کوفیان آشنا شویم:

وضعیت اقتصادی کوفه: مردم کوفه، سربازان فتوحات بودند که زندگی آنها بر اساس طراحی نظام خلافت به سهمیه بیت المال وابسته بود، همانند نظام کارمندی و دولتی. البته مهم ترین زمان توزیع سهمیه و درآمد مالی آنها هم که سالیانه بود، در اول سال قمری یعنی اول محرم بود. بر اساس تهدیدها و تشویق های مالی ابن زیاد، دلیل زمین گیر شدن بیشتر کوفیان معلوم می شود. (۲)

وابستگی به زن و فرزند: این عامل در رخدادهای شهر کوفه، جدایی از حضرت مسلم و تنها گذاشتن او، بهانه جویی های دیدارکنندگان برای نپیوستن به امام در ضمن راه کاملاً به چشم می آید و مهم ترین بهانه کوفیان است.

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۸.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۱۳.

ص: ۲۹۵

یک موقعیت: وابستگی و دل بستگی های دنیوی و بازتاب های آن

موقعیت سفید: دین و امام معصوم، اولویت اول زندگی

محمد بن بشیر

او از مردم کوفه بود که چون خبر قیام امام را شنید، از کوفه راهی مکه شد و در آنجا عاشقانه به امام پیوست و همراهش به کربلا آمد. امام در شب عاشورا، یارانش را جمع کرد تا با آنها اتمام حجت کند، ولی همه ابراز وفاداری کردند. از جمله محمد بن بشیر که قسم یاد کرد که لحظه ای امام را رها نخواهد کرد. چون پاسی از شب گذشت، ناگهان یکی از فرزندان از کوفه رسید و خبر آورد که فرزند دیگرش (پسر بزرگش) در ری اسیر شده است و آنها درخواست اموال برای آزادی او کرده اند. خانواده اش هم اصرار کرده اند که او از امام جدا شود و به کوفه بیاید و برای آزادی فرزندش چاره ای بیندیشد. در این حال، سخن امام را هم می شنود که می فرماید: «محمد، خدا رحمت کند. من بیعتم را از تو برداشتم. برو و برای آزادی فرزند خود بکوش.» محمد کمی می اندیشد و آن گاه سر بلند می کند و قاطعانه رو به امام می گوید: «درندگان مرا زنده زنده بخورند اگر از شما جدا شوم».

فرزندش متحیر مانده بود که چه کند، ولی پدر می گوید: «من با حسین علیه السلام می مانم و اکنون وظیفه ای مهم تر دارم.» امام چون سخن و صلابت او را می بیند، تعدادی جامه برد یمانی می آورد و به محمد می دهد و می فرماید: «اینها را به فرزندت بسپار تا آنها را برده و فدیة آزادی برادر خود کند. (آنها ۵ جامه برد به قیمت هزار درهم بود).» (۱)

موقعیت خاکستری: بهانه جویی برای عقب انداختن تکالیف

طرماح بن عدی

او از قبیله طیّ بود که ساکن در حومه کوفه بودند.

او به مناسبت اول محرم برای تهیه آذوقه سالیانه به کوفه رفت و پس از دریافت و تهیه آن در حال بازگشت به قبیله طیّ، در میانه راه با امام روبه رو می شود. امام پس از خبر گیری از کوفه، او را به یاری فرا می خواند، ولی می گوید: «من از کوفه برای اهل خود آذوقه و خواربار می برم. به من مهلتی بده تا آنها را به خانواده ام برسانم و آن گاه نزد شما بیایم».

۱- ابن عساکر، ترجمه الامام الحسین، ص ۱۵۴.

ص: ۲۹۶

امام می فرماید: «خداوند رحمت کند؛ اگر خواستی بیایی، بشتاب.» پس من رفتم و آذوقه را رساندم و با خانواده و اطرافیانم وداع کردم. به سوی کربلا- به راه افتادم، ولی در میانه راه باخبر شدم که حسین علیه السلام کشته شده است. پس منصرف شدم و باز گشتم. (۱)

او مصداق کسی است که در تشخیص اولویت ها و اهم و مهم ها چنان وارونه عمل می کند و با بهانه جویی، وظایف و تکالیف خود را عقب می اندازد تا زمان نیاز بگذرد و عذر انتقادی موضوعش برای او فراهم شود. (۲)

موقعیت سیاه: وابستگی های دنیوی، اولویت اول و منحصر به فرد زندگی

در کوفه ای که معاویه پس از ۲۰ سال برجای گذاشت، نسل جوان کوفه چنان تربیت می شوند که هدفی جز بطالت و دست یابی سریع به منافع دنیوی از هر راه و روشی ندارند:

(در ماجرای دستگیری حجر بن عدی و یارانش در کوفه که ۱۰ سال قبل از حادثه کربلا رخ می دهد، شکوه پیر مردان قبیله های شیعه کوفه همانند قبیله همدان این است که در خبرچینی، محاصره کردن و دستگیری حجر، هیچ کس مانند جوانان قبیله های شیعه با دستگاه ابن زیاد همکاری نکردند تا از جوایز آن بهره مند شوند.

(بر اساس گزارش های تاریخی طوعه از زنان کوفی: در دل خود از علاقه مندان به اهل بیت است. از این رو، با خطرپذیری بالایی که انجام می دهد، میزبانی مسلم را با افتخار می پذیرد، ولی پسرش تا از ماجرا باخبر می گردد، به طمع دست یابی سریع به منافع و زندگی دنیوی و جایزه دستگیری حضرت مسلم به دارالاماره می رود و خبرچینی می کند و باعث دستگیری حضرت مسلم می شود. او نزدیک شدن ماه محرم و در خطر بودن مقرری سهمیه سالانه بیت المال و وعده جوایز فراوان را اولویت اول زندگی قرار می دهد و باعث دستگیری حضرت مسلم می شود.

(شبت بن ربعی تمیمی: دل بستگی و وابستگی او به زندگی دنیوی اش چنان بود که تمام تلاش ها را برای حفظ زندگی اشرافی اش می کرد. جالب است که در تمام این سال ها نمی خواست رشد سیاسی یا اقتصادی داشته باشد، بلکه هدفش، نگه داری زندگی

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲- وارثان عاشورا، ص ۲۷۶.

ص: ۲۹۷

اشرافی اش بود. نهایت تلاش او ۸۱ سال زندگی بود که با نان به نرخ روز خوردن مداوم گذشت، به گونه ای که در شرح حال او به اختصار چنین نوشته اند: «او یک سال قبل بعثت متولد شد. در جوانی اش که مصادف با اواخر عمر پیامبر بود، مدتی اذان گوی سجاح (۱) شد. با حمله مسلمانان به آن پیامبران دروغین، او سریع اسلام آورد تا خود را نجات دهد. پس ساکن کوفه شد و در قیام مسلمانان علیه عثمان شرکت کرد. وی با روی کار آمدن حضرت علی علیه السلام جزو خوارج شد و در جنگ نهروان شرکت کرد، ولی قبل از جنگ از خوارج جدا شد و در دوران خلافت معاویه جزو اشراف کوفه شد و با حزب اموی کوفه همکاری می کرد. وی با ایجاد موج نامه نگاری به سیدالشهدا علیه السلام همراه اشراف شهر نامه ای به امام می نویسد، ولی با آمدن ابن زیاد، خانه نشین می شود. تهدیدها و تطمیع های ابن زیاد، او را به قصر دارالاماره می کشاند و در نهایت، همراه هزار سرباز برای جنگ با امام راهی کربلا می شود. بعد ها با نهضت توابین همراه می شود، ولی دوباره از آنها جدا می شود و به مختار می پیوندد. با ضعیف شدن مختار به دشمنانش می پیوندد و در قتل مختار شرکت می کند. سرانجام در سال ۶۷ ه. ق در سال ۸۱ سالگی در حالی که به لشکریان مصعب بن زبیر پیوسته بود و با مختار می جنگید، کشته شد. (۲)

نتیجه و جمع بندی

جذابیت های دنیوی می تواند بهترین وسیله برای رشد و تعالی انسان باشد به شرطی که موجب دل بستگی ها و وابستگی ها نشود؛ چرا که در این صورت، به جای اینکه بر اساس تعالیم قرآنی، همه هستی در خدمت رشد آدمی باشد، آدمی با تمام توان در خدمت محیط اطراف خود می شود و برای حفظ دارایی ها یا رشد آنها تن به هر کاری می دهند. ایجاد این وضعیت باعث فاصله افتادن بین مردم و امام می گردد؛ فاصله ای که دیگر در جامعه، نهادینه و عادی می شود و به راحتی رخداد هایی مثل شهادت یا غیبت معصوم را به دنبال خواهد آورد.

۱- زنی که مدعی پیامبری بود و بعد با مسیلمه کذاب ازدواج کرد.

۲- التهذیب، ج ۱، ص ۳۳۲.

۶. تخصص و اعتبار اجتماعی**۶. تخصص و اعتبار اجتماعی**

به فرموده قرآن، جوهره انسانی همه انسان‌ها مشترک است، ولی هیچ کس همانند دیگری نیست و تفاوت خصوصیات ظاهری و باطنی حتی تفاوت زبان و رنگ نیز از نشانه‌های خداوندی است. با این نگاه، هر انسانی که اثر انگشت خاص خود را دارد، استعدادها و خلیقات خاص خود را نیز دارد. همین تفاوت‌ها در استعدادها و ظرفیت‌هاست که زمینه ساز زندگی اجتماعی انسان‌هاست. از این رو، هر انسانی، در زمینه‌ای خاص استعداد ویژه‌ای دارد که اگر به رشد و توسعه آن پردازد، به تخصص و مهارت تبدیل می‌گردد.

یکی دیگر از امتیازها و استعداد‌های انسانی، اعتبار و جایگاه اجتماعی است که ممکن است از طرق گوناگون برای او فراهم شود. شهرت اجتماعی، خواص اجتماعی، رهبر و سرپرست بخشی از جامعه همه نوعی اعتبار و شأن اجتماعی است که ممکن است بهره برخی افراد شود.

به فرموده قرآن، همه این تخصص‌ها یا اعتبار و امتیازها نوعی نعمت خاص و ویژه است که شکر نعمت آن لازم و کفر آن، حرام است. شکر نعمت آنها، صرف کردن آنها در راه خیر و مسیر حق و کفران آنها صرف کردن آنها در مسیر باطل است. این موضوع تقریباً همان عنوان رسالت خواص و همچنین تخصص‌ها و تعهد‌هاست که با بخشی از کارکردهای عاشورایی آن آشنا می‌شویم.

در محضر سخن و سیره امام

(عقل جز از راه پیروی حق به کمال نمی‌رسد. (۱))

(بدانید اینکه مردم در نیازهای خود به شما روی می‌آورند، از نعمت‌های خدا بر شماست. از نعمت‌های الهی، دلتنگی نشان ندهید که به غضب‌های او تبدیل شوید. (۲))

(شکرگزاری تو برای نعمت پیشین، نعمت جدید را سبب می‌شود. (۳))

۱- اعلام‌الدین، ص ۲۹۸.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹.

۳- عقدالفرید، ج ۱، ص ۱۸۳.

ص: ۲۹۹

(در مواردی که حق، تو را ملزم می‌سازد بر آنچه نمی‌پسندی، شکایا باش و در مواردی که هوای نفس، تو را می‌خواند از آنچه دوست داری، خود را نگه دار. (۱))

(کسی که از راه نافرمانی خداوند برای به دست آوردن چیزی تلاش کند، آنچه را امید دارد، زودتر از دست می‌دهد و آنچه را بیم دارد، زودتر به او می‌رسد. (۲))

(ای فرزند آدم، بیندیش و بگو: پادشاهان و دنیا داران کجا رفتند؟ آنان که دنیا را آباد کردند و نهرها حفر کردند، درختان کاشتند، شهرها بنا کردند و سرانجام از آن جدا گشتند، در حالی که این جدایی را خوش نداشتند، اما گروهی دیگر وارث آنها شدند. ما نیز به زودی به آنها می‌پیوندم. (۳))

فرازهایی از خطبه امام در منا

شما (ای صحابه و تابعین)، ای گروه نیرومند، شما دسته‌ای هستید که به دانش و نیکی و خیرخواهی معروفید و به وسیله خداوند در دل مردم، مهابتی دارید که شرافتمند از شما حساب می‌برد و ناتوان، شما را گرامی می‌دارد و آنان که هم‌درجه شما نیستند و بر آنها حق نعمتی ندارید، شما را بر خدا مقدم می‌دارند، شما واسطه‌حوائجی هستید که از خواستارانش دریغ می‌دارند و به هیبت پادشاهان و ارجمندی بزرگان در میان راه گام بر می‌دارید. آیا همه اینها از آن رو نیست که به شما امید دارند که به حق خدا قیام کنید؟ اگر چه از بیشتر حقوق خداوندی، کوتاهی کرده‌اید... و در خور مسئولیت خود انجام وظیفه نمی‌کنید و به کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، توجهی نمی‌کنید و خود به چاپلوسی و سازش با ستمگران آسوده‌اید. (۴))

همراه با سیره امام

۱. امام در دوران امامتش در دوران معاویه، یکی دو مرتبه دست به دامان پیمان حلف الفضول شد (پیمانی که جوانمردان دارای اعتبار اجتماعی در جاهلیت برای احقاق حقوق محرومین ایجاد کردند).

۱- نزهه الناظر، ص ۸۵.

۲- عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۵۲.

۳- ارشاد القلوب، ص ۲۹.

۴- تحف العقول، ص ۱۶۹.

ص: ۳۰۰

۲. امام پس از شنیدن خبر شهادت حجر بن عدی در دوران معاویه، نامه ای به او می نویسد که قسمتی از آن چنین است: آیا این تو نبودی که حجر و یاران او را کشتی که عبادتگر و خاشع در برابر خداوند بودند و بدعت ها را وحشتناک می شمردند و امر به معروف ونهی از منکر می کردند؟(۱)

۳. امام یک سال قبل از مرگ معاویه به حج رفت و در منا، هفتصد نفر از صحابه و تابعین را جمع کرد و برای آنها خطبه ای مفصل در باز شناسی فضایل اهل بیت و زمان شناسی و رسالت اهل بیت خواند.(۲)

۴. امام در پاسخ نامه های کوفیان، حضرت مسلم را با نامه ای به کوفه فرستاد که در آن آمده بود: «... اگر او (مسلم) نوشت که بزرگان و اندیشمندان و خردمندان شما بر آنچه فرستادگان شما می گویند و در نامه هایتان خوانده ام هم داستان اند، به زودی نزد شما خواهم آمد.» امام تصمیم خود را متوقف بر راست آزمایی خواص شهر کرده است. آن گاه به حضرت مسلم علیه السلام فرمود: «چون وارد کوفه شدی، نزد موثق ترین مردم آنجا جای گزین».(۳)

۵. امام در آغاز قیام خود پس از اقامت در مکه و آغاز حرکت کوفیان، چون حرکتی را از بصره مشاهده نکرد، خطاب به رؤسای اخماس (پنج گانه) بصره نامه می نویسد شهر بصره از لحاظ اجتماعی به پنج قبیله بزرگ تقسیم می شد که به رؤسای آنها رؤسای اخماس می گفتند. ایشان از آنها می خواهد شهر بصره را در مسیر حق به حرکت و نهضت وادارند.(۴)

۶. هر گاه در طول مسیر عراق از امام سؤال می کردند که چرا به کوفه می رود، می فرمود: «این نامه های بزرگان شهر کوفه به من است.»

یک موقعیت، سه انتخاب

هدف پیامبر، ایجاد جامعه بدون طبقات اجتماعی و مبتنی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی بود، ولی با غضب خلافت جامعه ای ایجاد شد آکنده از تفاوت و طبقه های

۱- الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲- الغدير، ج ۱، ص ۱۹۸؛ تحف العقول، ص ۱۶۸.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۷۸؛ الفتوح، ج ۵، ص ۳۶.

۴- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

ص: ۳۰۱

اجتماعی. از این رو، در جامعه ای که امام قصد تحول در آن را دارد، انواع گروه های اجتماعی و اصناف وجود دارند.

در این میان، برخی به لحاظ اینکه از اعتبار اجتماعی بیشتر برخوردارند یا تخصص ویژه ای دارند و به اصطلاح جزو خواص هستند، مورد توجه ویژه امام هستند؛ چون حرکت یا قعود آنها به ویژه در جامعه عرب که به نظام قبیله ای و رؤسای خود وابسته بودند، تأثیر بسیاری در جامعه داشت. در طول نهضت، امام نسبت به اینان برنامه های ویژه و خاصی دارد، مواردی همانند:

ایجاد ارتباط با رؤسای قبایل و اشراف شهرها برای تأثیرگذاری بر متن جامعه؛

تلاش ویژه برای جذب خواصی که دارای تخصص و اعتبار اجتماعی خاصی هستند؛ کسانی همانند زهیر و عبیدالله حر جعفری؛

ارتباط با چهره های علمی جهان اسلام و توجیه و تبیین چیستی و چرایی قیام اش در مکه.

توجه ویژه به فرماندهان لشکر کوفه در مدت اقامت در کربلا و صبح عاشورا.

این سخن به معنی بی اعتنایی امام به توده های اجتماعی دیگر نیست. امام در طول راه عراق یا در مکه با هر کسی دیدار و گفت و گویی به فراخور حال خودش دارد. برای نمونه، در برابر ریزش نیروهای معمولی و رشد نیافته و غیر متخصص و غیر اثرگذار بر جامعه، پس از رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم، واکنش های خاص نشان نمی دهد، ولی در برابر مقاومت عبیدالله حر جعفری برای جذب او تلاش می کند. این همه به لحاظ اعتبار اجتماعی یا تخصصی ویژه مثل عبیدالله است که همراهی اش با جبهه حق می تواند بر متن جامعه اثر فراوان داشته باشد.

در این جامعه، شاهد وضعیت های سه گانه خواص اجتماعی هستیم.

موقعیت: خواص متخصص یا دارای اعتبار اجتماعی و واکنش آنها در برابر قیام امام

وضعیت سفید: تخصص و اعتبار اجتماعی ابزار و در خدمت جامعه

هانی بن عروه

او رئیس قبیله مذحج و بزرگ مردی شیعی بود که ریاست قبیله مذحج را داشت. وی به دلیل روابطش با دیگر رؤسای قبیله ای کوفه دارای نقش و جایگاه ویژه ای در شهر کوفه بود.

ص: ۳۰۲

از این رو، وقتی حضرت مسلم به او پناه آورد، او نه تنها دست رد به سینه او نزد، بلکه تمام توان خود را در اختیار او گذاشت. دشمن (ابن زیاد) هم وقتی متوجه همراهی او با حضرت مسلم شد، برای اینکه اعتبارش را خنثی سازد، رقیبش، عمرو بن حجاج را به جای او نشانده تا با ریاست تحمیلی خود بتواند قبیله مذحج را از یاری مسلم باز دارد. همچنین هنگام قیام قبیله مذحج، از اعتبار اجتماعی و علمی شریح قاضی استفاده می‌کند تا مردم مذحج آرام شوند. با وجود این، هانی لحظه‌ای از یاری مسلم دست نمی‌کشد. (۱)

ابو ثمامه صائدی

تخصص او در اسلحه شناسی بود. از این رو، وقتی حضرت مسلم وارد کوفه شد و قرار شد کوفیان را آماده ورود امام و قیام کند، او را مسئول امور مالی و تهیه اسلحه ساخت.

پس از شهادت حضرت مسلم و آشفتگی اوضاع در کوفه، او از بیراهه، خود را به امام می‌رساند و همراه امام به کربلا می‌آید. یکی از برنامه‌های او در کربلا، شناسایی و ارزیابی فرستادگان عمر سعد به سوی امام است، به گونه‌ای که اولین قاصد عمر سعد را که انسانی بسیار پست و خطرناک بود، شناسایی کرد و برای ملاقات او با امام پیش شرطی گذاشت و آن، دیدار بدون سلاح بود یا اینکه موقع دیدارش با امام دست ابو ثمامه بر قبضه شمشیر او باشد. آن قاصد جسور و بی ادب این شرط را نپذیرفت و ابو ثمامه، او را برگرداند. عمر سعد ناچار شد یکی از افراد ظاهرالصلاح کوفه را نزد امام بفرستد.

آخرین تخصص او، دانش به وقت نماز بود که یادآوری نماز در ظهر عاشورا را به همراه داشت. (۲)

دیگر موارد

ابوالشعثاء کندی از شهدای کربلا، تیراندازی ماهر بود و پیش روی امام نشست و صد تیر افکند که فقط ۵ تیر آن به خطا رفت، به گونه‌ای که امام در حق او دعا کرد: «بار الها، پرتاب او را محکم و پابر جا کن و ثوابش را بهشت قرار بده». (۳)

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲- ابصار العین، شرح حال او.

۳- انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۸.

ص: ۳۰۳

موقعیت خاکستری: تخصص و اعتبار بی‌خاصیتی که خاک می‌خورد

فرزدق بن غالب

جوانی بود با ذوق شاعری و ساکن کوفه. او در آن سال‌ها به اعتبار اشعارش در کوفه و عراق و جهان اسلام شناخته شده بود. بیشتر اشعارش، درباری یا هجو یا مدح بود. این در حالی بود که شعر و شاعری در اعراب جایگاه ویژه‌ای داشت، به ویژه در جامعه دوباره بازگشته به جاهلیت دوره حاکمیت معاویه. او در آغاز سفر امام به سوی عراق، در حالی که همراه مادرش عازم حج است، با امام روبه‌رو می‌شود و در برابر امام هم نظرهای کارشناسانه فراوانی می‌دهد، ولی حاضر به یاری رسانی امام نمی‌شود و راهی سفر حج خود می‌شود.

ابراهیم بن مالک اشتر

او فرزند مالک اشتر و ساکن کوفه است و در این سال‌ها در اوج جوانی و شجاعت است و در قبیله نخع دارای جایگاه ویژه‌ای است. در رخداد های قیام سیدالشهدا علیه السلام اصلاً گزارشی از او وجود ندارد. ۶ یا ۷ سال بعد که مختار برای اعطای فرماندهی سپاهش به سراغ او می‌رود، ناگهان به یکی از شخصیت‌های مهم کوفه تبدیل می‌گردد. او مدت یک سال با مختار همراه است و آن‌گاه پس از شهادت او به زیربان (از دشمنان اهل بیت) می‌پیوندد و در رکاب آنها در جنگ با سپاه دشمن کشته می‌شود.

دیگر موارد

عبدالله حر جعفی که با تخصص رزمی و جایگاه اجتماعی خود از امام، روی گردان است.

سلیمان صرد خزاعی از رهبران و یکی از رؤسای مدعی شیعه در کوفه است که از داعیان نهضت نامه نگاری است، ولی در اوج قیام حضرت، ناگهان خود و قبیله اش ناپدید می‌شوند و اصلاً خبری از آنها نیست.

ص: ۳۰۴

وضعیت سیاه: تخصص و اعتبار فروشی

حرمه بن کاهل اسدی

او تیراندازی ماهر در قبیله بنی اسد و کمی گم نام در شهر کوفه است. وی در جست و جوی فرصتی طلایی است تا مهارت خود را به رخ دیگران بکشد. سرانجام این فرصت طلایی را در کربلا می یابد و با نزدیک شدن به عمر سعد و انجام مأموریت های ویژه به بهترین وجه سعی می کند پله های افتخار را بسپارد.

حمید بن مسلم

تخصص او تاریخ نگاری و رویدادنگاری است. او همراه لشکر عمر سعد می رود تا تاریخ را آن گونه که این زیاد می خواهد، ثبت و روایت کند. وی در روز عاشورا یکی از نزدیک ترین افراد به صحنه های حساس است تا گزارشی دقیق و کامل و البته مطابق آنچه از او خواسته اند، بنویسد باشد تا بتواند مطابق تخصص و کارنامه خود پاداش خوبی بگیرد.

عمرو بن حجاج

داماد هانی بن عروه و رقیب او در قبیله مذحج و از اشراف کوفه است که رد پایش در رویداد های کوفه در کنار گروه اشراف به چشم می خورد. ریاست مذحج، آرزوی دیرینه اوست که با وجود هانی، مجالی برای او نیست.

دستگیری هانی فرصت طلایی در اختیار او می گذارد که با کمک ابن زیاد و صرف اعتبارات خود به سرعت ریاست قبیله مذحج را در اختیار بگیرد. آن گاه که مردم قبیله اش را در آستانه ماه محرم و رسیدن موعد تحویل سهمیه سالیانه بیت المال، از قطع آن هراس دارند، با وعده حفظ و بیشتر کردن آن به دلیل ارتباطش با ابن زیاد، هم ریاست قبیله را به عهده می گیرد و هم قیام آنها را در برابر شهادت هانی کنترل می کند. در نهایت، بیشتر آنها را راهی کربلا می کند و در آنجا فرمان دهی شریعه فرات را به عهده می گیرد.

ص: ۳۰۵

شریح قاضی

او از شاگردان عبدالله مسعود، پایه گذار اولین مدرسه علمی در کوفه است که به دلیل دانش خود، سال ها در مقام قضاوت کوفه باقی می ماند و چنان به این مقام وابسته می شود که پس از شهادت حضرت علی علیه السلام، برای حفظ آن حاضر به هر گونه همکاری با بنی امیه می شود تا مبادا این منصب را از او بگیرند. از این رو، با آمدن ابن زیاد جزو همراهان او قرار می گیرد و با یک لحظه حضور بر بام قصر ابن زیاد، نقشی مهم در ناکامی قیام کوفیان علیه ابن زیاد اجرا می کند.

نتیجه گیری و جمع بندی

تخصص و اعتبار اجتماعی، افراد را در گروه خواص اجتماعی قرار می دهد و همیشه فرصت های طلایی را در اختیار دارندگان خود می نهد که به سفیدی یا سیاهی بگردند و زمینه های وسوسه و تهدید یا تطمیع آنها هم بیشتر است. از آنجا که هر کس بامش بیشتر، برفش هم بیشتر است، هم رسالت آنها سنگین تر است و هم پاداش آنها.

در رخداد قیام سیدالشهدا علیه السلام از یک سو، شاهد تلاش ویژه امام برای جذب خواص جامعه و اضافه کردن آنها به گروه تربیت شده جوانان بنی هاشم هستیم که البته دست آوردهای آن در قالب کسانی همچون حبیب بن مظاهر، زهیر و حر محدود است. در نتیجه، امویان با صرف هزینه های بسیار واقعی یا اعتباری (تهدید و تطمیع تو خالی) در وهله اول سعی در جذب و کنترل خواص دارند، همانند برنامه ای که ابن زیاد در بدو ورود در کوفه اجرا می کند و با کنترل خواص به کنترل بقیه طبقات و اصناف شهر می پردازد.

اینجاست که رسالت تک تک انسان های فهمیده و زرنگ در جوامع مشخص می گردد و آن، تبدیل خود به خواص جامعه است (متخصص دارای اعتبار اجتماعی). تا پس از آن، نعمت تخصص و اعتبار خود را با تعهد و ایمان همراه سازند و مستقیم یا غیرمستقیم، زمینه تقویت دین و رهبر حق را فراهم کنند. (از این منظر، نیم نگاهی تحلیلی به دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره طبقات اصناف اجتماعی بسیار راه گشااست)

۷. شخصیت دنباله رو، بی اعتنا و جریان ساز

۷. شخصیت دنباله رو، بی اعتنا و جریان ساز

آدمی، موجودی اجتماعی است که به تنهایی نمی تواند زندگی درستی داشته باشد. بر اساس این ویژگی فطری انسانی، رهبانیت و انزوا و گوشه گیری از جامعه در اسلام مذموم شمرده می شود. ولی این به معنی هر گونه مشارکت و حضور اجتماعی نیست.

بر اساس آموزه های اسلامی، مؤمن پس از سلوک فردی و تهذیب فردی باید حضوری فعال و اثرگذار در جامعه داشته باشد. او باید جذاب، زرننگ، هوشیار و فعال باشد تا بتواند با جذب انسان های سالم و شایسته، آنها را به سوی حق و حقیقت رهنمون باشد. در روایات دینی، مؤمن ضعیف همواره سرزنش شده است؛ چرا که اصولاً ایمان با ضعف و شخصیت انفعالی و تنبلی نسبتی ندارد. در جوامع بشری، کم نیستند افرادی که به دلیل رشدنایافتگی شخصیت خود، همواره طبعی منفعل و دنباله رو دارند و بدون تفکر و تدبیر «همچ رعاء» می گردند و چون برگی در میان توفان فتنه ها به این طرف و آن طرف کشیده می شوند. اگر هم شخصیت فعالی دارند، چون وسوسه های باطل فراوان است، تلاش می کند سردمدار جبهه باطل شود و از منافع و لذات آن بی بهره نباشند. و اینجاست که یکی از موقعیت های مهم بشری خود را نشان می دهد؛ یعنی تقسیم بندی انسان ها از منظر داشتن شخصیت پیش رو یا دنباله رو که با مطالعه قرآن، شواهد فراوانی برای آن یافت می شود. در آیات قرآن، سرگذشت و شخصیت شناسی جهنمیان تصویر شده است، به این گونه وقتی که جهنمیان در آنجا مستقر می شوند، به دو دسته پیشرو و دنباله رو (کبرا و سادات در برابر ضعف و مصلین) تبدیل می شوند. آن گاه ضعفاً بهانه می آورند که در اصل، ما را تقصیری بر گمراهی نبوده است و این بزرگان ما بودند که باعث گمراهی ما شدند. (۱)

در برابر اینها، شخصیت و داستان اصحاب کهف به عنوان جوانانی است که نمی خواهند در جامعه باطل هضم شوند. (آغاز سوره کهف)

برتر از اینها کسانی هستند که در صدد جریان سازی و ایجاد موج حق شناسی و حق باوری در توده های اجتماعی هستند؛ مواردی همانند: مؤمن آل یاسین در آغاز سوره یس.

۱- اعراف: ۳۸ و ۳۹؛ غافر: ۴۷ و ۴۸.

ص: ۳۰۷

در محضر سخن و سیره امام

□ از نشانه های اسباب قبولی هم نشین با خردمندان است. (۱)

□ عقل جز از راه پیروی حق به کمال نمی رسد. (۲)

□ عاقل کسی است که با کسی که می ترسد، او را دروغ گو پندارد، هم سخن نمی شود. از کسی که می ترسد او را رد کند، در خواستی نمی کند. به کسی که می ترسد او را بفریید، تکیه نمی کند و به کسی که به امید او اطمینانی نیست، امید نمی بندد. (۳)

□ از سخنان امام به عبیدالله حر جعفری:

و اما تو ای پسر حر، بدان که خداوند در برابر گناهان روزهای گذشته عمرت از تو بازخواست می کند. من هم اکنون تو را به توبه ای فرا می خوانم که همه گناهانت را بشوید. تو را فرا می خوانم که ما خاندان پیامبر را یاری کنی. اگر حقمان را دادند، خدا را سپاس می گوئیم و اگر ما را باز داشتند و ظالمانه بر ما چیره گشتند، در حق خواهی از یاران ما خواهی بود. (۴)

□ نامه امام به بنی هاشم:

به نام خداوند بخشنده مهربان

از حسین بن علی علیه السلام به بنی هاشم

اما بعد، هر کس از شما با من باشد، شهید خواهد شد و هر کس با من نیاید، به پیروزی دست نخواهد یافت. والسلام. (۵)

□ فرازی از نامه دوم امام به مردم کوفه از میانه راه عراق:

من به سوی شما ره سپار شدم. هرگاه فرستاده ام به کوفه رسید، در کارتان هر چه بیشتر شتاب و تلاش کنید؛ که اگر خدا بخواهد، در همین روزها بر شما وارد خواهم شد. (۶)

۱- تحف العقول، ص ۱۷۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۳- حیاة الامام الحسین، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴- الفتوح، ج ۵، ص ۸۳.

۵- بصائر الدرجات، ص ۴۸۱؛ اللهوف، ص ۲۸.

۶- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۱.

ص: ۳۰۸

□ فرازهایی از خطبه امام در منا:

شما را به حق خدا بر شما و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و خویشاوندی من که با پیامبر دارم، سوگند می دهم؛ چون از اینجا (به شهر های خود) رفتید، این گفتار مرا عرضه کنید و همه شما در دیار خود، از قبیله هایتان، از آنها که به ایشان اطمینان دارید، دعوت به عمل آورید؛ چرا که بیم آن می رود این امر کهنه شود و حق از بین برود و مغلوب گردد. (۱)

□ فرازی دیگر از خطبه منا به روایت تحف العقول:

... شما از بیشتر حقوق خداوندی کوتاهی کرده اید. از این رو، حق امامان را سبک شمرده و حقوق ضعیفان را تباہ ساخته اید و به پندار خود، حق را گرفته اید. شما در این راه، نه مالی خرج کرده اید و نه جانی را برای خدا که آن را آفریده است، به مخاطره انداخته اید. نه برای رضای خدا با عشیره ای درافتاده اید. آیا شما در درگاه خداوند، بهشت و هم نشینی پیامبران و در امان ماندن از عذاب او را آرزو دارید؟ (۲)

□ فراز دیگر:

... من نگران فرود کیفر بر شمایم؛ زیرا از کرامت خدا به منزلتی دست یافته و بر دیگران برتری یافته اید. اما اینک با اینکه می بینید پیمان های خدا شکسته می شود، نگران نمی شوید و... و درخور مسئولیت خود انجام وظیفه نمی کنید. به کسانی که در این راه تلاش می کنند، یاری نمی رسانید و به چاپلوسی و سازش با ستمگران انس گرفته اید. (۳)

□ فرازی دیگر:

... در نتیجه (سکوت شما صحابه و تابعین)، آنها (ستمگران اموی) در هر شهر، خطیبی سخنور بر منبر دارند که به سود آنان سخن می گوید. سراسر کشور اسلامی، بی پناه مانده و دست ستمگران در همه جای آن باز مانده است... اگر شما به ما یاری نرسانید و با ما انصاف نداشته باشید، ستمگران بر شما نیرو گیرند و در خاموش کردن نور پیامبر شما بکوشند... (۴)

۱- الغدير، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲- تحف العقول، ص ۱۶۸.

۳- تحف العقول، ص ۱۶۸.

۴- تحف العقول، ص ۱۶۸.

ص: ۳۰۹

یک موقعیت، سه انتخاب

در جامعه اسلامی سال ۶۰ ۶۱ ه. ق که بر آمده از نیم قرن تلاش نظام خلافت و امویان بود، تلاش شده بود همانند اصل و نظام فرعونى «فَاسِيَتْخَفَّ قَوْمُهُ وَ فَاطَّاعُوهُ»، مسلمانان را با دور کردن از اسلام اصیل، به اسلامی تحریف شده بکشانند که پیرو اصولی جبری باشد که قائل به پیروی مطلق از هر گونه نظام فاسد و منحرفی است بدون اینکه حتی به اصولی همانند امر به معروف و نهی از منکر هم فکر کند. از این رو، در این جامعه به تدریج، مسلمانانی پیدا شدند که نه تنها شخصیت و هویت دینی درستی نداشتند، بلکه در نهایت انفعال و وادادگی اجتماعی بودند. آنها نه تنها خلاقیت جریان سازی و ایجاد موج و جهش اجتماعی در مسیر پیشرفت را نداشتند، بلکه حتی قدرت و یارای اعتراض و مخالفت را نداشتند و نوعی روزمره گی، دنباله روی، بی‌اعتنایی، نومیدی یا باور به ضرورت حفظ وضع موجود در مسلمانان موج می زد. نهادینه شدن این شرایط به حکومت اموی کمک می کرد تا به راحتی هم مردم ساکت و غافل و ساکن را از امام دور کند و هم اتهام خارجی و بر هم زننده نظم عمومی و اجتماعی به امام بزنند.

در این شرایط، هم زمان با قیام امام، شاهد پیدایش شخصیت های گوناگون در مواجهه با قیام هستیم؛ شخصیت هایی که کنش یا واکنش های آنها در مسیر حوادث و رویدادهای حق و باطل تأثیر فراوان داشت.

موقعیت: شخصیت پیشرو یا دنباله رو و باز تاب آن در مسیر حق و باطل

وضعیت سفید: شخصیت پیشرو در زمینه حق

حبيب بن مظاهر اسدی

در آستانه قیام سیدالشهدا علیه السلام، به دلیل کوفی بودن، ساکن شهر کوفه بود. با اینکه سال ها از عمر او می گذشت و پا به کهن سالی گذاشته بود و افتخارات دوران خلافت امیرمؤمنان علیه السلام را به همراه داشت، ولی تا از قیام سیدالشهدا علیه السلام مطلع شد، بر خلاف تمام یاران پا به سن گذاشته امیرمؤمنان علی علیه السلام (همانند کمیل، عدی بن حاتم، سعید بن جبیر و قنبر) با تمام قوا پا به میدان گذاشت. شاید بتوان گفت فعال ترین و جریان ساز ترین یار و یاور امام در کوفه و در طول نهضت او، حبيب بن مظاهر بود که گزارش عمده ترین فعالیت هایش چنین است:

ص: ۳۱۰

- ایجاد نهضت نامه نگاری در میان شیعیان کوفه (فقط).
- استقبال از حضرت مسلم علیه السلام و همکاری گسترده با او برای بیعت گیری از علاقه مندان در کوفه.
- از فرماندهان حضرت مسلم علیه السلام به هنگام قیامش.
- تلاش برای شناسایی و تشویق شیعیان به رفتن به سوی کربلا پس از شهادت حضرت مسلم علیه السلام.
- ورود به کربلا در آخرین لحظاتی که امکان رسیدن به کربلا ممکن بود.
- تلاش برای جمع آوری نیرو از عشایر بنی اسد که در اطراف کربلا بودند.
- فرماندهی جناح چپ لشکر امام (۱).

دیگر موارد

یزید بن ثبیط بصری از بصره به همراه دو فرزندش و چند نفر دیگر با زحمت بسیار فرار می کند و خود را به مکه می رساند و به امام می پیوندد.

وضعیت خاکستری

الف) شخصیت های متزلزل؛

ب) شخصیت های بی اعتنا و خشی

الف) شخصیت های متزلزل (همانند این گزارش تاریخی)

بلاذری می نویسد:

ابن زیاد دسته های هزار نفری به سوی کربلا اعزام می کرد، ولی آنها تنها ۳۰۰ ۴۰۰ نفر به کربلا می رسیدند و بقیه در میانه راه متواری می شدند. به بیابان یا نخلستان پناه می بردند و مخفی می شدند. (۲)

همانند ضحاک بن قیس مشرقی و تمام آنهایی که از لشکر امام ریزش کردند:

ضحاک بن قیس در میانه راه به امام پیوست به آن شرط که تا وقتی با امام باشد که اوضاع خطرناک نگردد. پس تا روز عاشورا تا موقعی که اصحاب امام به شهادت

۲- انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۷۸.

ص: ۳۱۱

رسیدند، در کربلا ماند و چون امام تنها ماند، او نزد امام آمد و با یادآوری شرطش از امام اجازه گرفت و سوار بر اسبش پا به فرار گذاشت. (۱)

(ب) شخصیت های بی اعتنا و خنثی

همانند تمامی بنی هاشمی که امام را تنها گذاشتند و یاری نکردند و در مراحل سعی کردند در مقام کارشناسی به وعظ و نصیحت امام پردازند. کسانی همانند ابن عباس که نه تنها امام زمان را خود یاری نکرد، بلکه هیچ یک از فرزندان را هم همراه امام نفرستاد.

عبدالله بن عمر نیز در تاریخ به شخصیتی ساکت و مطیع و آرام و پیرو هرگونه حاکمی ستمگر توصیف شده است. سکوت و گوشه گیری او بهترین کاربرد تبلیغی را جبهه باطل داشت.

وضعیت سیاه

الف) شخصیت پیشرو و جریان ساز برای باطل؛

ب) شخصیت دنباله رو کامل از باطل

الف) شخصیت پیشرو در باطل

همانند شمر بن ذی الجوشن: او که سابقه ای از خارجی گری داشت، در دوران معاویه به گروه امویان کوفه می پیوندد و در برخی رویدادهای کوفه همانند رخداد دستگیری حجر بن عدی اسمش به چشم می خورد، ولی هیچ گاه مقام مهمی با وجود آقازاده های شهر به او نمی رسد. با ورود ابن زیاد به کوفه جزو اطرافیان او می گردد، ولی با وجود اشراف چندان توجهی به او نمی شود تا اینکه با اعزام تدریجی اشراف و آقازاده ها به جنگ امام و خلوت شدن قصر ابن زیاد، او به چشم می آید. پس سعی می کند نقش فعالی به عهده بگیرد تا اینکه نامه عمر سعد از کربلا می رسد که بوی مصالحه می دهد. ابن زیاد مردد است چه کند. با سخنان آتشین خود، خباث و خشم ابن زیاد را شعله ور می کند و باعث نوشته شدن نامه نابودی و کشته شدن امام می شود. آن گاه مأمور می گردد همراه هزار نفر به عنوان لشکر احتیاط و ویژه به کربلا بیاید تا اگر عمر سعد در

ص: ۳۱۲

اجرای امر تعلل کرد، ضمن عزل او، خود فرماندهی و اجرای دستور را به عهده بگیرد. چون عمر سعد حاضر به کناره گیری نمی شود، او به عنوان فرماندار سواره نظام، مجری بیشترین جنایت ها در کربلا می گردد. (۱)

ب) شخصیت دنباله رو و منفعل در راه باطل

قره ابی قیس، اولین قاصد عمر سعد نزد امام در کربلا بود که حق را شناخت، اما بر باطل ماند.

مالک بن نصر بدی، قاصد ابن زیاد به سوی حر نیز دستور توقف امام را در کربلا آورده بود. او همان جا با یکی از یاران کوفی امام به نام ابوالشعثاء که همدیگر را می شناختند، روبه رو و هم سخن شد. ابوالشعثاء حجت را بر او تمام کرد، اما او به بهانه لزوم اطاعت از خلیفه در جبهه باطل می ماند و جزو لشکر کوفه در کربلا می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

زیارت های سیدالشهدا علیه السلام در کنار زیارت و فضیلت خود حضرت و بنی هاشم و سلام ها و آرزوها، دو بخش مهم دیگر هم دارد و آن، نسبت سنجی انسان های آن زمان با امام است که بخشی را به عنوان اصحاب امام به عنوان شخصیت های رشد یافته، فعال و جریان ساز و پیرو آگاهانه می شناسیم.

در برابر فرازهای لعنی، زیارت هایی است که شامل شخصیت های فعال در جریان سازی، برای باطل یا شخصیت های منفعل و راضی به باطل است. کثرت زیارت های حضرت در مناسبت های گوناگون قمری و تکرار این دو بخش هدفی ندارد جز ارائه و معرفی بهترین وضعیت و شخصیت به ما در مسیر امام شناسی، امام باوری و امام یآوری که در زمان ما تجلی آن در مهدی شناسی، مهدی باوری و مهدی یآوری است.

۸. فرصت ها و انتخاب ها: (از گمنامی تا شهرت)

۸. فرصت ها و انتخاب ها: (از گمنامی تا شهرت)

زندگی بیشتر انسان ها به روزمره گی و تکرار می گذرد. همین امر باعث در جا زدن و رشد نکردن انسان ها می شود. از این منظر، انسان ها بر سه دسته اند. اول کسانی هستند که بر

ص: ۳۱۳

اساس روایات محاسبه نفس، هر شب به محاسبه خود می پردازند و تلاش می کنند. هر دو روزشان یکسان نباشد. اگر انسانی از یکنواختی گریخت و برای خود طرح و برنامه داشت، می تواند با گریز از روزمره گی که شرایط جامعه فراهم می کند، به شخصیتی فرصت ساز تبدیل گردد؛ یعنی از هر لحظه و هر چیز برای رشد و ترقی خود استفاده کند و حتی از شکست ها یا بحران ها پلی بزند به سوی موفقیت و پیشبرد اهداف خودش.

گروه دوم کسانی هستند که اگر این طرح و برنامه را برای خود نداشت، حداقل باید زرننگ باشد؛ چرا که کنش ها و واکنش های اجتماعی قطعاً و گه گاه شرایط ویژه و حساسی را برای او فراهم می کند که می تواند با شکار آنها زمینه را برای جهش های خود فراهم کند. البته این گروه باید هوشیار باشند که به فرموده روایات، فرصت ها همیشگی و ماندگار نیستند و چون ابر بهاری به شتاب می آیند و سریع می گذرند.

گروه سوم، کسانی هستند که نه در تلاش هستند فرصت ساز باشند و نه همانند گروه دوم به رصد و کمین فرصت های موجود می نشینند، بلکه با اصرار بر روزمره گی خود به هرچه فرصت است، پشت پا می زنند و از دگرگونی و تحول در خود یا اطراف خود گریزانند. البته در مقام فرصت سازی هم دو رویکرد وجود دارد؛ در مسیر حق یا مسیر باطل. با این نگاه به نظاره عاشورا می نشینیم:

در محضر سخن و سیره امام

□ سخن امام با عمر سعد در دیدار و مذاکره شبانه در کربلا

ای ابن سعد، وای بر تو! آیا از خدایی که باز گشت به سوی اوست، نمی ترسی؟ آیا من را می شناسی که کیستم که با من قصد جنگ داری؟ بیا اینان را رها کن و با من باش؛ چون این کار، تو را به خداوند نزدیک می کند. (۱)

□ سخن امام در دیدار با عیدالله بن حر جعفری

بدان که خداوند در برابر گناهان روزهای گذشته عمرت از تو باز خواست می کند و من اکنون تو را به توبه ای فرا می خوانم که همه گناهانت را بشوید. تو

ص: ۳۱۴

را فرا می خوانم که ما خاندان پیامبر را یاری کنی و تو در حق خواهی ما، از یارانم باش. (۱)

* امام در دیدار با عمرو بن قیس مشرقی آن گاه که آنها یاری امام را رد کرد، فرمود:

پس بروید و دور شوید که فریاد دادخواهی ما را نشنوید و سیاهی (خیمه های) مرا نبینید؛ زیرا هر کس فریاد یاری خواهی ما را بشنود یا سیاهی ما را ببیند و پاسخ نگوید و به فریاد ما نرسد، خداوند، او را با صورت در آتش می افکند. (۲)

□ نامه امام به بنی هاشم موقع خروج از مدینه

اما بعد، هر کس از شما با من باشد، شهید خواهد شد و هر کس با من نباشد، پس به پیروزی دست نخواهد یافت. (۳)

□ نامه امام به بصره

من فرستاده ام را به سوی شما فرستادم و شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم؛ چرا که سنت ها را کشته اند و بدعت را احیا کرده اند. اگر گفتارم را بشنوید و فرمانم برید، شما را به راه راست هدایت می کنم. سلام و رحمت خدا بر شما باد. (۴)

□ فراز پایانی خطبه امام موقع خروج از مکه

هر کس خون خویش را در راه ما می بخشد و خود را آماده دیدار خدا کرده است، بداند که من فردا ره سپارم. (۵)

□ امام پس از شنیدن خبر شهادت حضرت مسلم علیه السلام در میان راه فرمود:

اکنون که خبر شهادت مسلم آمده است و مدعیان پیروی ما از ما دست کشیده اند، از شما هر کس می خواهد، برگردد؛ که بیعتی از ما بر او نیست. (۶)

۱- الفتوح، ج ۵، ص ۸۳.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۴.

۳- بصائر الدرجات، ص ۴۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.

۴- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

۵- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹.

۶- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۳.

ص: ۳۱۵

فرازی از خطبه امام در مقام فرصت سازی

... سوگند می دهم شما را؛ چون از اینجا رفتید، در دیار خودتان، گفتار مرا مطرح کنید و هر آن کس که از قبیله تان به او اطمینان دارید، از او دعوت به عمل آورید. (۱)

تحلیل چرایی و چگونگی فرصت سوزی در خطبه منا

شما (با توجه به جایگاه اجتماعی تان) از حقوق خداوندی کوتاهی کردید. از این رو، حق امامان را سبک شمرده و حقوق ضعیفان را تباه ساخته اید... مصیبت شما از همه مردم بزرگ تر است؛ زیرا در حفظ منزلت علما مغلوب شدید، در حالی که ای کاش برای آن تلاش می کردید... این منزلت از شما ربوده نشد مگر به واسطه جدایی شما از حق و اختلاف شما در سنت پیامبر با اینکه دلیل روشن بر آن داشتید، در حالی که اگر بر آزارها شکبیا بودید و در راه خدا صبر می کردید، زمام امور دین خدا به شما سپرده می شد. شما، ستمگران را به جای خود نشانید و امور دین خداوند را به آنها سپردید تا شبهه کنند و... (۲)

یک موقعیت، سه انتخاب

سیدالشهدا علیه السلام وقتی حرکت و قیام خود را شروع کرد، نظم زندگی مسلمانان را در جاهلیت جدید به هم ریخت. بسیاری ناراحت بودند که چرا امام این حرکت را انجام داده است. آنها نه تنها به یاری امام برخاستند، بلکه این مجال را فرصتی یافتند برای اظهارنظرهای کارشناسی و اظهار وعظ و نصیحت برای امام تا شاید او را از ادامه مسیرش منصرف کنند. در مقابل، عده زیادی که تا دیروز مدعی پیروی امام بودند و همیشه از امام در خواست قیام را داشتند، تا شرایط را خطرناک دیدند، به گوشه و کنار خزیدند و با فرصت سوزی تاریخی خود هم خود را گرفتار کردند و هم حق را غریب و تنها گذاشتند.

۱- الغدير، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲- تحف العقول، ص ۱۶۸.

ص: ۳۱۶

جمعی از فرصت‌طلبان هم که مدت‌ها بود در جست‌وجوی نردبانی برای جهش ناگهانی بودند، این تحولات و خون‌حسین را بهترین فرصت برای ایجاد تغییر در زندگی و جایگاه اجتماعی خود یافتند. در این آشفتنه بازار، محدود بودند آنها که این قیام را فرصتی تاریخی برای مصاف حق و باطل بینند. همین نگاه‌های فرصت‌طلبانه آشفته بود که به راحتی موجب راه‌رخداد عاشورا می‌گردد. این فرصت‌شناسی یا فرصت‌سوزی را از دو منظر می‌نگریم: یکی از منظر انسان‌های آزاد جامعه آن روز و دیگری از منظر بندگان و غلامان (که چیزی شبیه نظام کارمندی می‌تواند باشد).

موقعیت: قیام حسینی و فرصت‌های اجتماعی آن

وضعیت سفید: از فرصت‌سازی تا فرصت‌شناسی در مسیر حق‌یابوری

قیس بن مسهر صیداوی و فرصت‌سازی

او از شیعیان کوفی بود که پس از آغاز نامه‌نگاری در کوفه و رخداد‌های پس از آن، چند مرتبه مسافت طولانی ۱۴۰۰ کیلومتری بین کوفه و مکه را به عشق امام پیمود. سرانجام در مکه با امام ماند و همراه امام عازم عراق شد. در میانه راه، امام او را به عنوان قاصد دومین نامه‌اش به کوفه می‌فرستد، ولی او در حومه کوفه به دست نیروهای ابن زیاد به فرماندهی حصین بن نمیر دستگیر می‌شود. او به مجرد دستگیری به سرعت نامه را پاره‌پاره می‌کند و می‌خورد. چون او را پیش ابن زیاد می‌برند، به او می‌گویند: اگر بر منبر بروی و امام را و پدرش را لعن و ناسزا بگویی، نجات خواهی یافت. او با زرنگی این پیشنهاد را می‌پذیرد و بر فراز منبر می‌رود. در حالی که تمام مردم جمع شده‌اند، به سرعت، مضمون نامه را به کوفیان می‌گوید. آن‌گاه به لعن ابن زیاد و پدرش می‌پردازد. از این رو، سریع او را از منبر پایین می‌کشند و به شهادت می‌رسانند. (۱)

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۸.

ص: ۳۱۷

دلهم همسر زهیر و فرصت شناسی

زهیر در مسیر راه عراق از سفر امام به سوی عراق آگاه شده بود و تلاش داشت با امام روبه رو نشود. ناخواسته در یک جا با امام اتراق می کنند. پس امام، او را نزد خود فرا می خواند، ولی زهیر اعتنایی نمی کند. همسرش او را سرزنش می کند و می گوید: سبحان الله، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، تو را می طلبد و تو پاسخش نمی دهی؟ زهیر شرمگین می شود و به دیدار حضرت می رود. آن گاه که زهیر برمی گردد، به همسرش می گوید: اگر می خواهی من با حسین علیه السلام باشم، باید پذیری که تو را طلاق دهم تا محبت تو مانع همراهی من با امام نشود. با کمی درنگ و تأمل با شجاعت و شهامت، این پیشنهاد را می پذیرد به شرط آنکه زهیر هم شفاعت او را در سرای آخرت از یاد نبرد. (۱)

دیگر موارد

حکایت یزید بن ثبیط بصری و پیوستن او از بصره به امام به علاوه حکایت عبدالله بن عمیر کلبی و همسرش.

فرصت شناسی سفید یک غلام

جون یا حوی، غلام ابوذر بود. او در خانه ابوذر تازه با هویت انسانی خود آشنا شده بود که ابوذر به شهادت رسید. او که فهمیده بود تنها راه حق و حقیقت اهل بیت هستند، عاشقانه به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام و آن گاه امام مجتبی علیه السلام و سپس سیدالشهدا علیه السلام می آید و یک عمر خدمت آنان را می کند تا خود را در کربلا و روز عاشورا می بیند. در میان شهادت اصحاب، برای گرفتن اذن نبرد نزد امام می آید. امام اصرار می کند که از او راضی است و برود. او گریان می شود و نمی پذیرد و آن لحظه را بهترین فرصت زندگی خود و رمز جاودانگی و شهرت یک بردن گمنام و بی نام و نشان می داند. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۱.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲.

ص: ۳۱۸

وضعیت خاکستری: فرصت سوزی های پیاپی

(افرادی که با امام بودند یا امام را دیدن و شناختند، ولی تحمل یاری او را نداشتند و پا به فرار گذاشتند، کسانی همانند هرثمه بن اعین، ضحاک بت قیس مشرقی، طرماع بن عدی، عبیدالله بن حر جعفی.

(آنها که در کوفه بودند، همانند سلیمان بن سرد خزاعی و عبدالله بن وال تمیمی از سران توابین که برای امام، دعوت نامه می فرستادند تا به کوفه بیاید تا آنها یاری اش کنند، ولی چون امام ره سپار عراق شد، از ترس جان خود و اموالشان به کنج خانه ها خزیدند.

(حکایت آن دو مرد اسدی؛

(عبدالله بن سلیم اسدی و مذری بن مشمعل اسدی می گویند: حج خود را به سرعت انجام دادیم و راهی عراق شدیم تا به حسین بن علی برسیم و سرانجام او را ببینیم که چه خواهد شد. با شتران خود، شتابان در حرکت بودیم که از دور، کاروان امام را دیدیم، ولی دیدیم مردی هم از عراق به سوی ما می آید (در خلاف مسیر ما و کاروان امام). چون با کاروان امام روبه رو شده بود، مسیر خود را از جاده اصلی منحرف کرد تا مبادا با امام روبه رو شود. چون چنین دیدیم، ما هم مسیر خود را به طرف او منحرف کردیم تا ببینیم کیست و چه خبر از عراق دارد. با او که روبه رو شدیم، اسمش را پرسیدیم. بکیر بن متعبه اسدی بود. وقتی هم قبیله ای در آمدیم، از او از اخبار کوفه پرسیدیم. او گفت: روز آخری که در شهر بودم، دیدم که مسلم و هانی را کشته اند و پاهای آنها را گرفته اند و در بازار می کشند. چون چنین دیدم، از شهر کوفه پا به فرار نهادم.

آن دو می گویند: تا این خبر را شنیدیم، از او خداحافظی کردیم و در منزل بعد (تعلیه) به امام رسیدیم، به حضرت علیه السلام گفتیم که خبری مهم برای شما داریم. آشکارا گوئیم یا پنهان؟ امام فرمود: من از همراهانم چیزی پنهان نمی کنم. پس خبر شهادت حضرت مسلم علیه السلام را می گویند. حزن و اندوه بر لشکر امام و اهل بیت امام حاکم می شود. پس از آن، امام به همراهان خود، اجازه جدایی و رفتن را می دهد. بسیاری می روند. آن دو مرد اسدی هم می گویند ما هم چون چنین دیدیم، (نیامده) از حسین علیه السلام جدا شدیم و به راه خود رفتیم. (۱)

ص: ۳۱۹

فرصت سوزی خاکستری یک غلام

عقبه بن سمعان، غلام یکی از همسران سیدالشهدا علیه السلام بود. او به اقتضای اینکه غلام بود و جایی را نداشت، هنگام قیام و حرکت امام تا کربلا، همواره با امام و خاندانش بود، به گونه ای که در طول مسیر، در برخی منازل به گونه ای انباردار نامه های کوفیان نزد امام بود.

او روز عاشورا تا آخرین لحظه ها در لشکرگاه امام می ماند بدون اینکه جز خدمت گزارى کار یا همت دیگری از خود نشان دهد و بدون اینکه از خیمه ها بیرون بیاید. پس از اینکه امام به شهادت رسید و هجوم لشکر کوفه به سوی خیمه ها آغاز می گردد، با تعجب او را در میان خیمه ها می یابند و دستگیرش می کنند و قصد کشتن او را دارند، ولی او با معرفی خود و اینکه غلامی بیش نبوده است، به شفاعت برخی کوفیان از مرگ نجات می یابد و به کوفه می رود. (تنها حسن او در تاریخ این است که چون از مکه تا انتهای روز عاشورا با امام بوده، بعد ها راوی واقعه عاشورا می گردد).^(۱)

وضعیت سیاه: فرصت سازی برای باطل

محمد بن اشعث بن قیس کندی

او فرزند ارشد اشعث بن قیس، بزرگ منافقان زمان حکومت حضرت علی علیه السلام در کوفه بود و از اشراف کوفه شمرده می شد. در ۲۰ سال حکومت معاویه برای تقویت حکومت آنها در کوفه تلاش می کرد. پس از مرگ معاویه و ایجاد موج نامه نگاری در کوفه و پس از آن، با ورود حضرت مسلم به کوفه و بیعت گیری گسترده او که با سستی و ضعف نعمان بن بشیر، والی اموی کوفه همراه بود، او که نگران منافع خود و حکومت اموی بود، به همراهی عمر بن سعد و چند نفر دیگر نامه ای به یزید می نویسد. آنها ضمن ارائه گزارشی از کوفه، او را به شدت عمل در برابر کوفیان تشویق می کند و اثر نامه آنها مأموریت دادن یزید به ابن زیاد و اعزام او به کوفه بود. با آمدن ابن زیاد به کوفه بدون لشکر و سرباز خاصی، سریع به دیدارش می روند و ضمن حمایت از او به دستور وی پس از دریافت هدایا و رشوه های یزید، تبلیغات سیاه نمایی خود را درباره سپاه تخلی

ص: ۳۲۰

شام در شهر به راه می اندازند تا کوفیان اطراف مسلم را خالی کنند و پس از لو رفتن مخفیگاه حضرت مسلم در خانه طوعه، محمد بن اشعث با چند نفر از سربازان خود، مأمور درگیری و دستگیری او می شود که در نهایت، خود او با دادن امانی دروغین باعث دستگیری و شهادت حضرت مسلم می شود. سرانجام فرصت سازی های محمد برای ابن زیاد چنان می شود که برادرش، قیس بن اشعث را به کربلا به جنگ امام می فرستد و چون در صبح عاشورا، قیس به امام پیشنهاد مصالحه می دهد، امام پاسخ می دهد: «تو برادر برادرت، محمد بن اشعثی؟ آیا می خواهی بنی هاشم بیش از خون مسلم بن عقیل، طالبت باشند»^(۱).

دیگر موارد: عماره بن عقبه: از حزب اموی کوفه و فرزندان بنی امیه بود که ساکن کوفه شده بود. او همانند محمد بن اشعث از نامه نگاران به یزید بود. چون یزید، مأموریت کوفه را به ابن زیاد داد و او به کوفه آمد، اولین کاری که کرد، دخترش را به ازدواج ابن زیاد در آورد.^(۲)

در مورد غلامان: رستم، غلام شمر و سالم و یسار، غلام های زیاد و ابن زیاد بودند. هر سه اینها در کربلا بودند و برای خوش خدمتی به ارباب های خود به مصاف امام آمدند. دو نفر آخر به دست یاران امام کشته شدند.^(۳)

نتیجه و جمع بندی

بصیرت یکی از صفات برجسته انسان های موفق است که تسویف و تأخیر در برابر آن است. بصیر با شناسایی یا ایجاد فرصت ها، بهترین بهره وری از آنها را دارد و افراد سست عنصر با عقب انداختن و بهانه جویی فرصت سوزی می کنند. افراد گمراه به واسطه پستی در کمین فرصت ها هستند تا به خیال خود با موج سواری به منافع دنیوی برسند، البته همان گونه که سیدالشهدا علیه السلام به کوفیان فرمود: «هیچ کس با ترک یاری یا زیر پا گذاشتن حق نمی تواند به موفقیت و پیروزی دست یابد».

۱- انساب الاشراف، ج ۳، صص ۷۷ ۷۹؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۸.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۲.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۱.

ص: ۳۲۱

۹. حریم ها و حرمت ها**۹. حریم ها و حرمت ها**

مرز بندی یکی از لوازم محدود زندگی است؛ چرا که وقتی هستی محدود است، زندگی و عمر آدمی هم محدود است. در این صورت، سعادت و تعالی بدون حد و مرز و اندازه و راه و روشی به دست نخواهد آمد. دنیای محدود، آزمون گاه است و در آزمون گاه، مهم ترین رمز موفقیت، خودنگهداری در محدوده دستورالعمل هاست. پس راه موفقیت در زندگی، عمل و محدوده عمل است. از این رو، رکن اصلی شرایع آسمانی، شریعت است؛ یعنی مجموعه عمل هایی که در محدوده عمر دنیوی، راه را از بیراهه پیش روی آدمی می گذارد. اینک که شریعت به معنی تنها راه عمل به سوی اهداف بلند دنیوی و اخروی است، خود این اعمال به لحاظ پیوندی که با قانون گذار خود دارند، از نوعی تقدس و معنویت برخوردار می شوند. از این رو، به موازات نام شریعت، جمع آنها «شعائر» نامیده می شود که نوع مواجهه آدمی با آنها تأثیر فراوانی در سرنوشت آدمی دارد. مطالعه سرگذشت بسیاری از انسان ها گواه این مدعاست که وجود یک نقطه سفید یا یک لکه سیاه در پرونده افراد، زمینه ساز نقطه تحول یا قرار دادن آنها در پرتگاه سقوط بوده است. رعایت حریم شعائر و ارزش های دینی و حفظ حرمت های آنها یکی از مهم ترین درس های عاشورایی است. با این موقعیت آشنا می شویم.

در محضره سخن و سیره امام

□ از امام پرسیدند: «ادب چیست؟» فرمود: «این است که از خانه خود بیرون آیی و با هیچ کس برخورد نکنی، مگر آنکه او را برتر از خود بینی». (۱)

□ امام باقر علیه السلام: «امام حسین علیه السلام به احترام امام حسن علیه السلام در حضور او سخن نمی گفت و سخنرانی نمی کرد و هرگز جلوتر از او راه نمی رفت». (۲)

□ قسمتی از نامه امام به معاویه در دوران امامتش

«تو میثاق های محکم و مؤکد به حجر دادی تا تسلیم شود و چون چنین کردی، به واسطه گستاخی و جرثمی که به خداوند و ناچیز شمردن پیمان های خداوند داری، او و

۱- دیوان الامام الحسین ۷، ص ۹۹.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

ص: ۳۲۲

یارانش را ستمگرانه و تجاوزگرانه کشتی و آیا تو نبودی که برای اولین مرتبه در اسلام، زیاد بن ابیه زنازاده را فرزند ابوسفیان بر شمردی با آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله حکم فرمود: فرزند از آن شوهر و برای زناکار، سنگسار است» (۱).

□ «از خطبه های امام در منا برای صحابه تابعین: «شما کسی را که به وسیله خدا شناخته می شود (امام)، گرامی نمی دارید».

□ «با اینکه خود به خاطر خدا در میان مردم احترام دارید، شما می بینید که پیمان های خدا شکسته می شود، ولی نگران نمی شوید. با اینکه برای نقض پیمان از پدران خود به هراس می افتید، می بینید که پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله خوار و ناچیز شده و... درخور مسئولیت خود انجام وظیفه نمی کنید» (۲).

□ امام خطاب به ولید، والی مدینه در آستانه قیام: «آیا من با یزید بیعت کنم با اینکه او مردی فاسق است که آشکارا گناه می کند و... پس مثل من با مثل او بیعت نخواهد کرد...» (۳).

□ از نامه امام به بصره: «همانا سنت خداوند را از بین برده و بدعت را احیا کرده اند» (۴).

□ امام در خطبه هایش در کربلا در میان کوفیان: «شما حرمت های خداوند را هتک کردید و به واسطه آن، بهره شما از دنیا کوتاه خواهد بود. به زودی، ذلتی فراگیر شامل حال شما خواهد شد».

سیره امام: «به خدا سوگند، اگر خارج از مکه (حرم) حتی به یک وجب کشته شوم، برایم بهتر است از اینکه داخل حرم کشته شوم (تا مبادا حرمت حرم شکسته شود)» (۵).

یک موقعیت، سه انتخاب

پیامبر در آستانه رحلتش، دو یادگار مهم از خود به جای گذاشت؛ کتاب خداوند و عترت خود. از مسلمانان نیز خواست که حرمت آنها را پاس دارند. پس از پیامبر و

۱- الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲- تحف العقول، ص ۱۶۸.

۳- الفتوح، ج ۵، ص ۱۴.

۴- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

۵- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۵.

ص: ۳۲۳

غضب خلافت، یک سلسله برنامه هایی ۵۰ ساله انجام شد که به موازات آن، دو اصل مهم در جهان اسلام نهادینه گشت. آنها عبارت بودند از حرمت شکنی اهل بیت و بدعت گذاری فراوان در شریعت اسلامی. آن گاه نظریه ای را در جامعه اسلامی رواج دادند به نام مرجئه گری که نتیجه آن، اباحه گری نسبت به شریعت بود. چکیده آن نیز این بود که برای مسلمانی، رفتار و عمل شرط نیست و اقرار زبانی به تنهایی کفایت می کند. نتیجه این وضعیت، ایجاد جامعه ای بود که کمترین حساسیت را به حرمت ها و شعایر داشت، امر به معروف و نهی از منکر در آن به حاشیه رانده شده بود و بی اعتنایی و ولنگاری در آن فرهنگ شده بود.

از این رو، اگر قیام سیدالشهدا علیه السلام نمی بود و برنامه های امویان همچنان استمرار می یافت، چندی نمی گذشت که دیگر حتی از اسلام نامی نمی ماند از همین روست که قیام سیدالشهدا علیه السلام، ضامن حفظ اصل اسلام و زمینه ساز بازگشت روح تعالیم و اخلاق اسلامی در سال های بعد بود.

البته از مهم ترین مصایب سیدالشهدا علیه السلام در طول قیام خود در آن زمانه منحنط، تحمل سخت ترین اهانت ها و جسارت ها بود که ناشی از همان ولنگاری رواج یافته از سوی امویان بود.

موقعیت: حریم حرمت ها و جایگاه آن در جامعه آن زمان

وضعیت سفید: حرمت داری و سرانجام نیک آن

حُر بن یزید ریاحی

حرمت داری حُرّ چنان مشهور است که تنها همین عامل سبب عاقبت به خیری او شمرده شده است.

حرمت داری او تنها در حفظ حرمت مقام حضرت زهرا علیها السلام مشهور شده است، در حالی که منحصر به آن نیست و موارد دیگری هم دارد که عبارتند از اینکه:

۱. حُرّ پس از آنکه با امام همراه شد و موقع نماز فرا رسید، امام به حجاج بن مسروق دستور داد اذان بگوید. پس از اتمام اذان، امام به حُرّ فرمود: آیا مایل هستی هر گروه برای خود نماز جماعت به پا دارد؟ حُرّ پاسخ داد: نه، بلکه ما در جماعت شما شرکت می کنیم. پس او در مدت ۳۲ روزی که با امام بود، خود و سربازانش را مکلف می کند در نماز

ص: ۳۲۴

جماعت امام شرکت کنند و پس از آن به خطبه های امام گوش فرا دهند که بیشتر درباره نامه های کوفیان است، ولی هیچ گاه جواب تند و بی ادبانه نمی دهد. (۱)

۲. در مدت همراهی، یک مرتبه، چهار نفر از شیعیان از کوفه قصد پیوستن به امام را دارند، ولی حر مانع می شود که نباید نیروی جدیدی به شما بپیوندد. امام با استدلال به اینکه هر کس دلش با ما باشد، مثل این است که از اول با ما بوده است، اصرار به پیوستن آنها را دارد. حر چون اصرار امام را می بیند، مقاومت بیشتری نمی کند و کوتاه می آید.

دیگر موارد

ادب نگه داری یاران امام در تمام برنامه های خود که حتی برای وعظ و سخنرانی برابر کوفیان از امام اذن و اجازه می گرفتند و با درک مقام و عظمت امام در مقام اطاعت و ادب بودند.

رفتار همسر زهیر در سرزنش کردن زهیر که چرا حرمت دعوت فرزند پیامبر را پاسخ نمی دهد و حرمت داری زهیر و عاقبت به خیری او.

وضعیت خاکستری: بی اعتنایی و بی توجهی به حریم حرمت امام

مواردی همانند

مرد کوفی که حامل خیر شهادت حضرت مسلم علیه السلام از کوفه بود، چون کاروان امام را از دور دید، راه خود را کج کرد تا مبدا با امام روبه رو شود. (۲)

عبدالله حر جعفری و بی اعتنایی به دعوت امام از او، به گونه ای که حتی وقتی امام به سوی او می رود، استقبال چندانی از امام نمی کند و با پاسخ های سرد و غیرمنطقی خود با امام روبه رو می شود. (۳)

آنهايي که در حجاز و در مکه، در آستانه حج، نه تنها سرگرم اعمال حج خود بودند، بلکه قصد داشتند به اسم موعظه و نصیحت یا اظهار نظر کارشناسی، امام را از ره سپار

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۲.

۳- الفتوح، ج ۵، ص ۸۳.

ص: ۳۲۵

شدنش به سوی عراق باز دارند، کسانی مثل عمره دختر عبدالرحمن (که ادعای دانش داشت و از شاگردان عایشه بود) در مکه به امام نامه نوشت و ضمن توصیه کردن امام به همراهی با جماعت و اطاعت، نوشت که از عایشه شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بود: «حسین به سرزمین بابل کشته خواهد شد. (پس بترس که این حادثه همان باشد)».^(۱)

وضعیت سیاه: نهایت اهانت و جرئت و جسارت در برابر حق و حقیقت

امام در طول قیام با انبوه جسارت ها و حرمت شکنی های متنوع و متعدد دشمنانش مواجه بود، مواردی همانند:

جسارت و اهانت مروان بن حکم با ایشان در مدینه در آغاز نهضت؛

آنها که در مکه همانند عمرو بن سعید والی مکه و ابن عمر به امام نسبت پیمان شکنی و تفرقه زایی می دادند و او را به پیروی از جماعت و بیعت دعوت می کردند.

عمر بن سعد در مذاکره خصوصی خود با امام چون در مقابل پیشنهاد های امام بهانه جویی می کرد و امام آینده اش را پیش بینی کرد، به هجو و تمسخر امام پرداخت. وی در عصر تاسوعا اصلاً نمی خواست یک شب به امام مهلت بدهد تا اینکه اصرار فرماندهانش، او را مجبور به پذیرش کرد.

شمر پس از ورود به کربلا هرگاه امام قصه خطبه خوانی داشت یا به امام نزدیک می شد، سعی می کرد با هتاکی های خود، امام را آزرده کند.

ماجرای بسته شدن آب و مواردی متعدد از بی ادبی کوفیان به امام؛

حکایت عبدالله بن ارجوزه

مسروق بن وائل می گوید: من از اولین افرادی بودم که به کربلا آمده بودم تا با دست یابی به سر حسین بن علی علیه السلام، جایزه ویژه آن را مال خود کنم. صبح عاشورا ماجرای رخ داد که باعث فرار من از کربلا شد. همان صبح موقع رویارویی دو لشکر، مردی از لشکر کوفه به نام عبدالله ارجوزه روبه روی حسین رفت و چند بار امام را صدا زد. امام پاسخ داد که چه می خواهی؟ او گفت: مژده باد تو را به آتش، امام

۱- ابن سعد، الامام الحسين، ۷، ص ۵۸.

ص: ۳۲۶

فرمود: بلکه من بر پروردگار مهربان و شفیع که فرمانش می‌برند وارد می‌شوم. آن گاه از یارانش پرسید: او کیست؟ گفتند: این ارجوزه است. فرمود: بار الها، او را به آتش در افکن.

مسروق می‌گوید: پس ناگهان دیدم اسب او رم کرد و او از اسب خود واژگون شد و پایش در رکاب اسب گیر کرد و او از اسب آویزان شد، به گونه‌ای که سرش به زمین می‌گرفت. پس در حال گریختن اسب، سرش به هر سنگ و بوته‌ای کوفته شد تا به هلاکت رسید. چون این را دیدم، از ترس و وحشت پا به فرار گذاشتم. (۱)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

یکی از فزاینده‌های زیارت‌های اهل بیت، اعتراف و گواهی دادن به حرمت و پاسداری حرمت مزارها و مقام‌های اهل بیت پس از شهادت آنها همانند حرمت داری به هنگام زنده بودن آنهاست. از همین باب حکم فقهی لمس نام معصومین با وضو یا بدون وضو است. این همه حاکی از آن است که بین رعایت شعایر و حرمت داری و تقوای قلبی، رابطه‌ای عمیق است و در حقیقت، تجلی تقوا به تصریح آیه قرآن، حفظ شعایر و حرمت هاست. باشد که در رابطه‌ای دو سویه، همه به تقوا به حرمت داری برسیم و با حرمت داری به تعمیق تقوا و کسب توفیقات خود بیفزاییم.

۱۰. ابعاد و مراتب حق یاوری

۱۰. ابعاد و مراتب حق یاوری

ظرفیت‌ها و استعدادهای انسانی متفاوت است. از این رو، اگر چه اصول تعالیم اسلامی یکسان است، به فراخور تنوع استعدادها، فضای باز و متغیری در احکام دینی تعبیه شده است تا به کسی ظلم و اجحاف نشده باشد، مواردی همانند زمان فراخ و اجبات نظیر نماز ظهر و عصر از زوال ظهر تا غروب آفتاب یا تنوع و گستردگی مستحبات مطابق ذوق‌های گوناگون، گویای این حقیقت در دین اسلام هستند که در مقام جامعیت

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۲.

ص: ۳۲۷

و کاملیت خود، از تنوع استعدادها غفلت نکرده است. از این رو، در سه مرتبه (شناخت، محبت و ایمان، عمل) هر انسانی می تواند به فراخور استعدادش در کنار تلاش به هر مرتبه از مراتب تعالی دست یابد. در اینجا است که اختلاف درجه یا رتبه سلمان یا ابوذر و عمار معنا پیدا می کند و تفسیر می یابد. البته این تنوع استعداد، دو نتیجه می تواند داشته باشد. اگر این تنوع استعداد با تنوع درجه تلاش همراه شود، تنوع و تفاوت درجات ایمان و تقوا را به همراه دارد. نمونه آن همان تفاوت مرتبه و درجه ایمان سلمان و ابوذر است.

این تنوع استعداد می تواند با تنوع الگوی تلاش همراه باشد، ولی درجه تلاش یکسان باشد، در این صورت، ممکن است راه های وصول به درجه متعدد باشد، ولی مرتبه و درجه یکسان باشد؛ چیزی که درباره بیشتر اصحاب غیربنی هاشمی سیدالشهدا علیه السلام صدق می کند و باعث ایجاد این وضعیت می گردد.

در محضر سخن و سیره امام

□ «هان ای مردم، در اخلاق شایسته و والا با هم رقابت کنید و در سود های معنوی و بهشتی از هم پیشی گیرید». (۱)

□ از خطبه های امام موقع خروج از مکه: «هر کس خون خویش را در راه ما می بخشد و خود را آماده دیدار خدا کرده است با ما ره سپار شود». (۲)

□ فراز پایانی خطبه امام در منا یک سال قبل از مرگ معاویه:

و شما اگر ما را یاری نرسانید و در خدمت ما نباشید، ستمگران بر شما نیرومند می شوند و در خاموش کردن نور پیامبر شما می کوشند. (۳)

□ بخش پایانی نامه دوم امام به کوفیان که از میان راه به دست قیس بن مسهر فرستاد:

هرگاه فرستاده من به کوفه رسید، در کارهایتان هر چه بیشتر شتاب و تلاش کنید که اگر خدا بخواهد، در همین روزها بر شما وارد می شوم. (۴)

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹.

۳- تحف العقول، ص ۱۶۹.

۴- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۱.

ص: ۳۲۸

□ در منزلی از کربلا- که خر، سپاه امام را همراهی می کرد، ناگهان ۴ نفر از کوفه به قصد پیوستن به سوی امام آمدند. حر قصد ممانعت داشت، ولی امام فرمود: «اینان یاران من هستند و به منزله کسانی هستند که با من از مکه آمده اند».(۱)

□ در زمان معاویه که همه به طمع درهم ها و دینارهایش راهی شام بودند، جمعی نزد امام به مدینه رفتند و گفتند ما به خاطر دینمان نزد شما آمده ایم. امام پس از لحظه ای مکث فرمود: «هر کس ما را دوست بدارد، نه به سبب خویشاوندی و نه به سبب احسانی که به او کرده ایم و تنها برای خدا و پیامبرانش، ما را دوست دارد، در روز قیامت با ما خواهد بود».(۲)

□ سخن امام درباره یارانش در شب عاشورا: «اما بعد، من یارانی باوفاتر و بهتر از یاران خود و خاندانی نیکوکار تر و باوفاتر و فرمان بردارتر و به صله رحم پای بندتر از خاندان خود سراغ ندارم. خداوند به همه شما پاداش نیک دهد».(۳)

یک موقعیت، سه انتخاب

در سال ۶۰ ه. ق موقعی که سیدالشهدا علیه السلام با درخواست بیعت با یزید در مدینه قصد خروج از شهر را به سوی مکه داشت، تنها بنی هاشم، تعدادی اندک (۴ نفر) از صحابه و چند غلامش همراه او بودند و یار و یاور چندانی نداشت تا اینکه امام به مکه مهاجرت می کند و چهار ماه و ده روز ساکن مکه است. در این زمان، شیعیان خالص و ثابت قدم او به یاری او برمی خیزند. البته هر کس بر حسب میزان استعداد و توان مندی و ظرفیت های خود، شناختی که از جامعه اش دارد و به میزان اثربخشی و قدرت نفوذش در جامعه به اقدام و عمل دست می زند. به این گونه است که مراتب گوناگون حق یآوری شکل می گیرد که با ۳ مرتبه از آن در قالب ۳ تیپ شخصیتی آشنا می شویم:

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۷.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۵.

ص: ۳۲۹

موقعیت: ابعاد حق یآوری به میزان استعداد فردی و نفوذ اجتماعی

وضعیت سفید: حق یآوری در مرحله توان مندی فردی محدود

مرتبۀ اول

انس بن حارث اسدی: او از صحابه کهن سال بود که از پیامبر و آن گاه از حضرت علی علیه السلام شنیده بود «به زودی روزی خواهد رسید که فرزندم، حسین علیه السلام قیام خواهد کرد و در عراق به شهادت خواهد رسید».

همچنین او در رکاب حضرت علی علیه السلام هنگام نبرد صفین که لشکر کوفه از مسیر کربلا می گذشت، دیده بود حضرت در کربلا به حزن و ماتم نشسته است. سال ها گذشت تا در سال ۶۰ ه. ق، امام حسین علیه السلام در آغازین مرحله قیام از مدینه به مکه هجرت کرد. او می دانست این همان قیام موعود است. پس قصد یاری امام کرد، ولی در کوفه بود با سنی بالا که نه حوصله و توان فعالیتی چون حبیب بن مظاهر را داشت و نه امیدی به کوفیان داشت و نه مثل بریر بن خضیر یا قیس بن مسهر توان پیمودن ۱۴۰۰ کیلومتر از کوفه به مکه را داشت. از آن سو هم می ترسید اگر در کوفه بماند، شاید هنگام خطرناک شدن اوضاع، زمین گیر شود. پس با کمی اندیشه به راه حل جالبی رسید. او بار سفر بست و راهی کربلا شد و در بیابان خشک کربلا به انتظار حسین بن علی علیه السلام نشست.

یادآوری

حکایت انتظار یکی از یاران امام در کربلا تنها در دو متن معتبر اهل سنت به نام طبقات ابن سعد و تاریخ ابن عساکر آمده است که راوی آن، پدر و پسری چوپان از عشایر بنی اسد در اطراف سرزمین کربلا هستند. آنها می بینند مدتی قبل از ورود امام به کربلا، پیرمردی ساکن کربلا شده است. چون از علت سکونتش می پرسند، می گوید در آنجا به انتظار حسین نشسته است که به فرموده پیامبر در اینجا شهید خواهد شد. (۱)

از آنجا که تعداد شهدای کربلا محدود و مشخص است و در روایات بالا تصریح شده است که آن پیرمرد، صحابی و اسدی بوده است، این خصوصیات با شهدای کربلا تنها با انس بن کاهل اسدی مطابقت دارد. طبق منابع شیعی، او در کنار حبیب بن مظاهر، تنها صحابی شهید و کهن سال ترین فرد کربلاست.

۱- تاریخ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۱۱.

ص: ۳۳۰

طبق گزارش کتاب اسدالغابه از متون اهل سنت و برخی متون شیعی، او راوی حدیث نبوی پیش گویی شهادت سیدالشهدا در عراق هم است (و هم از راویان حدیث غدیر در کوفه).^(۱)

از این رو، از ترکیب این چندین روایت و گزارش تاریخی می توان به داستان ترکیبی بالا دست یافت.

مرتب دوم: حق یآوری فردی با تلاش بیشتر

بریر خضیر همدانی: او از مردم کوفه و از قبیله شیعی همدان بود. در زمانی که معاویه طرح استحاله فرهنگی قبایل شیعی کوفه را به اجرا گذاشته بود که ثمره اش، گمراهی بسیاری از جوانان قبیله همدان بود، او در نقش معلم قرآن بخشی از قبیله خود تلاش کرد معارف اهل بیت و احادیث آنها را در محدوده توان خود زنده نگه دارد و شاگردانش را بر دین علی علیه السلام تربیت کند.^(۲)

با هجرت امام از مدینه به مکه، او که همانند انس، امیدی به کوفه و کوفیان نداشت، صلاح ندید خود را معطل کوفیان کند یا در کوفه به انتظار امام بنشیند. از این رو، تصمیمی مهم و سخت گرفت. او با به جان خریدن رنج سفری به مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر، در بیابان های داغ عراق و حجاز، سرانجام، خود را به مکه و رکاب امام می رساند و سعی می کند همیشه نیروی آماده به خدمت در محضر امام باشد. از آن پس، با دستور امام یا کسب اجازه از آن حضرت، یکی از سخنرانان و موعظه گران لشکر کوفه است یا در شب عاشورا به شوخ ترین افراد در کاروان اصحاب امام تبدیل می شود.^(۳)

وضعیت سفید: حق یآوری گروهی و ایجاد موج اجتماعی

مرتب اول

یزید بن ثیب بصری: سیدالشهدا علیه السلام از مکه به رؤسای ۵ گانه قبیله شهر بصره نامه ای می نویسد تا آنها مردم را به یاری امام فرا خوانند، ولی آنها یا به ابن زیاد می پیوندند یا

۱- اسدالغابه، ج ۱، ص ۱۲۳؛ الاصابه، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۲.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۲.

ص: ۳۳۱

ضعیف عمل می کنند، ولی به هر حال خبرنامه در شهر می پیچد.

شیعیان که در خانه زنی به نام ماریه جمع می شدند، چون خبرنامه را می شنوند درباره آن به چاره جویی می پردازند. و هر کس سخنی می گوید و ادعایی می کند، ولی در میان آنها تنها شخصی به نام یزید ثبیط عبدی بصری است که جمع حاضر را از تعلل یا به انتظار رؤسای شهر نشستن باز می دارد و می گوید هم اینک عازم پیوستن به امام هستم. چه کسی مرا همراهی می کند؟ پس دو پسر از چند پسرش به نام عبدالله و عبیدالله و دو تن از دوستانش به او لبیک می گویند. او همراه آنها به سرعت و مخفیانه از بصره به سوی مکه راه می افتد. چون به آنجا می رسد، در حومه شهر در منطقه ابطح اتراق می کند و چادر می زند و آن گاه برای دیدار امام راهی منزل ایشان می شود، ولی به او می گویند امام در منزل نیست و به ابطح برای دیدن یزید و یارانانش رفته است. او با شگفتی به چادر خود باز می گردد و امام را به انتظار خود می بیند. (۱)

مرتبۀ دوم

حبيب بن مظاهر اسدی: با رسیدن خبر هجرت اعتراض آمیز سیدالشهدا علیه السلام به کوفه، حبيب متوجه آغاز قیام تاریخی و موعود امام می گردد. او می داند به واسطه ۲۰ سال تلاش های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معاویه، جامعه کاملاً دگرگون شده است، ولی تنها شهری که هنوز رگه هایی از علاقه مندی و تشیع به امام در آن است، همین گونه است و به هیچ جای دیگر امیدی نیست.

او از همان اولین لحظه های رسیدن خبر هجرت امام، نهایت فعالیت های خود را در زمینه امام یآوری آغاز می کند که به شرح زیر است:

(تلاش برای ایجاد نهضت نامه نگاری در میان شیعیان شهر؛

(استقبال از حضرت مسلم علیه السلام و بیعت کردن با ایشان و بیعت گیری از کوفیان برای ایشان؛

(همکاری در قیام حضرت مسلم علیه السلام ؛

ص: ۳۳۲

(پنهان شدن پس از شکست قیام و فرستادن بازمانده شیعیان خالص به کربلا؛

(پیوستن به امام به عنوان آخرین نفر در آخرین روز (۶ محرم) قبل از محاصره شدن امام در کربلا؛

(تلاش برای جمع آوری نیرو از عشایر بنی اسد حاضر در منطقه کربلا؛

(فرماندهی جناح چپ لشکر امام.

دیگر موارد

پیک های نامه های امام که با خطرپذیری بالا، دستور امام را انجام دادند، یعنی سلیمان، قاصد امام به بصره و قیس بن مسهر، قاصد حضرت به کوفه.

یاران امام که به شگردهای گوناگون از کوفه که دچار حکومت نظامی و در محاصره کامل بود، خود را به کربلا رساندند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در زیارت های شهدا برای زائر نسبت به اصحاب شهید امام، دو مقام وجود دارد. اول، مقام اقرار به مرتبه والای آنها که اصحاب از پیامبر تا سیدالشهدا شمرده می شوند، به این معنی که صحابه راستین پیامبر و یاران حضرت علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام در حقیقت، این بزرگواران هستند و این نیست مگر همان ویژگی که امام به آن تصریح دارند و آن، وفاداری خالصانه و در نهایت مرتبه خود است.

مقام دوم، آرزومندی برای رسیدن به مرتبه و درجه همراهی آنهاست. این یعنی تلاش برای همانندی با شهدای کربلا و این آرزو محقق نمی شود مگر با شناخت استعداد های فردی و توان مندی های اجتماعی و مصروف کردن آن در مسیر نیازها و خواسته های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

۱۱. زنان (و همسران)

۱۱. زنان (و همسران)

یکی از رسالت های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، احیای کرامت و منزلت زنان بود. بر این اساس، پذیرش تفاوت های جسمی، تفاوت های احکام وضعی و تکلیفی را به دنبال دارد، اما این به معنی تبدیل شدن زن به انسانی درجه دو و یا بدون کنش و واکنش اجتماعی

ص: ۳۳۳

نیست. از این رو، زنان در جامعه نبوی مستقلانه ایمان می آورند، با رعایت حدود و ضوابط در فعالیت های اجتماعی مشارکت می کنند و حتی امور درمانی در نبردها به عهده آنها قرار داده می شود.

در این میان، نقش و جایگاه زن به عنوان نقطه کانونی نهاد خانواده هیچ گاه فراموش نشده، بلکه بر آن تاکید ویژه می شود تا زنان در مقام همسری و آن گاه مادری به ایفای نقش مکمل در کنار مردان پردازند یا به عنوان معلمان اصلی نسل های بعد متوجه رسالت ویژه خود باشند.

از این منظر، ممکن است زن نتواند در بسیاری از صحنه های اجتماعی حضور مستقیم یا فعال داشته باشد، ولی نوع مدیریت احساس و عواطف خودش و نوع روابطش با مردانی که با او مرتبط هستند و مدیریت آنها، تأثیری بسزا در سرنوشت جامعه دارد و هم زن را در آشوب یا عقاب کنش و واکنش های مردانه سهیم می کند.

در محضر سخن و سیره امام

□ امام هنگام رویارویی با حر در منزل بیضه پس از اقامه نماز، خطبه ای مهم و تاریخی دارد که به مواردی مهم و موجز اشاره می کند. از جمله می فرماید: «نفسی مع انفسکم و اهلی مع اهلیکم فلکم فی اسوه؛ من آمده تا در کنار شما و با شما باشم و خاندان را آورده ام (تا در سرد و گرم رویدادها) با خانواده اهل و عیال شما باشند. پس از من الگو و سرمشق بگیرید» (۱).

□ سیره امام در پذیرش یارانی که با همسرانشان به امام می پیوستند و همراه کردن آن زنان با بانوان بنی هاشم.

□ سیره امام در مدیریت خاندانش به گونه ای که تا زنده بود، هم وظایف مردان و زنان مشخص بود و هیچ گاه زنان بی دلیل یا به بهانه ای، در میان مردان یا در رویدادها دیده نمی شوند و هم مأموریت و نوع مأموریت مشخصی به عهده آنان گذاشته می شود که از زمان مشخصی هم شروع می گردد.

□ امام هنگام خروج از مدینه، وصایای خود را به ام سلمه، همسر پیامبر سپرد تا پس از بازگشت کاروان به مدینه به بزرگترین فرزندان او باز گرداند. (۲)

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲- طوسی، الغیبه، ص ۱۱۸.

ص: ۳۳۴

یک موقعیت، سه انتخاب

در جامعه اسلامی اموی زده که ارزش های جامعه دوباره احیا شده بود، زنان از سویی دوباره به شخصیت های درجه دو اجتماعی تبدیل شده بودند و کم ترین حضور یا تأثیری را در جامعه داشتند. از سویی دیگر، بر زمینه های شهوانی یا ابتذال آنها تبلیغ می شد، همانند ترویج کنیزهای مغنیه در جهان اسلام به ویژه در حجاز یا بازگشت فساد اخلاقی در میان برخی زنان که فرزندان نامشروع آنها پرچمدار حادثه کربلا بودند. همچنین برای ترویج روحیه دنیازدگی و تجمل گرایی در جامعه و خانواده ها از روحيات آنها سوءاستفاده می شد، به گونه ای که برای تبدیل شهرهای مذهبی مدینه و کوفه به شهرهای خنثی و ساکن و بی اعتنا، نظام خانوادگی و زنان خانه دار به سویی جهت دهی می شد که همراه مردان و جوانان برای کسب بیشتر درآمد دنیوی آن هم از هر راهی و به هر قیمتی می کوشیدند. و همین عامل باعث زمین گیر شدن بسیاری از مردان کوفی در طول قیام سیدالشهدا شد، به گونه ای که خانواده های بی اعتنای مدینه و خانواده های دنیازده کوفه که از خطرپذیری و اهمه داشتند، مهم ترین عامل در غربت و تنهایی سیدالشهدا در طول قیامش بودند. در یک نگاه کلی، به حاشیه رفتن گسترده زنان از کنش و واکنش های اجتماعی و مشغول شدن آنها به زندگی دنیازده نقش مهمی در پیدایش حادثه عاشورا داشت.

موقعیت: زنان جامعه اسلامی در آستانه قیام و بازتاب فعالیت اجتماعی آنها

وضعیت سفید: زنی که در شرایط دشوار برای مردان نقشی فعال به عهده می گیرد.

الف همسر عبدالله بن عمیر کلبی

او که نامش هانیه بود، وقتی متوجه شد همسرش قصد رفتن به کربلا را دارد، با اینکه دیده بود چگونه زنان و مادران کوفی مانع پیوستن مردانشان به حضرت مسلم علیه السلام یا سیدالشهدا علیه السلام شده اند، نه تنها اصلاً مانع او نشد، بلکه ضمن تشویق او تلاش کرد خودش هم همراهش گردد. آن دو نفر با تحمل سختی راه در محاصره، سرانجام خود را از کوفه به کربلا می رسانند و در روز عاشورا هنگام اوج گیری نبرد وقتی که همسرش، عبدالله با سپاه کوفه درگیر می شود و به شهادت می رسد، برای یاری او به میدان می رود. این زن به دست غلام شمر (به نام رستم) به شهادت می رسد و به این گونه او تنها شهیده کربلاست.

ص: ۳۳۵

ب: ماریه سعديه

او زنی دارای موقعیت اجتماعی در شهر بصره بود. زمانی که ابن زیاد، والی شهر است که پس از پدرش، زیاد در شهر با خشونت و خفقان حکومت می کند و هیچ مردی را امکان ادعا و اعلان تشیع نیست، او خانه اش را مرکز تجمع نیمه مخفیانه شیعیان شهر قرار می دهد.

در زمانی که سیدالشهدا علیه السلام پس از هجرت به مکه به رؤسای بصره نامه یاری طلبی می فرستد، بازتاب آن نامه تنها در این خانه است که موجی کوچک ایجاد می کند. همین موج سبب می شود و یزید بن ثبیط بصری و چند نفر دیگر را از راه بصره برای یاری امام راهی مکه شوند. (۱)

دیگر موارد

دلهم، همسر زهیر در شرایط سخت به یاری همسرش می آید و ضمن تشویق او برای حسینی شدن، حتی با پذیرش طلاق خود سعی می کند موانع پیوستن همسرش را به امام از بین ببرد.

همسر یا کنیز مسلم بن عوسجه که همراه او راهی کربلا شد.

وضعیت خاکستری: زانی که عامل بی اعتنایی و گوشه گیری مردانشان در طول قیام امام بودند

زنان مدینه و سکوت آنها به همراهی مردانشان، به ویژه سکوت آنها هنگام مشاهده خروج کاروان اهل بیت همراه زن ها و بچه ها و همراهی نکردن یا همدردی نکردن یا انجام وداع و خداحافظی با آنها.

عمره دختر عبدالرحمان و شاگرد عایشه تلاش می کند با موعظه و اظهارنظر کارشناسی خود مانع حرکت امام از مکه به سوی عراق شود. (۲)

زنان کوفی که بعد ها همسرانشان جزو توابین شدند، برای همراه داشتن چند روز بیشتر همسران یا فرزندانانشان تلاش کردند از همراهی و پیوستن آنها به قیام خودداری

۱- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲- ابن سعد، ص ۸۵.

ص: ۳۳۶

کنند یا در مقابل پنهان شدن آنها سکوت و همراهی نشان دهند. بعد ها شاهد برخی حرکت های انقلابی آنها هستیم، مانند حرکت دسته جمعی زنان همدان در مسجد کوفه پس از مرگ یزید و ایجاد خلأ قدرت در کوفه. وقتی برخی اشراف، عمر سعد را نامزد امارت کوفه کردند، زنان اشراف با انجام سوگواری جمعی در مسجد کوفه و اظهار انزجار خود از عمر سعد مانع انجام چنین تصمیمی شدند. (۱)

وضعیت سیاه: زنانی که در فجایع کربلا سهیم بودند

(دختر عماره بنت عقبه پس از ورود ابن زیاد به کوفه با پیشنهاد پدرش، همسر ابن زیاد شد و در تمام مدت رخداد جنایات کربلا و پس از آن، تا مدتی که ابن زیاد در کوفه بود، همدم و مونس او بود.

(همسر خولی وقتی همسرش سر امام را به کوفه می آورد، از همسرش استقبال می کند. (۲)

(زنان بدکاره ای که مادران جانین کربلا بودند کسانی همانند:

مادر ابن زیاد،

مادر شمر و قاتلان بنی هاشم،

مادر عمر سعد،

مادر ۱۰ نفر از اسب تازان بر پیکر مطهر امام.

نتیجه گیری و جمع بندی

سیدالشهدا علیه السلام با همراه کردن تمامی خاندان خود در جامعه آلوده و مرده اموی در تلاش بود تا دوباره به باز کاوی نقش زن مسلمان و خانواده پردازد و تعریف درست نوع جایگاه و نوع حضور اجتماعی آن را احیا کند. این رسالت را حضرت زینب علیها السلام در امتداد قیام عاشورا به بهترین وجه ایفا کرد و روشی را پایه گذاشت که بعد ها الگوی زنان اهل بیت از حضرت معصومه علیها السلام و حضرت حکیمه خاتون علیها السلام تا تمام زنان و دختران متعهد مسلمان گشت. امتداد آن، بازتاب حضور و مأموریت ۵۰ زن در جزو یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- مروج الذهب، ج ۳، ص ۹۳.

۲- تاریخ طبری، ص ۳.

ص: ۳۳۷

۱۲. فرهنگ سازی یا عبرت روزگار شدن**۱۲. فرهنگ سازی یا عبرت روزگار شدن**

پس از رخ دادن حوادث مهم و سخت، بازتاب های اجتماعی آن ناامیدکننده و ناگوار است؛ چون جامعه ای که در آن، مصیبتی بزرگ رخ داده است، به ویژه اگر بخش عمده ای از مردم در آن به گونه ای سهیم باشند، اگر جامعه دینی و رشدیافته نباشد، به سرعت، موج نومیدی و حقارت در آن ایجاد می شود و موجی از دل بستن به نوعی فضا های انحرافی از رهبانیت و عرفان های انحرافی مایه تسکین و دلگرمی مردم می گردد. البته عده ای هم که تحمل این سکون و روزمره گی را ندارند، ناگهان به فریاد و اعتراض و شورش بی هدفی رو می آورند و دوباره به گونه ای دیگر هم خود را گرفتار می کنند و هم باعث به هم ریختگی و نابودی بیشتر جامعه ضربه خورده می شوند.

بر اساس تعالیم دینی و سیره اهل بیت، بهترین راه برای درمان جامعه آسیب دیده و بحران زده که دچار نوعی احساس حقارت و سرخوردگی شده است، بازیابی و بازسازی فرهنگی و علمی و ایمانی است. تا هویت و شخصیت ایمانی و فرهنگی آنها متحول نشود، راهی برای درمان آسیب ها و بحران های آنها نیست. اولین گام هم برای ایجاد جذب و تحول در این جامعه دارای کمترین آمادگی برای تفکر و استدلال، ایجاد فرهنگ زیارت و عرفان و دعاهای صحیح و توبه دهنده و تفکربرانگیز است. با این نگاه، پس از حادثه بسیار سخت و خون بار عاشورا، دوران امامت و رهبری امام سجاد بر بستر ارزش ها و دست آوردهای عاشورایی شکل می گیرد.

در محضر سخن و سیره امام

□ از خطبه امام در منا: «ای مردم، از آنچه خداوند اولیای خود را به آن پند داده است، پند گیرید».(۱)

□ فرازی دیگر از خطبه امام در منا، خطاب به صحابه و تابعین:

«شما از بیشتر حقوق خداوند کوتاهی کرده اید. از این رو، حق امامان را سبک شمرده و حقوق ضعیفان را تباه ساخته اید... آیا شما به درگاه خداوند، بهشت و هم نشینی پیامبران و امامان از عذاب او آرزومندید؟ ای آرزومندان به درگاه خدا! می ترسم کفیری از کفیر های او بر شما فرود آید...».(۲)

۱- تحف العقول، ص ۱۶۸.

۲- تحف العقول، ص ۱۶۸.

ص: ۳۳۸

□ فرازی دیگر: «... و این منزلت را از شما ربودند و دلیل آن نبود مگر به واسطه جدایی شما از حق و اختلاف شما در سنت پیامبر با اینکه دلیل روشن برای آن داشتید». (۱)

□ نامه امام به بنی هاشم موقع خروج از مدینه به سوی مکه:

«اما هر کس از شما با من باشد، شهید خواهد شد و هر کس نباشد، هرگز به پیروزی دست نخواهد یافت. والسلام». (۲)

□ فراز پایانی نامه امام به مردم بصره:

«اگر سخن مرا بشنوید و مرا اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می‌کنم». (۳)

□ فرازی از خطبه امام هنگام خروج از مکه: «از آنچه با قلم تقدیر الهی رقم خورده است، گریزی نیست. خشنودی خدا، خشنودی ما خاندان پیامبر است و ما بر بلای او شکیبیا و صبوریم تا او پاداش کامل صابران را به ما عطا کند». (۴)

□ امام در توصیف کوفیان و امویان: «به خدا سوگند، آنان مرا به حال خود نمی‌گذارند تا اینکه این پیراهن زیرین مرا نیز بیرون آورند. پس چون چنین کنند، خداوند، کسی را بر آنان مسلط کند که آنها را ذلیل‌ترین امت‌ها بگرداند». (۵)

□ امام پس از شنیدن خبر شهادت قیس بن مسهر:

ابتدا آیه ۲۳ احزاب را تلاوت کرد: «برخی به شهادت رسیدند و برخی در انتظارند و هرگز ایمان و عقیده خود را تبدیل نکردند.» آن‌گاه فرمود: «بارالها، بهشت را جایگاه ما و آنها قرار بده و قرارگاه رحمت ویژه و ذخیره‌های خواستنی. پاداش خود ما و آنان را گرد هم آر». (۶)

□ امام خطاب به عبیدالله حر جعفی: «هر کس استغاثه ما را بشنود و ما را یاری نکند، هلاک خواهد شد». (۷)

□ از خطبه امام در صبح عاشورا:

۱- تحف العقول، ص ۱۶۸.

۲- بصائر الدرجات، ص ۴۸۱.

۳- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰.

۴- کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹؛ الهوف، ص ۲۶.

۵- ارشاد، ص ۲۲۳؛ الکامل، ج ۲، ص ۵۴۹.

۶- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۸.

۷- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۹.

ص: ۳۳۹

«هان که شما پس از کشتن ما جز به اندازه ای که پیاده سوار اسب شود، بیشتر درنگ نخواهید کرد مگر آنکه چرخش آسیاب مرگ بر سر شما باز آید...» (۱).

یک موقعیت، سه انتخاب

بسیاری، امام سجاد علیه السلام را امام بیمار و امامی کم تأثیر و اثر می شناسند، در حالی که مناسبت امام سجاد علیه السلام در ۱۳ محرم، یادآور پیامی بسیار مهم است که باز شناسی عاشورا و احیای دوباره اسلام مرهون زحمات و خدمات امام سجاد علیه السلام است. تلاش های امام سجاد علیه السلام برای گردآوری اندک یاران بازمانده و پراکنده و تربیت و نیروسازی جدید از دل افرادی (غلامان) که هیچ کس امیدی به آنها نداشت و در نهایت، ایجاد جاذبه دوباره برای جوانان دوستدار اهل بیت در عراق و ایران و آماده سازی آنها برای دانش گاه های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، رمقی دوباره به پیکر اسلامی بخشید. با این کار، تمامی تهدیدها به فرصت تبدیل گشت و از دل جامعه مرده دوران اموی، انسان هایی جوینده علم و معرفت و ایمان اهل بیتی تربیت شدند.

پشتوانه امام سجاد علیه السلام در این مسیر، حادثه عاشورا و حزن و اندوه و گریه های بیست ساله آن حضرت برای عاشورا بود که پایه گذار فرهنگ تشیع شد.

موقعیت: بحران ها و مصیبت ها و نوع مواجهه با آنها

وضعیت سفید: فرهنگ سازی دوباره بر اساس رهنمودهای معصومان علیهم السلام

مرتب اول: جابر عبدالله انصاری

او صحابه ای فرتوت و نابینا از عهد پیامبر بود که پیامبر با پیش بینی آینده او، دو نقش تاریخی به او پس از عاشورا محول کرد. اولین آنها درست پس از عاشورا آغاز می شد. او باید تا خبر شهادت فرزند پیامبر را می شنید، در یک حرکت نمادین و تاریخی از مدینه ره سپار قتلگاه سیدالشهدا علیه السلام شود، آن هم چنان حساب شده که در روزی مشخص یعنی اربعین شهادت امام به آنجا برسد و با زیارتی تاریخی با زیر پا گذاشتن

ص: ۳۴۰

تمام تهدیدها و به جان خریدن خوف سفر، پایه گذار فرهنگ تاریخی زیارت آن هم زیارت سیدالشهدا علیه السلام باشد. به ویژه زیارت سیدالشهدا علیه السلام را در روز اربعین به نشانه ای ویژه برای تشیع تبدیل کند تا تشیع با اجرای سالیانه آن جاودانه گردد.

مرتب دوم: ابو خالد کابلی

او جوانی از کابل و خراسان بزرگ بود. در جوانی، خبر شهادت سیدالشهدا علیه السلام در خراسان پیچیده بود و دیگر کمتر کسی میل به امویان داشت، ولی متأسفانه این احساسات پاک در خطر بود و بسیاری از گروه‌ها و فرقه‌ها در کمین سوءاستفاده از این احساسات فزآینده در خراسان نشسته بودند.

فطرت پرسش‌گرش سرانجام او را به حرکت واداشت. او دیگر نمی‌توانست و نمی‌خواست یزیدی باشد، اما راه و روش و معنی تفسیر حسینی بودن و چگونگی آن و تجلی آن را در زمانه خود نمی‌دانست. پس سیر و سلوک را به جان خرید و راهی سفر شد؛ سفری سلمان‌وار از شرق ایران تا مرکز حجاز. حتی مدتی در این مسیر گرفتار فرقه‌های گوناگون شد، ولی در هیچ کدام نشانی راستین از امتداد عاشورا ندید مگر آن‌گاه که با امام سجاد در مدینه و مکه مواجهه شد. آنجا بود که تازه معنی عاشورا و کربلا را فهمید که کربلا با افراط و تفریط بر امام معصوم علیه السلام با تقدم و تأخر بر او سازگار نیست، بلکه با بینش و آگاهی و عمل با بصیرت همراه است.

وضعیت خاکستری: رفتارهای احساسی خود بنیاد و بدون عرضه بر معصوم

سلیمان بن سرد خزاعی: مرگ یزید و آب شدن یخ‌های حکومت ستمگرانه او ناگهان جامعه اسلامی را با نوعی خلأ رهبری سیاسی و هرج و مرج سیاسی اجتماعی مواجه کرد. در این زمان که تهدیدی و اختناقی در کار نبود، دوباره احساسات سلیمان فوران کرد و فریاد پشیمانی او و چهار تا شانزده هزار نفر از کوفیان بلند شد.

ناگهان فریاد «انتقام، انتقام، انتقام خون حسین علیه السلام» (همانند موج نامه نگاری به حسین) در هر کوی و برزنی به گوش می‌رسید، ولی هیچ کس جرئت نمی‌کرد به

ص: ۳۴۱

سلیمان بگوید تو اگر واقعاً پشیمان هستی، چرا دوباره همان اشتباه‌های قبلی را تکرار می‌کنی. (البته مختار به نوعی، برخی اشتباه‌های سلیمان را به او متذکر شده بود، ولی گوش شنوایی نداشت). دوباره همان سلیمان با جریان احساسی و افراطی تواین به صحنه آمد و با امام سجاد علیه السلام مشورت نکرد و به گذشته نیندیشید و با قیامی بدون طرح و برنامه به سرعت به سوی نیستی کشیده شد.

وضعیت سیاه: اهالی عبرت تاریخ

پیش‌بینی امام درباره لشکر کوفه و کوفیان بسیار سریع‌تر از آنچه تصور می‌رفت، به وقوع پیوست. به فرموده امام، بسیاری از آن‌جانیان فرصت خوردن گندم عراق را هم نیافتند و همه عبرت‌های سیاه در زباله دان تاریخ شدند، به این گونه که:

از فردای رخداد عاشورا، کابوس‌گریبان‌گیر بسیاری از جانیان شد.

زندگی خانوادگی بعضی از آنها فرو پاشید.

جوانیز و هدایای قتل حسین بسیار ناچیز شد؛ چرا که آبرویی برای هیچ‌کسی نمانده بود.

هیچ‌کدام هیچ اعتبار اجتماعی در دربار یزید نداشتند.

حکومت یزید دو سال بعد متلاشی شد و کمتر از شش سال بعد از حادثه عاشورا، قیام مختار نابودی بسیاری از آنها را رقم زد.

در نهایت، با استقرار حکومت ۲۰ ساله حجاج، تمام کوفیان به نوعی طعم خواری و ذلت را چشیدند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تنها راه سعادت که یکی هم بیشتر نیست، پیروی از معصوم است که تقدم و تأخر بر آن هم خسران فردی و هم خسران اجتماعی و تاریخی را به دنبال دارد. تحقق این راه هم تنها پیروی عالمانه و عاشقانه است؛ آن نوع پیروی که به پس از خودسازی فردی منجر به فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی اجتماعی شود و در نهایت، مطلوبیت خود را به آرمان شهر ظهور برسد.

ص: ۳۴۳

کتاب نامه**اشاره**

کتاب نامه

زیر فصل ها

الف) کتاب

ب) پایگاه اینترنتی

ج) نرم افزار

الف) کتاب

الف) کتاب

جعفریان، رسول، اطلس شیعه، چاپ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

، تاریخ تحول دولت و خلافت: از برآمدن اسلام تا بر افتادن سفانیان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۷.

، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انصاریان، ۱۴۲۳ ه. ق، ۱۳۸۱

جمعی از پژوهشگران، طرح و تحقیق فیلم نامه امام حسین علیه السلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، چاپ اول، ۱۳۸۸.

رجبی دوانی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۸.

عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰.

محمود شریفی و دیگران، گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، قم، نشر معروف، ۱۳۸۵.

واعظی، محمود، بحران های سیاسی و جنبش های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه ها روند ها، تهران، وزارت خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۹۱.

ب) پایگاه اینترنتی

ب) پایگاه اینترنتی

[http:// www.modiriran.ir](http://www.modiriran.ir)

پایگاه انجمن جامعه شناسی ایران [http:// www.isa.org.ir](http://www.isa.org.ir)

[http:// fa.wikipedia.org/ wiki](http://fa.wikipedia.org/wiki)

ص: ۳۴۴

ج) نرم افزار

ج) نرم افزار

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، مجموعه نرم افزاری معصومین، نرم افزار سفینه النجاه حاوی متن ۷۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون سیدالشهدا علیه السلام .

نرم افزار جغرافیای جهان اسلام.

، نرم افزار سیره معصومان علیهم السلام ، قم.

، نرم افزار گنجینه روایات نور، قم.

، نرم افزار مجموعه آثار استاد علی صفایی حائری، قم.

، نرم افزار نور السیره ۲ جامع منابع تاریخ اسلام، قم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

